

خاطرات  
سردار اسعد بخاری  
جعفر قلی خان سردار بهادر

پژوهش  
ایران افشار



الثارات اسلامی

خاطرات  
سردار اسد بختیاری

کنجیه

حضرات و فرزندان مای ایرانی

شماره ۴

زیرنظر

ایرج افشار

خاطرات

سردار سعد بختیاری

(جعفر قلی خان امیر گھبادر)

پکوش  
ایرج افسار



آثارهای امیر

۱۳۳



آثار استاد

خاطرات سردار اسعد بختیاری  
نوشته جعفر قلی خان امیر بهادر  
به کوشش ایرج افشار  
چاپ اول: ۱۳۷۲ ه. ش.

حروف چینی: پیشگام  
لیتوگرافی و چاپ: دبیا  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه  
حق چاپ محفوظ است.

## این مجموعه...

نگارش تاریخ دقیق اجتماعی و سیاسی دو قرن اخیر ایران منوط به چاپ شدن بسیاری از اسناد و مأخذ عصری است و از آن جمله است خاطرات و سفرنامه‌هایی که ایرانیان خواه در سفرهای خود به پهنه ایران نوشته‌اند و خواه درباره وقایع و حوادث شخصی و مملکتی نوشته و هر یک به چشم عجب دیده‌ها و شنیده‌های تازه‌ای را برای همزبانان خویش به رشتة قلم درآورده است. از هر یک از آن نوشته‌ها می‌توان نکته‌های ظریف و طبعاً مفید که به کار تاریخ‌نویسی می‌آید استخراج کرد و طبعاً تاریخ واقعی اجتماعی و سیاسی ایران روشن‌تر خواهد شد از آنچه تاکنون به عنوان «تاریخ» به دستمان رسیده است. طبیعی است که هر یک ازین مأخذ قدیم به چشم خوانندگان و جستجوکنندگان جنبه کاملاً اعتباری خواهد داشت و ممکن است کتابی که پسند ذوق یکی واقع می‌شود دلپذیر خاطر دیگری نباشد. اما یک «مجموعه»‌ای که به نشر اسناد و مدارک عصری می‌پردازد سعی اش بر آن است که آن اسناد و مدارک برای تاریخ مفید واقع شود و نباید در سنجهش و گزینش خود توجهش به آن باشد که نویسنده سندی خیانت کننده بوده است و پردازنده مدرکی دیگر خدمت کننده.

نوشته هر دو دسته باید چاپ شود تا محقق بیطرف و مورخ  
بی نظر بتواند نویسنده اگان آن کتابها یا صادرکنندگان آن استاد را  
چنانکه بوده اند بشناساند. بنابراین کتابهایی که درین مجموعه  
چاپ خواهد شد دلالت ندارد بر این که ناظر یا ناشر به قصد  
«طرفداری» به چاپ رسانیده اند.

یک مجموعه، از سلسله انتشارات اساطیر که علاقه مندانی  
چند به فرهنگ ایران به قصد انتشار کتابهای مفید بسیار  
گذارده اند مجموعه ای است به نام «سفرنامه های ایرانی». درین  
مجموعه علاوه بر تجدید چاپ سفرنامه هایی که پیش ازین  
چاپ شده و بسیار نایاب است سفرنامه هایی به چاپ خواهد  
رسید که بصورت نسخه خطی در گوش و کنار کتابخانه ها  
ناشناخته مانده است.

\* \* \*

نام این مجموعه پیش ازین «مجموعه سفرنامه های ایرانی»  
بود و دو کتاب در آن با این نام به چاپ رسید و منتشر شد. اما  
چون تصمیم برآن گرفته شد که بعضی از کتابهای خاطرات هم،  
به چاپ برسد ازین پس نام این مجموعه، با توجه به اینکه  
سفرنامه خود چیزی جز خاطرات نیست، گنجینه خاطرات و  
سفرنامه های ایرانی خوانده می شود.

## فهرست مندرجات

### دفتر اول

- ۱۶-۹ اشاره به وقایع مهم دوران مشروطیت
- ۷۷-۱۷ حکومت کرمان ۱۳۴۱-۱۳۳۸ قمری
- ۸۷-۷۹ ایام بیکاری در طهران ۱۳۰۱-۱۳۰۲ شمسی
- ۱۱۷-۸۹ والیگری خراسان فروردین ۱۳۰۲ - اردیبهشت ۱۳۰۳ شمسی
- ۱۳۰-۱۱۹ وکالت مجلس شورای ملی اردیبهشت- مرداد ۱۳۰۳ شمسی
- ۱۷۹-۱۳۱ وزارت پست و تلگراف شهریور ۱۳۰۳ - خرداد ۱۳۰۵
- ۲۰۰-۱۸۱ دوره بی منصبی (سفر خراسان با شاه) تیر ۱۳۰۵ - خرداد ۱۳۰۶
- ۲۰۸-۲۰۱ وزارت جنگ در دولت مخبرالسلطنه خرداد ۱۳۰۶ - اسفند ۱۳۰۶
- ۲۱۴-۲۰۹ سفر آلمان مهر-اسفند ۱۳۰۶
- ۲۲۴-۲۱۵ بازگشت به طهران اسفند ۱۳۰۶ - مرداد ۱۳۰۷

### دفتر دوم

- ۲۵۸-۲۲۵ دنباله دوره وزارت جنگ مهر ۱۳۰۷ - مهر ۱۳۱۲
- ۱۹۶-۲۷۹ فهرست اعلام



## یادداشت

یادگاری برای شورمندی حافظ فرمانفرما میان  
به تاریخ ایران و به یاد سالهای دراز دوستی

روزنامه خاطرات رجال از دوره رضاشاه پهلوی کم است و علتش روشن. سیاست و رفتار حکومت و مخصوصاً خبرچینی مرسوم اداره تأمینات نظمیه چنان مروع کننده بود که رجال (حتی اشخاص عادی) دل آن نداشتند تا خطر کنند و در خانه خود یادداشتی از اوضاع حکومتی و سیاسی کشور و زمانه، حتی سوانح احوال خود (به قول قدما حسب حال) بنویسند. ترس برهمه مستولی شده بود. مرحوم الهمیار صالح حکایت می‌کرد از روزگار و کار منشیگری خود در سفارت امریکا که آموخته بود باید روزانه پیشامدها و دیدارها و شنیده‌ها و خبرهای مهم و اساسی را در تقویم یادداشت کند. او این کار را تا سالی که به دعوت علی‌اکبر داور به مستنطقی عدلیه و خدمت در اصفهان منصوب شد ادامه داده بود. پس از آن دیگران رویه را رها می‌کنند زیرا در دوران همان خدمت دیده بود نظمیه چگونه اوراق و اسناد اشخاص را حتی اگر برای جرائم عادی مورد تعقیب بودند از خانه‌های آنها به در آورده به پرونده متهم الحاق می‌کنند. طبعاً این اوضاع هشداری بود و انگیزه قاطعی برای احتیاط یا سلطه ترس. می‌گفت به همین ملاحظه پس از بازگشت به تهران روزی که زن و فرزندم در خانه نبودند فرصت را مناسب یافتم و کلیه دفترهای تقویم را درآتش سوزاندم.

نکته‌ای هم از زبان علی وثوق فرزند حسن و ثوق‌الدوله شنیدم که ثبت شدنی است و حکایتی از تفکر و روحیه اغلب رجال مهم دارد که دست به قلم نبرده و خاطراتی ننوشته‌اند. علی وثوق سال آخر عمر

پدر ازو می‌پرسد چراکتابی از سرگذشت و گذشته نمی‌نویسید که به یادگار بماند. وثوق‌الدوله حکمت خوانده و سرد و گرم روزگار چشیده در پاسخ گفته بوده است برای اینکه تو آسوده زندگی کنی. البته می‌دانم که مرحومان مذهب‌الدوله کاظمی (باقر) و علی اصغر‌حکمت وزرای روزگار پهلوی یادداشت روزانه نوشته‌اند ولی نمی‌دانم که آیا خاطرات دوره پهلوی اول راهم دربر می‌گیرد یا این که پس از شهریور ۱۳۲۰ بدان کار پرداخته‌اند.

خاطراتی که از صدرالاشراف و مجدد‌السلطنه و دکتر سیاسی و مشقق کاظمی و عبدالحسین مسعود انصاری و مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) و عبدالله مستوفی، دکتر عیسی‌صدیق‌اعلم و دکتر علی‌اکبر سیاسی و چند تن دیگر مربوط به آن روزگاران به صورت کتاب نشر شده است، و نیز خاطراتی که به شکل مقاله در جراید و مجلات و مخصوصاً سالنامه دنیا انتشار یافته است همه نوشته‌هایی است که سالهای دراز پس از وقوع حوادث و احتمالاً فراموش‌شدن گوشه‌هایی از موضوع به رشتة نگارش درآمده و احتمال خطای یا احتیاطهای زمانه در آنهاست.

\* \* \*

خوشبختانه از یکی از رجال مهم دوره سلطنت احمد شاه و رضا شاه یادداشتهایی که اغلب روزانه نوشته شده است بر جای مانده و آن همین کتاب است که اینک در دست خواننده گرامی و حاوی روزنامه خاطرات جعفرقلی‌خان سردار بهادر فرزند علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری است. او پس از درگذشت پدر سردار اسعد شد و پس از آن نام خانوادگی اسعد را بر خود نهاد.

این یادداشتهای روزانه به خط سردار اسعد و در دو دفتر قطع رحلی است. دفتر اول تقویمی انگلیسی است<sup>\*</sup> که سردار در همه

<sup>\*</sup>— Army and navy foolscap folio scribbling diary with a week on an opening for 1921. London.

صفحات آن به جوهر بنش و آبی و گاهی سیاهرنگ مطلب نوشته است. دفتر دوم دفتر حساب ساخت هند یا اروپاست در ۱۸۹ صفحه که فقط در صفحات ۱۶۹-۱۸۷ آن (البته از راست به چپ) یادداشت شده است. بقیه دفتر سفید است. عکس دو صفحه از آنها نمونه وار به چاپ رسانیده شد.

سابقه دست یافتن من بدین دو دفتر و در اختیار آمدن آنها چنین است: چندین سال پیش از این لطف دوست عزیز و دیرینم آقای دکتر داود کاظمی کارساز شد که با سرکار خانم نیمتاج فربود همسر مرحوم سهراب اسعد (فرزند جعفر قلی خان) آشنا شوم. در باغ سردار اسعد که نزدیک به پل رومی بود این دفترها را نزد خانم اسعد دیدم. سرکار خانم چون علاقه مندی مرا به خواندن آنها احساس و تقاضای مرا دانستند آن دو را با چندین عکس به من التفات کردند. اینک آن نوشه‌ها به شادی روان مرحومان سردار اسعد و سهراب اسعد و با سپاسگزاری از خانم اسعد چاپ می‌شود تا از نابودی و حوادث روزگار در پناه باشد و یادگاری تاریخی از قلم مردی که در منصب وزارت جنگ و کمال قدرت و حشمت به قهر و ستم جان باخت بر جای بماند.\*

عجب اینجاست که این دو دفتر در اوراق زندگی سردار اسعد برجای مانده است. زیرا خوانده‌ایم و قرائئن دال است براینکه در آن دوره هر مرد سیاسی را که می‌گرفتند اوراق و اسناد و نوشه‌هایش را از خانه‌اش می‌بردند تا به چشم جستجو و مدرک‌یابی در آنها بنگرند و به قول معروف پرونده را کامل کنند. اما این دو دفتر در میان کتابهای سردار اسعد مانده و به دست فرزندش رسیده بوده است.

\* اتفاقاً آقای منوچهر زری باف هم نسخه خطی سفرنامه هندوستان و اروپای علیقلی خان سردار اسعد (۱۶ شعبان ۱۳۱۸) از محمره و بازگشت از راه بادکوبه و انزلی) را که به قطع رقی و سراسر به خط سردارست به من داده است تا مگر روزی به چاپ برسد. این سفرنامه در ۴۶۲ صفحه است. آخرین سطرش که در آخرین صفحه دفترست حکایت از آن دارد که دنباله در دفتری دیگر بوده و کم شده است.

جعفرقلی‌خان سردار اسعد یکی از افراد مؤثر در تعکیم مبانی سلطنت رضاشاه و خدمتگزاری واقعی به او بود. ولی به امر همان پادشاه به هنگامی که افتخار همسفری باشاه داشت یعنی در «التزام‌رکاب» بود دستگیر شد و به زندان افتاد و در آنجا سر به نیست شد.

\* \* \*

زندگی نامه هر دو سردار اسعد در منابع مختلف مذکور است. مخصوصاً در کتاب تاریخ بختیاری (خلاصة الاعصار فی تاریخ بختیار) می‌توان از حسب حال علیقلی‌خان و فرزندانش و خاندانش آگاهی‌های بالارزش به دست آورد. کتاب حاضر هم سراسر محتوی سرگذشت و سفرها و مناصب عمده جعفرقلی‌خان سردار اسعدست از روزگار جوانی تا اواخر مهر ۱۳۱۲، و می‌دانیم که او روز ۲۶ آبان همان سال با چند تن دیگر همراه رضاشاه از راه چالوس و کناره خزر به بابل رفت که از آنجا طبق مرسوم سالانه به دشت ترکمن بروند تا شاه مسابقه‌های اسب‌دوانی را ببینند. اما سردار به امر رضاشاه در بابل توقيف و به تهران فرستاده و زندانی می‌شود. روی پرونده او که در نظمیه بوده و دادستان محاکمه مختاری و همکاران او دیده بوده و در متن ادعانامه آورده نوشته بوده است که «تاریخ ورود زندانی ۱۳۱۲/۹ - اتهام شرارت» و در همان ادعانامه یاد شده است بر مبنای دستور «تلگراف رمزی که از دفتر مخصوص شاهنشاهی به شماره ۱۴۹۹ مورخه ۱۱ آذرماه ۱۳۱۲ به اداره کل شهربانی رسیده زندانی شده است.»\*

پس نیازی بدان نیست که درین مقدمه تفصیلی درباره احوال آن مرد نامدار تاریخ مشروطیت و فرزندش که از وزرای عصر

\* نقل از «محاکمه محاکمه‌گران»، گردآوری محمد گلبن و یوسف شریفسی (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۳۱. در کتاب «پلیس سیاسی در عصر بیست‌ساله»، تالیف خسرو معتقد (تهران ۱۳۶۶) مم آگاهی‌های مندرج است.  
تاریخ سفر شاه را مخبر السلطنه هدایت در «خاطرات و خطرات»، ۲۶ آبان نوشته است یعنی یک ماه و نیم پس از درگذشت تیمورتاش.

پهلوی بود آورده شود. آنچه شاید منابع این چند صفحه دارد سالشمار موجزی از سرگذشت آن دوست:

### علیقلی‌خان، سردار اسعد دوم

|           |  |
|-----------|--|
| ۱۲۷۴ قمری | تولد در چهارمحال بختیاری   |
| ۱۲۹۸      | از اعضای کشیکخانه سلطنتی   |
| ۱۲۹۹      | کشته شدن پدرش حسینقلی‌خان به امر ظل‌السلطان و زندانی شدن جمعی از اقوام او از جمله علیقلی‌خان به مدت سه سال           |
| ۱۳۰۸      | وابسته شدن به امین‌السلطان و ریاست سوار بختیاری در تهران با درجه سرتیپی  |
| ۱۳۱۲      | مامور محافظت از جان امین‌السلطان پس از کشته شدن ناصرالدین‌شاه  |
| ۱۳۱۸      | سفر به هندوستان و اروپا و اقامت چندین ساله   |
| ۱۳۲۰      | بازگشت به ایران  |
| ۱۳۲۱      | رسیدن به لقب سردار اسعدی پس از وفات برادرش اسفندیارخان   |
| ۱۳۲۵      | سفر به اروپا برای معالجه چشم   |
| ۱۳۲۷      | آمدن به خوزستان و همراه شدن با نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه برادر خود به سوی تهران و پیشامد فتح تهران (۲۴ جمادی‌الثانیه) |
| ۱۳۲۷      | وزیر داخله و وزیر جنگ پس از فتح تهران  |
| ۱۳۲۹      | سفر اروپا برای معالجه چشم (جمادی‌الثانیه)  |
| ۱۳۳۰      | بازگشت به ایران (رجب)  |
| ۱۳۳۶      | وفات در تهران (۷ محرم)   |

سردار اسعد دارای ذوق فرهنگی و شم تاریخ دوستی بود و به همین فطرت بود که شخصاً به ترجمه بعضی کتابها دست زد و عده‌ای را بر آن داشت که از زبانهای خارجی کتابهایی را ترجمه کنند. در اروپا هم غالباً با ایرانیان ادب‌دوست معاشرت داشت و از آن جمله مرحوم محمدصادق‌خان صاحب‌نسق قمی بود که در شمار مشروطه‌دوستان و هواخواهان آزادی بود. صاحب نسق در ایران هم تا پایان عمر با خاندان بختیاری می‌زیست و معاشر دائمی جعفرقلی سردار اسعد و در سفرهای حکومت کرمان و خراسان سردار با او همراه بود.\*

کتابهایی که سردار اسعد بانی بر نشر آنها شده است طبق ضبط خانبaba مشار در کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی چنین است.

الف) آنچه به ترجمه و تألیف شخص او یاد شده است:

- تاریخ حمیدی (داستان تاریخی درباره سلطان عبدالحمید). از پیر کیارد. ۱۳۲۷ق.

\* درباره صاحب‌نسق نگاه کنید به مقاله‌ی «تقی‌زاده و صاحب‌نسق»، مجله‌ی کوهه ۶ (۱۳۵۶): ۵۹۸-۶۹۱ و ۶۷۳-۶۷۷ و ۷۷۱-۷۷۳.

- خلاصه الاعصار فی تاریخ بختیار (که عبدالحسین ملکالمورخین لسانالسلطنه در تنظیم و تعریر آن دخیل بوده). ۱۳۲۷ ق.
- دختر فرعون. از الکساندر دوما. ۱۳۲۴ ق.
- عشق پاریس. از الکساندر دوما. ۱۳۲۲ ق.
- غاده‌الانگلیس (بولینا). از جرجی زیدان. ۱۳۲۱ ق.
- هانری سوم. ۱۳۲۳ ق.
- هرمس مصری. ۱۳۲۲ ق.
- ب) آنچه به تشویق او ترجمه و به دستور او چاپ شده است:
  - پل و ورزش. از بنارد دوسن پیر. ترجمه ابراهیم نشاط. ۱۳۲۴ ق.
  - تاجگذاری شاه سلیمان صفوی. از شاردن. ترجمه علیرضا متوجه السلطنه. ۱۳۲۱ ق.
  - تاریخ مرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس کبیر. از گزنهن. ترجمه ضیاءالدین منشی. ۱۳۲۳ ق.
  - دیل کابریل. از اکوست ماکت. ۱۳۲۴ ق.
  - روکامبول. از بونسون دوترای. ترجمه حبیب‌الله عین‌الملک. ۱۳۲۶ ق.
  - مرگذشت عشق بازی ناپرسی کلنل فرامبر. از پل دوکت. ترجمه از ترجمه عربی. ۱۳۲۰ ق.
  - سفرنامه شرلی. ترجمه اوانس مساعدالسلطنه پسر ابراهیم زرگریاشی. ۱۳۳۰ ق.
  - شوالیه دارمانی. از الکساندر دوما. ترجمه محمد طاهر میرزا. ۱۳۲۴ ق.
  - کتاب آبی (هشت جلد). توسط مترجمان مختلف. که اخیراً به اهتمام آقای احمد بشیری تجدید چاپ شده است.
  - مارگریت. از الکساندر دوما. ترجمه عبدالحسین میرزا. ۱۳۲۲ ق.

فرزندان سردار اسعد عبارت بودند از: جعفرقلی، محمد تقی ضیاءالسلطان (امین‌جنگ بعده)، خانباباخان، محمدخان سالار اعظم و منوچهر.

### جعفرقلی خان سردار اسعد سوم

|           |  |
|-----------|--|
| ۱۲۹۷ قمری | تولد در بختیاری  |
| ۱۳۲۳      | ملقبشدن به سردار بهادر   |
| ۱۳۲۷      | جزو سوار بختیاری موقع فتح تهران                                    |
| ۱۳۲۷      | مرکوبی طفیان‌گران شاهسون در ناحیه اردبیل و خلخال با هراهی یفرم‌خان |
| ۱۳۲۸      | ماموریت خلع ملاح در پارک اتابک                                     |
| ۱۳۲۸      | ماموریت ایجاد آرامش در بختیاری                                     |
| ۱۳۲۸      | جنگ با ارشاد‌الدوله در ورامین با همکاری یفرم‌خان و سردار محشم      |
| ۱۳۲۸      | جنگ با سالار‌الدوله در هرب به هراهی یفرم‌خان و سردار محشم          |

|      |   |
|------|---|
| ۱۲۳۶ | ملقب شدن به سردار اسعد پس از وفات پدر                     |
| ۱۲۳۸ | حاکم کرمان تا سال ۱۳۴۱ (۱۳۰۱ شمسی)                        |
| ۱۳۰۱ | اقامت در تهران بدون منصب                                  |
| ۱۳۰۲ | والیگری خراسان از فروردین ۱۳۰۲ تا اردیبهشت ۱۳۰۳           |
| ۱۳۰۳ | وکالت مجلس شورای ملی تا مرداد ۱۳۰۳                        |
| ۱۳۰۴ | وزارت پست و تلگراف در دولت مستوفی از شهریور ۱۳۰۳ تا خرداد |
| ۱۳۰۵ | ۱۳۰۵ و همسفری با رضاشاه در سفر خوزستان                    |
| ۱۳۰۵ | اقامت در تهران بدون منصب از تیر ۱۳۰۵ تا خرداد ۱۳۰۶        |
| ۱۳۰۶ | (خرداد) وزارت جنگ در دولت مخبرالسلطنه و سفر اروپا         |
| ۱۳۱۲ | ۱۳۱۲ (۸ آذر) توقيف شدن در بابل                            |
| ۱۳۱۲ | ۱۳۱۲ (۱۰ فروردین) مسموم و معدوم شدن در زندان              |

\* \* \*

سردار اسعد درین یادداشت‌ها مطالبی دارد که برای تاریخ ایران در دوره رضاشاه پهلوی سودمندست و اگرچه همه‌جا کارها و افکار رضاشاه را تحسین می‌کند و نسبت به افکار دیگران توجهی ندارد، اما از خلال نوشته‌های او می‌توان بر حقایق و دقائیقی دست یافت، که در منابع دیگر بدین مضامین نیست. بطور مثال درباره تیمورتاش.

\* \* \*

در پایان سپاسگزاری خود را از سرکار خانم نیمتاج فربود (همسر ارجمند مرحوم سهراب اسعد) و آقای دکتر داود کاظمی و همسر گرامیشان خانم ناهید فربود\* که واسطه العقد این رشته بوده‌اند یادآور می‌شود. مخصوصاً باید گفت که خصلت تاریخ دوستی و حفظ آثار گذشتگان موجب شده است که خانم نیمتاج این یادداشت‌ها را به من واگذار کردند. امیدوارم به یاری پروردگار روزی هم موفق به چاپ سفرنامه سردار اسعد بزرگ بشوم.

تهران - ششم تیرماه ۱۳۷۱

ایرج افشار

\* خانواده محترم فربود از مردم مبارز فارس بوده‌اند. بنا به یادآوری خانم ناهید فربود اینکه در مجله آینده در شماره‌های مربوط فریدون توللى آمده است که برادر خانم نیمتاج و ایشان خودکشی کرده بوده است درست نیست و اشتباهی رخ داده است.

#### نمونه‌ای از یادداشت‌های سردار اسعد (دفتر اول)

اشاره به وقایع مجهم  
دوران مشروطیت

نگارش شده  
در سال ۱۳۳۹ قمری

- دفتر اول -



## به نام ایزد دانا

اگرچه کاملا در تواریخ مخصوصاً در تاریخ مرحوم سردار اسعد طاب الله ثراه نوشته شده است، برای یادگار این چند سطر مختصر را هم من مینگارم.

### پادشاهی محمدعلی شاه

امروز پانزده سال است از عمر مشروطیت ایران میگذرد. در زمان سلطنت مرحوم مظفر الدین شاه در اوآخر عمرش مشروطیت را به ملت عطا کرد. پس از ایشان محمدعلی شاه بر تخت سلطنت جلوس نمود. ما بین ایشان و ملت ضدیت‌ها شد. تا اینکه در سال دویم سلطنتش مجلس را به توب بست. ملت از مرحوم سردار اسعد و خوانین بختیاری کمک خواست.

در این موقع در تبریز ستارخان و باقرخان به کمک ملت قیام کردند. از طرف دولت اردو به ایالت و ریاست شاهزاده عین‌الدوله و سپه‌سالار اعظم به قلع [و] قمع تبریزیها حرکت کرد. آقای سردار جنگ و چند نفر از خوانین زاده‌های بختیاری هم در اردوی دولت بودند. با کمال خفت از تبریز مراجعت کردند و هیچ کاری نتوانستند بکنند.

در این موقع سپه‌سالار اعظم به طرف گیلان رفت. ملیون شمال ایشان را علم کردند بر علیه شاه. از طرف جنوب هم آقای صمصام‌السلطنه بر علیه شاه به اصفهان ورود کردند. مرحوم ضرغم‌السلطنه

و چند نفر از خوانین زادگان: مرحوم سردار اسعد، امیر مجاهد، مرتضی قلی خان فرنگستان بودند. آقایان امیر مفخم، سردار ظفر، سردار اسجع طهران بودند. آقای سردار محتمم و بنده نکاریده در ایل بودیم. تا اینکه مرحوم سردار اسعد و آقایان مذکور در خدمت ایشان از راه هندوستان بختیاری آمدند. آقای سردار محتمم هم با ایشان متجدد شدند. مرحوم سردار اسعد، آقایان امیر مجاهد، مرتضی قلی خان، سردار اقبال، امیر جنگ، صارم‌الملک و یکهزار سوار بختیاری که اغلب از خوانین زادگان ایل بودند طرف طهران حرکت کردند. مرحوم ضرغام‌السلطنه، آقای سالار مسعود، نظم‌الملک پشت سر ایشان حرکت کردند. آقای سردار محتمم و بنده هم بیست روز بعد به تعاقب آنان حرکت کردیم.

اردوی مرحوم سردار اسعد در رباط کریم با اردوی ملی سپهسالار اعظم بهم رسیدند. با اردوی دولتی که مرکب بود از قزاق و افواج و بختیاری ده هزار به ریاست آقایان امیر مفخم [و] سردار جنگ اردو داشتند. اردوی ملی دو هزار بود. پس از جنگ سخت و کشته شدن چندین نفر از رؤسای بختیاری اردوی شاه شکست‌خورده، اردوی ملی طهران را متصرف، قراچخانه تسلیم [و] شاه به سفارت روس پناهندۀ [شد]. به امضای مرحوم سردار اسعد و سپهسالار اعظم از طرف ملت سلطان احمد شاه که ولیعهد بود به تخت سلطنت جلوس نمود [و]. عضد‌الملک نایب‌السلطنه [و] هیأت‌دولت برقرارشد. پس از یک ماه شاه مخلوع را روسها برداشتند روسیه.

پنج روز پس از فتح طهران آقای سردار محتمم و بنده وارد شدیم. درباره آقایان امیر مفخم [و] سردار جنگ مرحوم سردار اسعد در عوض بدی کمال مرحمت را کردند.

### پادشاهی احمد شاه

در ۱۳۲۷ سلطان احمد شاه به [تخت] سلطنت نشسته در این موقع ایلات شاهسون خلخال، اردبیل، قراچه‌داغ و زنجان بر علیه ملت

قیام کردند. بنده و یپرمخان ارمنی برای تنبیه آنها با پانصد بختیاری، دویست مجاهد، دویست قزاق و توپخانه حرکت کردیم. پس از نه ماه جنگ تمام رؤسای اشرار دستگیر [شدند] و قرآنی که مهر کرده بودند بر علیه مشروطیت به دست آوردم. تمام امضاء‌کننده‌ها را حبس [کرده] به طهران آوردم. آن قرآن اکنون در خانه من جونقان است. یکصد و بیست نفر از رؤسای را حبس کردیم. نصف مهم را طهران و نصف دیگر را اردبیل حبس کردیم.

### خلع سلاح ستارخان

ورود طهران ستارخان و باقرخان مشهور که طهران آمده بودند مردم رفته آن بیچاره‌های ساده را آلت قرار داده بودند. در تمام کارهای دولت دخالت میکردند. تا اینکه دولت به تنگ آمد. علناً در خیابانها مردم را به قتل می‌رسانیدند. مرحوم آقا سید عبدالله را در خانه خودش شب کشته وضع شهر خیلی بد شده بود. دولت امر به خلع اسلحه مجاهدین کرد. ستارخان و باقرخان حمایت کردند. در باع اتابک منزل داشتند. دولت که عبارت کایننه آقای مستوفی‌الممالک باشد و مجلس امردادند آنها را خلع سلاح کنیم. آقای سردار محتشم، یپرمخان [و] بنده حمله‌آور شدیم به اطراف پارک. سه ساعت به غروب جنگ شروع شد. یک ساعت از شب گذشته ستارخان [و] باقرخان دستگیر [شدند]. پای ستارخان زخمی شد. به منزل آقای صمصام‌السلطنه که همسایه باع اتابک بود فرستادم. دوازده نفر از رؤسای بختیاری کشته و زخمی [شدند]. همینقدر هم مجاهد کشته شد. بقدر هشت‌صد نفر مجاهد محبوس و خلع اسلحه کردیم. بعد از چند روز ستارخان و باقرخان مرخص و آزاد شدند.

### شورش ایل بختیاری

بعد از این واقعه در ایل بختیاری یک شورشی بر علیه خوانین شروع شد. آقای سردار محتشم و بنده را مأمور تنبیه آنها کردند. در

زمستان سخت حرکت کردیم. بدون اینکه یک تفنگ انداخته شود عموماً تسلیم [و] طرف مرحمت واقع شدند.

### بازگشت محمدعلی شاه

در این موقع سپهسالار اعظم رئیس‌الوزراء بود. محمدعلی میرزا شاه سابق را روسها از راه گمیش تپه به ایران فرستادند. شاعر-السلطنه، ارشدالدوله هم همراه ایشان بود[ند]. سالارالدوله هم از طرف کرمانشاه طلوع کرده بود. بنده و آقای سردار محتشم را از بختیاری احضار کردند. مرحوم سردار اسعد فرنگستان برای معالجه چشم رفته بودند. با دو هزار سوار بختیاری خود را رسانیدیم. امیر جنگ، شهاب‌السلطنه را بین راه به جنگ نایب حسین‌کاشی فرستادیم. آقای سردار محتشم و بنده فوری پس از دو روز توقف در طهران به جنگ ارشدالدوله حرکت کردیم. امیر مجاهد هم در جلو او بود، ولی نمی‌توانست کاری بکند.

### جنگ و رامین

قبل از ورود ما یک اردو به ریاست سردار محیی و سردار فاتح و سالار بهادر به جنگ شاعر-السلطنه فرستادند. شاعر-السلطنه را شکست دادند. ارشدالدوله به ورامین هفت فرسنگی طهران رسیده بود. در امامزاده جعفر ورامین اردوی ما به ریاست آقای سردار محتشم، یهرم خان [و] بنده شروع به جنگ نمودیم. اردوی ارشدالدوله مرکب بود از دو هزار ترکمن. پس از دو ساعت جنگ شکست خوردند. ارشد-الدوله گرفتار [و] پس از استنطاق به امر دولت تیرباران شد. ما هم مراجعت کردیم.

### جنگ با سالارالدوله

فوری برای اردوی سالارالدوله حرکت کردیم به طرف ساوه. دو اردو بودیم: یکی از قم حرکت کرد به ریاست سردار ظفر و سردار جنگ [و] امیر جنگ [و] شهاب‌السلطنه [و] سالار مسعود [و]

صارم‌الملک [و] سردار معظم، دیگری از طهران به ریاست سردار محتشم [و] یپرم خان و بنده ذه دو هزار و پانصد سوار بختیاری [بود]. دو اردو داشتیم با چهارصد نفر مجاهد. اردوی سالارالدوله تمام عشایر و افواج غرب بود، بقدر بیست هزار. پس از چهار ساعت جنگ اردوی سالارالدوله شکست خورد و از هم پاشید. جنگ دویم را هم من بعد از یک ماه در اشتراک نون\* با سالارالدوله کردم نزدیک بروجرد، بکلی منهدم شد.

محمدعلی میرزا [و] شاعر السلطنه فرار کردند طرف فرنگستان. پس از چندی سالارالدوله هم رفت فرنگستان. بعد از آن جنگ من رفتم فرنگستان برای گردش. اردوئی به ریاست امیر جنگ [و] شهاب‌السلطنه [و] یپرم خان برای قلع [و] قمع سالارالدوله رفت طرف همدان. یپرم خان کشته شد. اردو فاتح شد. سالار[الدوله] قلع [و] قمع [شد به] فرنگستان رفت.

### جنگ بین‌المللی

پس از هشت ماه از فرنگستان مراجعت کردم. جنگ بین‌المللی که شروع شد کلیه پلتیک ایران به دست خارجه رفت که البته شرحش در تواریخ ضبط است.

ایران میدانگاه قشون روس، انگلیس [و] عثمانی شد. عجالتاً که حمل ۱۳۳۹ است قشون خارجی نیست مگر یک عدد قشون انگلیس طرف غرب، آن هم چند روز است حرکت کردند طرف بغداد. در این تاریخ آقایان صمصام‌السلطنه، سردار ظفر، امیر جنگ طهران هستند. آقای سردار محتشم حاکم اصفهان است. سردار بختیار حاکم عراق است. امیر حسین خان حاکم یزد است. آقایان امیر مفحوم و مرتضی قلی خان ایلخانی [و] ایل بیگی بختیاری هستند. بنده حاکم کرمان هستم. آقایان سردار جنگ و سردار اشجع و سایرین هم در بختیاری هستند.

**جعفر قلی سردار اسعد بختیاری**



# حکومت کرمان

۱۳۴۱ - ۱۳۳۸ قمری



## یادداشت

خیلی افسوس دارم که مرتب نوشته نشد.

در موقع مسافرت کرمان اول دلو ۱۳۳۸ در طهران ایالت کرمان به من واگذار شد. یک روز قبل از حرکت ناخوش شدم، «آنفلوانزا» و ذاتالریه، پنجه روز به حالت مرگ افتادم. تمام دکترها حتی آقای دکتر احیاءالملک از حیات من مأیوس شدند. خداوند ترحم کرد خوب شدم.

## بسوی کرمان

۲۵ حوت با اتومبیل با آقایان سیفالسلطنه و دکتر احیاءالملک طرف کرمان حرکت کردیم. کریم خان پیشخدمت هم همراه بود. در قم اتومبیل چی گفت بعلت خرابی اتومبیل حرکت نمی‌کنم. فوری کالسکه کرایه کرده از قم به طرف اصفهان رفتیم. از قم به اصفهان دو شب در راه بودیم. آقایان امیر جنگ، صاحب نسق، سردار بهادر، امیر معتمد، سایرین پس از من اصفهان آمدند. ورود من به اصفهان امیر معتمد، بهادر همایون با پنجه سوار بختیاری طرف کرمان حرکت کردند. در آن موقع آقای سردار جنگ حاکم اصفهان بود.  
پس از پنج روز توقف با آقایان ذیل طرف کرمان حرکت کردیم: بنده، آقایان دکتر احیاءالملک، سردار بهادر در جوف اتومبیل بودیم. سلامت وارد یزد شدیم. ده روز خدمت آقای حکمران امیر حسین خان

سردار توقف کردیم. خیلی خوب پذیرائی کردند. پس از آن برای کرمان حرکت کردیم.

### ورود به کرمان

سلامت ۳ ثور وارد کرمان شدیم. اهالی عموماً استقبال آمدند. یک دسته پلیس جنوب با سواران هندی هم استقبال آمدند. وارد کرمان شدیم.

ماژور کریک رئیس «اسپیار» است. بقدر دو هزار نفر «اسپیار» کرمان در تحت ریاست صاحب منصبان انگلیس اداره می‌شوند. در موقع جنگ عالم انگلیسها این اداره را در فارس و کرمان تشکیل دادند.

قونسل انگلیس ماژور گری است. بسیار آدم خوبی است. در فارس هم گمان دارم سه هزار داشته باشند، با «مونیسون» کامل.

### وضع کرمان

هوای کرمان در موقع زمستان از طهران گرمتر است و در موقع تابستان از طهران خنکتر. سلامتی عمومی در کرمان خوب است. آب و اشجار و چمن خیلی کم است. شن زیاد در بیابانها دارد. اغلب بادهای سخت می‌آید [و] شنها را به هوا بلند می‌نماید. تمام افق کرمان تاریک می‌شود. از صبح تا غروب گاهی طول می‌کشد و خیلی مردم در زحمت هستند. یک روز از شدت تیرگی چراغ روشن کردیم. مردم کرمان عموماً در هر طبقه فقیر و بی‌چیز هستند. بسیار هم در کار تنبل هستند. اغلب هم از زن و مرد وافور می‌کشند. صورت خوشگل مم تقریباً وجود ندارد. اغلب چهره‌ها زرد و میل به سیاه است. آقای دکتر احیاء‌الملک عقیده‌شان این است که بعلت زیادی خاک و شن است و خشکی هوا. چنین تصور می‌نمایند که اگر ما هم چند سال بمانیم به شکل آنها خواهیم شد. چنانچه طایفه نوریه مازندران که در کرمان معوطن هستند عموماً بی‌نور شده‌اند.

\* \* \*

جای افسوس است که تا مدتی روزانه نوشته نشده است. مع‌هذا یادداشت که سابق غیرمرتب نوشته‌ام در اینجا نقل کردم. یک سال تمام غیرمرتب بود. انشاء‌الله از این سال نو مرتب خواهم نوشت، اگر زنده بمانم.

### خوانین کرمان

خوانین محترم کرمان دو خانواده هستند: یکی وکیل‌الملکی نوری مازندرانی و دیگری ظهیر‌الدوله‌ای قاجار.  
رؤسای وکیل‌الملکی: سردار نصرت، امیر شوکت، عدل‌السلطان، رفعت‌الدوله و اولاد آنها.  
رؤسای ظهیر‌الدوله‌ای: آصف‌الممالک، مختار‌الملك، نصرت‌الممالک، نور‌الله‌خان.

وکلای کرمان در زمان ایالت آقای حشمت‌الدوله معین شدند از این قرار: آصف‌الممالک، رفعت‌السلطان، عمید‌السلطنه پسر سردار نصرت، مستشار‌الملك، شریعتمدار، حاجی میرزا مرتضی.

\* \* \*

حرکت من از طهران آقای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء بود. آقایان صمصام‌السلطنه، سردار ظفر، سردار محتشم، امیر مجاهد طهران بودند.

۳ ثور سلامت وارد کرمان شدم. رؤسای ادارات از این قرار هستند:

مجلل‌السلطنه کارگزار  
حاج عز‌الممالک پیشکار مالیه  
میرزا عبدالرحیم‌خان رئیس عدليه  
سردار نصرت رئیس قشون  
آیحیی رئیس معارف و اوقاف  
پسر رئیس عدليه رئیس فوائد عامه

رفیع‌الوزاره رئیس تحدید  
 میرزا احمدخان رئیس تلگراف  
 پسر امیر شوکت رئیس دخانیات  
 امیر معتمد معاونت ایالتی  
 معتمد همایون رئیس کابینه  
 بهادر همایون رئیس اجرا  
 نصرت‌الملک رئیس نظمیه  
 امیر شوکت رئیس امنیه.

\*\*\*

در موقع حرکت من از طهران کابینه از این قرار بود:  
 آقای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء [و] وزیر داخله  
 سپه‌دار اعظم وزیر جنگ  
 نصرت‌الدوله که در اروپا بود وزیر خارجه  
 نصر‌الملک وزیر عدله  
 نصیر‌الدوله وزیر معارف  
 امیر اعلم وزیر فوائد عامه  
 مشاور‌الملک وزیر مشاور  
 محاسب‌الممالک وزیر پست و تلگراف.

در موقع ورود من حکام ولایات از این قرار بود:  
 رکن‌السلطان حاکم رفسنجان  
 ثقة‌السلطنه حاکم سیرجان و پاریز  
 مرآت‌السلطنه حاکم افشار و اقطاع<sup>\*</sup>  
 سردار مجلل حاکم بم و نرماشیر  
 آصف‌الملک حاکم بردسیر  
 نصرت‌الممالک حاکم زرنده

---

۱- اصل: اقطاع.

رودبار ضرغام السلطنه  
 محتمل الملک حاکم جیرفت  
 صولت السلطنه حاکم راه بر  
 عدل السلطان حاکم جبال بارز، مهنى، اسفندقه  
 مختار الملک حاکم خبیص  
 بهادر همایون حاکم حومه  
 غلام رضا خان حاکم کوهپایه  
 ماهان متولی باشی  
 جو پار جزء سردار نصرت  
 بلوچستان زیادتر از ده سال است یاغی هستند. هیچ مالیات  
 نمی دهند.

### دیدار ماهان

دوم رمضان رفتم ماهان با آقایان صاحب نسق، دکتر احیاء الملک،  
 میرزا جواد خان پسر آقای مشار السلطنه، شاهزاده مفاخر السلطنه.  
 آقایان امیر جنگ، سيف السلطنه، سردار بهادر چند روز قبل از  
 [کرمان] رفته بودند. سه شب توقف کردیم. ماهان بسیار جای با  
 صفائی است، مخصوصاً مقبره شاه نعمت الله. شش فرسخ از شهر  
 کرمان دور است. سالی شش هزار تومان اجاره موقوفات شاه است.  
 منظماً خرج آنجا می شود به توسط متولی باشی. در مخارج شاه کمتر  
 خیانت می شود.

یاغی بسیار قشنگ نیم فرسخی با مختصراً عمارتی مرحوم ناصر-  
 الدوله بنا کرده است. از بی صاحبی مغروب به شده است. ورثه باغ را  
 فروخته است به اهالی کرمان.

### کابینه و ثوق الدوله

به کرمان نرسیده بودم که کابینه آقای وثوق الدوله تغییراتی به  
 وزراء داد. آقایان سپهبدار اعظم، صارم الدوله استعفا دادند. آقای

اعتلاء‌الملك وزیر مالیه، آقای حشمت‌الدوله وزیر جنگ شد. پس از یک هفته آقای حشمت‌الدوله استعفا داد.

اعلیحضرت همایونی یک سال تمام بود تقریباً به عزم سیاحت فرنگستان تشریف برده بودند. آقای وثوق‌الدوله قرار داد و اتحادی با دولت انگلستان بسته بود. در آن موقع ژنرال کاکس وزیر مختار دولت انگلیس بود. لکن ملت از این قرار [داد] خوشقت نبودند. رسمیت قرارداد بر حسب تصویب مجلس شورای ملی بود که اگر تصویب می‌شد این قرارداد قبول [می‌شد] و رسمیت پیدا می‌کرد و الا رد می‌شد.

### رشت و جنگل

در این موقع و ورود اعلیحضرت دسته‌ای از بالشویکهای روس آمدند رشت با میرزا کوچک‌خان و احسان‌الله‌خان اتحادی کرده‌اند. نتیجه شهر رشت غارت و تمام مردم فراری شدند. میرزا کوچک‌خان از این رفتار دلتنه [شد] و حضرات را ترک [کرد] و به جنگل رفت. چند جنگ سخت هم مابین میرزا کوچک و حضرات شد. احسان‌الله خان طرفدار قتل [و] غارت [بود] و با میرزا کوچک‌خان طرف شد. در این موقع کم هرج و مرج شروع شد در ایران بر علیه آقای وثوق‌الدوله. از رشت [و] اذربایجان [و] مازندران بر علیه وثوق‌الدوله قیام کردند. صلاح بر این شد وثوق‌الدوله استعفا بدهد. استعفا داد. فوری از راه بغداد طرف فرنگستان حرکت کرد.

### کابینه مشیر‌الدوله

آقای مشیر‌الدوله رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ شد.

مستوفی‌الممالک وزیر مشاور

مؤتمن‌الملك وزیر مشاور

مخبر‌السلطنه وزیر مالیه

حشمت‌الدوله وزیر داخله

صدق‌السلطنه که از فرنگستان هنوز نیامده بود وزیر عدلیه

حکیم‌الملک وزیر معارف و اوقاف  
نیر‌الملک وزیر پست و تلگراف  
اعتلاء‌السلطنه وزیر فوائد  
مشار‌السلطنه وزیر خارجه.

۵ سلطان این کابینه تشکیل شد [و] کاملاً موفق به جلوگیری از اغتشاش ایران. فتنه رشت هنوز باقی مانده. آقای مشاور‌الممالک که سفیر ایران بود در اسلامبول از طرف ایران با نام سفارت فوق العاده مأمور دربار مسکو شد. میرزا حمید خان پسر حاج سیاح<sup>۱</sup> هم در خدمت ایشان به اسم نیابت فرستاده شد.

### وفات امیر معتمد

امروز ۱۳ سلطان امیر معتمد به ناخوشی سکته دار فانی را وداع گفت. حال سکته او بیست و دو ساعت طول کشید. معالجه آقای دکتر احیاء‌الملک و دکترهای انگلیسی سودی نبغشید. با احترام زیاد جنازه ایشان را حرکت دادیم تا آخر بازار که تقریباً دو هزار قدم است. خودم و تمام محترمین در کرمان تشییع جنازه نمودیم. از آنجا آقای امیر جنگ با اتومبیل نعش را برند ماہان در مقبره مرحوم امیر نظام گروسی – که ایالت کرمان بود در همان موقع مرحوم شد – دفن کردند. شب مانده صبح مراجعت کردند. دارائی مرحوم امیر همه مطابق اسناد بقدر چهل هزار تومان نقد است که به ورثه او رسید. تمام قبوضات طلب ایشان [را] که از بانک انگلیس بود توسط آقای برهاء‌الملک همدانی برای ورثه او فرستادم. ورثه ایشان زن اوست با خواهرش.

مناخر‌السلطنه نایب‌الایاله شد. مسعود‌الملک رئیس نظمه.

تا نمیرد یکی به ناکامی دیگری شادکام ننشیند

## باج راه

سالها بود در کرمان باج از عابرین می‌گرفتند. در صورتیکه دولت حقوق امنیه به ایالت می‌داد. از این باج چیزهای عجیب می‌گویند، لکن اطلاع من این است که سالی یکصد هزار تومان به عابرین و قوافل ضرر وارد می‌آمد. مابین ایالت، رئیس امنیه [و] سایرین تقسیم می‌شد. برای خدمت به نوع چشم از این دخل نامشروع پوشیده موقوف ابدی نموده به اطراف کرمان اعلان چاپی نمودم و مژده موقوفی باج را به ملت کرمان خبر دادم. نوشتگات موقوف بودن باج را به امضای تمام علمای کرمان هم رسانیدم برای اینکه هیچ وقت این بدعت می‌شوم تجدید نشود. اول اسد باج راه موقوف شد.

## سفر سیف‌السلطنه و سردار بهادر

۱۰ اسد آقایان سیف‌السلطنه و سردار بهادر با اتوموبیل حرکت کردند از راه شیراز، اولی برای زیارت کربلا و بعد طهران، دویمی برای گردش در هندوستان. اتفاقاً ورود آنها به شیراز نوکرهایشان را در راه نزدیک شیراز لخت کردند. منزل قوام‌الملک منزل کردند. شانزده روز شیراز بودند. در آن وقت شاهزاده فرمانفرما حکمران فارس بود. چون راه ب福德اد بواسطه جنگ اعراب با انگلیسها بسته شد آقای سیف‌السلطنه از راه اصفهان برای طهران حرکت کردند. سردار بهادر برای هند حرکت کرد. در موقع مراجعت اتوموبیل شکست. او را گذاشتند برای جون\*. یک اتوموبیل از وسطلی خریدم.

## باشويكها در شهرهای ايران

۱۱ اسد بالشویکها منجیل را گرفتند. قشون انگلیس که قزوین بود و با آنها جنگ می‌کرد و مانع بود که طرف طهران بیایند از منجیل عقب نشستند به قزوین آمدند. کمان دارم ده هزار قشون

زیادتر هندی در قزوین، همدان انگلیسها دارند، شاید هم کمتر. همینقدر هم در خراسان. قشون خراسان آنجا را تخلیه [و] به هندوستان مراجعت کردند.

۲۳ اسد در اطاق ۲۳ درجه است.

امروز ۲ سپتامبر خبر رسید تلگرافی که قشون ایران منجیل را از دست بالشویکها پس گرفتند. این اردو تماماً قزاق هستند. شاید بقدر چهار هزار نفر باشند. مقداری توب و تفنگ و ذخیره به دست قشون ایران افتاد. در خراسان، استراپاد، مازندران ایرانیها به اسم بالشویک اغتشاش می‌کردند تمامًا شکست خورده و آن نقاط منظم شدند.

امروز ۳ سپتامبر تلگرافاً خبر رسید که اردوی دولتی رشت را از دست بلشویکها پس گرفتند. اسیر زیاد و توپخانه [و] ذخیره از آنها به دست اردو افتاد.

### ورود آیةاللهزاده

۸ سپتامبر آیةاللهزاده پسر حاجی میرزا محمد تقی شیرازی که اعلم علماست پدر بزرگوارشان وارد کرمان شدند. دولت انگلیس او را تبعید کرد از عتبات. دولت ایران دوستانه تمنا کرد که او را ایران بفرستند. دولت انگلیس قول داد. او را از راه بندرعباس [به] کرمان فرستادند. در موقع ورود آقای امیرجنگ با شاهزاده نایب-الایاله و اکثر علماء [و] تجار اهل شهر استقبال شایان کردند. اتفاقاً دو روز قبل از ورود ایشان خبر فوت آیت الله را تلگرافاً دادند. یک منزلی کرمان شاهزاده مفاحر السلطنه خبر فوت آیت الله را به پسرشان دادند که در نجف اشرف مرحوم شدند. یک سر به مسجد جامع وارد شدند. شب منزل آقای حجت الاسلام حاج میرزا محمد رضای کرمانی توقف کردند. چند روز دیگر که تشریف داشتند منزل سردار نصرت منزل گرفتند.

۱۰ سنبله به مسجد رفتم ختم را برچیدم، با وجودی که خیلی ناخوش بودم.

### کشته شدن خیابانی

شاهزاده عینالدوله فرمانفرمای تبریز نتوانست شهر را منظم کند منفصل شدند. مخبرالسلطنه فرمانفرمای آذربایجان شدند. لدیالورود به تبریز با مختصراً زد و خوردی شهر را منظم [کرد]. خیابانی که یکی از علمای تبریز بود رو دو راه سابق و کیل وکیل مجلس بود گرفتار و مقتول گردید. هواخواهان خیابانی متفرق شدند.

### موقوفات نوراللهخان

۱۶ سنبله نوراللهخان که تقریباً دویست هزار تومان از املاکش را وقف مریضخانه کرد مرحوم شد. ورثه زحمات زیاد کشیدند. حتی اینکه مرا به پول خواستند فریب بدھند. سی هزار تومان به من دادند که با وقفاً مرحوم نوراللهخان همراهی نکنم. بر حسب تکلیف انسانی قبول نکردم. عجاله مریضخانه اش را بنائی می‌کنند. انشاء الله امسال تمام خواهد شد.

### ۱۳۳۹ قمری

۲۰ سنبله آقای دکتر احیاءالملک به مطب تازه جلوس نمودند. سی و پنج روز تب و کمر درد داشتم. اول محرم کسالتم رفع شد. شروع به عزاداری سیدالشہداء علیه السلام بكلی کسالتم را رفع کرد.

### جمع بختیاریها

تلگرافی ۲۶ سنبله از آقای سردار ظفر رسید که ۱۶، فامیل در اصفهان جمع و مشورتی خواهند داشت. امیدوارم عاقبت این اجتماع کارها بدتر نشود. اگرچه تجارت این مدت بمن مدلل کرده است که بدتر خواهد شد.

## عاشورای کرمان

در تمام کرمان عزاداری دهه محرم با یک نظم و عظمتی به اتمام رسید. روز عاشورا در کرمان به خوبی و شکوه به پایان رسید. عزاداری خیلی مفصلی داشتم. زنهاي کرمان عموماً با چادرهاي سفید و رو بند هستند، مثل مردگانی که از قبر بیرون آمده باشند. درجه هوا ۲۷ است.

## شکار بر دسیر

۱۵ محرم به اطراف کرمان برای شکار حرکت کردیم. رفتیم طرف، مهچال ده فرسخی کرمان با آقایان امیر جنگ، صاحب نسق، دکتر، سردار مجلل، مرأت‌السلطنه. آقای دکتر ورود چوپار ناخوش [شد]. در شکه نشسته شهر آمدند. ما رفتیم به شکار آهو تا بر دسیر رفتیم و مراجعت کردیم. سفر پانزده روز طول کشید. کبک و تیهو چهارصد قطعه شکار شد. شکار آهو هم از این قرار است: امیر جنگ ۸ رأس - بنده ۴ رأس - سردار مجلل ۲ رأس - علیرضا خان ۵ رأس - سایرین ۳ رأس، جملتان ۲۲ رأس.

۲۱ میزان تلگراف رسید که والده آقای مرتضی قلی خان در اصفهان وفات یافته. خوانین عظام برای اجتماع خودشان در اصفهان آقای امیر جنگ را احضار کردند. بنده جواب نوشتم آقای سردار ظفر و کیل من هستند، لازم به آمدن امیر جنگ نیست.

میرزا جواد خان پسر آقای مشار السلطنه در مدت شکار همراه بودند. غیر از خوردن هنری از ایشان ندیدم.

## بیماری احیاء‌الملک

تاکنون یک صفر است آقای دکتر ناخوش است. معالج ایشان کاپیتان هنسی و سلطان محمود خان است. دکتر از نفرینهای من ناخوش شد. در موقع ناخوشی به اندازه‌ای حالت دکتر رقت‌انگیز است که هر سنگدلی به او رحم می‌کند. بنابراین برای سلامتی ایشان دعا

کردم. بحمدالله بهتر است

### صاحب نسق

ماشاءالله آقای صاحب نسق، مثل ببر بیان کسالت و ناخوشی همه وقت از ایشان گریزان است. در مدت شکار با سن هشتاد و دو سالگی روزی ۶-۸ فرستخ به گرده اسب بودند. انشاءالله همه وقت زنده و سلامت باشند.

### سقوط کابینه مشیرالدوله

۵ عقرب کابینه آقای مشیرالدوله افتاد به علت اینکه قزاقان عقب نشستند از رشت. انگلیسها مدلل کردند که بدون جنگ عقب-نشینی اختیاری بوده است و باید رئیس قزاقان کلنل استراسیلسکی عزل شود، سایر صاحبمنصبان روسی هم باید استعفا بدهند. آقای مشیرالدوله قبول نکرد، استعفا دادند. آقای سپهبدار اعظم به تشکیل کابینه نامزد شدند. کابینه آقای مشیرالدوله تقریباً چهار ماه طول کشید.

۱۶ عقرب شاعرالسلطنه عمومی شاه دار فانی را وداع کرد.

۲۰ عقرب کابینه آقای سپهبدار اعظم از این قرار تشکیل شد:

سپهبدار اعظم رئیس الوزراء [و] وزیر داخله

دکتر امین‌الملک مالیه

فهیم‌الدوله کفیل خارجه

نصر‌الملک مشاور

امیر نظام جنگ

وحید‌الملک معارف

سالار لشکر فوائد عامه

میرزا سلیمان‌خان عدیله

سردار معتمد پست و تلگراف

عدل‌الملک کفیل داخله

آقای مصدق‌السلطنه فرماننفرمای فارس شدند. از اروپ از خط شیراز مراجعت کرد. ورود به شیراز ایشان به ایالت فارس معین و شاهزاده فرماننفرما که والی فارس بودند در مدت دو سال متباوز احضار به طهران شدند.

### قرارداد فامیلی

در اصفهان اول قوس قرارداد فامیلی خاتمه یافت: آقای صمصام‌السلطنه ایلخانی بروند بختیاری، آقای امیر مفخم ایل بیگی، آقای سردار محتشم حاکم اصفهان، آقای سردار اشبع حاکم عراق. پس مدتی که آقای صمصام‌السلطنه بختیاری تشریف برداشت بواسطه افتتاح مجلس و اینکه ایشان از طرف طهران انتخاب شده بودند احضار به مرکز شدند و به سلامتی تشریف برداشت طهران. آقای امیر مفخم، آقای امیر مجاهد، آقای مرتضی قلی خان جمعی از خوانین زاده‌ها گرمسیر رفتند. آقای سردار جنگ از طرف بختیاری به وکالت انتخاب شدند. آقای سردار اقبال از طرف کوه‌گلویه که ده سال است حکومت آنجا از فارس مجزا و جزء بختیاری است به وکالت انتخاب شدند. آقای شهاب‌السلطنه و آقای سردار حشمت حاکم بروجرد و جاپلق است. آقای معین‌الاسلام از طهران خدمت آقای سردار ظفر اصفهان آمدند، از اصفهان یزد. امروز ۲۰ قوس وارد کرمان شدند.

### برف و فقر

امروز اول جدی بقدر یک چارک برف در شهر کرمان آمد و نیم ذرع در بیابانها. سالها بود که چنین برفی نیامده بود.

امروز ۳ جدی که دو قوش توار یکی برای آقای مستوفی‌الممالک دیگری برای جهانشاه خان امیر افشار به طهران [و] زنجان فرستادم با دو الاغ کرمانی برای آقای مستوفی‌الممالک. مبلغ هزار تومنان پول برای فقرای کرمان حاضر کردم مدت زمستان به آنها نان بدھند.

## فرض از شیخ خزعل

آقای معین‌الاسلام ۱۲ جلدی به عزم زیارت عتبات حرکت [کرد] و در ضمن برود پیش شیخ خزعل سردار اقدس اکرم ممکن است و جهی برای من قرض کنند چون با شیخ شریک‌الملک هستم. نصف زیدون که جزو بهبهان است به من تعلق دارد و نصف به شیخ.

۱۵ جلدی آقای سردار ظفر برای طهران حرکت کردند. سردار بهادر امروز ۳ دلو از سفر هندوستان مراجعت کرد. او اخر جدی کابینه آقای سپهبدار اعظم مستعفی شد. تقریباً دو ماه طول کشید، هیچکس زیر بار کابینه تشکیل دادن نرفت. دومرتبه امروز که ۱۶ دلو است خود آقای سپهبدار اعظم انتخاب شدند. کابینه از این قرار تشکیل شد:

### تجدید کابینه سپهبدار

آقای سپهبدار اعظم رئیس‌الوزراء و وزیر داخله  
حاج محتشم‌السلطنه وزیر خارجه  
کفیل مالیه میرزا عیسی‌خان  
سالار لشکر عدلیه  
امیر نظام جنگ  
امین‌الملک معارف  
سردار معتمد پست [و] تلگراف  
نصر‌الملک فوائد عامه

### سفر امیر جنگ به طهران

آقای امیر جنگ را برای کارهای خودم به طهران حرکت دادم با اتوبیل. امشب برای خدا حافظی تشریف آوردند.  
۱۰ دلو به سلامتی حرکت کردند. غروب وارد انار شدند. از کرمان تا انار تقریباً چهل فرسخ است. از کرمان تا انار هشت ساعت و نیم در راه بودند. مرآت‌السلطنه هم همراه ایشان بود. از انار تا

یزد هم سی و پنج فرسخ است تقریباً شش ساعت و نیم رفتند. پانزده ساعت از کرمان الى یزد در راه بودند. از یزد با آفای امیرحسین خان حکمران یزد متفقاً برای اصفهان حرکت کردند.

آفای دکتر [احیاءالملک] پنج روز است ناخوش[است]. کاپیتان هنسی او را معالجه میکند. تقصیر از خودش است پیری که جوانی کند...\*

آقایان امیر جنگئ [و] امیر حسین خان ۱۷ دلو وارد اصفهان شدند. هفده ساعت در راه بودند. کلیه سی و دو ساعت از کرمان الى اصفهان در راه بودند.

قرار داده ایم چند جمیع مهمان شویم در سرآسیاب [که] یک فرسخ [و] نیمی شهر است.

جمعه ۲۳ دلو مهمان شاهزاده مفاخر السلطنه شده‌ام. بندۀ سوار اسب رفتم، رفتن برگشتن یورتمه.

۲۴ دلو اسب شراک سردار بهادر که خیلی به او علاقه‌مند [بود] مرحوم شد.

آقای میرزا سید محمد سنگلجبی که به مشروطیت خیلی خدمت کردند در طهران ۲۵ دلو به رحمت ایزدی پیوستند.

تلگراف معین‌الاسلام امروز ۲۶ از کویت رسید.

تقریباً آقای امیر جنگئ بیست ساعت در راه بودند از اصفهان تا طهران، از کرمان الى تهران پنجاه و دو ساعت.

امروز ۲۷ در مسجد جامع ختم مرحوم حجۃ‌الاسلام آقا میرزا سید‌محمد بود. عصر رفتم و ختم را برچیدم.

امروز آقای دکتر از رختخواب بیماری بیرون [آمد] و منزل من تشریف آوردند.

### کودتای سوم حوت

امروز جمیع اول حوت مهمان سردار بهادر بودیم در سرآسیاب.

◦ - نقطه‌چین از سردار اسعد است.

عصر دوشنبه ۳ حوت دو هزار نفر قزاق ایرانی از قزوین به ریاست رضاخان از قزوین حمله ور مغرب وارد طهران شدند. نظمیه و ژاندارم هم با آنها متفق شد. مثل اینکه یک نقشه از پیش کشیده شده است. تمام دکاکین طهران بسته شد. بگیر بگیر شروع شد.

شنبه ۴ حوت دستخط اعلیحضرت را زیارت کردم. متعددالمال به تمام ولایات دستخط شده بود و آقای سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعد را به ریاست وزرائی با اختیارات تامه معرفی فرموده بودند. امروز جمعه ۷ حوت مهمان بهادر همایون رئیس اجرا هستیم.

۱۰ حوت تلگرافی از آقای سید ضیاءالدین به تمام ولایات رسید. مختصرش این است که شانه های خود را برای این خدمت حاضر کرده ام و هر بار گرانی را تحمل خواهم کرد. مضمون تلگراف بر علیه اعیان و اشراف و بر له کارکر [و] رنجبر بود. الغای معاهده با انگلیس نوشته بود. امیدواری داده بود که کاپیتوناسیون را هم لغو خواهد کرد. یک تلگراف هم به همین مضامین از رضاخان [رسید].

امروز دوشنبه ۱۱ حوت مهمان عدل‌السلطان بودیم.

امروز تلگراف رمزی از آقای ضیاءالدین به من رسید که یک متن از «اسپیار» برای طهران خواستم. چهارصد پیاده، یکصد سوار، دو عراده توب با صاحب منصبان انگلیس طرف طهران حرکت کردند. تاکنون مخابرات مردم را تلگرافخانه قبول نمی کرد.

امروز ۱۳ حوت اجازه مخابرات عمومی صادر گردید. یک دسته مقابل «اسپیار» کرمان از فارس هم حرکت کرد.

در موقع کابینه آقای مشیرالدوله آقای مشاورالممالک از دربار عثمانی مأمور مسکو شد. مسکو که رسید داخل در یک رشته مذاکرات گردید. در این موقع کابینه افتاد. کابینه آقای سپهبدار برقرار شد. مذاکرات تعقیب [و] عاقبت قراردادی بین حکومت سویت روس و دولت ایران بسته شد. ۲۶ ماده بود. اکثر اینها چیزها [می] هستند که دولت روس به دولت ایران واگذار می نماید، لغو معاهدات از حکومت تزاری روس، لغو تمام امتیازات چه با دولت سابق روس و چه

تبغه، لغو کاپیتولاسیون، واگذاری تمام طلبات دولت روس، واگذاری بانکهای روس، واگذاری فیروزه و غیره. در مقابل هم چیز قابلی تقاضا نکردند. حق کشتی رانی در بحر خزر آنچه سابق از ایران با زور گرفته بودند با میل خاطر تمام را پس دادند. این معاهده را طرفین امضاء کردند. وزیر مختار روس هم از راه عشق‌آباد حرکت کرد طرف طهران.

### تلگراف سید ضیاء

آقای سید ضیاء الدین رئیس‌الوزرا ۱۲ حوت این تلگراف را به من مخابره کرد:

اگر چند روزی مراجعه به حضر تعالی تأخیر افتاده است دو موجب داشت: یکی گرفتاریهای ابتدائی که مقتضی یک نهضت اصلاح طلبانه است و دیگری اعتماد راسخی است که به لیاقت و وطن‌دوستی حضر تعالی داشته، بالخصوص در صورتیکه ندادهنه اصلاحات یکی از دوستان حضر تعالی باشد. حالا که مختصر فراغتی پیدا کرده‌ام خود را خوشبخت می‌بینم که لحظه‌ای چند پس از تبادل احساسات دوستانه خاطر محترم را مطلع دارم که به فضل و عنایت پروردگار توانا و در ظل توجهات اعلیحضرت شهریاری مرکز را از رشوه‌خواران و وطن‌فروشان مصدا و آن وجودهای مصنوعی که به هیچ چیز معتقد نبوده و به هیچ قید و شرطی اصول مذمومه ملت‌کشی را فراموش و ترک نمی‌کردن توقيف و حبس کرده مرکز را برای شروع به اصلاحات شایسته و توانا کرد. با آن قشونی که دیروز مورد سخریه این ناکسان بود و آنها را امروز تحت تنسيق و نظم آورده‌ام امروز میسر است که به سهولت اصلاحات وطنی را شروع کرد. زاید میدانم به حضر تعالی که فرزند باشرف همان مرد توانائی هستید که بواسطه سبقت در نهضت ملی مورد تمجید و احترام من است بگویم وطن‌خود را حمایت کن. آری بایستی با عزمی راسخ و حمیتی<sup>\*</sup> جوانمردانه در حوزه مأموریت خودتان اصلاحات را شروع و ثابت فرمائید که خون پدر کامکارت از شریان و ریه‌های بدن نیرومندت جریان داشته به آن نهضتی که مرحوم سردار اسعد شروع کرد شایق و آرزومندید. بهتر از هر کس به حالت روحیه و اخلاق بنده آگاه هستید. این است که با همان هادت غیرقابل تغییر مشارکت حضر تعالی را در اصلاحات منتظر و امیدوارم قریباً به یکدیگر در موفقیت‌هایی که بطور حتم حاصل می‌کنیم

\* همیتی (اصل)، شاید همتی؟

تبریک خواهیم کفت. از یک چیز نگرانم و بی پرده می گوییم و آن این است که تصور می کنم دوری از مرکز و بی اطلاعی از جریان امروزه<sup>\*</sup> شاید لمحه‌ای چند آثار تردید در حضر تعالی خلق کند و باز احتمال دهد که ممکن است این خواست خداوندی که مرا عامل اجرای آن مقرر فرمود یکی از آن مسائل عادی باشد که په نظر لاقیدی بتوان نگریست. فقط به حضر تعالی که احساسات احترام‌آمیز مرا ذخیره دارید می گوییم تقدیر بر اصلاح ایران جاری شده و کسانی که امروز جلو نیستند به حکم ناموس طبیعت عقب افتاده غبطه و افسوس ابدی سهم آنها خواهد بود. در هر صورت آغوش خود را گشوده استقبال حضر تعالی را در اصلاحات وطن انتظار دارم.

#### ۱۲ حوت – سید ضیاءالدین رئیس‌الوزراء

جمعه ۷ حوت مهمان رئیس اجرا شدیم در سرآسیاب.  
۱۴ حوت اقا ضیاءالدین کابینه خود را تشکیل داد و تلگرافا  
اطلاع داد.

ضیاءالدین رئیس‌الوزراء و وزیر داخله  
مدیرالملک وزیر خارجه  
میرزا عیسی خان وزیر مالیه  
مسعودخان وزیر جنگ  
موقرالدوله فوائد عامه  
منصورالسلطنه کفیل عدله  
نیرالملک وزیر معارف  
مشیر معظم پست و تلگراف  
مؤدبالدوله صحیه و خیریه  
عدلالملک کفیل داخله

۱۵ حوت عدله منحل [شد و] به تمام نقاط اطلاع دادند و تمام عدله‌ها تعطیل شد. خیال دارند از نو یک ترتیب بهتری برای عدله بدهند.

#### ۱۷ تلگرافی از آقایان صمصام‌السلطنه، سردار ظفر، امیر‌جنگ

\* چنین است در اصل و شاید «امور» بوده و سوالقلم روی آورده است.

که طهران تشریف دارند واصل [شد] و خیلی از ترتیب مرکز تمجید کرده بودند و خیلی به آتیه امیدوار هستند. آقایان سردار جنگ و سردار اشجع را طهران احضار کردند ولی آنها اول به خیال رفتن طهران [بودند]، پس از این واقعه از رفتن منصرف [شدند] به اختیاری مراجعت کردند.

جمعه دیگر مهمان رئیس کابینه و جمعه دیگر مهمان آقای دکتر و میرزا جواد خان [و] جمعه دیگر مهمان خود بنده.

۲۸ حوت قونسل، خانم قونسل و جمعی از انگلیسها مهمان بنده بودند، ناهار ایرانی روی زمین در سرآسیاب.

یک ماه است صبحهای زود مشغول بازی تنیس توپه بازی هستم. یک ساعت بازی طول می‌کشد. برای ورزش بدن بسیار مفید است. آقای دکتر احیاء‌الملک موقع بازی تماشائی است.

درجه هوا در دلو تا آخر حوت ۱۸-۱۹-۲۰ بود. آخر حوت یک مرتبه شد ۱۲. تمام سردرختم را زد و ضایع کرد. فوق العاده هوا سرد شده است. مدت یک هفته طول کشید.

## سال ۱۳۰۰ شمسی

شب عید آتش بازی خیلی مفصلی در میدان داشتم. نظمیه که یک سردر دارد و مشرف است به میدان آیین بسته بودند. با خانم قونسل و خود قونسل و جمعی انگلیسی، خوانین کرمان و رؤسای ادارات همه بودند. به اندازه‌ای هوا سرد بود و عموماً می‌نرزیدیم که در زمستان هم چنین سرمائی ندیده بودم. پس از اتمام آتش بازی حضرات به شام دعوت داشتند. منزل آمدیم. شام خوبی صرف شد. نصف شب متفرق شدند. روز عید هم به خوشی گذشت.

آقای سردار بهادر به عزم اصفهان ۱۱ حمل حرکت [کرد]. در انار اتومبیل امیر حسین خان به او رسید. رفت یزد ده روز توقف کرد. پس از آن یک روز رفت به اصفهان. ۲۵ میون وارد اصفهان شد. ۲۶ حمل با خانم قونسل و قونسل و چند صاحب منصب، آقایان

صاحب نسق، دکتر، نایب‌الایاله مهمان نصرت‌الممالک بودیم در فتح‌آباد سه فرسنگی کرمان که پدرش ساخته بود. جای خوبی است. با غ خوب، خیابان‌های آنجا خیلی خوب و منظم است. من با مفاخر‌السلطنه سواره رفتیم. رفتن یک ساعت و بیست دقیقه، مراجعت یک ساعت و ربع در راه بودیم. تماماً به یورتمه رفتیم و برگشتیم. سایرین در جوف درشکه بودند. مفاخر‌السلطنه دیگر حالی برای او نمانده بود.

### اسب‌سواری

حال بیست روز است صبح‌ها پنج ساعت قبل از ظهر سوار اسب می‌شوم. چون سردار بهادر که رفته است دیگر بازی تنیس تمام شده است رفیق ندارم برای ورزش بدن، سوار اسب می‌شوم بیرون شهر می‌روم. روزی یک ساعت و نیم تماماً به یورتمه دور شهر گردش می‌کنم. گمان می‌کنم روزی چهار فرسخ حرکت می‌کنم.

آقای دکتر احیاء‌الملک یک صیفه اختیار کرده‌اند. خیلی هم طرف محبت واقع شده‌اند. چند روز قبل خانم قونسل را به منزل خانمش دعوت کرد. مقدار زیادی خانم قونسل «بافور» کشیدند و خیلی از «بافور» خوش شد. آقای دکتر از ترس حاجیه خانم خیال ماندن کرمان را دارند.

**روز ۱۲ و ۱۳** حمل باران زیادی به تمام نقاط کرمان بارید. دو ماه بود که هیچ بارندگی نشده بود.

### معبوسین کودتا

**۲۸** حمل تازه‌ای رخ نداد. اشخاص خیلی معروف که گرفتار شده‌اند در طهران: شاهزاده عین‌الدوله، شاهزاده فرمانفرما با دو پسرش نصرت‌الدوله و سالار لشکر، سپه‌سالار اعظم، سعد‌الدوله، حاج‌محتشم‌السلطنه، ممتاز‌الملک، مشار‌السلطنه، حاج‌معین بوشهری، حاج امین‌الضرب، مدرس اصفهانی.

آقای قوام‌السلطنه فرماننفرمای خراسان را هم در مشهد توقیف کردند.

اهالی شیراز و علماء و اعیان بر علیه کابینه ضیاءالدین فیام کردند. تلگرافات سخت به اعلیحضرت شهریاری عرض کردند. در نتیجه آقای مصدق‌السلطنه را از ایالت فارس عزل کردند. شاهزاده نصرت‌السلطنه را به ایالت فارس منصوب نمودند. چند روز است حرکت کرده است با اتومبیل، تا چه پیش آید.

روز ۲۲ حمل بپادر همایون رئیس اجرا را با پنجاه نفر سوار بختیاری مأمور جیرفت کرد. چون عدلیه به امر دولت تعطیل است یک هیئتی برای رسیدگی به عراض مردم تشکیل دادم: عبارت از مفاحر‌السلطنه، آیعیی، سردار نصرت، مختار‌الملک، میرزا لطفعلی خان.

### توقیف قوام‌السلطنه

آقای قوام‌السلطنه والی خراسان را به امر دولت حاضره گرفتار [ساخته] تحت‌الحفظ طهران برداشت. بهمچنین صارم‌الدوله را از کرمانشاه.

دیروز رویتر اطلاع داد که جنگی مابین ترکها و قوای دولتی که هبارت از قزاق باشد در آذربایجان شد. نتیجه قوای قزاق که عبارت بودند از هشت‌صد‌نفر شکست خورده خیلی از آنها کشته و اسیر [شده] بقیه فراراً به تبریز وارد شدند.

### اختلاف خانوادگی

امروز ۱۵ شعبان مطابق با ۶ نور عید حضرت قائم بود. شب تمام شهر چراغان بود. امروز هم سلام منعقد شد. چند روز قبل خبری رسید تلگرافاً برای آقای حاج میرزا علی‌محمد که آقای سردار ظفر حاکم کرمان شدند. با رمز از آقای امیر‌جنگ سوال کردم جواب دادند با رمز که دولت آقای سردار ظفر را حاکم اصفهان کرد. خیال

دارند به اسم حکومت کرمان حرکت کنند.  
در اصفهان که وارد شدند علی بشود. لکن من این اقدام را بسیار غلط می‌دانم. البته این اقدام یک نفاق زیادی تولید خواهد کرد. نتیجه غیر از بد بختی خانوادگی اثر دیگری نخواهد بخشید (اللهم احفظنا).

### وضع قشون انگلیس

امروز تلگرافی از دولت رسید، ۶ ثور، به قشون انگلیس از قزوین طرف بغداد حرکت کردند. در عوض آنها قزاق و ژاندارم فرستاده شد. قشون انگلیس در موقع جنگ بین‌المللی به ایران آمد. قشون در فارس و خراسان و غرب که تا رشت هم برای چلوگیری بالشویک آمده بودند وارد کردند. چهار ماه قبل قشون خراسان تخلیه کرد و رفت. یک سال قبل قشون انگلیس از فارس خارج شد. حالا هم طرف مغرب ایران را تخلیه خواهند کرد. یک ماه دیگر در تمام نقاط ایران قشون انگلیس وجود نخواهند داشت.

امروز عصر بقدر یک ساعت و نیم بارش آمد. هوای شهر کرمان بسیار خوب است. هنوز قدری سرد است. شبها نمی‌شود در اطاقها باز باشد. دیشب هم بارش زیاد آمد.

امروز ۶ ثور خبر تلگرافی بود که وزیر مختار روس وارد طهران [شد] و نصرت‌السلطنه که فرمانفرمای فارس شدند وارد شیراز شدند.

دو روز قبل از سرآسیاب سیلی آمد و مقداری خسارت به قناتها وارد آورد. سردار سپه وزیر جنگ شد. مسعودخان وزیر جنگ و وزیر مشاور شد.

دیروز کامبل رئیس «اسپیار» آمد پیش من و می‌گفت «اسپیار» رسم‌آشناخته شد. لکن هنوز خبر رسمی به من نرسیده است. می‌گفت تقریباً هفت هزار نفر عدد «اسپیار» خواهد شد: سه هزار فارس، دو هزار اصفهان و دو هزار کرمان.

## مستشاران خارجی

دولت کنونی مستشار از خارجه خواسته. مستشاران قشون و مالیه انگلیسی خواهند بود. باقی را خیال دارند از فرانسه، امریک، بلژیک [و] غیره معین کنند.

امروز سه روز است رئیس معارف فرمی که تازه آمده است در باغ ناصری یک گاردن پارتی داده است. بدهم نیست. موزیک، چراغان، نمایش اخلاقی.

صبحها شش الی پنج ساعت قبل از ظهر با اسب گردش می‌روم. تقریباً چهار فرسخ دور شهر به یورتمه می‌روم. برای ورزش بسیار خوب است.

دو شب قبل چند نفر دزد رفتند به خانه یک ارمنی، یک جوان ارمنی کشته شد. دزدها فرار کردند. هنوز پیدا نشده‌اند. با کمال جدیت در تجسس هستم، انشاءالله پیدا شود.

امروز ۱۰ نور است، اخبار تازه ندارم.

## قتل یک ارمنی

۱۲ نور قاتل ارمنی گرفتار شد. پنج نفر بودند. رئیس آنها ماشاءالله نوکر بانک [بود]. نوچه‌ها عبارت بودند از اکبر، اصغر، میرزا محمد. اقرار کردند. ماشاءالله در حضور خود من و جمعی از محترمین [اقرار کرد] که کار من رفتن سر زنهای زرده‌شده و ارمنی است، چون دشمن دیرین هستند. در موقعی که خواستم با دختر دوازده ساله ارمنی جمع شوم برادرها یش از خواب بیدار [شدند] و به ما پنج نفر حمله کردند. کاملاً به دختر نتوانستیم موفقیت حاصل نمائیم. لکن برادر هجده ساله او را اول با تفنگ بعد با قداره پاره پاره کرد. در این قرن بیستم این است اخلاق جمعی از ایرانیهای بد بخت. خیال می‌کنند مابین جان و ناموس بشر فرقی هست. میترسم تا به راه راست برسیم از میان رفته باشیم.

**۱۶** ثور عید تاج‌گذاری اعلیحضرت سلطان احمدشاه بود. سلام منعقد شد. شب چراغان مفصل و مهمانی شام داشتم. سی و پنج نفر فرنگی [و] ایرانی دعوت داشتند. بواسطه امر دولت مشروب الکلی سر میز نداشتیم. به خوش مهمانی تمام شد.

### دو طغیان کرمان

روز **۱۷** ثور بواسطه نواقل تمام بازار بسته شد. مردم جمع شدند در مساجد. چند نفر نماینده پیش من فرستادند. قرار بس این شد بازارها را باز [کنند و] از مساجد متفرق شوند. آنوقت عرضحال خود را در پیشگاه دولت بنمایند. همین قسم شد. بازارها را باز کردند. عصر یک هیجانی عجیب شد. بقدر پنج هزار نفر در میدان جمع شدند. تمام...\* آمدند پیش من که نباید مسلمان برای ارمنی کشته شود. حیرت کردم از این مخلوق عوام فریب بیمروت. جان و مال و ناموس بندگان خدا باید محفوظ باشد. هر کس به جان و ناموس مردم دست‌اندازی کرد البته باید مجازات شود و الا امنیت از مخلوق برداشته می‌شود. خداوند به این ... عوام فریب انصاف بدهد. عاقبت مهلت داده شد که تلگراف به دولت بنمایند. هر چه امر شد اطاعت خواهد شد. مردم متفرق شدند. امروز بازارها باز [بود] و مردم آسوده.

**۱۸** و **۱۹** اتفاق تازه نشده است. دیروز قونسل انگلیس از سفارتش تلگرافاً خبر داشت که اعلیحضرت همایونی قبول کرده است چند ماه دیگر ایران بماند، پس از آن فرنگستان برود. چنین خبری نشنیده بودم، معلوم است این خبر بکلی محترمانه است. موقدالدوله وزیر فواید عامه در طهران مرحوم شدند.

روز **۱۹** مطابق است با اول رمضان.

**۲۰** تازه‌ای نیست.

**۲۱** باران مفصلی بارید. تا صبح **۲۱** کم کم می‌بارید. کوههای

\* کلمه ناخوانده.

اطراف کرمان، پنج فرسخی چهار فرسخی، برف کاملی آمده است.  
هوای کرمان هنوز سرد است.

### سیاهه محبوسین

سیاهه از محبوسین طهران رسیده است، بدون تقدم و تأخر به  
همان ترتیبی که نوشته اند من هم می نویسم:  
شاهزاده عین‌الدوله، شاهزاده فرمانفرما با دو پسرانش نصرت-  
الدوله [و] سالارلشکر، سپه‌سالار اعظم، ممتاز‌الملک، و ثوق‌السلطنه،  
حاج یمین‌الملک، آقا میرزا علی کازرونی و کیل بوشهر، آقا سید حسن  
مدرس، امام جمعه خوئی، قوام‌الدوله، مشار‌السلطنه، اعتماد‌الملک،  
برهان‌الدوله، مشار‌الدوله، فطن‌الدوله، قائم مقام‌الملک، آقا شیخ  
محمد‌حسین استرا‌بادی، حاج محتشم‌السلطنه، عماد‌السلطنه، حشمت-  
الدوله، حاج امین‌الضرب، حاج معین بوشهری، حاج میرزا آقای  
حریری، حاج شیخ عبد‌الحسین، امیر نظام، لسان‌الملک، آقا سید‌محمد  
املام‌بولچی، آقا ضیاء پسر مرحوم شیخ فضل‌الله، فلاح‌السلطنه،  
آمیرزا طاهر تنکابونی، آشیخ محمد‌حسین یزدی، میرزا هاشم‌خان  
محیط مدیر وطن، امیر رضوانی مدیر گلشن، ملک‌الشعراء بهار،  
معدنچی مدیر زبان ایران، نصیر‌السلطنه، سعد‌الدوله، ساعد‌الدوله  
[و] امیر‌اسعد هردو پسران سپه‌سالار، صارم‌الدوله را از کرمانشاه،  
قوام‌السلطنه را از خراسان گرفتند طرف طهران برداشتند.

۲۲ و ۲۳ هم باران زیاد بارید. هوای کرمان تقریباً مثل  
مازندران شده است.

### ضدیت با سردار ظفر

۲۲ نور آقای امیر جنگ تلگراف کردند که عموم خانواده بر  
علیه حکومت آقای سردار ظفر [در] اصفهان تلگرافات سخت کردند.  
تا چه شود. در این موقع که هر عاقلی دست اتحاد به همدیگر می‌دهد  
فamilی من برای حکومتهای موهوم حمله خونین بهم‌دیگر می‌نمایند.  
تلگرافی به آقای امیر جنگ کردم که اگر مراجعته کوتاه نمی‌شد آقای

سردار ظفر را دولت کرمان بفرستند من میروم به حکومت یزد. امان از بی علمی! امان از نادانی! باز وحشی از ما بهتر است. مانه وحشی هستیم و نه متمن. برزخ مابین این دو هستیم. اگر وحشی وحشی بودیم هزار درجه بهتر بود حال [و] روز [ما] از این نیمه تمدن. اگرچه امان از دست تمدن. تمدن که آمد سخاوت، رشادت، انصاف، شرف، راستی، رحم تماماً برطرف می‌شود. جنگ بین‌المللی ملل متمن دنیا، تمدن را به عالمیان آشکار کرد که چه قسم با توب و تفنجک [و] سرنیزه و قداره...<sup>\*</sup> بالگ و دست و دندان همیگر را در مدت چهار سال پاره کردند.

۲۵ و ۲۶ اتفاق تازه نیست. صبحها شش ساعت قبل از ظهر مرتبأ سوار می‌شوم به چهار نعل مدت دو الی یک ساعت [و] نیم اطراف شهر گردش می‌کنم، بعد حمام می‌روم. پس از آن به کارهای مردم رسیدگی [می] نمایم.

به رئیس عدیله امر شده است ده نفر معرفی کند برای اینکه حکم صادر شود. از برج ثور رئیس عدیله مشغول است بالتبه اشخاص خوب انتخاب و معرفی [می] نماید.

امروز ۲۸ نور خبر رسید که دولت جهانشاه خان امیر افشار را در کرسف که منزل ایشان است، ده فرسخی زنجان، گرفت و تحت العحفظ به طهران آوردند.

مدیرالملک وزیر خارجه وزیر مالیه شد. میرزا عیسی خان وزیر مالیه استعفا داد. معزز الدله وزیر خارجه شد.

اول جوزا یک مرتبه هوا بسیار گرم شده است. درجه روز ۲۵ است، درجه شب ۲۳. در این چند روز اتفاق تازه نشد بنویسم.

### اختلاف بین سید ضیا و سردار سپه

۶ جوزا یک تلگراف رمز از آقای امیر جنگ رسید که مابین سید ضیاء الدین رئیس‌الوزرا و سردار سپه وزیر جنگ بهم خورده،

\* - یک کلمه مانند «العر» ناخوانا است.

هرچه انگلیسها زحمت کشیدند مابین آنها را اصلاح نمایند موفق نشدند. شاه طرفدار سردار سپه است. قطعاً سید خواهد افتاد. بعد از آن دستخط همایونی زیارت شد که از این قرار است: حکام ایالات و ولایات سید ضیاءالدین از ریاست وزراء منفصل، مشغول تعیین کابینه جدید هستم. راپورت وقایع مهمه را مستقیماً به عرض برسانید.

### دولت قوام‌السلطنه

۸ چوزا دستخط همایونی زیارت گردید که آقای قوام‌السلطنه را به ریاست وزراء معرفی کرده بودند. فاعبروا یا اولی‌البصار. آقای قوام‌السلطنه را سید ضیاءالدین حکم داد در خراسان گرفته تحت‌الحفظ طهران آوردند. ورود طهران سید معزول [شد] و آقای قوام‌السلطنه به جای ایشان رئیس‌الوزراء شدند. دیگر خبر ندارم که با سید چه رفتار کرده است.

امروز آقای امیر جنگ تلگراف کردند که پس از شرفیابی دیشب رئیس‌الوزراء به خاکپای همایونی عموم محبوسین را به مجلس‌شورای ملی بردند. یک دعوت عمومی هم از مردم شد، پس از نطق مفصلی عموم محبوسین را مخصوص کردند. سید ضیاءالدین توسط قشون انگلیس سلامت با اتومبیل حرکت کرد طرف بغداد. البته از آنجا لندن خواهد رفت.

روز ۱۶ جوزا کابینه از این قرار معرفی شدند:

آقای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله  
آقای حاج محتشم‌السلطنه وزیر خارجه  
آقای سردار سپه وزیر جنگ  
آقای مستشار‌الدوله وزیر مشاور  
آقای ممتاز‌الدوله وزیر معارف  
آقای مصدق‌السلطنه وزیر مالیه

آقای مشارالسلطنه وزیر پست تلگراف

آقای عمیدالسلطنه وزیر عدليه

آقای اديبالسلطنه وزير فوائد عامه

آقای حكيمالدوله وزير صحبيه و خيرييه

### صدقالسلطنه در بختيارى

کاغذهای اصفهان که رسيدند معلوم شد آقای صدقالسلطنه پس از استعفای از فارس با اتومبيل اصفهان رفت و در اصفهان به اسم حرکت به طرف طهران رفت بختيارى در \* به خوانين بختيارى از دست سيد ضياءالدين پناهنه شد. در بختيارى بود تا اينکه کابينه سيد افتاد و ايشان وزير ماليه شدند. با آقای سردار اشجع حرکت کردند رفتند طهران. در اين چند روزه خبر تازه قابل ذكر نیست.

امروز آخر جوز است. يك تلگراف از آقای صدقالسلطنه جواب تبریک من رسید. نوشته بود بواسطه [ای] نتوانستم قبول خدمت پست وزارت ماليه را بنمايم. تاکنون هر چه فکر كردم علت را نفهميدم. در زمان کابينه سيد ضياءالدين عوارضاتی به ارزاق عمومی و سایر چيزها بسته شد، در کابينه آقای قوامالسلطنه عوارضات برس ارزاق عمومی لغو گردید.

### افتتاح مجلس

امروز اول سرطان است. درجه هوا توی اطاق ۲۷ است. شبها هوا خيلی خنک است. امروز عصر اول سرطان تلگرافی از آقای قوامالسلطنه رئيس الوزراء به اين مضمون واصل گردید:

بد عموم فرمانفرمايان و حكام ایالات و ولايات امروز که ۱۶ شوال مطابق غرة سرطان است پنج ساعت بعد از ظهر به مباركي و ميمنت بندگان اعليحضرت اقدم همایونی شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطنته مجلسشورای

\* نام آبادی خوانده نمی شود شبیه «قطیر» است. مصدق در خاطرات خود از «قطیر» یاد کرده است.

ملی را افتتاح می‌فرمایند. لازم است این بشارت عظمی را باطلاع عموم برسانید که در تأمین آمال ملی شکرگذار و به مرافق شاهانه مستظہن باشند. اول سرطان، قوام السلطنه رئیس‌الوزراء.

بنده هم تلگراف تبریک به مجلس شورای ملی مخابره کردم.  
۳ سرطان، رئیس‌الوزراء نطق اعلیحضرت همایونی را تلگرافاً  
به ولایات اطلاع دادند که در مجلس شورای ملی نطق فرمودند. نتیجه  
نطق بیطرفی ایران، دوستی با تمام دول که نماینده در ایران دارند،  
زودتر بودجه مملکت را اصلاح کردن، ترتیب قشون را دادن، از این  
قبیل بوده است.

آقای امیر جنگ دیروز تلگراف کردند که آخر شوال در خدمت  
حضرت سردار ظفر برای مذاکرات فامیلی اصفهان خواهم رفت.  
پس از انعقاد مجلس خبر قابلی ندارم بنویسم. هیچ تازه[ای] به من  
نرسیده است.

## هوای کرمان

امروز ۱۳ سرطان است. هوا بسیار خوب است. روز توی اطاق  
که یک ذرع جلو او از صبح تا ظهر آفتاب است درجه ۲۳ و ۲۴ الی  
۱۲۵ است. در موقع ظهر [و] شبهاً اغلب توی اطاق می‌خوابند درجه هوا  
۲۳ و ۲۰ الی ۲۲ است. بهترین هواهای ایران است. در زمستان گرم  
و تابستان خنک. شن زیادی در بیابانها دارد. در موقع حوت و حمل  
باد زیاد می‌آید. شنها را به هوا بلند می‌کند. دو مرتبه اتفاق شد که  
در موقع ظهر چراغ روشن کردیم، از بس هوا تاریک شد. مدت این  
باد اغلب از ظهر شروع می‌شود تا غروب. تقریباً در موقع اواسط تا  
آخر بهار این قسم است و انسان خسته می‌شود. غیر از آن باد و  
تاریکی بواسطه شن، کرمان بهترین نقاط ایران است بواسطه خوبی  
و سلامت هوا، با وجودی که خیلی کم آب است. تمام کوه‌ها و جلگه‌ها  
به قسمی خشک است که اگر یک کبریت آتش بزنند انسان گمان  
می‌کند که تمام کوه و جلگه آتش خواهند گرفت.

## انعلال قشون کرمان

چند روز قبل تلگراف آمد که قشون کرمان منحل. سردار نصرت خیلی دلتنگ شده است بواسطه اینکه او رئیس قشون است و بسیار ذینفع است. امروز یک تلگراف از من خواهش کرد به رئیس‌الوزراء عرض کردم در برقراری قشون. تا چه جواب برسد.

عیال سردار بهادر دیروز تلگراف به من زد که او اصفهان رفت برای سفید دشت. سردار بهادر اصفهان است.

او ضاع انگلیسها پس از برقراری این کابینه و عزل سید در ایران خیلی عقب رفته است. بر عکس دولت سویت روس یک محبوبیتی در طهران پیدا کرده‌اند. در باب شناختن «اسپیار» هم معلوم نیست چه شود. گمان می‌کنم این کار را دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد بنماید. تا امروز که آخر سلطان و اول اسد است اخباراتی که پیش آمده است می‌نویسم.

## اخبار خانوادگی

سهراب و گلی که در طهران در مدرسهٔ آمریک درس می‌خوانندند آقای امیرجنگ آنها را ولایت فرستاد. حاجیه بی‌بی اصفهان بود. با خانه سردار بهادر رفت سفید دشت. خانه‌های آقای سردار ظفر رفتند ولایت. سردار بهادر رفت ولایت. دیگر از مراجعتش خبر ندارم. آقای سردار ظفر و امیر جنگ هنوز طهران هستند.

## اسپیار و قشون

دیروز تلگرافی از مرکز «اسپیار» که شیراز باشد برای «اسپیار» کرمان رسید که چون دولت ایران نتوانست پول به «اسپیار» بدهد دولت انگلیس هم نمی‌تواند این خرج را بدهد. عجاله یک ثلث کم بکنید. در کرمان سوار پیاده توپخانه یک هزار و دویست نفر دارند. چهارصد نفر خارج کردند با دستهٔ موزیک، الباقی قریب هشتصد نفر. در شیراز و اصفهان هم همین قسم رفتار کردند. سردار نصرت

اداره قشو نش منحل شد. سفارش بندۀ هم فایده نبخشید.  
پنج روز قبل آقای حاج عزالممالک پیشدار مالیه عزل شد.  
عجاله شیخ‌الملک کفیل، میرزا لقمان خان محاسب است. حکم رسیده  
است با هم امضاء کنند تا پیشکار معلوم شود.  
۲۹ هوا چهار پنج روز است خیلی گرم شده است. درجه هوا تا  
رسیده است. شبها هنوز بد نیست اما روزها خیلی گرم است.

### کسر بودجه

قراسورانی دوباره برقرار شد با ماهی چهار هزار و چهارصد  
تومان. یکهزار تومان از بودجه سابق کسر شده است. از سوار ایالتی  
هم کسر شده است. هنوز معلوم نیست چقدر است. یکهزار تومان هم  
از مالیه کسر شده است. تا امروز که دهم اسد است خبر تازه نیست.  
از بودجه سوار ایالتی یکهزار [و] پانصد تومان کسر کردند. چند  
روز است هوا بهتر شده است. درجه ۲۷ الی ۲۶ است، لکن شبها  
بسیار خوب است.

ماشاء الله که به نوامیس ارامنه و زردشتی دست اندازی کرده بود  
و نرسی ارمنی را به قتل رسانید به دار مجازات در میدان ارگ  
آویخته شد.

اگر چوب حاکم نباشد ز پی کند زنگی مست در کعبه قی  
دیروز ۱۲ اسد آقای امیر جنگ نوشته تلگرافاً که آقای صمصام-  
السلطنه والی ایالت خراسان شدند.

چهار روز قبل اسب افتاد روی من. هنوز کاسه سرم درد می‌کند.  
مثل این است که مغز سر تکان خورده باشد. چون تاکنون متجاوز از  
پنجاه مرتبه در مدت عمر سر تاخت اسب روی من افتاده است و خدا  
حفظ کرده است، این است که چندان اهمیت برای من ندارد. هوای  
کرمان خیلی بهتر شده است. شبها که انسان محتاج به لحاف<sup>\*</sup> است.  
امروز ۱۶ اسد است.

\* - اصل: لهاف.

**۱۹ اسد آقایان سردار ظفر و امیر جنگ از طهران برای اصفهان حرکت کردند.**

### انحلال قشون کرمان

حکم شد که ذخیره را از سردار نصرت تحویل بگیرم. چند روز است شاهزاده مفاخر السلطنه مشغول تحویل گرفتن است. یک تفنگ جدید و یک تفنگ فرنگی پر پیدا نمی‌شود. روی هم رفته اسباب ذخیره را اگر بفروشنند پانصد تومان کسی نمی‌خرد.  
مدتی است «اسپیار» مشغول حراج است و بعضی اسباب‌ها را حمل هندوستان می‌نمایند.

امروز ۲۳ عید قربان است و سلام منعقد خواهد شد. دیروز آقای جهانشاهخان امیر افشار از طهران تلگراف کرده است که منزل من منزل نماید. جواب نوشتمن منزل خودتان است، چون فوق العاده با ایشان دوست هستم. انشاء الله اثنایه\* را خراب نخواهند کرد. چون هر یک تیکه پارچه مبل را از یک نقطه دنیا خریده‌ام.

### اغتشاش در بختیاری

امروز آقای مرتضی قلیخان تلگراف کرده است که به تحریک آقایان سردار ظفر و امیر جنگ پسرهای سردار ظفر و سردار بهادر اسباب اغتشاش را فراهم آورده‌اند، شما چه می‌گوئید. در جواب نوشتمن که من هیچ وقت شریک اغتشاش نخواهم بود و همه وقت عموم را به سلامت روی نصیحت می‌کنم. این است عقیده من.

دیروز از طرف اعلیحضرت همایونی نشان قدس و حمایل آبی به من مرحمت شد، آقای امیر جنگ نوشتند که همراه مرأت‌السلطنه فرستاده خواهد شد. آقایان سردار ظفر و امیر جنگ روز جمعه با اتومبیل از طهران حرکت [کرده] روز شنبه وارد اصفهان شدند. در باب مناقشة پسرهای آقای سردار ظفر و سردار بهادر دیروز

\* - اصل: اساسیه.

بیهادرالدوله تلگراف به من کرد که مرافعه سر این شد: آقایان ایلخانی و ایل بیگی بر ضد آمدن آقای سردار ظفر بودند به بختیاری. این مطلب به پسرهای آقای سردار ظفر و سردار بیهادر برخورد. هیاهوئی کردند. آقای امیر مجاهد و چند نفر از رؤسای بختیاری آمدند آنها را متلاuded کردند، بردن خدمت ایلخانی و ایل بیگی. اگر هم ضدیتی در رفتن آقای سردار ظفر داشتند مرتفع شد. آقایان هم ساكت شدند.

### موقوفات کرمان

چندین سال است آقای حاج میرزا علیمحمد و حاج میرزا مرتضی اخوی ایشان موقوفاتی غصب<sup>\*</sup> کردند. ایالات هم چیزی نمی‌گفتند. در موقع ایالت منرقاباد و مهجرد، این دو موقوفه را از ایشان پس گرفته و مطابق وقفا نامه رفتار کرد. عجاله از این دلتنه هستند. حاج میرزا مرتضی هم در تهران و کیل مجلس است. هرچه بر علیه من شکایت کردند به جائی نرسید. لکن تمام اهل شهر و علماء [و] تجار خوشوقت هستند. اتكاء من فقط و فقط به ذات احادیث است و بس. هرچه تصور من است خواهد شد. غیر از رضای او کاری نمی‌کنم و به او متول و متوكلم. رضاً به قضاء الله و تسليماً له الامر.

### سرنوشت عدل السلطان

بواسطه همراهیهای بیموقع و بیجای عدل السلطان از حضرات او را از حکومت عزل کرد. محتشم الملک و محتشم الدوله را بجای او منصوب کرد. بیچاره ناخوش سخت شده است. دو ماه است تب می-کند. به مشروب هم عادت کامل دارد. تابستان و تب و مشروب. مدام وافور هم استعمال می‌کند. سه محرم دار فانی را وداع گفت. خداوند از تقصیرات او بگذرد. این است دنیا و عاقبت دنیا. خوشابه حال کسی که با نام نیک از این دنیا می‌رود. مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند.

بیست [و] دو روز تمام [است] که به سرگیجه و درد سر مبتلا شده‌ام. اول حالم خیلی بد بود. از برکت عزاداری سیدالشہداء (ع) بهتر شده‌ام. در دهه محرم مشغول عزاداری هستم. زن و مرد کرمان اکثر می‌آیند. روضه از تشرت جمعیت تماشائی است. مهندس‌الممالک پیشکار مالیه شد.

روز ۱۲ سپتامبر [مهندس‌الممالک و مرات‌السلطنه] حرکت کردند. حامل نشان قدس من هم هستند با حمایل آبی. «اسپیار» که قشون جنوب باشد هنوز مشغول حراج اثایه\* هستند.

پس از رفتن آقای سردار ظفر و امیر جنگ به ولایت دیگر خبری از آنها ندارم و همین قسم پس از اینکه آقای صمصام‌السلطنه فرمانفرمای خراسان شدند دیگر خبری ندارم که حرکت کرده‌اند یا خیر.

### اعتبارنامه و کلا

وکلا تمام قبول شدند. در موقع مرور به اعتبارنامه‌ها غیر از اسماعیل میرزا پسر ظل‌السلطان، سلطان‌محمدخان نائینی به اسم اتحاد با سید ضیاء‌الدین، عدل‌الملک هم بهمچنین. چند نفر دیگر هم می‌گویند اما معلوم نیست.

مهندس‌الممالک و مرات‌السلطنه وارد شدند. نشان قدس و حمایل آبی را آوردند. ولی چون در محرم وارد شدند استقبال از نشان ممکن نشد. استعمال آن در ربیع الاول باید بشود پس از روضه‌خوانی.

### ماهان و موقوفات آن سال ۱۳۶۰ قمری

۱۴ محرم حرکت کردم برای تغییر آب و هوا رفتم به ماهان که مقبره شاه نعمت‌الله ولی است. بسیار مجلل ساخته شده است. از طرف نوابهای هندوستان ساخته‌اند. سالی هم تقریباً ده‌هزار تومان موقوفات دارند و [فرسخ است تا کرمان.]

از آنجا سه‌کنج رفتم، سه فرسخ است تا ماهان. بسیار جای

\* اساسیه (اصل).

خوبی و دره بسیار خوبی. آبشارهای خوب دارد. از آنجا رفتم مهچال<sup>\*</sup> سه فرسخ است تا ماهان. بقدر یک صد قطعه کبک شکار کردم به دست خودم، با وجودی که امسال بواسطه کم پارشی زمستان ابدأ یکدانه فره کبک ندیدم. تعجب این است که این یکصد قطعه کبک که شکار کردم تماماً نر هستند. یک ماده ندیدم. هیچ نمی‌دانم چه شده است که تمام ماده‌ها مرده‌اند.

### ناامنی راهها

۴ میزان مراجعت کردم. توپخانه «اسپیار» هم منحل شد. یک ماه است که راه رفسنجان هنگامه شده است از شدت حملات دزدهای فارس. یکصد و دویست نفر پی‌در پی یک‌مال التجاره زیاد بقدر یکصد و پنجاه بار به قیمت پنجاه هزار تومان دزدهای فارس برداشتند. بعد از چند روز باز دسته‌دیگر رسید. چهل سوار بختیاری به کمک قراسوران فرستادم. امیر شوکت رئیس قراسوران را هم فرستادم. باز سوار از بختیاری خواسته‌ام. از ولایت یکصد سوار بچاقچی افشار خواسته‌ام که انشاء‌الله از تجاوزات عجیب فارس که باید حمل به دستوری کرد که قطعاً دست فساد در این کار است، یا داخله یا خارجه. یک هفته سواران بختیاری با یک دسته دزد جنگ کردند. مرتضی‌قلی سیوند<sup>\*</sup> جوان رشیدی بود کشته شد. دو اسب از بختیاری، دو اسب قراسوران کشته شد. چهار اسب از دزدها [و] چهار نفر دزد کشته شدند. سه نفر دزد هم اسیر شدند.

### حبس مشارالملک

دیروز تلگراف رمز داشتم. مشارالملک که وکیل کرمان بود و در زمان کابینه سید ضیاء وزیر دربار شد او و همدستان او را دولت حبس کرد. باید خیانت کرده باشند. چون من مشارالملک را می‌شناسم

- - مهچار در فرهنگ آبادیها.
- - سیوند (اصل).

قطعاً خیانت کرده است.

### اصلاح بختیاریها

تلگرافی از آقایان امیر مفخم و سردار ظفر و امیر جنگ داشتم که خوانین عظام بحمد الله اصلاح کردند. چند روز دیگر عموماً وارد اصفهان خواهند شد.

### کلنل محمد تقی خان

کلنل محمد تقی خان هم در خراسان ظاهراً کفیل است ولی باطنایاغی است. [از] اردوی قزاق هم که طرف خراسان مدتی است حرکت کرده است خبری ندارم.

### سبب حبس مشارالملک

مشارالملک وزیر دربار که دولت او را حبس کرد از قرار معلوم داخل یک نقشه بود برای کشتن رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ. ظهیر-الاسلام برادر امام جمعه هم با او همdest بود و حبس شد.  
امروز ۱۰ میزان است خبر تازه ندارم.

امروز ۱۶ میزان تازه‌ای نیست. امروز تلگرافی از آقای قوام السلطنه رئیس‌الوزراء رسید که در نتیجه یاغیگری کلنل محمد تقی خان در خراسان در حدود قوچان جنگی مابین اردوی دولتی مرکب از قوای محلی آن صفحات با کلنل واقع گردید. قوای کلنل شکست خورده متفرق شدند و خود کلنل در میدان جنگ مقتول گردید. کلیه صاحب- منصبان ژاندارمری تسلیم گردیدند. دولت هم به آنها عفو عمومی داد. این جنگ ۱۱ میزان واقع شد. بلای بزرگی بحمد الله بر طرف گردید. هر کس به ایران خیانت نماید انشاء الله به همین روز خواهد رسید. واقع عملیات آقای قوام السلطنه رئیس دولت قابل تقدیر است. آقای دکتر احیاء‌الملک هم تصدیق می‌نمایند.

امروز ۱۸ میزان تلگراف متعدد المآل رسید. آقای قوام السلطنه

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله  
آقای سردار سپه وزیر جنگ  
آقای مشار‌السلطنه وزیر خارجه  
آقای مصدق‌السلطنه وزیر مالیه  
آقای عمید‌السلطنه وزیر عدالیه  
آقای امیر‌اعلم وزیر معارف و اوقاف  
آقای شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف  
آقای نیر‌السلطان وزیر تجارت [و] فوائد عامه، در حضور  
همایونی و مجلس شورای ملی معرفی شدند. تلگراف به امضای آقای  
قوام‌السلطنه رئیس دولت بود.

امروز ۲۵ تلگرافی از وزارت داخله رسید که به جای مشار‌الملك  
یک نفر وکیل معین‌کنید. این وکیل از طرف سیرجان، افشار، اقطاع،  
بردسیر، پاریز باید معین شود. امیدوارم وکیل خوبی معین شود.

### هوای کرمان

امروز ۲۶ است اتفاق تازه نیست. هوای کرمان بسیار خوب  
است. تابستان خنک، زمستان گرم، آسمان بسیار روشن، شبها ابدأ  
تاریک نیست. هوای اینجا یک برق عجیب دارد. شبها دست که به لباس  
می‌خورد یا اینکه در موقع خواب ملافه را انسان تکان می‌دهد او لا به  
اندازه [ای] «الیک‌تریک»\* می‌زند که تمام رختخواب روشن می‌شود.  
دویماً دست انسان را قوه برق اذیت می‌نماید. بعدی ماهتاب شبها  
درخشان است که چشم می‌زند، و آسمان به اندازه‌ای آبی است که در  
هیچ نقطه عالم ندیده‌ام.

### احیاء‌الملک

دیروز ۲۵ برای عیال آقای دکتر که مدت یک سال است با آقای  
دکتر لیلی و مجنون هستند خداوند دختری داده است. آقای دکتر با

\* = الکتریک.

وجودی که منزل عیالش تا اینجا خیلی دور است روزی دو مرتبه احوالپرسی می‌رود. هل و گل می‌رود. من از ترس حاجیه خانم والدۀ بچه‌ها عیال اقای دکتر که در طهران است و حال زیارت کرbla رفته است جرأت نکردم چشم روشنی بفرستم. در این باب خیلی ملاحظه کاری می‌نمایم.

پنجاه سوار بختیاری از آقای امیرجنگ خواسته‌ام. دیروز تلگراف زدند که نهم صفر با ده هزار فشنگ حرکت کردند. ضرغام همایون دهم صفر برای فارس و استرداد اموال مردم که دزدهای فارس برده‌اند حرکت کرده است. عجاله سوار راه را زیاد کرده‌ام. امیدوارم که دیگر دزدها نتوانند کاری بنمایند. عجاله عده «اسپیار» در کرمان فقط دویست پیاده و یکصد سوار با دو صاحب منصب انگلیس است.

### یاغیگری سمیتفو

در آذربایجان هم هنوز اغتشاش هست. اسماعیل آقای شکاک یاغی است. چند سال است که اردوهای دولتی با او چنگ می‌کنند لکن هنوز در شرارت باقی است.

### میرزا کوچک‌خان

میرزا کوچک‌خان که چندین سال است در جنگل رشت طلوع کرده است و خود را فدائی ملت می‌داند بقدر دو هزار جمعیت دارد، حقوق عده خود را از املاک متمولین گیلان می‌دهد با دولت حاضر مشفول مذاکره هستند. هنوز برای تسلیم شدن حاضر نشده است. قوای دولتی طرف رشت رفته است. دیگر خبری ندارم. مکان میرزا کوچک‌خان جای سختی است. تمامش جنگل است، توپخانه نمیتواند برود داخل بشود. اگر مقداری از جنگل قطع کنند میرزا کوچک طرف دیگر جنگل می‌رود. جنگل بسیار بزرگ است و میرزا کوچک مثل جیب خود تمام جنگل را می‌شناسد. بر عکس اردوی دولتی هیچ نمی‌شناسد.

\* \* \*

راه‌های کرمان عجاله امنیت پیدا کرده است. حملات فارس خیلی خیلی کم شده است.

امروز آخر میزان است. هوا هم شبها خوب سرد است.

امروز ۱ عقرب کاغذی از رئیس قشون جنوب به من رسید که ۸ عقرب بکلی بقیه قشون جنوب منحل خواهند شد. روز نهم دیگر از قشون جنوب یک نفر وجود نخواهد داشت، «الخیر فی ماوفع».

### جنگ با میرزا کوچک‌خان

و امروز تلگرافی از آقای رئیس‌الوزراء رسید متعدد‌المآل که عین تلگراف سردار سپه وزیر جنگ را مخابره کرده بود که جنگ بزرگی مابین اردوی دولتی به ریاست وزیر جنگ با میرزا کوچک و جنگلیها در پشت شهر رشت واقع [شد، در] نتیجه دو جنگ بزرگ جنگلیها شکست خورده اغلب نقاط را از دست آنها گرفته‌اند. فقط یکطرف مغرب جنگل در دست جنگلیها باقی است. وزیر جنگ امیدوار است بزودی همه را قلع و قمع نماید.

### انحلال اسپیار

۸ عقرب بکلی «اسپیار» منحل شد. تمام صاحب‌منصبان انگلیس هم رفتند. راه‌های کرمان به واسطه زحمات بنده امنیتی حاصل کرده‌اند. عجاله بحمد الله ترتیبات کرمان از هر حیث خوب است.

مشارالملک [و] ظهیرالاسلام که به کمیته ترور تشکیل دادن متهم بودند برای قتل آقای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء و توسط سردار سپه وزیر جنگ جمعیتی گرفتار شدند مشارالملک بواسطه میل شاه تبعید شد به فرنگستان

هوای کرمان تاکنون ۱۷ عقرب است بسیار خوب است. آسمان و ماهتاب روشن که در هیچ نقطه دنیا نه آسمان به این خوش رنگی و نه ماهتاب به این روشنی [است]، حقیقته ماهتابش چشم را می‌زند.

### حالت انگلیسها

برای اموال دزدی ضرغام بختیاری را فرستادم فارس. هنوز نتیجه کاملی به دست نیامده است. حالت انگلیسها که واقعا در ترمان حکومت داشتند تماشائی است. بعد از منحل شدن «اسپیار» بسیار بد روزی دارند. خداوند هیچ ملتی را ذلیل ملت خارجی نکند.

۲۶ عقرب نشان فدس و حمایل آبی را به پیکر انداختم. چور روز مولود پیغمبر (ص) بود برای تیمن دعوی شد از فونسل و تمام اعیان و رؤسای ادارات داخله و خارجه، یک ساعت قبل از ظهر به اتمام رسیده بود سلام منعقد شد.

### مقابله با سمیتقو

یک هفته قبل پانصد نفر قزاق طرف آذربایجان از مرکز حرکت کرد. خود وزیر جنگ که سردار سپه باشد طرف آذربایجان خواهد رفت. اسماعیل آقای شکاک پنج سال است یاغی [است]. وضع خرابی به خوی، سلماس، ارومی وارد آورده است. قشونهای دولتی تاکنون کاری نتوانسته اند از پیش ببرند. چهار هزار نفر قشون قزاق تا یک ماه دیگر از مرکز به طرف آذربایجان خواهد رفت.

### نظام‌السلطنه

نظام‌السلطنه مافی که در موقع جنگ بین‌المللی طرفدار عثمانی و آلمان شد در ایران رئیس مهاجرین شد بعد از آن رفت به اسلامبول و برلین چند روز قبل از راه عربستان [و] بختیاری رفت طهران. فوری ایالت خراسان به او واگذار شد و حرکت کرد رفت مشهد مقدس.

خوانین عظام چند روز است عموماً جمع شده‌اند در اصفهان.

### صدق‌السلطنه در مالیه

مدت یک ماه است آقای مصدق‌السلطنه وزیر مالیه مشغول اصلاح

بودجه است. چون جوان جدی تحصیل کرده است امیدواریم موفق بشود. مدتی است آقای ممتازالدوله که وزیر معارف و اوقاف بود رئیس یک کمیسیون شده است رفته است برای اتحاد بین دولت ایران و کمالیون\* در آنقره. در آذر با یجان قفقاز هم بعضی قرارداد تجاری و غیره باید بینند.

### میرزا کوچک خان

۱۶ قوس تلگرافی از رئیس‌الوزراء رسید متحتمال که پس از جنگ با میرزا کوچک خان در جنگل در کوه‌های طالش تلف شد. پس از پنج شش سال که میرزا کوچک خان به اسم خدمت به وطن در گیلان عرض اندام نمود بقدر پانصد و بعد زیادتر استعداد جمع کرد، دهات خوانین و تجار و متمولین را ضبط کرد، لکن به رعیت اذیت نمی‌کرد. در جنگ بین‌المللی زمانی که اوضاع سلطنت روسیه واژگون شد روسها ایران را ترک کردند مقداری تفنگ [و] فشنگ [و] میترایوز به دست میرزا کوچک رسید، قوه او زیادتر شد. از طرف دولت چند مرتبه تعقیب شد لکن بی‌ثمر باز قوه میرزا کوچک رو به ازدیاد گذاشت. طلوع بالشویکی که عده روسها به شمال غربی ایران آمدند مدتی زد خورد شد با آنها، آنها هم با میرزا کوچک همدست شدند، قوت آنها خیلی زیاد شد. تا اینکه قرارداد مشهور ما بین دولت ایران و حکومت سویت بسته شد. وزیر مختار سویت طهران آمد. تمام بالشویک روس را از ایران خارج کردند. مقدار خیلی زیادی توپ و تفنگ ایضاً به دست میرزا کوچک افتاد. مکان او در جنگل خیلی جای سختی بود. در زمان زمامداری قوام‌السلطنه انقلابات بالشویکی که در گیلان و مازندران [و] تنکابن\* طلوع کاملی کرده بود خاموش نمود. میرزا کوچک هم در جنگل فرار کرد. نظم در تمام گیلان برقرار شد. نتیجه تلگراف ۱۶ قوس این بود که میرزا کوچک تلف شد.

\* - مراد طرفداران مصطفی کمال آتاتورک است.

\* - اصل: تنکآبون.

هوای کرمان حال که ۲۵ قوس است فوق العاده معتدل است.

### شکار

۲۶ قوس شکار آهو رفتیم. سه شب ماندیم: آقایان مهندس الممالک، صاحب نسق، دکتر احیاء الملک، مرأت‌السلطنه، محتشم الممالک، هژبر، رکن‌السلطان. یک آهو من زدم. دو تا هژبر، یکی مرأت‌السلطنه. هوا هم چندان سرد نبود. اخبار تازه ندارم بنویسم.

آقای مهندس الممالک پیشکار مالیه و مشاور الممالک مفتش کل مالیه هر دو عزل شدند. مهندس الممالک ۱۷ جدی طرف طهران با کالسکه حرکت کرد. فطن‌الملک\* که نمی‌شناسم پیشکار مالیه شده است. گویا فردا وارد کرمان بشود.

### نفت شمال

چند روز قبل تلگراف از رئیس دولت آمد که نفت خراسان و آذربایجان [و] گیلان [و] مازندران [و] استرآباد را به کمپانی امریکائی امتیاز دادند به امضاء و تصدیق مجلس. از تمام ایران دولت را تبریک گفتند. دولت روس و دولت انگلیس اعتراض\* کردند. دولت روس به این جهت که در فصل هشتم اتحاد روس و ایران که تمام امتیازات گذشته چه راجع به دولت روس و چه به تبعه روس باشد کلا ملغی گردید به شرط اینکه دولت ایران هم این امتیازات [را] به دولت ثالثی ندهد. دولت ایران در جواب نوشت که این امتیاز نفت شمال که به تبعه شما داده شده بود چون به امضای مجلس نرسیده بود رسمیت نداشت. به دولت انگلیس در جواب نوشت که در سه سال قبل که شما خواستید این امتیاز را از تبعه روس ابتیاع کنید وزیر خارجه ایران به شما نوشت که چون این امتیاز رسمیت ندارد شما بدون جهت پول خودتان را چرا در آب می‌ریزید. به دلیل همان

۰ - اصل: فتن‌الملک.

۰ - اعتراض (اصل).

نوشته معامله شما باطل است.

\* \* \*

امروز به ۱۹ جدی است خبر نازه از هیچ نقطه ندارم. پسر ضرغام همایون که با پدرش مأمور گرفتن اموال بودند از دردهای فارس مراجعت کرد. یکصد هزار تومان مال از مردم برداشت در عوض بیست هزار تومان دادند، آن هم هرچه و بهر قیمتی ذه مایل بودند. وضع فارس و اقتدار ایالت آنجا خوب نیست.

۲۰ جدی پیشکار جدید مالیه وارد شد. آمد پیش من. به نظر آدم کارکرده درستی است. در باغ ناصری منزل کرده است. بهادرالدوله را احضار کرده بودم. ۲۰ جدی از اصفهان حرکت کرده است با یک عده سوار.

امیر حسینخان سردار از حکومت یزد استعفا دادند. آخر جدی برای اصفهان حرکت خواهد کرد.

آقای سردار اشجع طهران بود حاکم اصفهان شد. روز ۲۵ جدی برای استقرار مقر حکمرانی حرکت کرد.

### تشکیلات قشون

یک هفته قبل از وزیر جنگ تلگراف داشتم [که] اسم قزاق و ژاندارم بکلی ملغی [شده است]. در عوض مجموعاً قشون بگویند. پنج مرکز برای قشون معین شده است: شرق که خراسان و اطراف باشد، شمال که آذربایجان و اطراف باشد، غرب همدان و اطراف، جنوب که اصفهان باشد و اطراف. فارس [و] کرمان [و] یزد جزء جنوب است. مرکز پنجم در خود طهران است. ژاندارم هم جزء قشون شد.

### تفییر کابینه

امروز اول دلو تلگرافی از آقای مشیرالدوله متعددالمآل رسید که به امر همایونی ریاست وزراء را قبول کردم بزودی کابینه معرفی

خواهد شد. آقای قوام‌السلطنه استعفا دادند. قبل از استعفا تلگراف متعدد‌المآل مخابره کرده بود که اعلیحضرت همایونی برای کسالت مزاج و معالجه روز ۴ دلو به طرف فرنگستان حرکت خواهند کرد. ولیعهد هم احضار شده‌اند که در غیاب شاه زمامدار باشند. گمان‌دارم علت تغییر کابینه بواسطه حرکت شاه باشد. بعد معلوم خواهد شد و اگر زنده باشم خواهم نگاشت.

کمیسیونی برای کمک به قحطی زدگان روسیه در تحت ریاست سردار سپه وزیر جنگ بقرار شده است.

اول دلو تلگرافی از آقای وزیر جنگ به بنده رسید و کمک خواسته بود. شخصاً یک‌هزار تومان حواله تلگرافی تقدیم کمیسیون نمودم.

امروز ۵ دلو تلگراف آقای مشیر‌الدوله رئیس‌الوزراء رسید که کابینه را سوم دلو در حضور همایونی و مجلس شورای ملی به‌این قسم معرفی نمودم:

### کابینه مشیر‌الدوله

آقای مشیر‌الدوله رئیس‌الوزراء [و] وزیر داخله

سردار سپه وزیر جنگ

حکیم‌الملک وزیر خارجه

سردار معظم وزیر عدلیه

ادیب‌السلطنه وزیر فلاحت [و] تجارت [و] فوائد عامه

مدیر‌الملک کفیل مالیه

اعتلاء‌السلطنه وزیر پست و تلگراف

نیر‌الملک وزیر معارف و اوقاف.

۱۴ برج دلو اعلیحضرت همایونی مجدداً برای مسافرت فرنگستان

حرکت فرمودند. در غیاب شاهزاده اعتضاد‌السلطنه تا والاحضرت

ولیعهد تشریف بیاورند ولیعهد هستند.

بهادر‌الدوله یک هفته قبل وارد شدند برای نظم به و نرماشیر

جیرفت و غیره. پنج روز دیگر او را حرکت خواهم داد.  
خوانین عظام همه اصفهان تشریف دارند. خانواده من عموماً در  
اسصفهان هستند.

خانم قونسول دو روز دیگر برای پاریس از راه دزداب با قونسول  
حرکت خواهند کرد با اتومبیل. یکصد فرسخ متباوز است تا کرمان،  
از کرمان تا بم یک روز می‌برند، از بم به دزداب سه روز. راه آهن  
آمده است الی دزداب که سرحد است. خانم از آنجا برای پاریس  
[می‌روند و] قونسول به کرمان مراجعت می‌کنند.

### فرار لاهوتی

روز ۲۰ خبر رسید که کلنل لاهوتی خان با عده [ای] ژاندارم  
قراقوها را که در تبریز بودند محاصره کردند. بعد از چندی قراقوها  
چه تسلیم و چه فراری شدند.

روز ۲۲ تلگراف متحده‌المآل از دولت رسید که بواسطه خودسری  
و یاغیگری لاهوتی خان امر شد به قشون که در راه بودند یاغیها را  
محاصره کردند. بعد از زد و خورد مختصری تمام ژاندارم تسلیم،  
lahooti فرار کرد. شهر در کمال نظم درآمد، بدون اینکه ضرری  
متوجه اهل شهر بشود. آقای مخبر‌السلطنه والی احضار شد، دیگری  
را خواهند فرستاد.

آقای آمیرزا شهاب وکیل سیرجان طرف طهران حرکت کردند.

### ستاره بختیار

آقایان امیر مفخم و سردار ظفر و سردار محتشم و مرتضی قلی خان  
از اصفهان طرف بختیاری حرکت کردند که بروند گرمیسیر. آقای  
امیر مفخم ایلخانی و آقای سردار ظفر ایل بیگی شدند. خوانین زادگان  
تحصیل کرده کمیته تشکیل دادند به اسم «ستاره بختیار» برای رواج  
صنعت، زراعت، درست کردن مریضخانه‌ها و دارالایتمام، شوشه کردن  
راه بختیاری تا اصفهان، کشیدن تلفن و غیره و غیره. تا نتیجه چه

حاصل شود. اگرچه مذاکره این مطالب هم بسیار امیدبخش است اما من هیچ به این آقایان عظام اول و بعد به شخص خودم امید ندارم که یک کار خوب ما لیاقت داشته باشیم که از خودمان یادگار بگذاریم. مع هذا ما یوس نیستم.

نهم حوت تلگرافی از اصفهان به من رسید که امیرلشکر فرمانده ارکان حرب جنوب با سردار بهادر و چهار نفر صاحب منصب دیگر برای تشکیلات نظامی کرمان چند روز دیگر از اصفهان حرکت خواهند کرد. در باع ناصری ده روز مهمن من هستند و مراجعت خواهند کرد. بنزین خواسته‌اند. هفت پو ط در یزد و هفت پو ط انار حاضر کنم. فوری فرستادم.

قونسل هم که عیالش را دزداب فرستاده چند روز [است] از دزداب مراجعت کرد. اخباری ندارم بنویسم.

### کمک په قحطی زدگان روسیه

کمیسیون اعانه برای قحطی زدگان روس در تحت ریاست سردار سپه وزیر جنگ چند روز قبل نوشته بودند مبلغ سه هزار و سیصد تومان بلیط برای کرمان فرستادند که مردم هر کدام مایل هستند کمک کنند. غیر از این مبلغ هزار تومان خود بnde کمک کردم و فرستادم. حال هم یک کمیسیون تشکیل داده‌ام برای وصول مبلغ مذکور.

امیرلشکر جنوب و سردار بهادر دیروز ۲۵ حوت با اتومبیل برای تشکیلات قشون که به کرمان از اصفهان حرکت کردند. ۱۸ حوت یک بارش فوق العاده مفیدی بارید، تمام نقاط کرمان از گرسیز و بیلاق. بحمد الله امسال حاصلش خوب و علفش خوبتر شده است.

### قراسورانی

دیروز ۲۳ حوت تلگراف متعددالمال رسید که سوار ایالتی

حکومتی منحل [است] و قراسورانیها جزء وزارت جنگ باشد باشند. من هم اجازه خواستم از دولت که سوارهای بختیاری را مخصوص کنم بروند بختیاری. تحدید، نواقل، دخانیات که مالیات غیرمستقیم نامیده میشود با خالصجات دولتی و خانهواری جزء وزارت جنگ شده است.

**۲۸ حوت** امیرلشکر جنوب با آقای سردار بهادر و سه صاحب منصب وارد شدند. امیرلشکر بسیار آدم درستی است و کار کرده. جزء صاحب منصبهای قراقچانه است. از اینجا چند روز دیگر پس از ترتیب تشکیلات با سردار بهادر فارس می‌رود.

### (۱۳۰۱ شمسی)

امروز اول حمل است. چهل و هشت دقیقه بعد از ظهر سال تحویل می‌شود. امیدوارم این عید سعید ملی بر تمام ایرانیان مبارک و میمون باشد. از دیشب تاکنون که سه ساعت بعد از ظهر است آسمان مشغول باریدن است. امسال بر عکس سال گذشته حاصل کرمان گرسیز و بیلاق بسیار خوب است.

### تشکیلات قشونی

**۵** حمل امیرلشکر جنوب با سردار بهادر با اتومبیل از راه سیرجان، نیریز برای شیراز حرکت کردند که تشکیلات قشونی را بازدید نمایند. برای ریاست قشون کرمان یاور محمدخان را گذاشته‌اند. چند روز است مشغول عده گرفتن است. عجاله یکهزار نفر پیاده خواهند گرفت [و] دویست سوار. سوار کرمان بسیار بد است. لکن پیاده او را می‌شود تربیت کرد. سه فوج بنیچه دارد. فوج شوکت را خبر کرده‌اند که حاضر شود. چون هنوز ترتیبات قشونی برقرار نشده است یک ماه حقوق [به] سواران بختیاری وزارت جنگ می‌دهد که برای نظم بمانند تا اینکه به یک اندازه سوار [و] پیاده حاضر کنند.

## صدق‌السلطنه والی آذربایجان

صدق‌السلطنه فرمانفرمای آذربایجان شد و رفت به تبریز.  
معاضد‌السلطنه حاکم یزد شد.

امروز ۱۳ عید نوروز است. هوا ملایم است. عصری گردش خواهم رفت. هوای کرمان هنوز سرد است. عصرها در حیاط نمی‌شود نشست. هوای اطاق ۱۷ درجه است. سال نو رؤسای ادارات از این قرار هستند:

## رؤسای کرمان

یاور محمدخان که از صاحب منصبان قزاق بود رئیس قشون  
فطن‌الملک پیشکار مالیه  
میرزا عبدالرحیم خان کماکان رئیس عدلیه  
مجلل‌السلطنه کماکان کارگزار  
فرهیمی رئیس معارف و اوقاف  
فرامرزخان ارمنی رئیس مالیات غیر مستقیم  
شاهزاده مفاخر‌السلطنه نایب‌الایاله  
مسعود‌الملک کماکان رئیس نظمیه  
معتمد کماکان رئیس کابینه.

## نغمہ بالشویکی در ایران

در طهران روزنامه‌نویسها با وزیر جنگ طرف شده‌اند. عملیات او را بر علیه مشروطیت معرفی می‌نمایند، در صورتیکه ملتی مثل ایرانی امروز باید دولت با قدرت با او رفتار نماید. دو قدرت هست: یکی مثل زمان ناصرالدین‌شاه و غیره، آن قدرت سم قاتل است. لکن قدرت مثل پطر کبیر برای روسیه یا امپراطور ژاپون برای ژاپونی برای آبادی، عظمت، اداره شدن ادارات مثل امروز اروپا. اکنوزیر جنگ نبود نغمہ بالشویک در ایران شروع شده بود.

## خيال استعفا

خيال دارم انشاء الله آخر بهار استعفا داده حرکت کنم. اولاً حقوق ایالت یکهزار و دویست شده است در ماهی. در صورتیکه مخارج من کمتر از ماهی چهار هزار تومان نیست. باید مبلغی ضرر کنم. دخل خارج هم ندارم. به این جهت مجبور از استعفا خواهم شد قرض زیاد هم دارم که نمیتوانم برای خدمت دولت از جیبم ضرر کنم. اخبار تازه نیست.

۵ تور عید مولود پادشاه است. سلام دستور داده شده است. سب سلام از آقایان ایرانی و اروپائی شام دعوت کرده‌ام.

## وکیل بلوچستان

از بلوچستان دولت وکیل خواسته است، من هم به بلوچستان آدم فرستادم. سید حسین خان بزمونی را وکیل معین کردند. آمد کرمان چند روز دیگر طرف طهران حرکت خواهد کرد.

## روزنامه‌نویسها و بشویکی

یک ماه قبل جمعی از روزنامه‌نویسها برای اینکه حکومت نظامی طهران باید لغو شود، وجود مجلس و حکومت نظامی باهم منافات دارد، سفارت روس پناهنه شده [بودند] بعد از چندی از سفارت بیرون آمدند و موقیت حاصل نکردند. قصد اکثر روزنامه‌نویسها ترویج مرام بشویک است. عجاله که دولت مشیرالدوله خوب استقامت کرده است. لکن استقامت از شخص سردار سپه وزیر جنگ است.

## زردشتیها و آبادی ایران

کرمان خبر تازه‌ای نیست. چند روز قبل دکتر منوچهر زردشتی آمد کرمان از راه شیراز، رفت از راه یزد اصفهان به طهران. قصدش این است خیال دارند جماعتی از زردشتیها با ثروت زیاد داخل ایران شوند و به اجازه دولت و ملت شروع به آبادی ایران نمایند. در

## صدق‌السلطنه والی آذربایجان

صدق‌السلطنه فرمانفرمای آذربایجان شد و رفت به تبریز.  
معاضد‌السلطنه حاکم یزد شد.

امروز ۱۳ عیید نوروز است. هوا ملایم است. عصری گردش خواهم رفت. هوای کرمان هنوز سرد است. عصرها در حیاط نمی‌شود نشست. هوای اطاق ۱۷ درجه است. سال نو رؤسای ادارات از این قرار هستند:

## رؤسای کرمان

یاور محمدخان که از صاحب منصبان قزاق بود رئیس قشون  
فطن‌الملک پیشکار مالیه  
میرزا عبدالرحیم خان کماکان رئیس عدلیه  
مجل‌السلطنه کماکان کارگزار  
فرهیمی رئیس معارف و اوقاف  
فرامرزخان ارمنی رئیس مالیات غیر مستقیم  
شاهزاده مفاخر‌السلطنه نایب‌الایاله  
مسعود‌الملک کماکان رئیس نظمیه  
معتمد کماکان رئیس کابینه.

## نفمه بالشویکی در ایران

در طهران روزنامه‌نویسها با وزیر جنگ طرف شده‌اند. عملیات او را بر علیه مشروطیت معرفی می‌نمایند، در صورتیکه ملتی مثل ایرانی امروز باید دولت با قدرت با او رفتار نماید. دو قدرت هست: یکی مثل زمان ناصرالدین‌شاه و غیره، آن قدرت سم قاتل است. لکن قدرت مثل پطر کبیر برای روسیه یا امپراطور ژاپون برای ژاپونی برای آبادی، عظمت، اداره شدن ادارات مثل امروز اروپا. اگر وزیر جنگ نبود نفمه بالشویک در ایران شروع شده بود.

### خيال استعفا

خيال دارم انشاء الله آخر بهار استعفا داده حرکت کنم. اولاً حقوق ایالت یکهزار و دویست شده است در ماهی. در صورتیکه مخارج من کمتر از ماهی چهار هزار تومان نیست. باید مبلغی ضرر کنم. دخل خارج هم ندارم. به این جهت مجبور از استعفا خواهم شد قرض زیاد هم دارم که نمیتوانم برای خدمت دولت از جیبم ضرر کنم. اخبار تازه نیست.

۵ ثور عید مولود پادشاه است. سلام دستور داده شده است. سب سلام از آقایان ایرانی و اروپائی شام دعوت کردہ‌ام.

### وکیل بلوچستان

از بلوچستان دولت وکیل خواسته است، من هم به بلوچستان آدم فرستادم. سید حسین خان بزمونی را وکیل معین کردند. آمد کرمان چند روز دیگر طرف طهران حرکت خواهد کرد.

### روزنامه‌نویسها و بشویکی

یک ماه قبل جمعی از روزنامه‌نویسها برای اینکه حکومت نظامی طهران باید لغو شود، وجود مجلس و حکومت نظامی باهم منافات دارد، سفارت روس پناهنه شده [بودند] بعد از چندی از سفارت بیرون آمدند و موقتی حاصل نکردند. قصد اکثر روزنامه‌نویسها ترویج مرام بشویک است. عجاله که دولت مشیرالدوله خوب استقامت کرده است. لکن استقامت از شخص سردار سپه وزیر جنگ است.

### زردشتیها و آبادی ایران

کرمان خبر تازه‌ای نیست. چند روز قبل دکتر منوچهر زردشتی آمد کرمان از راه شیراز، رفت از راه یزد اصفهان به طهران. قصدش این است خیال دارند جماعتی از زردشتیها با ثروت زیاد داخل ایران شوند و به اجازه دولت و ملت شروع به آبادی ایران نمایند. در

کرمان جماعتی خوشقت بودند. دسته‌ای این مطلب را جزء پوئیک انگلیس می‌دانستند تا بعد چه شود و چه نتیجه کرفته شود.

شب ۶ ثور مهمنی مفصل داشتیم از آقایان داخله و خارجہ با شام. به خوشی مهمانی به پایان رسید.

دو دسته از سواران بختیاری [را] مرخص کردم. دسته دیگر را منتظر ورود بهادرالدole هستم ده بروند ولایت. به جای آنها اداره قشونی مشغول تشکیلات است. تاکنون پنجاه سوار و سیصد پیاده تعلیم داده [شده] است.

امروز ۱۴ ثور است. خبر تازه نیست. اگرچه از حمل تاکنون بارندگی نشده است مع‌هذا هوا خیلی خنک است. گرم نشده است.

امروز پنجم ماه رمضان است. بکلی زندگانی کل مسلمانهای دنیا در این ماه تغییر می‌نماید. چه روزه باشند و چه نباشند. کسانی که روزه نمی‌باشند حالشان بدتر از کسانی که روزه هستند می‌باشد. برای اینکه آنها هم مجبور هستند صورت ظاهر خود را به شکل روزه‌دار جلوه دهند.

۱۴ ثور بهادرالدole و تمام سوار بختیاری آنچه باقی بود حرکت کردند طرف ولایت. قنسول روس طرف کرمان حرکت کرده است.

### استعفای مشیرالدوله

۱۲ - خبر غیررسمی رسیده است که آقای مشیرالدوله از مقام ریاست وزراء استعفا دادند. سرتیپ رئیس تلگرافخانه که نوکر انگلیسها شده بود عزل شد. مخاطب السلطان جوان خوبی است به جای او برقرار شد. سردار نصرت وارد کرمانشاه شد. تلگراف اظهار چاکری نوشته است به من. اما تمام دروغ است. چون این مرد راستی ندارد.

### وضع هوای کرمان

درجه حرارت ۲۸ است. حاصل امسال کرمان گرمی و سردسیر رو یهم رفته بد نیست. از سال گذشته خیلی بهتر است. گندم خرواری بیست و دو تومان - جو دوازده تومان. ارزاق، امنیت بحمد الله خوب است.

### آهنگر تابستان و سقای زمستان

خوانین بختیاری **دهم جوزا** وارد ییلاق شده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت حکام بختیاری آهنگر تابستان و سقای زمستان هستند. برای اینکه زمستان ییلاق و تا اول تابستان قشلاق هستند. مدتی است در عالم پرگار از دست همه در رفته است. ولیعهد که فرنگستان تشریف برده بسودند **۱۵ جوزا** به سلامتی وارد طهران شدند. کابینه هنوز تشکیل نشده است.

### مرا م بشویک

جمعی روزنامه‌نویس و او باش هنوز در سفارت روس و حضرت عبدالعظیم و مجلس متحصن شده‌اند. جمعیت آنها گویا دویست نفر هستند. می‌گویند باید ایران مرا م بشویک را قبول کند. آنچه می‌گویند اگر کور از چراغ نتیجه می‌گیرد امروز ایران هم می‌تواند از انقلاب نتیجه بگیرد. بلکه ضررهای زیاد خواهد بردا. مع‌هذا قبول نمی‌کنند. برای اینکه در تمام آسمان یک ستاره ندارند چه غم دارند. در انقلاب چه کم خواهند کرد. ملتی که از ده هزار نفر یک نفر سواد ندارد آیا می‌تواند داخل مرا م سوسيالیست بشود. آیا این افکار مضاعک نیست. متأسفانه یک دولت قوی نداریم که توی دهن این او باش بزند. باز سردار سپه وزیر جنگ یک «لک لکی» می‌کند. تا چه پیش آید.

امروز **۱۹ جوزا** قونسل روس با چند نفر روس و خانم‌های آنها با چهار اتومبیل وارد کرمان شدند.

## یاغیگری سمیتقو

جنگ دولت با اسماعیل آقا شکاک نزدیک ارومیه هنوز باقی است. پنج سال است اسماعیل آقا یاغی و مشغول قتل [و] غارت است. تاکنون به تنبیه او دولت موفق نشده است. یک دسته قشون چند روز قبل از طهران حرکت کرده است. عجاله پنج هزار قشون نظامی در ارومیه با اسماعیل آقا مشغول جنگ است. قشون چریک ایلاتی هم هست. تا بعد چه شود.

الساعه شاهزاده نایب‌الایاله را فرستادم دیدن قونسل روس. سابق معمول بود قونسلات که وارد شهرها می‌شدند از طرف حکام و کارگزاریها استقبال شایان می‌کردند. یک سال است که دولت استقبال قنصلها را لغو کرده است. به این جهت از قنسول روس سویت استقبال نشد.

## حرفهای قنسول روس

**۲۱** جوزا قنسول روس دیدن من آمد. پسر میرزا جعفر خان<sup>\*</sup> که برادرزاده حاج سیاح معروف محلاتی باشد همراه قونسل است. مترجم اوست. قونسل زبان فارسی نمی‌داند. جوانی است چهل و دو ساله. معقول است. روز ۲۳ من بازدید او رفتم. از ترتیبات بشویک سؤال کردم. می‌گفت او ایل ترتیبات سخت داشتند ولی حالا کم کم بهتر می‌شود. او ایل معامله پول نبود. لباس اعلیٰ کسی نمی‌پوشید. مشروب استعمال نمی‌شد. تماشاخانه خیلی کم بود. تفریح نبود. حال مدتی است مثل سابق شروع شده است و همه چیز هست. فقط بانکها، کارخانجات، معادن تماماً ملی است. خانم عیال او هم بود. زبان فرانسه خوب می‌داند. بعد از مدتی مذاکره مراجعت کردم.

## کابینه قوام‌السلطنه

روز ۲۲ جوزا هم تلگرافی از آقای قوام‌السلطنه رسید که به امر

\* یعنی حمید مباح.

همایونی زمام ملک را در دست گرفته بزودی کابینه را تشکیل خواهند داد.

سردار بهادر که با امیر لشکر جنوب شیراز رفته بودند به ریاست قشون مأمور ممسنی شد که بلکه بخوبی امامقلی خان رئیس ممسنی را متلاعنه کرده شیراز ببرد. پس از یک ماه موفق نشد با قشون مراجعت کرد.

### سمیتقو

**۲۴ جوزا** روت خبر داد که اسماعیل آقا شکاک قشون دولت را شکست داد. ساوجبلاغ و میاندواب را گرفت. حال به طرف مراغه می‌روند. از دو طرف دریاچه ارومیه تا بیست فرسخ نزدیک تبریز رسیده‌اند.

### حشق کریم خان

امروز **۲۵ جوزا** درجه هوا ۲۸ بالای صفر است. کرمان که آمدیم پنج ماه قبل کریم خان که حال چهارده سال است نوکر من است و حال رئیس اجزا است در کرمان زنی گرفت، دختری به سن هفده سال، خیلی خوشگل و باهوش [و] زرنگ. کریم خان و این دختر فوق تصور همدیگر را دوست داشتند. قبل از طلوع سفیده من همه وقت سوار می‌شوم پنج فرسخ یورتمه می‌روم با اسب یک فرسخ پیاده بعد مراجعت می‌کنم. بر حسب عادت دیشب سه ساعت بعد از نصف شب بیدار [شدم]. ساعت سه و نیم سوار شدم. چون خانه کریم خان نزدیک عمارت من است یک خلوت است چسبیده به من. اطلاع دادند که عیال کریم خان تریاک خورده است. از نصف شب دکتر محمود خان مشغول معالجه است. گفتم به دکتر احیاء‌الملک اطلاع دهنده. سوار شدم شش ساعت نیم قبل از ظهر مراجعت کردم به من اطلاع دادند که عیال کریم خان مرحوم شد. باندازه‌ای او قاتم تلخ و متالم شدم که حد ندارد. علت تریاک خوردن هم تقریباً هیچ بود. دختر گفت با خاله

مهمانی میروم. کریم خان گفت نروید. بعد به کریم خان گفت من تریاک خوردم. کریم خان قضیه را پرسید گفت نخوردم شوخي کردم تا علائم آشکار شد که معالجه نتیجه نبخشید. عجاله کریم خان حالت بیهت عجیبی دارد. بواسطه عشق فوق تصور که خودش و این دختر باهم داشتند. در موقعی علائم مرگ آشکار شد عشق و محبتی که از این دختر به کریم خان بروز کرد رقت انگیز است.

### کابینه قوام السلطنه

دو روز قبل از سلطان تلگراف آقای قوام السلطنه رسید کابینه را معرفی کردند.

قوام السلطنه رئیس وزراء و وزیر خارجه

سردار سپه وزیر جنگ

حاج محتشم السلطنه وزیر معارف [و] اوقاف

مشار السلطنه وزیر عدلیه

عیدالسلطنه فوائد عامه

وحیدالملک وزیر پست و تلگراف

فریم‌الملک وزیر مالیه

وزیر داخله بعد معین خواهد شد.

چند روز است هوای کرمان بهتر شده است. از اول سلطان یک باد شمالی شروع می‌شود که هوا از جوزا بهتر می‌شود. شبها که هوا بسیار خوب است.

### موقعات شهر کرمان

۶ جوزا از طرف آقای رئیس وزراء یک تلگراف به من رسید که تمام موقعاتی که پارسال حکم شد از حاج میرزا علی محمد و حاج میرزا مرتضی بگیرید به سایرین بدھید، حال از سایرین گرفته به حضرات رد کنید. چون موقعاتی که از حاج میرزا علی محمد و برادرش منفسخ شده است به تمام علماء، واعظ، طلاب، روضه‌خوان،

اهل شهر داده شده است و تصرف حاج میرزا علیمحمد و حاج میرزا مرتضی با زور بوده است. حال پس گرفتن از اهل شهر کاری است مشکل. در هر حال من نوشتمن صلاح نیست، اگر هم حکم صریح می فرمائید من از ایالت استعفا خواهم داد. بواسطه اینکه سخت گرفتن به اهل شهر همان، تعطیل [و] هیجان [و] اغتشاش همان. تا امروز که نهم است جواب نیامده است.

کار وکالت آمیرزا شهاب و مشارالملک هنوز معلوم نیست که کدام یک پیش خواهند برد. مردم شهر بر علیه حاج میرزا علی محمد و سردار نصرت تلگرافات سخت کرده‌اند، مخصوصاً در باب موقوفات. شبها هوا خیلی خنک است، ولی روزها گرم است. هوای روزها ۲۸ درجه است.

۱۲ جواب تلگراف رمز من رسید که اینکه حکم کرده بودیم موقوفات را به تصرف حاج میرزا علی محمد بدهید با پیشنهاد شما همراه هستم. آن حکم موقوف الاجرا باشد.

### توقیف روزنامه‌ها

آقای قوام‌السلطنه چند روزنامه تند را توقیف کردند. هنوز اطلاع ندارم که کدام روزنامه‌ها هستند. در طهران متباوز از یکصد روزنامه چاپ می‌شوند. همه مهم‌<sup>\*</sup>، همه مفرض، همه بی‌معنی، همه مضر. روزنامه‌ها اسباب شدند که لرستان، کردستان، کرمانشاه شلوغ شد. روزنامه‌ها بر شرارت اسماعیل آقا افزودند. بیست روز قبل پنج هزار قشون جدید طرف اسماعیل آقا حرکت کرد.

امروز ۲۲ سلطان است. ده روز است هوا بهشت گرم است. روزها توی اطاق درجه ۳۱ است. خیلی گرم است.

امروز ۲۷ است. یک هفته است هوا شب و روز گرم است، با ابرهای غلیظ مثل تابستان سخت طهران.

در این برج شیخ‌الملک مرحوم شدند. دو روز است هوا خیلی بهتر شده است. خصوصاً شبها.

### صدق‌السلطنه و سردار معینی

صدق‌السلطنه از ایالت آذر با یجان استعفا کرد وارد طهران شد.

سردار معینی که با عقیده و مرام بلشویک رفته بود روسیه به امیدی، در باکو مرحوم شد.

### بختیاریها

خوانین بختیاری به ایلخانیگری امیر مفخم و ایل‌بیگی‌گری سردار ظفر اول اسد چقاخور که دارالحکومة ایشان است تشریف برداشت. یک کمیسیون برای نظارت عایدات و صادرات به ریاست سردار محتشم و امیر مجاهد برقرار کردند.

اول اسد درجه هوا ۲۸ رسیده است. ۴ درجه از سلطان خنکتر شده است. شبها که انسان مایل می‌شود به بالاپوش.

### سفر چترود

۶ اسد برای گردش دوازده روزه طرف چترود شمال کرمان حرکت کردم. رفتم بیلاق چترود، ده فرسخ تا شهر [است]. آقایان صاحب نسق، دکتر احیاء‌الملک، جناب بودند. از بیلاق چترود که «پاسیب» نامیده می‌شود بعد از پنج شب آمدیم بیلاق «سیمک» پائین کوه. رؤسای ادارات هم آمدند مهمان منشدند. یاور محمدخان رئیس قشون، فطن‌الملک پیشکار مالیه، میرزا عبدالرحیم‌خان رئیس عدله، مخاطب‌السلطان رئیس تلگرافخانه. سه شب بودند. با هم مراجعت کردیم. متباوز از یکصد قطمه کبک شکار کردم. هوا بسیار خوب بود. شبها از شدت سرما نمی‌توانستیم از چادر خارج شویم. «بن‌کوه» طرف شمال کرمان است. شش فرسخ است تا شهر.

۱۵ اسد وارد شهر شدیم. بحمد الله از هر بابت شهر منظم است. ارزاق خوب است. درجه هوا ظهر ۲۵ درجه است. شبها هوا خیلی خوب است. اخبار تازه ندارم.

عاقبت کشمکش ما بین من و آقای رئیس وزراء موقوفات در تصرف طرفهای حاج میرزا علی محمد باقی ماند. مستحق هم هستند.

### موضوع بلوچستان

چند روز قبل دو ماه مرخصی از دولت استدعا کردم که بروم اصفهان مطالب خود را در باب بلوچستان پیشنهاد نمایم. اگر دولت قبول کرد با کمال افتخار برای خدمتگزاری مراجعت نمایم. چون خیلی مایل هستم که در زمان ایالت من بلوچستان مطیع کرمان بشود، مالیات بدهند. حاکم از طرف کرمان بلوچستان برود.

امروز ۲۳ اجازه رسید. انشاء الله خیال دارم قبل از محرم حرکت کنم. سردار بهادر تاکنون رئیس قشون فارس است.

۲۲ تلگراف از دولت رسید که قشون دولتی در جنگ با اسماعیل آقا فتح خیلی بزرگ کرد.

امروز ۲۵ تلگراف رسید که جهریق خانه اسماعیل آقا را با نواحی آنجا با حملات سخت تصرف کرد. خود اسماعیل آقا را تعاقب کرده اند. این فتح مژده بزرگ است. عقیده ام این شد که بعد از روضه خوانی دهه محرم حرکت کنم.

امروز چهارم محرم است. مشغول روضه خوانی هستم. انشاء الله روز چهاردهم محرم که سیزدهم سنبله باشد با اتومبیل طرف اصفهان حرکت خواهم کرد.

### اغتشاش و ناامنی ممسنی

دیروز خبری به من رسید که چهارصد نفر سوار و پیاده از نظام اصفهان از راه بختیاری طرف عربستان حرکت کردند. در شلیل که اسم یکی از منازل است حضرات کوه گلویه ها حمله به نظامیه ها

کردند. یکصد نفر از نظامیان کشته [شدند]. باقی زخمی و لخت برگشتند اصفهان. تفنگ، توپ، فشنگ تمام به دست دزدها افتاد. راه اصفهان به عربستان از بختیاری همان راه کاروانی است که لنج درست کرد. یعنی لنج مهندس اورد پول خوانین دادند. در اکثر نقاط این راه پهلوی خاک کوه گلوبه عبور می‌کند. در طهران جماعتی این کار را به تحریک خوانین بختیاری می‌دانند و محرک آنها را انگلیس خیال می‌کنند. بنده هیچ هنوز اطلاعی ندارم که در این تاریخچه اظهار عقیده کنم. در هر صورت به علت اینکه خوانین عظام جبران نمایند و هرقدر در قلب مردم دلتنگی حاصل شده باشد به عملیات بیرون کنند.

امروز ۵ سپتامبر است. روضه دهه محرم به خوبی تمام شد. آقای سردار بهادر هم برای اصفهان از شیراز حرکت کرد، وارد اصفهان شد. من هم به امید خداوند امروز که دوم سپتامبر است با اتومبیل با آقایان صاحب نسق، دکتر احیاءالملک، جناب دماوندی حرکت خواهم کرد برای اصفهان. شاهزاده مفاخرالسلطنه نایب‌الایاله، رئیس کابینه، رئیس اجرا می‌مانند با تمام اجزاء تا تکلیف آنها معلوم شود که کی باید حرکت کنند یا نکنند. اگر دولت صلاح دانست پس از اصلاح کارهای کرمان مراجعت می‌نمایم. والا اجزاء را احضار خواهم کرد تا مقدار چه بخواهد.

### سفر اصفهان و بختیاری

سه روز در راه بودیم با اتومبیل. سه شب هم خوابیدیم. در کمال سلامت بدون زحمتی وارد اصفهان شدیم. ورود اصفهان شاهزاده مفاخرالسلطنه را با تمام اجزاء احضار کردم. در اصفهان کشمکش عجیبی بود مابین خوانین و قشون.

چند روز اصفهان ماندم. با اتومبیل با آقای دکتر احیاءالملک رفتیم چقاخور. خدمت خوانین عظام ملاقات حاصل شد. سه شب توقف کردیم در چقاخور. عموم خوانین تقریباً تشریف داشتند. پس

از سه شب توقف مراجعت کردیم اصفهان و از اصفهان با آقایان امیر جنگ و دکتر با اتومبیل طرف طهران حرکت کردیم.

\* \* \*

این کتابچه مانده بود کرمان نتوانستم هر روز اتفاقات را بنویسم. پس از سه ماه این کتابچه به من رسید. هرچه یاد دارم شروع کرده‌ام به نوشتن.

### تیمورتاش حاکم جدید کرمان

در اصفهان آقای سردار جنگ که وکیل مجلس بود وارد شد به من رسید، با دو نفر نظامی برای تفتیش بختیاری رفته‌اند. آقای سردار اشجع هم حاکم اصفهان بودند. بواسطه کسالت مزاج استعفا کردند. پس از حرکت من از کرمان کل اهالی از علماء، اعيان، تجار تلگرافخانه متحصن شدند برای رجعت من. ممکن نشد برای اینکه خود من دیگر مایل به مراجعت کرمان به این زودی نبودم. آقای سردار معظم خراسانی را حاکم کرمان کردند و رفت. لکن اهالی برای رجعت من خیلی پافشاری کردند. همت کردند.



# ایام بیکاری در طهران

۱۳۰۲ - ۱۳۰۱ شمسی

۱۳۴۱ قمری



## دنباله سال ۱۳۰۱ شمسی

### ورود طهران

بندۀ ورود طهران خدمت آقایان رئیس‌الوزراء [و] وزیر جنگ رسیدم. بازدید آمدند. خیلی زحمت کشیدم برای اصلاح کار مابین وزیر جنگ و خوانین بختیاری تا اینکه موفق شدم. نظامیان مفتش هم حاضر شدند که راپورتهای خوب بدنهند از تفتیش خودشان راجع به خوانین بختیاری. قضیه رو به اصلاح رفت.

در این موقع تلگراف اعلیحضرت همایونی رسید که از راه جنوب وارد ایران خواهند شد. دولت هم صلاح دانست از بوشهر تشریف بیاورند به شیراز، اصفهان، طهران. آقای وزیر جنگ هم برای استقبال شاه حرکت کردند با سی اتمبیل.

سردار بهادر هم از اصفهان احضار طهران شد، در خدمت وزیر جنگ طرف بوشهر حرکت کرد. خانبابا هم که از اداره قشونی استعفا داده بود دوباره داخل قشون شد و همراه سردار بهادر رفت طرف شیراز.

### حکومت خراسان

آقای وزیر جنگ که رضاخان سردار سپه باشد خیلی با من گرم گرفت و دوستی کرد. در این خیال افتاد که دولت مرا حاکم خراسان بنماید. به آقای قوام‌السلطنه کفت و رفت. لکن تا مراجعت ایشان هنوز این کار نامعلوم مانده است. برای اینکه امروز در ایران کار

برای سه قسمت از مردم ممکن است: اول توسط خارجه که روس و انگلیس باشد. دویم پول بدهد. سیم داخل در دسته‌بندی باشد. بنده هیچکدام از این سه نیستم. از این جهت کار من هنوز به تعویق افتاده است.

### ورود احمد شاه

شاه اوایل قوس سلامتی وارد بوشهر شدند. آقای وزیر جنگ در خدمت ایشان شیراز آمدند. از طرف شیخ محمره که سردار اقدس باشد و صولت‌الدوله‌ایلخانی قشقاوی و قواوم‌الملک استقبال [و] تقدیمی به عمل آمد. خوانین بختیاری آقایان امیر مفخم، سردار ظفر، سردار جنگ، سردار اقبال استقبال شاه رفته‌اند تا قمیشه با دویست سوار. مبلغ ده هزار تoman هم تقدیمی به شاه دادند. در رکاب شاه اصفهان آمدند. پس از دو شب توقف شاه طرف طهران حرکت کردند. در خدمت آقایان مستوفی‌الممالک، صمصام‌السلطنه تا قلعه محمدعلی‌خان با اتومبیل استقبال رفتیم و در رکاب مراجعت کردیم. شاه از راه‌ها خیلی شکایت داشتند با وجودی که مبالغی خرج کردند که قدری راه‌ها بهتر شود. در طهران نمایش پذیرائی خوب دادند. یکی دو روزنامه نسبت به شاه به خیال خود نصیحت کردند، ولی خیلی تنند روی کرده بودند. شفق و اقدام هر دو توقيف شدند. مذاکره تغییر کابینه و ترمیم کابینه است. تا چه پیش آید.

آقایان مستوفی‌الممالک و مشیر‌الدوله هر دو کاندید هستند. روسها خیلی از این کابینه شکایت دارند و قطع روابط تجاری کرده‌اند.

### ازدواج امیر جنگ

آقای امیر جنگ در خیال افتاد که زن بگیرد. دختر آقای حاج معین‌الدوله را نامزد کردند. دو روز قبل به سلامتی عقد کردند. دیشب آقای داماد را برداشت خدمت عروس. با خجالت زیاد رفت. خیلی

هم از ملاقات عروس راضی بود. امیدوارم طرفین با سعادت باشند.  
اخبار تازه ندارم. آقای سردار اشجع چند روز است آمده است  
طهران برای معالجه. حالت ایشان از پیش بهتر است. آقایان سردار  
جنگ و سردار اقبال که وکیل بختیاری و کوه گلویه هستند چند  
روز دیگر وارد طهران می‌شوند.

نظام‌السلطنه که حاکم خراسان بود او را عزل کردند. چند روز  
است که حرکت کرده است. در راه است.

خود من هم در خیال هستم که اگر خدا خواست یک زن اختیار  
کنم. تا چه پیش آید. عقلم مایل نیست لکن هوس دارد کار را از  
دست عقل می‌گیرد.

بارندگیهای خیلی خوب شده است در طهران و اطراف ایران.  
به کوه شمران برف خوبی باریده است. کمتر سالی به این خوبی  
بوده است. سایر وقایع را در جدی انشاء الله خواهم نوشت. چند روز  
است که همه وقت برف می‌بارد. بهترین زمستانهای است که در مدت  
عمرم در طهران دیده‌ام. تا امروز که فهم جدی است اخبار قابل ندارم  
که بنویسم.

### حکومت خراسان

رفتن من به خراسان هنوز کاملاً معلوم نیست. کابینه برقرار  
است اما تق [و] لق شده است. یا باید ترمیم شود یا استعفا بدهد.  
هیچکدام هنوز معلوم نیست. نامزدهای خراسان: شاهزاده نصرت  
السلطنه، حشمت‌الدوله، قوام‌الدوله می‌باشند.

تمام عمارت‌اندرونی را به آقای امیر جنگ واگذار کرده‌ام.  
خودم در عمارت خلوت که پنجاه قدمی خانه خودمان است آمده‌ام برای  
خوابیدن شب.

امروز هم آقای وزیر جنگ را ملاقات کردم. در باب رفتن  
خراسان جواب گفت روز چهارشنبه باید ایشان را ملاقات کنم. در  
ایران خبر تازه نیست.

## ورود دکتر میلسپو

مستشار مالیه (دکتر میلسپو<sup>\*</sup>) با جمیع امریکانی که برای اداره کردن مالیه ایران کنترات شده‌اند چند روز است وارد شده‌اند. اداره غیرمستقیم که توسط وزارت جنگ اداره می‌شد دوباره توسط مستشاران امریکانی به مالیه واگذار شده است. برجی هفتصد و پنجاه هزار تومان حقوق قشون را باید هر ماهه مرتبًا به وزارت جنگ برسانند که سالی نه میلیون تومان می‌شود.

## شاه و تقديمي

كابينه قوام‌السلطنه متزلزل است. نامزد بعد آقای مستوفی- المالك است. قوام‌السلطنه برای بقای خودش فداکاری می‌نماید. اعليحضرت برای من رفتن به خراسان تقديمي خواسته‌اند. من هم از دادن تقديمي استنكاف کردم. عادت ایران بدبغتانه اين است از بزرگ و کوچک. گمان ندارم رفتن من به خراسان سر بگيرد. برای اينكه نمی‌توانم تقديمي بدهم.

سردار جنگ و سردار اقبال با هم حرکت کردند. چون منزل به منزل می‌آيند آخر ماه خواهند رسید. خوانین سخت بهم زدند. سردار محتشم، امير مجاهد، سردار فاتح، شهاب‌السلطنه، جمعی يك طرف. ايلخانی، ايل بيكی، مرتضی قلیخان يکطرف. همین اشخاص بوديم که ايران را خيال اداره کردن داشتيم. \*

عروس را به سلامتی خيلي مجلل وارد خانه ما کردند. داماد و عروس به خوشی با هم هستند. سردار جنگ، سردار اقبال وارد شدند. سردار اقبال با جهانگير، تیمور، يدالله که سه پسرش هستند منزل من منزل کردند.

---

\* اشاره‌اش به دوره‌ای است که بختیاریها با ریاست وزرائی صمصام‌السلطنه قدرت حکومت را در دست گرفته بودند.

## کابینه مستوفی

کابینه قوام‌السلطنه افتاد. آقای مستوفی‌المالک نامزد شدند، اما تشکیل کابینه کاری است مشکل. برای اینکه اقلیت مایلند از طرف آنها وزراء معین شوند. اکثریت که حامی آقای مستوفی هستند به همچنین مایلند، ولی اکثریت هم باهم متحد نیستند در باب کابینه، برای آنکه هر فردی به یک وزیر مایل است. پس این قافله تا به حشر لنگ است.

امروز که نهم دلو است برف زیادی از صبح تا غروب بارید.  
قوام‌السلطنه هم چون وکیل خراسان است رفته است مجلس.

## زن تازه

من هم در خیال عروسی افتادم. اگر [چه] از زنم و پسرم خیلی خجالت‌می‌کشم مع‌هذا جلوگیری از هوس‌کاری است بس مشکل. عاقبت چند نفر خانم به اطراف فرستادم تا اینکه دختر مرحوم علاء‌الدوله را پسند کردنده را عیال آقای دکتر احیاء‌الملک و عیال آقای معین‌الاسلام بودند. من هم خدمت آقای حاج نصیر‌السلطنه رفتم. از ایشان استدعا کردم که خانواده‌شان بروند خواستگاری کنند. رفتنده\* و طرف قبول کردند. چند روز قبل صیفه عقد توسط آقای آمیرزا سید محمد بهبیه‌انی و امام جمعه خوئی جاری شد. یک دعوت مفصل از بزرگان با دستجات موزیک، مجلس جشن اختتام پذیرفت. شب مر احضار (?) کردند. هرچه التماس کردم که بابا من بچه نیستم قبول نشد. ناچار رفتم. اقلاً پنجاه خانم پشت در و پنجره به تماشای من مانده بودند. ما هم وارد اطاق عروس شدیم. قانون معمولة مملکتی را به‌جا آوردیم. از قرار هریک بوسیدن، انگشت‌رونما تقدیم کردن، ده دقیقه خدمت عروس بودیم مرخص شده منزل آمدیم و عروس را از هر بابت بحمد الله خوب و پسندیده دیدم. امیدوارم قدم او مبارک باشد.

## خوانین بختیاری

خوانین بختیاری کاملاً بهم زدند. آقای سردار محتشم چند روز است وارد شدند. پس از استعفای امیر مفخم و سردار ظفر آقای امیر مفخم طرف کمره و بعد طهران حرکت کردند. دیروز وارد شدند. آقای سردار ظفر هم تشریف خواهند آورد. اوضاع بختیاری بواسطه [عدم] لیاقت رؤسای فامیل بسیار بد است.

هوای طهران بسیار خوب شده است. انشاء الله ۱۲ حوت گه روزش تولد حضرت امیر المؤمنین (ع) است عروس را خواهند آورد. سفیر آلمان و عثمانی که هفت سال بود تقریباً در ایران نبودند در این ماه هر دو وارد طهران شدند. اخبار تازه‌ای نیست که بنویسم.

## کابینه مستوفی‌الممالک

اوآخر دلو کابینه آقای مستوفی‌الممالک تشکیل و معرفی شد:

آقای مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء [و] وزیر داخله

آقای سردار سپه وزیر جنگ

آقای حاج محتشم‌السلطنه وزیر معارف و اوقاف

آقای ذکاء‌الملک وزیر خارجه

آقای ممتاز‌الملک وزیر عدليه

آقای نصر‌الملک وزیر ماليه

دو نفر دیگر هنوز معین نشده‌اند. امیدوارم به خدمات مملکت موفقیت کامل حاصل نمایند.

آقای سردار ظفر هم وارد طهران شدند. آقای امیر مجاهد هم وارد شدند. سردار ظفر منزل آقای صمصام‌السلطنه، آقای امیر مجاهد منزل آقای سردار محتشم منزل کردند.

عروض به سلامتی تشریف آوردن. شب دست به دست [دادند.]

شب غریبی بود. تصور می‌کنم پانصد خانم خانواده در سالون بودند که من رفتم. بعد از چند دقیقه با عروس رفتیم منزل که خلوتی است نزدیک منزل خودم.

### تغییرات کایینه

آقای نصرالملک از مالیه استعفا دادند وزیر پست و تلگراف شدند. آقای بهاءالملک وزیر مالیه شد. آقای حاج مخبرالسلطنه وزیر فوائد عامه. آقای ادیبالسلطنه کفیل وزارت داخله شدند. مستشار بلدیه هم وارد شدند. مشغول فکر است برای اصلاح و پاکی شهر.



# والیگوی خراسان

فروردین ۱۳۰۲ – اردیبهشت ۱۳۰۳ شمسی

۱۳۴۲ – ۱۳۴۱ قمری



۱۳۰۲ شمسی

## والی خراسان

بالاخره تلگراف رسمیت من به خراسان مخابره شد و من والی  
رسمی خراسان شدم.

مدتی هم در کشمکش خوانین بختیاری بودیم که بلکه کارهای  
آنها اصلاح شود، ولی ممکن نشد. برای اینکه اصلاح کار دست  
اشخاص است، هر قدر لیاقت داشته باشند همانقدر کارشان اصلاح  
می شود. من صلاح ندانستم بیش از این داخل مذاکرات آنها بشوم.  
در خیال حرکت افتادم. تهیه خود را کاملاً دیدم. با یازده دستگاه  
کالسکه [و] گاری حرکت کردیم. آقایان صاحب نسق، دکتر احیاء  
الملک، مفاحرالسلطنه که نایب‌الایاله است، معتمد همایون رئیس  
کابینه، چناب میرزا اسدالله خان، بهادر همایون، ضرغام رفت با  
سایر اجزاء و اندرون روز پنجشنبه دوم رمضان از طهران به عزم  
مشهد مقدس حرکت کردیم. منزل به منزل می‌آئیم. راهها بد، منازل  
بد، آب بد، و همه‌چیز بد است. گمان‌دارم که ۲۴ [روز] در راه باشیم.  
حال که این شرح را می‌نویسم در دامغان هستیم. سمنان و دامغان دو  
شهر کوچک هستند قصبه مانند نه شهر. هنوز هوا بسیار سرد  
است. آقای صاحب نسق خیلی در زحمت هستند.

## وضع بختیاریها

آقای امیر جنگ در طهران توقف کردند. هنوز تکلیف آنها  
معلوم نیست، تا مقدر چه کند و چه پیش آید. آقای وزیر جنگ از

خوانین [و] حکام بختیاری غرامت خسارت به قشون در راه بختیاری را خواسته‌اند. مشغول کم و زیاد و مذاکرات هستند.

### استقبال

منزل به منزل آمدیم، از سمنان، دامغان، شاهرود وارد خاک خراسان شدیم. آمدیم سبزوار. سردار معزز حکمران بجنورد با چهارصد سوار استقبال آمدند. سه شب مهمان حاج میرزا حسین مجتبه بودیم. از آنجا نیشاپور آمدیم. از نیشاپور آمدیم مشهد مقدس. تمام اهل شهر، ادارات، اجزاء آستانه با متولی باشی، از طرف قونسولخانه انگلیس، روس، عثمانی، افغان استقبال آمدند. عده قشون هم آمد. مملکت خراسان خیلی وسیع و پر نعمت است. عمارت بیرونی ایالتی بد نیست، ولی اندرون خوب نیست. در راه دو نقطه باروح دیدم: یکی شاهرود و دیگری نیشاپور. شهر مشهد بد نیست، خوب هم نیست. مثل اصفهان و تبریز است، شاید قدری پستتر.

### حاقبت کار بختیاریها

حاقبت مابین وزیر جنگ و خوانین بختیاری کار به اینجا تمام شد که خوانین بختیاری بابت غرامت یا جریمه که قشون دولت در راه بختیاری کشته شدند یکصد و پنجاه هزار تومان نقد دادند. آقای سردار محتشم و امیر جنگ ایلخانی و ایل بیگی بختیاری شدند. چهار روز دیگر حرکت خواهند کرد.

### متنفذین خراسان

امیر لشکر شرق حسین آقاخان قزاق است. رئیس ارکان حرب شاهزاده محمد حسین میرزا است. هردو آدمهای خوبی هستند. مجتبه بزرگ این شهر آقازاده پسر مرحوم آیت الله آخوند خراسانی است، دویم آقا حسین قمی است. آقازاده خیلی نفوذ دارد. سی روز تمام در راه بودیم، راه خیلی بد است و منازل بد. آشیخ

نورالله مجتهد اصفهانی هم با من آمدند، یعنی در راه همراه بودیم. به عزم زیارت آمده‌اند. کابینه آقای مستوفی هنوز باقی است، لکن خیلی با «لک لک».

### زلزله تربت

**۵ جوزا اخبار وحشت اثر تربت رسید که بواسطه زلزله شهر خراب و پنج ده که دو فرسخی شهر است بکلی منهدم [شد]، دو هزار [و] دویست نفر مردند، یکصد نفر زخمی و اغلب<sup>\*</sup> شهر شکست برداشته قابل سکونت نیست. فوری نایب‌الایاله [و] امیر لشکر حرکت کردند. با پیشکار مالیه کمیسیون ترتیب دادند. فوری نعشها [را] دفن کردند [و] زخمیها را مشغول معالجه هستند و مشغول جمع‌آوری اثاثیه مردم و حفظ زراعت هستند. برای ساختمان شهر به دولت عرض کرده‌ام که باید کمک نمایند و تمام ملت هم باید کمک کنند. امروز ۱۳ جوزا است تازه‌ای نیست.**

چهاردهم شاهزاده نایب‌الایاله با امیر لشکر آمدند. تمام مردها را دفن کردند. اموال را بیرون آورده به وراث دادند. بقدر پنجاه نفر مجروح، مریضخانه برای آنها معین کرده محصول را به دست رعایای دیگر دادند که پس از درو حق‌الزحمه خود را برداشته بقیه را به وراث بدھند. عجالتاً چیزی که لازم است ساختمان شهر است. اغنية خودشان می‌توانند تعمیر بنمایند خرابه‌های خود را، ولی [به] فقرا باید دولت کمک کند. دهات را هم وراث خودشان باید آباد کنند، برای اینکه هرچند خانه یک وارث دارند آن وارث به واسطه اینکه فرد است کمی تمول ملک از چند خانه به او رسیده است، یا باید قسمت خود را آباد کند، اگر نمی‌تواند به رفیقش که قوه‌اش زیادتر است بفروشد. عقیده امیر لشکر و نایب‌الایاله این است که اگر دولت و ملت یکصد هزار تومان کمک کنند خانه‌های فقرا ساخته خواهد شد. یک ماه دیگر به عمر این مجلس باقی مانده است و انتخابات در

همه‌جا شروع شده است. انتخابات طهران ده روز دیگر معلوم خواهد شد.

آشیخ نورالله مجتبی اصفهانی که زیارت آمده بود دیروز مراجعت به اصفهان نمود. رئیس التجار که وکیل مجلس است از اهل اصفهان است، بواسطه علاقه زیاد حالا می‌شود او را خراسانی کفت دو روز قبل وارد مشهد شد.

### کابینه مشیرالدوله

بالاخره کابینه آقای مستوفی افتاد. به تمایل آراء مجلس آقای مشیرالدوله رئیس‌الوزراء شد. امروز معرفی کابینه را تلگراف کرده بودند:

خود مشیرالدوله رئیس‌الوزراء و وزیر داخله.

حکیم‌الملک وزیر عدليه

ذکاء‌الملک وزیر ماليه

صدق‌السلطنه وزیر خارجه

سردار سپه وزیر جنگ

حکیم‌الدوله وزیر معارف [و] اوقاف

فهیم‌الدوله وزیر پست [و] تگراف

اعتلاء‌السلطنه کفیل داخله

پست فوائد عامه تاکنون معلوم نیست. معرفی شده و مشغول کار هستند.

دیروز آقای فاضل مجتبی خراسانی که عتبات زیارت رفته بودند وارد مشهد شدند. حضرت والا نایب‌الایاله استقبال رفته بودند. از طرف ایالت کالسکه برده بودند، توی کالسکه باهم نشسته [بودند]. بعد از قدری حرکت اسبهارم کردۀ کالسکه معلق شد، لکن بحمد الله بی‌خطر بود.

سرطان ۱۳۶۱ – اخبار تازه نیست. هوای مشهد هنوز گرم نشده است. امروز تلگراف از اصفهان داشتم سردار محتشم و امیر جنگ

رفتند در چقاخور مشغول حکمرانی هستند.  
در تمام نقاط ایران مشغول انتخابات هستند.  
در خراسان یعنی مشهد علمای بزرگ مرکب است از آیت الله  
زاده خراسانی، آقا سید حسین قمی، فاضل.

### تبعید علماء از عراق

دیروز تلگرافی از اخوان آیت الله زاده از قصر شیرین رسید که  
اکثر علماء ایران برای ایران حرکت کردند. چنین تصور می‌کنند که  
دلتنگی از دولت انگلیس باشد. هنوز علت کاملاً معلوم نیست.  
امروز تلگرافی از علماء طهران خطاب به علماء مشهد آمد که  
اکثر علماء را طرف ایران تبعید کردند یعنی به امر انگلیس.

### انتخابات شیراز

مشغول تشکیل کمیسیون هستیم برای اعانته تربت. دیروز دوازده  
نفر به اکثریت آراء معین شد. دیروز تلگرافی از شیراز از طرف  
علماء برای آغاز انتخابات رسید که چون مردم از ترتیب انتخاب شیراز  
خوشوقت نبودند هرچه عرض کردند کسی به داد نرسید ملت حمله  
کرد صندوق آراء را تماماً با تعریف سوختند.  
دو روز است هوا قدری گرم شده است. درجه ظهر به ۲۸ الی  
۲۹ رسیده است.

از قراری که در روزنامه نوشته بود شهر اصفهان بواسطه  
هیجان اهالی بر علیه تحدید و بعد مذاکرات داخل شده است در سیاست،  
نظامی شده است.

### رؤسای ادارات خراسان

رؤسای ادارات خراسان از این قرار است:  
حسین آقای قزاق امیر لشکر  
مستر حال امریکائی رئیس مالیه

مقرب‌السلطنه کارگزار  
مستشار‌السلطنه رئیس عدلیه  
سalar مبشر رئیس تلگراف  
معاون‌الوزاره رئیس پست  
ملکزاده رئیس معارف  
بدایع نگار رئیس فواید عامه  
شاہزاده مفاخر‌السلطنه نایب‌الایاله  
معتمد همایون رئیس کابینه  
بهادر همایون رئیس اجرا.

### اخبار از طرف ایران

آقایان علماء که از عتبات تبعید شده بودند در کرمانشاه هستند.  
دولت از طرف خود و ملت مشغول مذاکرات است با دولت انگلیس.  
شاه هم مستقیماً به پادشاه انگلیس تلگراف کرده است برای اصلاح  
این کار، تا چه پیش آید.

مقرب‌السلطنه عزل و منتصر‌السلطنه کارگزار شد.  
دیروز تلگرافی از امیر جنگ داشتم که صارم‌الدوله والی فارس  
وارد اصفهان شده است.

مستشار‌الدوله رئیس کمیسیون سرحدی که سرحد ایران با  
روسیه [را] از استرآباد الی خراسان باید معین نمایند وارد سبزوار  
شده است.

هیجان علماء مخصوصاً در طهران در باب تبعید علماء هنوز باقی  
است. انتخابات خراسان را دیروز در تمام نقاط اعلان داده‌ایم.  
انجمن نظار را در مشهد مقدس انشاء‌الله در همین هفته معین خواهیم  
کرد.

حال که اوآخر سلطان است ظهر درجه هوا ۲۹ است. قدری گرم  
شده است. شبها خیلی خوب است. روی بام بالحاف و ملافه می‌خوابم.  
بعضی شبها باز قدری سردتر می‌شود.

قنسول جدید روسیه از راه عشق‌آباد وارد شده به مشهد. به ملاقات من آمد. دو روز بعد بازدید او رفتم. خیلی از ملیت خودش و تمايل به ملیون ایران صحبت می‌کرد.

دیروز تلگرافی از آقای امیر جنگ رسید که در اصفهان کارها اصلاح نشد مجبور شدم برای طهران حرکت کردم. امروز تلگراف ورود امیر جنگ به طهران واصل شد.

### قضیة علماء

اوپرای طهران خوب نیست. مذاکرات ما بین علماء و دولت و انگلیسها هنوز در جریان است.

صارم‌الدوله از ایالت فارس استعفا داده است. گمان می‌کنم عاقبت آقایان علماء طرف قم (ع) حرکت نمایند و مرکز خود را در قم معین نمایند و آنجا را دارالعلم قرار دهند. ما بین آقایان علماء بالاخره با حکومت بین‌النهرین<sup>\*</sup> اصلاح شد. حکومت بین‌النهرین<sup>\*</sup> می‌گوید علماء مراجعت کنند در صورتیکه ابدأ مداخله به سیاست ننمایند. به این شکل علماء حاضر نیستند مراجعت کنند. پس برای همدان حرکت کردند. در موقع حرکت آنها اکثر علماء طهران استقبال رفتند. طهران برای بروز احساسات تعطیل عمومی نمودند. در خراسان و سایر ولایات ایران سه روز تعطیل کردند. تعطیل خراسان با کمال نظم خاتمه پیدا کرد.

آقای امیر جنگ تلگراف کردند که کارهایم تمام شده است پنج روز دیگر حرکت می‌کنم.

چند روز است مشغول تعیین انجمن نظار هستم. امیر جنگ تلگراف کرده بود که نصرت‌السلطنه برای فرنگستان و نصرت‌الدوله به ایالت فارس حرکت کردند.

\* اصل: بین‌النهرین

آقایان علماء بسلامتی وارد قم شدند. عزادرای دهه عاشورا در تمام مملکت خراسان به شکوه و عظمت و نظم به پایان رسید. آقای امیر اعلم چند روز است وارد مشهد شده است. انجمن نظار مشهد امروز رسمیت پیدا کرد و مشغول به کار شدند. اسمی آنها از این قرار است:

فاضل بسطامی - امیر دفتر - حاجی رحیم و مهاباوف - سید العراقین - مستوفی اوف - حاج اسماعیل اتیکه‌چی - میرزا هدایت. دهه آخر ماه محرم انشاء الله روضه‌خوانی خواهم کرد. هوای مشهد کلیه از درجه سی تجاوز نکرده است. شبها که خیلی خوب بوده است. ارزاق هم امسال در مشهد خوب است.

امیر جنگ هنوز در طهران است. انتخابات خراسان همه‌جا شروع شده است. امیدوارم موفق شویم به وکلای ایرانی با شرف. کاندید مشهد زیادتر از پنجاه نفر است.

### سنبله / محرم ۱۳۴۲

چند روز است تهیه روضه‌خوانی می‌بینم. انشاء الله از فردا که بیست و یکم محرم است روضه شروع خواهد شد.

۱۰ سنبله درجه هوا ۲۴ است. شبها فرق نکرده است. مثل سابق است. هوای خوبی دارد.

دیروز اعلیحضرت همایونی دستخط تلگرافی احوالپرسی و اظهار مرحمتی فرمودند.

### روضه‌خوانی ایالت

در تمام نقاط ایران انتخابات شروع شده است. دهه آخر محرم روضه‌خوانی خیلی باشکوهی شد در دارالایاله. از اول مشروطه تاکنون یا روضه‌خوانی نمی‌کردند ولات، یا خیلی مختصر. یکصد نفر روضه‌خوان دعوت کرده بودیم. روزی چهار الی پنج هزار نفر جمعیت جمع می‌شد. از چهاربه غروب تا یکساعت از شب رفته طول

می کشید. به خوبی و خوشی دیروز تمام شد.  
برای نیابت ایالت چنین صلاح دانستم که مفاخر السلطنه را  
حکومتی بدهم. منظمه الدوّله<sup>\*</sup> که از مأمورین وزارت داخله است او  
را پیشنهاد کردم به رئیس الوزراء، قبول شد. دیروز طرف مشهد از  
طهران حرکت کرد.

### قونسول روس – فرمانفرمائی آذربایجان

قونسول روس بدون جهت از من دلتنگ شده است. بعد خودش  
ملتفت شد که اشتباه کرده است. فردا برای طهران حرکت خواهد  
کرد. پیش من که برای خدا حافظی آمد گفت می روم و مراجعت خواهم  
کرد. معلوم نیست مراجعت کند.

والاحضرت اقدس ولیعهد قرار است این روزها حرکت کنند برای  
فرمانفرمائی آذربایجان. اول پیشکار قوام الدوّله شد که از طرف  
اھالی رد شد. دوم آقای حاجی محتشم السلطنه، او هم رد شد. سیم  
نصیر الدوّله شد که اطلاع ندارم او هم رد شده است یا قبول.

آقایان علمای مهاجر<sup>\*</sup> از نجف اشرف مشغول مذاکرات با حکومت  
بین النهرين<sup>\*</sup> هستند، چه از طرف دولت و چه خودشان. مراجعت و  
توقف آنها معلوم نیست.

نصرت الدوّله والی فارس وارد شیراز شده است.

### زلزله ژاپن

چند روز قبل زلزله عجیبی در ژاپن شد. در نتیجه تمام لوله های  
گاز پاره شد و شهر آتش گرفت. در نتیجه چهارصد هزار نفر کشته  
و مجروح [شدند] و تمام شهر توکیو که پایتخت ژاپن است خراب  
[گردید] استثناء عمارت سلطنتی که هیچ عیب نکرد. فاجعه عجیبی بود  
تأسف آور.

\* نظم الدوّله خوانده می شود ولی چون در صفحه بعد منظمه الدوّله آورده به این شکل ضبط شد..

\* اصل: مهاجر

\* اصل: بین النهرين

## شکایت از انتخابات

چند روز است جماعت مختصری به شکایت از هیأت نظار رفته‌اند تلگرافخانه و در ضمن از من هم شکایت دارند که چرا چنین هیئت نظاری انتخاب کرده‌ام، در صورتیکه تمام مطالب اغراض شخصی است. چند روز قبل ییلاقات عنبران تماشا رفتم. ییلاقات اینجا توی دره است. اشجار خیلی زیاد دارد، آب فراوان. اما منظر\* بواسطه تنگی دره ندارد.

**میزان ۱۳۶۲**

آقای امیر جنگ کارهاشان در طهران تمام شد بهسلامتی برای اصفهان حرکت کردند.  
آقای وزیر جنگ چندروز قبل با اتومبیل اصفهان تشریف برد و مراجعت کردند.

## زلزله بجنورد

چند روز قبل در دهات بجنورد و خود شهر بجنورد زلزله آمد. متجاوز از دویست نفر از دهات بجنورد کشته و مجروح شد. چندین ده خرابی وارد آورده‌اند.

حضرات که تلگرافخانه بودند بالاخره از طرف دولت امر شد که آقای معظم‌الملک که جزء کمیسیون سرحدی با آقای مستشار‌الدوله هستند از طرف دولت مفتش باشد به عرايض مشروع حضرات رسیدگی نماید. از تلگرافخانه بیرون آمدند.

روز ۲۶ تعریف شهر تمام شد. هشت هزار [و] کسری تعرفه دادند. بالاخره در باب شکایت جماعتی قرار بر این شد که انجمن نظار یک چهار روز دیگر تمدید بدهند و شکایات رفع شود. امروز روز قتل حضرت امام حسن (ع) بود، رفتیم زیارت

مرا جمعت کردیم. منتظم‌الدوله<sup>\*</sup> نایب‌الایاله جدید چند روز است وارد شده و مشغول کار است.

### بازی جدید، نقار میان شاه و سردار سپه

در طهران بعضی از جراید شروع کردند که این دربار این شکل، این اوضاع امیدبخش نیست. باید تغییر بنماید اوضاع. این‌هم یک بازی جدید است تا ببینیم از پرده چه بیرون می‌آید. از قرار اخبار طهران مابین شاه و وزیر جنگی دلتنگی رخ داده است و روز به روز در ازدیاد است.

دوشنبه قبل داودخان پسر مجده‌الملک که در اداره قشویی نایب سیم بود خود را با رولور کشت. علت نامعلوم است.

### کم‌آبی لطف‌آباد

مدتی است مشاجره شده است مابین ترکستان روس و لطف‌آباد. آب لطف‌آباد را روسها بسته‌اند. از تشنگی اهالی لطف‌آباد به‌جان آمدند. اینها هم آبی که از آرنق می‌رود ترکستان بستند. شب و روز مشغول مذاکره با مرکز و اینجا بودیم تا اینکه بعد از بیست روز امروز را پورت رسید که آب را رها کرده‌اند. مشاجره عجاله تمام شده است.

میرزا مرتضی قلی‌خان دویست هزار تومان عشریه را [که] اعلیحضرت همایونی مطالبه‌داشتند دیروز حسب‌الامر ملوکانه تلگراف شد که کاری نداشته باشیم، خودشان طرف طهران حرکت کنند.

امروز خبر رسید که وزیر جنگ قوام‌السلطنه و جمعی را حبس کرده است. از دیروز عصر سیم طهران کار نمی‌کند. معلوم است که اتفاقات مهم رو داده است. سیم اتفاقاً کار نمی‌کرد باز به کار افتاد.

## میزان - عقرب ۱۳۴۲

یک هفته قبل مهمانی داشتیم به شام دعوت کردیم. قونسولگری انگلیس با خانمها و توابع آنها و رؤسای ادارات. دیشب هم دعوت کرده بودیم از قنسولگری ترکی و افغان. سه شب دیگر هم دعوت می-نمائیم از قونسولگری روس.

### توقيف قوام‌السلطنه

محبومین تهران هنوز معلوم نیست، غیر از قوام‌السلطنه سردار انتصار، مکرم‌السلطان اخوی زاده سردار انتصار. دو روز قبل تلگرافی از نظمیه طهران به نظمیه مشهد رسید که سردار انتصار در استنطاق می‌گوید قوام‌السلطنه مرا واداشت به کشتن وزیر جنگ. من با امیراعلم برادرم مشورت کردم او قبول نکرد. باید امیراعلم را در تأمینات حاضر کنید سؤال کنید مطلب چیست. اطلاعات خود را تلگراف کنید. امیراعلم جواب تلگراف زد که سردار انتصار پیش من ازو زیر جنگ شکایت کرد که با من بی‌مرحمت است و مانع است که کاری به من بدهند. من او را به مراحم وزیر جنگ امیدوار کردم. دیگر صحبت «تروریزم» با من نکرد. پس از این قضیه امیراعلم ناخوش شد، خیلی خطرناک. بطوری که دوازده ساعت تمام هیچکس را نمی-شناخت. تب سختی کرده است. حالا قدری حالت بهتر است.

آقایان علماء که در قم بودند دو نفر نماینده پیش فیصل امیر بین‌النهرین\* فرستاده بودند، بالاخره اصلاح نشد و از اصلاح عجاله مأیوس هستند.

امیراعلم حالت بهتر و از خطر جسته است. چندروز است کابینه آقای مشیرالدوله استعفا داده و قبول شده است.

امروز ۵ عقرب تلگراف از طهران رسید به امضای آقای وزیر جنگ که به امر همایونی قبول ریاست وزراء را نموده بزودی کابینه

\* اصل: بین‌النهرین

را معرفی خواهم نمود. از امروز آقای وزیر جنگ رسماً رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ و فرمانده کل قشون هستند. امضای ایشان همین قسم بود.

### کابینه سردار سپه

۶ عقرب کابینه معرفی شد.

آقای سردار سپه رئیس‌الوزراء [و] وزیر جنگ

ذکاء‌الملک خارجه

مدیر‌الملک مالية

معاضد‌السلطنه عدلیه

سلیمان میرزا معارف [و] اوقاف

خدایارخان پست [و] تلگراف

حاجی عزال‌الممالک فوائد عامه

میرزا قاسم‌خان صور اسرافیل کفیل داخله، به خاکپای همایونی معرفی شد.

امروز ۷ عقرب تلگرافی از رئیس‌الوزراء رسید. دستخط همایونی را درج کرده بودند که بواسطه کسالت یازدهم عقرب برای معالجه از راه بغداد به فرنگستان حرکت خواهم کرد.

در غیاب من والاحضرت ولیعهد هستند. انشاء‌الله پس از معالجه بزودی به ایران مراجعت خواهم کرد.

### خلاصی قوام‌السلطنه

عیال قوام‌السلطنه عریضه به شاه عرض کرد که شوهرش را مرخص کرده فرنگستان بروند. شاه به هیئت دولت امر کرد، در هیأت دولت وزیر جنگ گفتند چون راجع به شخص من است صرف نظر کرده او را فرنگستان خواهم فرستاد. همان روز قوام‌السلطنه مرخص [شد و] برای فرنگستان حرکت کرد.

شاه ۱۱ عقرب حرکت فرمودند. وزیر جنگ هم در خدمت ایشان

تا سرحد خواهند رفت. امروز جشن سال ششم انقلاب روسیه در قونسولگری بود. دعوت داشتم، برای تبریک رفتم.

### عین‌الدوله در مشهد

آقای وزیر جنگ دیروز بیستم عقرب از سرحد مراجعت کردند. شاهزاده عین‌الدوله وارد مشهد شدند. آمده‌اند سرکشی به فریمان که املاک ایشان است، در ضمن هم زیارت کرده باشند. ورود پس از تشریف به آستان قدس ع تشریف آوردن منزل من ناها ر میل کردند. عصر رفتند منزل امیر مسعود که مباشر املاک ایشان است. امروز برای فریمان حرکت کردند. فریمان ده فرسخی مشهد است. بلوک بسیار خوبی است.

### استنطاق سردار انتصار

امروز در روزنامه‌ها استنطاق سردار انتصار را ملاحظه می‌کرم. تصدیق کرده است که قوام‌السلطنه به حکم بالاتر از خودش (یعنی شاه) مرا واداشت به این کار که دو قسم وزیر جنگ را از میان برداریم: یک قسم ترور، قسم دیگر رسمًا از طرف دولت عزل شود و سردار انتصار رئیس کل قوا بشود.

امروز در روزنامه‌ها خبر «روتر» بود که در عثمانی مجلس ملی انقره به تمامی آرا همه وکلاء اعلان جمهوری دادند و مصطفی کمال<sup>\*</sup> پاشا را برای ریاست جمهوری انتخاب کردند.

انتخابات خراسان هنوز تمام نشده است. وکلا را بفوریت احضار کردند.

### معایب مملکتی

آقای وزیر جنگ از مشایعت شاه مراجعت کرده است. مشغول به اصلاحات امور هستند. اعلانی منتشر نمودند که بدینختی ایران بهدو

علم بود: اول ناامنی داخله و دوم تشتت<sup>\*</sup> آرا، اختلاف نظر، هوای خواهی خارجه. بحمد الله اولی مرتفع و مملکت منظم [شد] و دومی هم باید برداشته شود. خارجه پرستی، توسل به خارجه از هر کس به ظهور بر سر وطن فروش است و حکممش اعدام است. عقیده شخص من این است بسیار صحیح نوشته است و این را هم برای این نوشته است برای آینده اگر عملیاتی شروع شود و برای اصلاح ملک عملیاتی لزوم پیدا کرد راه خارجه را از حالا مسدود کرده باشد و به این بی شرمی و بی حیائی و رذالت و شرارت عمومی خاتمه بدهد. مرکز و مرکزیت را به ایران و ایرانی ثابت کند. انشاء الله موفق خواهد شد. برای اینکه رذالت عموم مردم را خسته کرده است.

### متفرقات

دو روز قبل می نوش رفتم با آقای دکتر بهادرالدوله، حضرت والا مفاخرالسلطنه، جناب پژمان. یک صبح و عصر ۳۲ قطعه تیهو و کبک زدم. ناخوش شدم، تب سختی عارض خطرناک، از ظهر تا نصف شب طول کشید. پس از آن قطع شد. حالا بحمد الله حالم خوب است.

امروز که چهارم قوس است مؤتمن‌السلطنه برادر رئیس عدیله که ناخوشی قلب داشت این جهان فانی را وداع گفته و از رحمت زندگانی پست عالم خلاص شد، رحمة الله عليه.  
شاهزاده مفاخرالسلطنه [را] حاکم قوچان نمودم. ثقة‌السلطنه احضار شد.

از قرار معلوم اوضاع بختیاری خوب نیست. یک ذره خوانین و خوانین زادگسان تنبیه نشده‌اند و عبرت نگرفته‌اند. صدمه همه را عاقل خواهد کرد.

جمعه گذشته رفتم شکار می نوش. صبح رفتم عصر مراجعت کردم. بیست و هشت کبک و تیهو شکار زدم. خیلی خوش گذشت.

آقای معظم‌الملک، مفاحر‌السلطنه، بهادرالدوله، میرزا علی‌اکبرخان، پسر آقای مستشار‌الدوله همراه بودند.

### احضار مستشار‌الدوله

آقای مستشار‌الدوله احضار و ریاست کمیسیون سرحدی به معظم‌الملک واگذار شد. مخارج کمیسیون ماهی هفت هزار و پانصد تومان بود شد سه هزار و پانصد تومان. چهار هزار تومان کسر شد. امروز تلگراف داشتم سرکار حاجیه بی‌بی با نازبگم عیال سردار بهادر اصفهان آمدند. آقای سردار ظفر مدتی است اصفهان رفته‌اند، از مخارج طهران خسته شده‌اند.

### انتخاب ملک‌الشعراء

دیروز تلگراف حکومت ترشیز رسید که ملک‌الشعراء به اکثریت آراء از طرف اهالی نمایندهٔ شورای ملی شد. مشهد و تون [و] طبس باقی مانده است.

دو شب قبل جشن مفصلی ادارهٔ قشونی دادند. من هم حضور داشتم. قنسولهای خارجه، رئیس ادارات هم بودند. با جمعی اهل شهر. شام هم دادند. ولی من برای شام مراجعت کردم.

### عایدات آستان قدس

دیروز حکم تلگرافی از دولت رسید به این مضمون: «امیر‌لشکر تمام ترتیبات آستانه، عایدات املاک [و] غیره را ضبط نمائید». امیر‌لشکر هم مشغول اقدامات است. تمام ترتیبات آستانه و مخارجات فوق تصور بدون جهت و نتیجه بهم خواهد خورد. یک تشکیلات صحیح خواهند داد که ترتیب آستانه از این فضاحت خلاص شود.

دیروز تلگراف آمد که مأمور مدبر‌الملک عزل است از ریاست نظمیه. سالار نصرت رئیس نظمیه شد و بزودی حرکت خواهد کرد. چند روز است امیر‌لشکر و تمام رؤسای ادارات با اهل آستانه

غرو بمها مجلس دارند در آستانه برای تنظیم امور آستانه.

### ورود خالصی به مشهد

آقای خالصی که از علمای بزرگ عتبات است و از طرف حکومت <sup>بینالنهرین\*</sup> بواسطه حرمت انتخابات تبعید شده بود به شامات یک ماه است وارد ایران شده است. از بوشهر، شیراز، اصفهان، قم، حضرت عبدالعظیم طرف خراسان حرکت کرده است. دیروز از سبزوار طرف مشهد مقدس حرکت کرده است. فوق العاده در ایران و سایر بلاد اسلام که شیعه هستند اهمیت دارند و مقلد زیاد دارند. آیت الله از نیشاپور طرف مشهد حرکت کرد. امروز سی قوس حضرت آقای خالصی به سلامتی وارد شدند. من و امیر لشکر باهم تا نزدیک شریف آباد پنج فرسخ رفتیم استقبال. به طرق مراجعت کردیم. خدمت آقا ناهار خوردیم. چادر و ناهار از طرف من برده بودند. جمعی از رؤسای ادارات هم با قنسول ترک و افغان بودند. پس از ناهار یک عکس انداخته تنها حرکت کردیم طرف شهر. من و آقای خالصی در کالسکه ایالتی بودیم. یک دسته سوار نظام هم برای احترام بود، تا رسیدیم نزدیک شهر. اصناف چادر زده بودند. آنجا پیاده شدیم. آقایان علما هم بودند. در آنجا من خدا حافظی کرده طرف شهر آمدم. آقا با تجلیل وارد و به حرم مطهر مشرف شدند.

الساعه تلگرافی متعددالمآل رسید که ۲۸ قوس علیق قانون مصوبه مجلس شورای ملی امتیاز نفت شمال به کمپانی سینکلر امریکائی اعطای و امتیاز نامه به امضای رئیس وزراء رسید و اسناد مبادله شد. آقای مستشار الدوله<sup>\*</sup> دو روز قبل طرف طهران حرکت کردند. امروز عید اول سال انگلیسها و روسها بود برای تبریک عید به هردو قونسولگری رفتم.

انتخابات تون و طبس تمام شد. مشیر معظم انتخاب شد.  
آقای خالصی هر روز مسجد برای نماز می‌رود. پسر آشیخ محمد

\* اصل: مشار الدوله

\* اصل: بینالنهرین

واعظ بعداز نماز بالای منبر می‌رود، بر علیه انگلیس‌ها نطق می‌نماید.  
دیروز شکار رفتم. دو شب مهمان حاجی میرزا ناظر بودیم.  
روز جمعه شکار کبک رفتم. در همانجا چهل و دو قطعه کبک و تیهو  
شکار کردم.

### کمیسیون آستانه

از غروب تا ساعت سه از شب امیر لشکر و کمیسیون در آستانه مشغول اصلاح امر آستانه هستند. دیروز رأی دادند که رئیس التجار احمدآباد را غصب<sup>\*</sup> کرده است، متعلق به آستانه است باید توقيف شود. یک عمارت هم رئیس التجار آنجا درست کرده است. امیر لشکر خیال دارد آن عمارت را خراب کند. روز دیگر عمارت را خراب کردند. خیلی کار بدی کردند. برای اینکه در مملکتی که اسمش مشروطه است باید به یک اندازه از راه قانون کار کرد.

### درگذشت لنین

امروز که ۳ دلو است تلگراف بی‌سیم مسکو اطلاع داد که لنین مشهور رئیس دولت شوروی روس بطور سکته مرحوم شدند.  
آقای ظهیرالاسلام دیروز برای زیارت وارد مشهد شدند. پس از یک هفته مراجعت کردند.  
دیروز مجلس ترحیمی در ژنرال قونسلگری روس بود. برای سرمهلامتی رفتم.

شب جمعه ۵ دلو برای عزت‌السلطنه خداوند دختری کرامت کرد. این بچه هفت ماهه متولد شد. اسم او را «گوهرشاد» گذاشتیم. گوهرشاد خانمی است که مسجد گوهرشاد پهلوی آستانه مقدس رضوی [را] بنیان کرده است. یکی از بناهای فوق العاده است.  
کابینه انگلیس تشکیل شد. عاقبت کارگرها پیش برده‌اند. کابینه کارگر به ریاست «ماکدونالد» معروفی شد.

\* اصل: قص

گوهرشاد خانم بعد از شش روز ناخوشی و زحمت امروز جان را به جانآفرین تسلیم نمود. مادرش به اندازه‌ای دلتنگ است که مافوق ندارد.

رئیس ارکان حرب را با دویست نفر سوار پیاده به بجنورد فرستادند. رئیس ارکان حرب خودش مراجعت کرد. سرهنگ دیگری با چهارصد نفر سوار [و] پیاده [و] دو عراده توپ کوهستانی و دو عراده ماقزیم باز فرستادند بجنورد. هنوز از کم و زیاد مطلب درست اطلاع ندارم که اقدامات آنجا چه قسم است. بعد خواهم نوشت.

### قنسول ترک برای پلتیک

تلگرافی از سفیر ترکی آمد [به] ژنرال قونسولگری ترک که خود و اطباء قنسولگری عموماً حرکت کنید طرف ارومیه. دیگر نمی‌دانم قونسول خواهد فرستاد یا خیر. چون در خراسان تبعه<sup>\*</sup> دولت ترکی نیست. وجود قونسول برای پلتیک است. فقط قونسول ترکی حرکت کرد و رفت.

### بد نوشتن در بارهٔ شاه

والاحضرت ولیعهد مجلس را رسماً مفتوح کرد. در انگلستان موقعی که کابینهٔ کارگر تشکیل شده است دولت شوروی روسیه را رسماً شناخته است.

امروز امیرلشکر برای اداره کردن راه رفت طرف شاهزاد. سردار معزز برای طهران حرکت کرد.

روزنامه‌های طهران شروع کرده‌اند به بدنویسی در بارهٔ شاه. خیلی هم بد می‌نویسند.

اندرون تاکنون ناخوش است. تب می‌کند. خیلی اسباب اوقات تلغی من شده است. امیدوارم شفا یابند.

## انتخابات

دیروز انجمن نظار نوشتند که اگر امیراعلم و حاجی حسن آقا قبول نمایندگی می‌نمایند اطلاع دهنده اعتبارنامه آنها فرستاده شود. به ایشان نوشتم، قبولی خود را اطلاع دادند.

در باب نظامالتولیه و صولتالسلطنه از انجمن نوشه بودند که چون شکایات زیادی رسیده است نمی‌توان عجاله اعتبارنامه را امضاء کنیم. اگرچه حل این‌مسئله با مجلس است معهذا یک رسیدگی در انجمن نظار خواهد شد.

## وفات سردار اشجع

امروز اطلاع به من رسید که سردار اشجع در فرنگستان مرحوم شدند. مظفر خان پسر سردار جنگ هم که برای تحصیل رفته بود ایشان هم جوانمرگ و مرحوم شدند. به اندازه‌ای دلتنگ شدم که نهایت ندارد. خود آقای سردار جنگ هم بواسطه ناخوشی در مریضخانه امريکائی هستند و هنوز این خبر به ایشان نرسیده است. در این ماه سیل بزرگی در صفحه عربستان آمد. رود کارون ده ذرع بلند شد. عمارت سردار اقدس، بازار و خانه‌ها در «ناصری» خراب شد. سیل تا مسجد سلیمان که مرکز چشمه‌های نفت است رسیده است.

## زمزمۀ جمهوریت

زمزمۀ جمهوریت در تمام ایران شروع شده است بر علیه کلیه قاجاریه، خصوصاً شاه. تمایل عمومی متوجه سردار سپه است.

## حالصیزاده و عید نوروز

آقای حالصی که انگلیسها او را از بین النهرین<sup>\*</sup> تبعید کردند مدتی است در خراسان است و بر علیه انگلیسها اقدامات می‌نماید.

\* اصل: بین النهرين

عید نوروز و تولد حضرت قائم (ع) امسال هر دو در اول بهار است. آقای خالصی عید گرفتن را حرام کرده است که تا بین النهرین\* در تحت قدرت انگلیس است باید عید گرفته نشود. دیروز روتر اطلاع داد از تغییرات عثمانی. اگر حقیقت پیدا کرد خواهم نوشت.

### غبار روبي

امروز ۲۳ حوت در ضریح مطهر را بر حسب معمول سالی یک مرتبه باز می‌نمایند برای پاک کردن داخل آن. ایالت هم مرسوماً برای زیارت داخل ضریح باید حاضر باشد. با آقای دکتر احیاء‌الملک در موقع باز کردن رفتیم. پنج جلد کلام‌الله مجید به خط مبارک حضرت امیر(ع) و حضرت امام موسی کاظم (ع) و سایر ائمه در داخل ضریح روی قبر مطهر بود زیارت کردیم. پاک کردن ضریح از غبار و قبر مطهر دو ساعت و نیم طول کشید. پس از آن قبر مطهر را زیارت کرده منزل آمدیم.

آقای خالصی و آقای قمی از طبقه علماء هم مشرف بودند.

### تلگرافات علیه قاجاریه

تلگرافات از کل ایران بر علیه سلطنت قاجار و بر له سردار سپه و استدعای برهم زدن یعنی تغییر قانون اساسی از کل ایران به مرکز مخابره شده و می‌شود. از کل مملکت خراسان تلگرافات به مرکز مخابره شده است عموماً ضد سلطنت قاجار و تغییر قانون اساسی و تمایل عمومی به جمهوریت.

در باب عید گرفتن اداره قشوئی از وزیر جنگ سؤال کرد که آقای خالصی عید را حرام کرده است تکلیف چیست؟ جواب رسید که باید عید گرفته شود. عید را روز جمعه خواهم گرفت، هم تولد حضرت قائم (ع) است و هم عید نوروز است.

تلگرافی داشتم از سردار محتشم و امیر جنگ که ایل بختیاری مرا وکیل معین کرده است.

ژنرال قونسول انگلیس مأمور بوشهر شده است، فردا حرکت خواهد کرد از راه طهران. ژنرال قونسول کرمان مأمور مشهد شده است. امروز وارد شد. به ملاقات من آمد.

### ماه حمل - عید و سلام

اول حمل که عید تولد حضرت قائم (ع) و عید نوروز اول سال است صبح زود حرم مشرف شدم. ساعت نه با لباس رسمی برای پذیرائی نمایندگان خارجه حاضر شدم. نماینده روس، انگلیس، افغان با لباس رسمی تبریک عید آمده و مراجعت کردند. در موقع سلام تلگراف زیر از مرکز رسید که بواسطه نهضت عمومی سلام منعقد نخواهد شد، در آنجا هم نباید منعقد شود. فوری لباس را تغییر داده قشون با دفیله آمدند و گذشتند. علت سلام نگرفتن هم این بوده است که مردم مخالف شاه [و] ولیعهد بودند. دیگر نمی خواهند اینها رسمیت داشته باشند. علت جزء و کل را خبر که رسید خواهم نوشت. دیروز های [و] هوئی در شهر شد برعلیه بهائیها. نزدیک بود به اسم ضدیت با بهائیها دکاکین غارت شود. فوری جلوگیری شد.

### جمهوری طلبان

**تلگرافی از مرکز رسید متحدمالمال به این عبارت:**

حسب الامر آقای رئیس‌الوزراء اولاً اشخاصی که در این نهضت ملی شرکت می‌نمایند در اظهار عقیده خود آزاداند به شرط اینکه از حدود نظم و نزاکت خارج نشوند. دویم چون این نهضت ملی کاملاً و منحصراً مربوط به امور داخلی است اتباع خارجه از شرکت و دخالت در آن مطلقاً منوع می‌باشند. سیم هریک از اتباع داخله از رعایت اصول ملیت و قومیت تنطی نمایند مجازات‌هایی که درخور تشبثات آنها باشد از محرومیت از حقوق ملی و مدنی و نفی بلد و غیره درباره آنها اجرا خواهد شد. وزارت داخله

امروز «روتر» اطلاع می‌دهد که چندین هزار نفر جمعیت بر علیه جمهوری طلبان به مجلس ملی رفت و بس علیه جمهوری قیام

کردند. ما بین آنها و پلیس زد و خورد شد. نظامیها به پلیس کمک کرده چند نفر از رؤسای آنها را گرفتند که من جمله یکی از آنها پسر آقای خالصی است. چنین تصور می‌رود که مجلس این قسم رأی دهد: احمد شاه را رسماً عزل کنند، پسر کوچک سلطان احمد شاه عباس میرزا را شاه معین کنند. سردار سپه نایب‌السلطنه باشد. من برای سلطان احمد شاه پسری تصور نمی‌کنم داشته باشد.

### تلگراف سردار سپه در انصراف از جمهوری

امروز ۱۲ حمل تلگرافی از آقای رئیس‌الوزرا سردار سپه متعدد‌المآل رسید تقریباً به این مضمون: اگرچه مردم من اهمیت دادن به افکار عمومی بوده و هست ولی در این نهضت عمومی که جمهوری طلب بودند یک صدای مخالف هم شنیده می‌شد. چون ادامه این اوضاع برای مملکت مضر بود در موقع رفتن به قم و تودیع با علمای اعلام که از عتبات عالیات توسط حکومت عراق تبعید شده بودند و شرح آنها را مفصلانوشتم تبادل افکار نمودیم عموماً رأی‌مان یکی شد به اینکه بکلی مذاکره جمهوری در ایران موقوف شود. لذا از هموطنان خواهشمندم که این پیشنهاد را قبول کرده بعد از این در باب جمهوری سخن نرانند و برای ترقی و تعالی ایران با من همدست باشند. چیزهایی که مانع ترقی ایران است از میان برداریم.

شب گذشته ژنرال قونسول انگلیس که جدیداً وارد شده است با خانمیای آنها و جمعی دیگر ایرانی و انگلیسی شب مهمان من بودند. توقيف خالصی‌زاده گویا صحت نداشته است.

### کناره‌گیری سردار سپه و احتمال کودتا

۱۸ حمل تلگرافی از آقای وزیر جنگ رسید که بعلت قدر ندانستن ملت و تحریک بعضی‌ها که کارکنان خارجی‌ها هستند من از کار کناره کشیده‌ام. پس از این تلگراف برای «بومهن» طرف رودهن حرکت کردند، هشت فرنگی طهران. دیگر اطلاعی ندارم که چه شد.

امروز ۲۰ حمل تلگرافی از رؤسای قشون مرکز متعددالمال به امراء لشکر رسید که برای کناره‌گیری پدر قشون، تا حدی صبر خواهیم کرد، پس از آن به تکلیف خودمان عمل خواهیم کرد. اگر لشکر مرکز با سردار سپه همراه باشند احتمال کودتا می‌رود.

تلگرافی از آقای امیر جنگ و اصل شد که روز چهاردهم از راه بعداد برای طهران حرکت کردم.

بالاخره دیروز ۲۱ حمل خبر رسید که در مجلس رأی گرفته شد از یکصد و شش و کیل هشتاد [و] چهار و کیل رأی دادند به اعتماد به کایenne. دوازده و کیل معین شد رفتند آقای سردار سپه را آوردن. عجاله یک غائله خطرناکی خوابید، تا بعد از زیر خاکستر چه ظهور کند.

خود آقای سردار سپه هم تلگرافی به امراء لشکر مخابره کرد که بواسطه خستگی خیال نداشم دیگر داخل کار شوم، ولی مجلس مقدس شورای ملی و توده ملت منا مجبور به زمامداری نمودند. بواسطه اینکه خدمات من تکمیل شده بود لزوم ادامه خدمتگزاری به مملکت من واداشت که دو باره زمام امور را در دست بگیرم و از احساسات فدایکاری لشکر نسبت به مملکت و شخص من تشکر می‌کنم.

آقای سردار سپه و آقای مؤتمن‌الملک رئیس مجلس جواب تلگرافات من هم به همین مضمون فوق دادند. بحمد الله غائله خوابید. از تمام نقاط ایران برعلیه حکومت و سلطنت قاجاریه تلگرافات سخت به مرکز مخابره می‌شود. کارکنهای آقای وزیر جنگ از عهده این نقشه بیرون نیامدند. عقیده من این است که وزیر جنگ دست از نقشه خود برنمی‌دارد. رؤسای کارکن را تغییر خواهد داد.

### آغازاده و شاهزاده

آخر حمل خبر رسید که شاهزاده مصطفی میرزا برای یک معامله که صیغه خدمت آغازاده خوانده شده بود خدمت آقا رفته بود، یک استدعائی در این باب کرده بود. آغازاده این حرف را خلاف شرع

دانسته است که صلاح نیست شاهزاده اصرار بکند. بالاخره کار به مشاجره<sup>\*</sup> می‌کشد. آقازاده فحش<sup>\*</sup> می‌دهد. او هم در جواب فحش می‌دهد. آقازاده با عصا او را می‌زند. او هم حمله کرده است. جمعی منزل آقازاده بودند ریختند سر شاهزاده کتک فوق العاده به شاهزاده زده نیمه حال از آنجا بیرون می‌آید. فردای آن شب به من اطلاع رسید. طلاب هم جمع شدند در مسجد گوهرشاد. علماء را هم آوردند. بقدر پنج هزار جمعیت جمع شد و قتل شاهزاده را که توهین به آقا کرده است مایل بودند. امیر لشکر آمد منزل من. بعد از مشورت این قسم صلاح دید که او را ببرند منزل آقازاده. من گفتم آیا اطمینان دارید که خطر برای او نیست. امیر لشکر جواب داد امکان ندارد. پناهنه به منزل ایشان البته مصون خواهد بود. مع هذا رئيس نظمیه و شجاع التولیه را فرستادم با آقازاده مذاکره کردند. قرار بر همین شد. امیر لشکر و شجاع التولیه شاهزاده را برند خدمت آقا. غروب منزل آقا رسید. شاهزاده دست آقا را بوسید. آقا هم گذشت فرمودند. آقا به امیر لشکر گفت چون آقای خالصی تشریف می‌اورند برای افطار، شاهزاده به اطاق دیگر تشریف ببرند. شاهزاده رفت به اطاق [دیگر]. در این موقع غفلة دو هزار نفر جمعیت طلاب و ...<sup>\*</sup> ریختند منزل آقا، در را شکستند حمله کردند به شاهزاده و هرچه آقازاده خواست مانع شود نشد. کتک زیاد به پناهنه زدند. چند چاقو زدند به سر و دست و پهلو. یک زخم چاقو خطرناک است که به پهلو خورده و پرده را پاره کرده است. نیمه جان او را خلاص کرده منزل آوردند. اطباء مشغول معالجه هستند. تاکنون که عیب نکرده است. شورش هم خوابیده، شهر آرام شده. اگر تصور می‌کردم درخانه آقا این اتفاق می‌شود هیچ وقت راضی نمی‌شدم امیر لشکر او را ببرد.

\* اصل: مشاره، ... فهش  
\* ناخوانده.

## مسئله سیاسی و جمهوری

چهار روز قبل حکم تلگرافی رسید برای امیرلشکر از وزیر جنگ که امر می‌کنم تا دوازده روز دیگر حاضر شوید. سایر امرای لشکر شمال، غرب، جنوب را هم احضار کرده‌اند. البته برای مسئله سیاسی است مخصوصاً راجع به همین مذاکرات جمهوری است. عقیده آقای دکتر احیاء‌الملک این است که از یک‌صد نفر یک نفر سواد معمولی نداشته باشد جمهوری پیش نمی‌رود و اساس ندارد.

تلگرافی از امیر جنگ رسید که آخر برج حمل وارد طهران شد. کاغذی که به ایشان نوشته بودم و عقیده خود را اظہار کرده بودم که مایلم استعفا بدهم و حرکت کنم جواب تلگراف زده بود صبر کنم تا تلگراف ثانوی او. منتظر تلگراف او هستم.

یک ماه است هر روز بارندگی می‌شود. تاکنون که ۴ ثور است هوا کاملاً سرد است و محتاج به آتش هستیم. تلگرافات از ولایات برعلیه آل قاجار در جریان است. چند روز است امیر لشکر رفته است طهران.

## علمای تبعیدی از عتبات

آقایان علمای از عتبات عالیات تبعید شده بودند و بزرگان آنها آقای اصفهانی و آقای نائینی بوده است و مدتی در قم توقف داشتند چند روز قبل راضی شدند یعنی از طرف حکومت بین‌النهرین<sup>\*</sup> آنها را راضی کردند و مراجعت فرمودند.

## استعفا از والیگری خراسان

جواب تلگرافی از آقای امیر جنگ رسید که استعفا بدهم. من هم فوری استعفا دادم، قبول شد. منظمه‌الدوله که نایب‌الایاله بود کفیل

\* اصل: بین‌النهرین

است تا ورود ایالت جدید. احتمال می‌رود حشمت‌الدوله حاکم شود، انشاء الله.

۲۰ برج ثور با کالسکه چاپاری حرکت خواهم کرد. فامیل با یک کالسکه، من [و] صاحب نسق [و] احیاء‌الملک در کالسکه دیگر.

### هزیمت به طهران

روز ۲۰ به اتفاق آقایان حرکت کردیم. دستجات‌قشونی با موزیک برای احترامات حاضر بودند. از صفحه‌ای نظامی‌ها و زنده‌باد آنها گذشتیم. جماعتی تا یک فرسخی استقبال آمدیم بودند. چاپاری آمدیم برای طهران. هشت شب در راه بودیم. با وجودی که اطلاع دادند که تراکمه برای دزدی راه آمدیده‌اند مع‌هذا بدون هیچ اتفاقی سلامت وارد طهران شدیم. بحمد الله در راه خیلی خوش گذشت.

### سفر چهل روزه

بهادرالدوله و اجزاء و اسباب یک روز بعد از من حرکت کردند. بواسطه اغتشاش راه خیلی معطل شدند. چهل روزه آمدند. توی راه بواسطه مخالفت جلودارها باهم سلطان محمد توی جناب امیرقلی را با گلوله زد. دو گلوله به پاهای او زد. استخوان یک پایش شکست. در سبزوار تحت معالجه است. سلطان محمد و فاضل فرار کردند. فاضل را در طبس قشونی گرفت. نوشتمن طهران بفرستند. سلطان محمد باید طرف کرمان رفته باشد. نوشتمن او را بگیرند.



# در طهران

وکالت در مجلس شورای ملی

اردیبهشت ۱۳۰۳ - مرداد ۱۳۰۳

۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ قمری



دبالة سال ۱۳۰۳ شمسی

### وضع بختیاری

وقتی که رسیدیم امیر جنگ طهران بود. بواسطه اینکه هنوز از طرف آقای رئیس‌الوزراء حکم جزو شدن جانکی صادر نشده بود. ورود من حکم صادر شد. آقای امیر جنگ با فامیل طرف بختیاری حرکت کردند. امیر مجاهد به مخالفت دولت و حکومت امیر جنگ قیام کرده است. از طرف دولت امر شده است فرنگستان برود. تاکنون استقامتی کرده است ولی پی واسطه می‌گردد.

کار دولت پس از بهم خوردن جمهوری و شورش اول حمل بر علیه آقای سردار سپه خوب نیست و عشق [و] معبتی که در قلوب داشته است بر طرف شده است.

### شلوغی لرستان

چندی قبل بر علیه قشون لرستانیها مقاومتی کردند، خیلی از پستهای بین خرم‌آباد و بروجرد را از دست نظامی گرفتند. با فرستادن ده هزار قشونی پستهای را پس گرفتند، ولی لرها همه وقت مشغول زد [و] خورد هستند.

### مخالفت با سردار سپه

طهران هم خیلی از جراید [و] و عاظ بر علیه آقای سردار سپه حرف می‌زنند، چیز می‌نویسند. علما هم عموماً بر علیه سردار سپه

هستند. تلگرافات زیاد برای آمدن شاه مغایره شده است. از طرف او هم جواب داده شده است که بهزودی به ایران خواهد آمد. اوضاع خوب نیست. وضع مجلس بد است. چون من از طرف اهل بختیاری و کیل هستم عجاله در مجلس به خدمات ملی اشتغال دارم. مدرس لیدر اقلیت و بر علیه سردار سپه کار می‌کند. خیلی هم طرف توجه عمومی شده است بواسطه مخالفت واضح علنی بر علیه جمهوریت. سردار سپه به نظر خسته می‌آید یا اینکه فکری در باطن دارد، و الا هیچ آن سردار سپه یک سال قبل نیست. تا چه شود.

مجلس اکثریتی روشن ندارد. وزرای سردار سپه خوب نیستند. کار نفت شمال که قرار بود به کمپانی سینگلر امریکائی داده شود هنوز از مجلس نگذشته است. اما نزدیک است بگذرد.

### قتل عشقی

امروز ۱۳ سرطان عشقی شاعر را در خانه اش با گلوله زدند. خیلی اسباب هیجان بعضی از نمایندگان شد که نزدیک است اطمینان برداشته شود. گویا عشقی بر علیه آقای سردار سپه چیز می‌نوشت. ضارب هنوز معلوم نیست. پسر ضیاءالسلطان ترک را گرفته‌اند به اسم ضارب. در نظمیه مشغول استنطاق هستند.

دیروز از ولایت تلگراف رسید که ما بین خوانین صلح شد. همه برای اطاعت از دولت حاضرند. امیر مجاهد هم بزودی حسب‌الامر دولت می‌رود فرنگستان.

ختمه‌ای مفصل برای عشقی گرفته شد. خیلی از مدیران جراید که بر علیه دولت می‌نوشتند به مجلس تحصن اختیار کردند. یک هفته قبل رئیس‌الوزرا.<sup>\*</sup>

### امنیت ملک الشعرا

دیروز در مجلس ملک الشعرا خیال داشت در باب کشته شدن عشقی

\* همینطور جمله ناتمام مانده است (ظاهراً) دنباله مطلب همان است که در چند سطر بعد، مده)

و نداشتن امنیت مذاکره نماید. از طرف رئیس مجلس به اسم مشکل- تراشی قانونی جلوگیری شد. لیدر اقلیت که مدرس باشد با آقایان قهر کرده از مجلس خارج شدند به این که چرا نسیگذارند و کیل حرف بزنند و آزادی و کیل را خفه می‌کنند.

یک هفته قبل آقای سردار سپه رئیس‌الوزرا تلگرافی در باب تشریف آوردن اعلیحضرت همایونی عرض کردند. شاه در جواب نوشتند بزودی خواهم آمد. اوضاع مجلس خوب نیست. اوضاع شهر صورت ظاهر خوب است ولی در باطن بسیار بد است. خوانین بختیاری کاملاً اصلاح کردند.

بالاخره ملک الشعراع بیان خود را در مجلس اظهار کرد. قصدش این بود تقریباً که قاتل عشقی به میل دولت این عمل را کرده است، چون عشقی از مخالفین دولت بوده است و امنیت به این ترتیب برداشته شده است. مدیران جراید حامی اقلیت عموماً مجلس بست نشسته‌اند. خوب است دولت قاتل عشقی [را] که در نظمیه حبس است مجازات کند. رفیق او را هم که در موقع ارتکاب دوتا بودند باید دستگیر کند. از این قبیل مذاکرات.

### رأی مخفی تقلبی

چند روز قبل در باب نراقی و کیل کاشان رأی مخفی گرفته شد. اول در رأی تقلب شد. مرتبه دوم رأی گرفتند رد شد. حالا سوسیالیستها و «تجدد» می‌گویند باید یک مرتبه دیگر رأی گرفته شود. اقلیت طرف شدند. بالاخره اقلیت با تغیر و فحاشی از مجلس خارج شدند. هنوز «کشمکش» نراقی باقی است. دیروز به این جهت مجلس رسمی نشد. چون ممکن بود یک زد[و] خورد ما بین وکلا و تماشاچیها بشود. چون ماده طرفین حاضر بوده و هست.

### واقعه سقاخانه

مدت بیست روز است می‌گویند در سقاخانه چهارراه آقا شیخ

هادی یک نفر بهائی به حضرت عباس (ع) بی احترامی کرده فوری کور شده است. از این جهت تمام سقاخانه‌ها و شهر را چراگان بستند. بیست روز است که اکثر نقاط شهر تهران چراگان است. شبها سینه زن [و] واعظ هنگامه می‌کردند.

در نتیجه سه روز قبل قونسول آمریکا و یک نفر امریکائی دیگر رفته‌اند در سقاخانه عکس بیندازند به جماعت حاضر برخورد. نتیجه‌این شد که ریختند سر دونفر امریکائی‌ها. قنسول را کشتند. رفیق قونسول نیم مرده است. یک روز بعد هیأت دولت با لباس رسمی [و] تمام سفرای خارجہ در مدرسه امریکائی حاضر شدند برای تشییع جنازه. وکلا و محترمین هم بودند. پنج بعد از ظهر تشییع جنازه کردند. جنازه را برداشتند به اکیر آباد یک فرسخ خارج از شهر طرف غربی امانت گذاشتند. اکبر آباد قبرستان امریکائی می‌باشد. از طرف تمام سفراء خارجہ توسط شیخ السفرا یک پروتست به دولت فرستادند که تقریباً با این اوضاع اتباع خارجہ تأمین ندارند. دولت هم دیروز ۲۸ مهر طان اعلان حکومت نظامی داد. جمعی را هم گرفتند.

### مشاجره مدرس و سید یعقوب

روز ۲۹ رئیس‌الوزراء سردار سپه با وزرا آمدند مجلس. اول رئیس مجلس نطق مختصری [کرد] مبنی بر اظهار تأسف از این واقعه اسف‌آور که ملت نجیب مهمن نواز که مشهور آفاق است به این جهت لکه‌دار شده است. البته باید دولت به ای نحو کان<sup>\*</sup> آشوب طلباء این اتفاق را دستگیر و تنبیه سخت بنماید که شبهیه پیدا نکند. بعد ذکاء‌الملک وزیر خارجہ یک نطق شبهیه به نطق مؤتمن‌الملک رئیس مجلس نمود و گفت به همین واسطه دولت حکم به حکومت نظامی داده است. به امید خداوند بزودی اشرار دستگیر خواهند شد. پس از آن رئیس مجلس اظهار کرد راجع به دستور باید حرف زد یا در این باب. مدرس در جواب گفت من عرضی دارم. رئیس مجلس در چه باب؟ گفت اول

\* اصل: اینهوکان

اظهار تأسف از این واقعه بعد در باب حکومت نظامی. در این موقع سید یعقوب وکیل فارس به مدرس حمله کرد که چرا نمی‌گذاری ایران آرام بشود. مدرس به او متغیر شد. سید فریاد کرد. مدرس پد گفت. هرچه رئیس زنگ زد اعتماً نکرد. سید یعقوب گفت مگر ایران مال توست. مدرس جواب داد البته مال من است. وکیل ملت هستم. ایران از من است. وکیل ایران هستم. هرچه مضر باشد دفاع می‌کنم. در این موقع رئیس مجلس از مجلس خارج شد. تمام وکلاء بر حسب وظیفه هر وقت که رئیس خارج شود باید تمام وکلاء خارج شوند خارج شدند. مجلس به هم خورد. سردار سپه با وزراء هم بیرون آمدند. دوباره مجلس رسمی شد. همه برگشتند. مدرس آمد پشت «تریبن». به اجازه رئیس که در جواب مدرس فرمودند بیان اول را در باب تأسف از این واقعه امریکائی اظهار کنید ولی در باب حکومت نظامی چیزی امروز نگوئید. مدرس نطقی تأسف از این واقعه بیان کرد. بعد از ختم بیان گفت چون رئیس مجلس امر کردند چیزی در باب حکومت نظامی بیان نکنم اطاعت دارم، ولی تا در باب حکومت نظامی در مجلس مذاکره نشود نباید در خارج اثری داشته باشد.

### قانون نفت

پس از آن در باب قانون نفت که باید مجلس تصویب یا رد نماید شروع شد. مختصرش این که دولت ایران امتیاز استخراج نفت و مواد مشترک نفت را به کمپانی سینگلر امریکائی مدت پنجاه سال می‌دهد، نفع خالص باید از هر صد بیست به دولت بدهد. از صد بیست متعلق به دولت خواهد بود. این امتیاز در چهار ایالات و ولایات خواهد بود: آذر بایجان، اردبیل، خراسان، مازندران تا «تنک آبون»<sup>\*</sup>، استرآباد. هفده ماده است. شش ماده از مجلس گذشت و تصویب شد. عجاله حکومت نظامی در شهر طهران کاملاً برقرار است. عده زیادی گرفتار شده است.

## توقیف خالصیزاده

خالصیزاده که بر علیه دولت همه وقت منبر می‌رفت او را هم گرفته و تبعید کردند.

از طرف تمام سفرای خارجه توسط شیخ السفراء که مدفییر ترکیه باشد یک «نت» به دولت فرستادند. تالم [و] تغییر از این ترتیبات و جلوگیری فوری. دولت هم جواب داد که این مسئله بر حسب اتفاق شد و هیچ وقت سابقه نداشته است. خیلی هم اظهار تأسف، چه در پارلمان چه در هیئت وزراء و غیره هم به عمل آمده است و دولت امیدوار است که دیگر نظایر پیدا نکند.

## در مجلس

اقلیت بر علیه حکومت نظامی قیام کردند. دو روز قبل از طرف آنها ملک الشعرا و حائریزاده نطق مفصلی بر علیه حکومت نظامی و تنقید زیادی از عملیات سردار سپه نمودند. بعضی از وکلای طرفدار دولت رد کردند بیانات آنها را. نزدیک بود مجلس بهم بخورد. بعد مذاکره نفت پیش آمد. تا فصل دهم تصویب شد. ۲۷ ماده است. ۱۷ ماده دیگر باقی است.

امروز ۴ اسد مجلس رفتم چون رئیس، جلسه فوق العاده برای نفت امر داده بود. جلسات رسمی مجلس پکشنبه - سه شنبه و پنجشنبه است. امروز شنبه هم خبر کردند ولی بعضی از وکلا نیامدند. اقلیت که هیچ نیامدند. حرفشان این بود که ما نفهمیدیم، وانگهی رئیس مجلس حق ندارند بدون اجازه از مجلس تغییر به جلسات رسمی مجلس بد هند. در هر صورت مجلس رسمی نشد. ماند برای فردای یکشنبه.

سردار جنگ که ناخوشی نواسیر دارد هنوز مبتلاست و خوب نشده است. تاکنون چندین مرتبه دکتر امریکائی عمل کرده است باز هم محتاج به عمل است.

## جنازه ایمبری

عاقبت از طرف سفارت آمریک یادداشت نوشتند به دولت ایران که برای حمل جنازه قونسول کشتی جنگی دولت آمریک می‌آید بوشهر، جنازه را حمل خواهد کرد. مخارج ایاب و ذهاب کشتی را دولت ایران باید بدهد. دولت هم قبول کرد. مبلغی هم باید به خانم و فامیل قونسول غرامت<sup>\*</sup> بدهند. می‌گویند مخارج دو ماه کشتی یک میلیون خواهد شد.

## استیضاح مدرس

عالله شهر نظامی است. مدرس لیدر اقلیت در مجلس ورقه استیضاح را به رئیس مجلس داد. دیروز هیأت دولت مجلس آمدند جواب گفتند برای جواب استیضاح حاضرند. تعیین روز با مجلس است. چون ایام عزاداری مجلس تا پانزدهم مجلس روضه [است] استیضاح را روز ۱۷ محرم معین کرد. اخبار تازه نیست.

امیر مجاهد هم برای فرنگستان از راه عربستان حرکت کرد. عالله تمام مذاکرات مرکز راجع به استیضاح است. عقیده من این است که باز اقلیت نمی‌توانند کاری بکنند و موفقیت با سردار سپه خواهد بود. دهه عاشورا<sup>\*</sup> در طهران با کمال نظم گذشت.

هوای طهران امروز که ۲۳ اسد است ۳۶ است. رویهم رفته هوای طهران از هر سال گرمتر بود مخصوصاً در همین اواسط اسد تاکنون دیشب و پریشب از حد خارج گرم بود.

## مرده باد، زنده باد

روز استیضاح رسید. هیئت دولت آمدند مجلس. در موقع ورود مدرس صدای مرده باد مدرس بلند شد. کمی هم زنده باد مدرس می‌گفتند. مدرس عصبانی شد. فریاد کرد مرده باد رئیس وزراء. نزدیک

\* اصل: قرامت

\* اصل: آشورا

بود ما بین و کلا زد خورد زیادی واقع شود. کمی واقع شد و جلوگیری شد. صبح بواسطه کثرت جمعیت مجلس رسمی نشد. قرار به عصر گذاشتند. ظهر اغلبی طرف خانه‌ها رفتند. مدرس، حائریزاده<sup>\*</sup>، کازرونی طرف حمله مردم در بیرون مجلس واقع شدند. بعد پلیس جلوگیری [کرد]. عصر که مجلس شد این سه آقای مصروف مجلس نیامدند. سایر اقلیت که حاضر شدند در مجلس نیامدند.

### اظهارات ملکالشعراء

مجلس که رسمی شد از طرف اقلیت ملکالشعراء پشت تربیون رفت و اظهار کرد که از طرف اقلیت مأموریت دارم به عرض آقایان برسانم که اقلیت برای استیضاح حاضر نخواهد شد برای اینکه ترتیب مرده بادهای صبح را همه آقایان ملاحظه کردید. ظهر هم که مدرس و حائریزاده [و] کازرونی از مجلس می‌رفتند طرف کتك او باش واقع شدند. چون امنیت نداریم استیضاح نمی‌کنیم. استیضاح را هم پس نخواهیم گرفت. آقای رئیس مجلس فرمودند چنین معلوم می‌شود حضرات مایل نیستند استیضاح را پس بگیرند، استیضاح هم نمی‌کنند. مایل هستند عجاله همین قسم استیضاح بمانند. سلیمان میرزا نطق مفصلی در جواب ملکالشعراء بر علیه اقلیت بیان کرد. بالاخره مجلس رأی داد حالا که آقایان مایل به استیضاح نمی‌باشند استیضاح آنها لغو است و اثری بر او باقی نیست. رئیس دولت گفت این کافی نیست برای دولت. اگر واقع دولت اکثریت دارد باید بداند و اگر هم ندارد باید معلوم شود. رأی اعتماد به دولت گرفته شد. از نود و یک نفر و کیل حاضر عموماً رأی اعتماد به دولت دادند و مجلس تمام شد.

### ورود تقیزاده

تقیزاده که یکی از لیدرهای آزادی در اوایل مشروطه بود و

\* اصل: هائزیزاده (همهجا)

وکیل مجلس هم بود در دوره دویم بواسطه مخالفت علماء با ایشان رفت فرنگستان در برلن توقف کرد. چهارده سال توقف او طول کشید. اغلب مشغول تحصیل بود و به تحصیلات شاگردان ایرانی رسیدگی می کرد، چون از طرف ملت طهران وکیل شده بود صبح روز قبل وارد و دیروز که آخر اسد بود در مجلس حاضر شد.

## تکلیف سردار سیه به استعفای وزرا

آخر اسد به آقایان وزراء از طرف آقای سردار سپه دستور داده شد که همه استعفا بدهند و استعفا دادند\*. معلوم نیست وزرای جدید کیها باشند. مدرس به قهر باقی است. عقیده او این است که این بی احترامی که به او و رفقای او وارد شده است بواسطه تحریکات رئیس وزراء بوده است.

\* در استناد مستشارالدوله صادق که در دولت سردار سپه وزیر معارف بود نامهای از سردار سپه هست که به مستشارالدوله تکلیف استعفا کرده. این است عکس آن.

بخاری . مسیح بر ج ۲

..... 40.00

1

جَرِيَّةٌ مُهْرَجَةٌ رَأَدَهُ مُنْدَرٌ فَوْفَ

تاج محل، شهراب و جنگی دیروز از اصفهان حرکت کردند برای ملاقات من. بچه‌ها هم به سلامتی فرنگستان برای تحصیل خواهند رفت.

### هیأت وزرای جدید

هیأت وزراء ۷ سنبله معین [و] خدمت حضرت ولی عهد معرفی شدند:

سردار سپه رئیس‌الوزراء [و] وزیر جنگ  
ذکاء‌الملک وزیر مالیه  
مشار‌الملک وزیر خارجه  
امیر اقتدار وزیر داخله  
ادیب‌السلطنه وزیر عدله  
سردار معظم فوائد عامه  
مشار‌الدوله کفیل معارف

خود بنده وزیر پست و تلگراف. اول هرچه اصرار کردند که من وزارت عدله را قبول کنم رد کرم. پست و تلگراف را قبول کرم.

وزارت پست و تلگراف  
و  
سفر خوزستان با سودار سپه

شهریور ۱۳۰۵ - خرداد ۱۳۰۴

۱۳۴۴ - ۱۳۴۳ قمری



دبیاله سال ۱۳۰۳ شمسی

### سفر سردار سپه به خرمآباد

امروز ۸ سپتامبر به مجلس شورا معرفی شدیم. پس از آن هریک به وزارت خانه خود رفتیم. بعد از پنج روز آقای سردار سپه رئیس-وزراء برای تشکر از عملیات و فداکاریهای لشکر غرب برای خرمآباد حرکت فرمودند با اتومبیل. بعد از ده روز حرکت مراجعت فرمودند. خیلی هم از عملیات قشون مسرور شدند و خوشوقت بودند. در غیبت ایشان خبر تازه نبود بنویسم.

### ناامنی راه خراسان

قدرتی راه خراسان را تراکمه مغشوش کرده بودند، چند گاری مسافرت را لخت کردند. از طهران یک دسته قشون با اتومبیل حرکت کرد. از استرآباد رئیس ساخلو با یک دسته حرکت کرد. راه باز شد. لکن ترکمانها هنوز در اطراف هستند. عده آنها را دو هزار نفر معرفی می‌کنند.

### شیخ خزعل

بواسطه تلگرافات سخت از طرف رئیس وزراء به سردار اقدس شیخ خزعل او هم جبن پیدا کرد، بر علیه سردار سپه قیام کرد. در این موقع امیر مجاهد هم پیش شیخ بود. او هم با شیخ همراه شد. رئیس قشون عربستان هم که گویا سیصد نفر عده دارد او هم با شیخ متعدد شد و بر علیه سردار سپه قیام کرد. تلگرافات به سفرا و مجلس

کردند بر علیه سردار سپه و بر له شاه. سردار سپه در خیال است  
قشون از لرستان و بختیاری طرف او حرکت دهد. سفارت انگلیس  
خواهش کرده است یک هفته صبر کنند. گویا خیال اصلاح دارند. تا  
امروز که ۲۸ سپتامبر است معلوم نیست چه خواهد شد. گمان ندارم  
انگلیسها بگذارند طرف عربستان جنگ شروع شود. چون اولاً تجارت  
آنها خواهد خوابید، دوماً خطر نفت به قسمی است که امروز تمام  
عملیات انگلیس در بین النهرين\* بواسطه نفت جنوب است. اگر  
بخواهد تمام کارهای انگلیس در بین النهرين خواهد خوابید. پس  
امکان ندارد جنگ بشود. البته شیخ تسلیم خواهد شد. چهار روز قبل  
رئیس وزراء رفت به مجلس. مجلس خصوصی تشکیل شد. مذاکرات  
شیخ شروع شد. و کلاً نطقهای آتشین کردند بر علیه شیخ که مزدور  
است، یاغی است، باید نابود بشود. بالاخره قرار شد از مجلس یک  
تلگراف در این باب بشود. تلگراف از طرف مجلس مخابره شد، مثل  
اعلان خطاب به مشایخ عرب که سردار سپه [مورد] اطمینان مجلس  
است. هر کس بر علیه ایشان قیام نماید مردود و مقصر دولت و ملت  
است. تلگراف به فارس، عربستان، کرمانشاه، اصفهان، ناصری،  
بصره، بغداد مخابره شد.

### سردار سپه و بختیاریها

امیر مجاهد تازه آمده است طرف مال امیر. امروز حکم تلگرافی  
از آقای سردار سپه رئیس وزراء صادر شد به ایلخانی، ایل بیگی  
بختیاری که مرتضی قلی خان را با امیر مجاهد باید دستگیر کنید.  
خبر خارجه — دیروز تلگرافاً از جده خبر رسید که در نتیجه  
جنگ ابن سعود با حجاز — ابن سعود رئیس و هابیه است — سلطان حسین  
پادشاه حجاز مغلوب شد. ملت حجاز سلطان حسین را عزل و امیر علی  
را به جای او منصوب کردند. حال با ابن سعود در مذاکره اصلاح هستند

که بلکه اماکن<sup>\*</sup> مقدسه از حملات و ها بیهدا خلاص شود. یک دسته قشون رفت چهارمحال. یک قشون تقریباً هزار و پانصد نفر دیروز از مرکز برای اصفهان حرکت کرد. مرتضی قلی خان، سالار مسعود، صارم‌الملک، چراغعلی خان، سلطان‌مراد خان در موقع ورود قشون به چهارمحال برای عربستان فراراً حرکت کردند.

### تلگراف ماکدونالد به شیخ خزعل

تلگرافی رئیس‌الوزرای انگلیس (ماکدونالد)<sup>\*</sup> به شیخ محمد مخابره کرد. سواد او را به سردار سپه دادند. مضمون تقریباً این بود: شیخ محمد! دولت انگلیس همه وقت با شما دوستی داشته است، لکن مایل نیست که شما بر علیه دولت ایران قیام کنید. البته باید کاملاً تسليم و مطیع شوید. به دولت ایران در صورت تسليم، همه قسم همراهی [و] دوستی توسط دولت ایران به شما خواهد شد. اگر ترک مخالفت نکنید و نصیحت ما را نپذیرید هیچ قسم همراهی و کمک به شما نخواهد شد. بعد از این تلگراف دیگر خبر ندارم حالت شیخ چگونه است. در هر حال شیخ برای تسليم حاضر است. شکل تسليم هنوز معلوم نیست.

### ترتیب فامیلی بختیاریها و سفر به اصفهان

بالاخره در باب خوانین بختیاری که کارشان نزدیک است به مشاجره بکشد و البته جنگ داخلی یک خانواده اسباب‌تمامی آنها است. به امر حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء امروز که سیم (۳۰) میزان است در حقیقت آخر میزان است بنده با آقای امیر اقتدار وزیر داخله [و] آقایان صمصام‌السلطنه، سردار جنگ، امیر مفخم طرف اصفهان حرکت می‌کنیم. آقایان سردار محتشم، امیر جنگ، سردار ظفر هم تلگراف شده است اصفهان ببایند ترتیب فامیلی را مرتباً

\* اصل: اماکن

\* اصل: مال‌الحال

کنیم. عقیده من این است سردار ظفر ایلغانی، سردار جنگ ایل بیگی، امیر جنگ پیشکار آنها شود. امیدوارم سردار محتشم و امیر جنگ فداکاری کرده این پیشنهاد را که خیر در آن است قبول فرموده منت بر من بگذارند. هم جنگ خانوادگی نشود و هم عربستان و مخصوصاً نفط به هم تغورد.

### کشته شدن ذکی بهمنی

دو روز قبل حسین‌خان بهمنی دائی<sup>\*</sup> امیر مجاهد و پسر امیر مجاهد با قشون دولت جنگ کردند نزدیک بهبهان. نتیجه حسین‌خان شکست خورد. بیست و پنج نفر کشته و بیست و دو نفر اسیر دادند. محمد شفیع خان برادرزاده حسین‌خان دستگیر، ذکی‌خان مقتول [شد]. ذکی‌خان رئیس یک دسته بهمنی بود. اگر سلامت مراجعت کردم باقی را انشاء الله خواهم نوشت.

### بیماری صاحب نسق

آقایان دکتر احیاء‌الملک و شیخ‌الملک همراه تشریف دارند. مدت یک ماه است آقای صاحب‌نسق ناخوش است. گمان ندارم خوب بشود. با سن نود سال عمر یک ماه ناخوشی قطعاً خطرناک است. از این است خیلی دلتگی هستم. چون سال‌هاست عادت به دوستی و رفاقت او کرده بودم فقدان او مصیبت بزرگی است برای من. واقعاً مثل ملائک آسمان است. آدمی به این اخلاق ندیده‌ام. متأسفانه در مدت مسافت این کتاب با بندۀ نبود.

### بازگشت - وصف سفر اصفهان

حال که از مسافت جنوب مراجعت کرده‌ام خیلی مختصر آنچه یاد دارم می‌نویسم. [با] مسافرینی که فوق عرض شد طرف اصفهان آخر میزان حرکت کردیم. یک شب در راه بودیم. روز دوم وارد اصفهان

\* اصل: داعی

شدیم منزل سردار ظفر مهمان سردار بهادر بودیم. عیال سردار بهادر اصفهان بودند. اتومبیل فرستادم حاجیه بی بی و والدهام را هم آوردند اصفهان. اتومبیل فرستادم سردار ظفر هم نشریف آوردند. بالاخره خوانین جمع شدند. به طیب خاطر سردار محشم و امیرجنگ استعفا دادند. پیشنهاد ایلخانی گردی برای سردار ظفر و ایل بگی گردی برای سردار جنگ حضور رئیس وزراء تلگرافاً مخابره شد. فوری پذیرفته شد.

### مخالفت امیر مجاهد و دیگران

در این موقع لاینقطع تلگرافات بی درپی از امیر مجاهد، مرتضی قلی خان، شهاب‌السلطنه به خوانین می‌رسید که ما قبول نداریم، صلح نمی‌کنیم. با شیخ اتحاد داریم و اتحاد ما با شیخ محمد لا یغیر است. چنین و چنان می‌کنیم. این تلگرافات اسباب حیرت من می‌شد. چون هم آقایان بختیاری را می‌شناختم و هم کاملاً شیخ را. در هر حال سردار ظفر را از همراهی شیخ برگردانیدیم و حالی کردیم که این کار برای بختیاری مضر است. بالاخره شیخ تسلیم خواهد شد [و] سر بختیاری بی‌کلاه می‌ماند. قبول فرمودند.

### سفر به سوی خوزستان

### ورود سردار سپه به اصفهان

در این موقع خبر تلگرافی رسید که حضرت اشرف رئیس وزراء طرف اصفهان حرکت کردند. فردای آن روز به سلامتی وارد شدند. اهالی اصفهان استقبال کامل نمودند. در عمارت چهل‌ستون منزل نمودند. پس از پنج روز طرف شیراز حرکت کردند. ملتزمین از این قرار هستند: امیر اقتدار وزیر داخله – بنده نویسنده – دکتر احیاء‌الملک – سردار رفعت رئیس کل امنیه – خداوارخان امیر لشکر – قایم مقام الملک – دبیر اعظم – محمود آقا، امیر لشکر جنوب – سرتیپ

عبدالرضا خان رئیس دفتر. سه شب در راه بودیم. خیلی بحمد الله خوش گذشت. شب سیم رسیدیم ده بیک.

### گریه برای تخت جمشید

اجازه گرفتم صبح زودبا امیر لشکر، امیر اقتدار، دکتر رفتم جلو. قبل از طلوع سفیده حرکت کردیم. چون چهارده فرسخ داشتیم تا شیراز بین راه، نزدیک راه، لازم بود تخت جمشید که بزرگترین یادگار عظمت ایران است ببینیم، جلو افتادیم. واقع دیدنی بود. فوق تصور متالم شدم که چه بودیم و چه شدیم. خیلی گریه کردم. مدتی تماشای قدرت دست بشر و حجاری عجیب آن زمان را کردیم. پس از آن مراجعت کردیم.

### سفر شیراز

توی راه سردار سپه رئیس‌الوزراء هم تشریف آوردنده. در خدمت ایشان رفتیم برای شیراز. فراموش کردم قبل از طلوع که حرکت کردیم توی راه قوام‌الملک را ملاقات کردیم که به استقبال می‌رفت. با وجودی که دوست فامیلی بودیم توی راه باهم آشنا شدیم. طرف عصر رسیدیم شیراز. خیلی استقبال شایانی کردند. توی راه و ثوق‌السلطنه والی فارس و رؤسای ادارات استقبال آمدند.

اطراف شهر شیراز خیلی باصفا است. ولی خود شهر کوچک [و] کثیف، کوچه‌های تنگ. گویا ده‌هزار خانوار باشد. شاید شصت‌هزار نفر جمعیت دارد. منزل من همان اداره قشونی [است] که حضرت اشرف منزل کردند بود. چون فرمودند نباید خارج بروید. قوام‌الملک و نصیر‌الملک که خواهش کردند منزل آنها منزل کنم عذر خواستم. یک هفته در شیراز بودیم.

### قشونهای اعزامی به جنوب

در این موقع دو دسته قشون امر شد از طرف راه بهبهان و از

فرمائید شرفیاب شوم. جواب داده شد که ما طرف ناصری خواهیم آمد. هر نقطه مایل هستید باشید به شما محبت خواهد شد.

### زیدون

یک شب در بندر دیلم توقف کردیم. روز بعد سوار اسب طرف زیدون حرکت کردیم. از طرف یک دسته قشون که در زیدون بودند اسب برای همه آوردند. سوار اسبهای امانتی شدیم رفتیم زیدون، همان زیدون متعلق به من و شیخ که به عمرم به چشم ندیده بودم. چهار فرسخ است تا بندر دیلم. مابین این دو خاک لیراوی است. عصر رسیدیم زیدون. یک عده قشون بهبهان. زیدون ملکی است ده فرسخ طول و دو فرسخ عرض، یک رودخانه بزرگی از وسط این ملک می‌گذرد. ولی آبادی این ملک بسیار کم است. یعنی از بیصاحبی این قسم است. سه شب در خاک زیدون توقف کردیم. آدم دیگر در آنجا نبود. عموماً فرار کرده بودند. هرچه هم بود بكلی غارت کردند، چه عرب و چه نظامیها. قشون عرب چهار فرسخی ما بود.

### ورود سردار سپه

همین که حضرت اشرف وارد شدند قشون عرب بكلی متفرق شدند. از زیدون رفتیم ده ملا. رئیس قشون سرتیپ فضل الله خان زاهدی بود. حرکت از زیدون دو دسته قشون یکی از راه کوه گلویه و دیگری از راه خرمآباد وارد بهبهان و دزفول شدند. ورود ده ملا پسر سردار اقدس سردار لشکر بودند، شرفیاب شدند. گفت پدرم ناخوش است، ناصری شرفیاب خواهد شد. سردار سپه فرمودند به من که پسر شیخ را در منزل خودتان پذیرائی نمائید. اتومبیلها را با کشتی آوردند بندر هندیجان نزدیک ده ملا. فردای آن روز رسیدند. فوری طرف ناصریه حرکت کردیم. چند رشته رودخانه در راه بود که رودخانه جراحی می‌نامند. در تمام رودخانه اتومبیلها خاموش شدند. بقدر دو هزار نفر از پیش خبر کرده بودند، تمام اتومبیلها را سر

دست حرکت داده عبور دادند.

### به سوی شهر ناصری و دزفول

چهار فرسخی ناصریه قونسول روس آمده بود استقبال. [به] حضرت اشرف محترمانه را پورت دادند که اگر وارد ناصریه بشوید کشته خواهد شد. آقای رئیس‌الوزراء به من فرمودند. من عرض کردم اجازه دهید جلو بروم اطلاعات تحصیل کرده بین راه به عرض برسانم. قبول کردند. من و قوام‌الملک با هم حرکت کردیم، رفتیم. رسیدیم ناصریه. شیخ وارد نشده بود. خبر تازه ملاحظه نکردیم. عده‌ای عرب‌مسلح در راه دیدیم، یعنی جلو عمارت‌شیخ. گفتم اسلحه را کنار بگذارید. [در] مراجعت عرض کردیم هیچ خطی نیست، را پورت دروغ بوده. به‌سلامتی وارد ناصری شدند. اهالی استقبال‌شايان کردند. فردای آن روز شیخ از محمره وارد شد. شهاب‌السلطنه هم در ناصریه توسط سردار اجل پسر شیخ در ناصری شرفیاب شدند. مرتضی قلی خان همراه شیخ وارد شد شرفیاب شد. شیخ خیلی اظهار مرحمت از طرف رئیس‌الوزراء به ایشان شد.

سه شب ناصریه بودیم. بعد با اتومبیل حرکت کردند حضرت اشرف طرف بوشهر. سردار ظفر ایلخانی هم تشریف آوردند و در خدمت بودند. یک شب شوشترا توافق شد. از آنجا رفتیم سر معدن نفت دو شب توقف شد. مراجعت به طرف ناصریه کردیم. فراموش کردم بنویسم ورود ناصریه که قشون از بهبهان طرف رامهرمز حرکت می‌کرد به ریاست سرتیپ محمد حسین میرزا پسر فرمانفرما، سردار بجهاد هم همراه ایشان بود. آقای امیر مجاهد با یک دسته سیصد نفری در راه رامهرمز بود. با وجودی که شیخ تسلیم شده بود ایلخانی بختیاری هم در خدمت رئیس‌الوزراء نبود. مع‌هذا امیر مجاهد با قشون جنگید. حمله‌اول امیر مجاهد شکست‌خورد. قشون وارد رامهرمز شد. دوباره از ناصریه با اتومبیل طرف دزفول حرکت کردیم. یک شب توقف کردیم. قشون که از راه لرستان وارد شده بود یک نمایش

خیلی قشنگ دادند. پس از یک شب توقف به ناصریه مراجعت کردیم. یک شب در ناصریه توقف، پس از آن با کشتی خزر علی که دولت انگلیس به او بخشیده بود طرف محمره حرکت کردیم. یک شب در راه بودیم. فردای آن روز وارد محمره شدیم. در فیلی نیم فرسخی محمره خانه شیخ پیاده شدند. پس از یک شب توقف با کشتی طرف عبادان که نفت تصفیه می‌شود حرکت کردند. عصر مراجعت شد.

### به سوی بصره و عتبات

پس از سه شب توقف در محمره طرف بصره حرکت کردیم. شیخ، سردار ظفر، مرتضی قلی خان تا بصره همراه بودند. از آنجا مراجعت کردند. شب در کشتی بودیم. بقدر یک ساعت من و قوام-الملک برای تماشای بصره پیاده شدیم، به کشتی مراجعت کردیم. شب در کشتی بودیم. صبح به راه آهن رفتیم. یک شب و یک روز در راه بودیم. صبح وارد کربلا (ع) شدیم. ورود زیارت رفته اهالی کربلا استقبال و پذیرائی فوق العاده نمودند. عموم مسلمانها نمایشات کامل دادند. شب هم زیارت رفتیم. در قونسولگری منزل کردند. در تمام نقاط هر نقطه رئیس وزراء منزل می‌کرد ما هم در همانجا منزل می‌کردیم. صبح با اتومبیل طرف نجف اشرف (ع) حرکت کردیم. قبل از ظهر وارد شدیم زیارت رفتیم. بعد از ظهر مسجد کوفه رفتیم. شب باز زیارت رفتیم. صبح زود مراجعت کردیم. در نجف هم خیلی احترامات کردند. عصر وارد کربلا شدیم زیارت رفتیم. شب در ترن خوابیدیم. صبح زود از کربلا ترن حرکت کرد عصر به بغداد رسیدیم. بدون دخول در شهر بغداد ترن را عوض کردیم. شب ترن در راه بود. طلوع سفیده وارد سامرہ شدیم. زیارت رفتیم. پس از دو ساعت توقف مراجعت کردیم. عصر نزدیک کاظمین (ع) ترن ایستاد، با اتومبیل رفتیم زیارت. پس از زیارت با اتومبیل برای بغداد حرکت کردیم. بدون اینکه مابین امیر فیصل یا بزرگان بین النهرين<sup>\*</sup> ملاقاتی حاصل

شود رئیس وزراء در قونسلگری ایران توقف فرمودند. پس از چهار ساعت حرکت کردیم رفتیم داخل ترن شدیم.

### به سوی قصر شیرین

دو ساعت از شب رفته ترن طرف سرحد ایران حرکت کرد. قبل از ظهر رسیدیم خانقین. از خانقین با اتومبیل حرکت کردیم. ظهر وارد قصر شیرین شدیم. هوا خیلی سرد بود. در موقع حرکت از بغداد برف می‌بارید. نقاطی که آمدیم با وجودی که گرسیز بود مع‌هذا سرد و برف بود. شب در قصر شیرین توقف کردیم. صبح زود حرکت [شد]. شب دیگر بواسطه زیادی برف در کرند ماندیم. امیر لشکر غرب هم استقبال آمد. از کرند آمدیم کرمانشاه. برف زیاد در راه بود. اغلب اتومبیلها ماندند بعد آمدند. یک شب در کرمانشاه توقف [شد] شب دیگر آمدیم همدان. در تمام نقاط استقبال شایان از حضرت اشرف نمودند با طاق نصرت‌های زیاد و زنده بادهای فراوان. از همدان طرف قزوین صبح زود حرکت کردیم. امیر لشکر غرب را هم همراه آوردند.

پس از حرکت از خوزستان حکومت [نظامی] در تمام نقاط شوشتر، دزفول، ناصری، محمره، آبادان برقرار [شده] و قشون در تمام نقاط تمرکز پیدا کرده بود. متجاوز از بیست‌سال بود که قشون دولت در خوزستان نبود.

طرف والی پشتکوه هم یک قشون زیاد حرکت کرده بود. والی بدون اینکه جنگ کند خانه و ایل خود را گذاشت و طرف سرحد حرکت کرد. طرف عصر وارد قزوین شدیم. خیلی از وکلا و محترمین استقبال آمدند به همدان و قزوین.

### ورود به طهران

صبح زود از قزوین حرکت کردیم آمدیم سر پل کرج که خیلی از مردم و نظامیها استقبال آمده بودند. وزراء هم آمده بودند. طرف

عصر وارد طهران شدیم. چند «آرپلان» استقبال آمده بود و نمایش می‌دادند. استقبال شایانی کردند اهالی طهران. از دروازه حضرت عبدالعظیم وارد شدیم. طاق نصرتها بی در پی در کمال شکوه مرتب کرده بودند. اتومبیل حضرت اشرف جلو و اتومبیل بنده پشت سر. من و سردار معظم وزیر فواید و امیر اقتدار وزیر داخله در یک اتومبیل بودیم، سایر آقایان وزراء و امراء لشکر در اتومبیلهای خودشان بودند.

به این قسم وارد شهر طهران شدیم. حضرت اشرف تشریف بردن منزل خودشان. ما هم در خدمت ایشان بودیم. پس از آن مرخصی گرفته هر کس منزل خودش رفت.

از سرحد تا طهران شور فرما ساعدالدوله پسر سپهسالار اعظم بود. یعنی خودش به میل خاطر مایل شد که به جای شور فر باشد. نزدیک همدان سر من و امیر اقتدار سخت خورد به میل بالای اتومبیل و سر هر دو مان شکست، لکن سر من خیلی سخت شکسته بود.

در طهران که رسیدم هر کس رفت منزل خودش من هم آمدم خدمت حضرت علیه والدهام رسیدم. حضرت علیه مادرم، تاج محل، ناز بکم عیال سردار بهادر، همایون عیال امیر جنگ، عزت‌السلطنه عیال خودم، فخر الملوک عیال امیر جنگ، سهراب، جنگی، قباد پسر سردار ظفر همه طهران بودند. از ملاقات همه مسرور شدم.

### حبس امیر اقتدار

بعد از مدتی غفلة آقای رئیس‌الوزراء امر کردند امیر اقتدار وزیر داخله را حبس و توقيف و از تمام ششونات خلع کردند. تاکنون هیچ‌کس نمی‌داند خلاف ایشان چه بوده است؟ چون من خیلی با امیر اقتدار دوست بودم خیلی دلتنگ هستم از این اتفاق. تاکنون هم نتوانستم کاری برای او بنمایم. حبس او از اداره قشونی مبدل شده است به منزل شخصی ایشان. لکن در کمال سختی در توقيف است. هیچ‌کس رفت و آمد نمی‌کند پیش او. یک دسته قراول در منزل او

هستند که مانع عبور هر کس هستند.  
در این مدت یک سؤال و جوابی خیلی مفصل ما بین رئیس‌وزراء  
و مجلس شد. آقای رئیس‌وزراء رسماً پیغام دادند که من با این شاه  
[و] ولیعهد نمی‌توانم کار بکنم. مذاکرات مفصل شد.

### سردار سپه و ریاست کل قوا

بالاخره خود رئیس‌وزراء به مجلس خصوصی رفته من هم در  
خدمت ایشان بودم. باز بیانات ایشان این بود که من با این شاه [و]  
ولیعهد نمی‌توانم کار بکنم. تا اینکه مجلس یک کمیسیون برقرار  
کرد. در این مطلب سعیها کردند، حرفها زدند. بالاخره مجلس حاضر  
شد که به این قسم خاتمه به این مذاکرات بدهد. از تمام فراکسیون‌ها  
یک عدد معین شده بودند برای مذاکرات همگی رأی دادند و نوشتند  
که رسماً و قانوناً ریاست عالیه کل قوا را به آقای سردار سپه تفویض  
نموده از این تاریخ به بعد مگر مجلس دیگر هیچ‌کس حق ندارد این  
حق را از سردار سپه سلب کند. دو روز بعد مجلس به تمامیت آراء  
رأی دادند. آقای رئیس‌وزراء هم برای اظهار امتنان از احساسات  
وکلا تشریف برداشت به مجلس اظهار امتنان نمودند. در نطق خود  
گفت که بزودی وسیله تشریف‌فرمائی اعلیحضرت را هم فراهم خواهم  
آورد. عجاله مابین مجلس مخصوصاً اقلیت با حضرت اشرف گرم  
هستند. مدرس هم کمال گرمی را دارد. چند روز قبل<sup>\*</sup> رئیس‌وزراء  
رفت به ملاقات والاحضرت اقدس ولیعهد. والاحضرت دو روز قبل  
بازدید رئیس‌وزراء تشریف برداشت. عجاله دیگر خبر تازه نیست  
بنویسم.

### اخبار بختیاریها

سردار محتشم یک هفته قبل وارد شدند و مرتفعی قلی خان [و] حاج  
شهاب‌السلطنه بیلاق آمدند. خیال آمدن طهران دارند. امیر مجاهد

\* اصل: قلب (سیروالنی)

رفت شام که برود فرنگستان.

دیروز حضرت اشرف تمام «اسکرت» را مخصوص کردند رفتند.  
حالت شیخ خزعل در خوزستان خوب نیست. تمام کارها در ید  
قدرت حکومت نظامی است. از چند روز قبل هم شروع کردند به خلع  
سلاح اطراف شوستر از دزفول، هم از سگوندها و هم از عربهای  
اطراف شوستر، دزفول. والی پشتکوه را هم اطمینان دادند که از  
بینالنهرین\* مراجعت کند او هم حاضر شده است که مراجعت نماید و  
مشغول خدمت به دولت باشد.

### ولیعهد و سردار سپه

تاکنون چند تلگراف رمز بین سردار سپه و شاه رد و بدل شده  
است. عجاله ما بین ولیعهد با رئیس وزراء خیلی گرم است، به هم‌چنین  
دسته مدرس. لکن من گمان ندارم این گرمی از طرفین از ته قلب  
باشد. در هر حال عجاله این اتحاد برای مملکت خیلی مفید است.

روز سیم حمل جشن تاجگذاری بود. جشنی‌های مجللی برخلاف  
پارسال گرفته شد. مهمانی در قصر سلطنتی بود. بقدر هشتاد نفر  
به شام دعوت داشتند. وزراء، سفراء، اعیان با سردار معظم قبل از  
شام با لباس رسمی. والاحضرت ولیعهد در گوشہ باغ بودند. من و  
سردار معظم را احضار کرد. پس از اظهار مرحمت فوق العاده فرمودند  
اولاً شکر می‌نمایم که شما همه وقت جدیت دارید ما بین رئیس وزراء  
و شاه و من گرم باشد. دویماً حال که این اتحاد برقرار شده است شما  
باید جدیت کنید در بقای این اتحاد و خیلی تملقات از آقای سردار  
سپه. من تصدیق دارم که اگر رئیس وزراء نباشد حان این مملکت  
بکلی بهم می‌خورد، سرتاسر این مملکت یک شعله آتش خواهد شد.  
عجاله یگانه کسی که جلوگیری می‌نماید شخص سردار سپه است ولا  
غیر. تا خواست خدا چه باشد و تا کی زمامداری او طول بکشد.

\* اصل: بینالنهرین

یک هفته است در عمارت جدید که برای عزت‌السلطنه درست کردہ‌ام آمده‌ایم. خیلی راحت است. اغلب در مرافعه تاج محل گرفتار هستم. خیلی هم اذیت می‌نمایند و در زحمت هستم. در هر صورت با شکر وقت را می‌گذرانم.

### وضع داخلی

اوپا ع مملکت با یک سکونت و آرامی می‌گذرد. مابین شاه و رئیس‌الوزراء صورت ظاهر خوب است. اخبار تازه ندارم بنویسم. امیر حسین‌خان سردار و کیل بختیاری شده است. دیروز سردار ظفر به من تلگراف کرد که بزودی با خانواده طرف طهران حرکت می‌کند.

سردار معزز ایلخانی بجنورد را اداره‌لشکری در مشهد با برادران حبس کرده است. حکومت نظامی هم در بجنورد برقرار کرده‌اند.

### وفات خالصیزاده

آیت‌الله خالصی چند روز قبل در موقع زیارت مرقد حضرت رضا (ع) و مراجعت به منزل بین راه سکته کرد و دار فانی را وداع کرد. بسیار شخص محترم معززی بود. انگلیسها در موقع مخالفت با انتخابات بین‌النهرین او را از نجف اشرف تبعید کردند به طرف هندوستان. دولت ایران دوستانه خواهش کرد او را ایران فرستادند. آمدند مشهد مقدس. در موقع حکومت من در خراسان مشهد وارد شدند. سن ایشان شصت و پنج سال بود. واقعاً آیت‌الله بود. خداوند او را رحمت کند.

### درگذشت محمدعلی‌شاه

چهار روز قبل تلگرافی از رم از غفارخان وزیر مختار رسید که اعلیحضرت محمدعلی میرزا در سن رمو که خاک ایتالیا است به رحمت ایزدی پیوست. از طرف دولت سه شب در مسجد جامع ختم گذاشتند.

آقای رئیس‌الوزراء، علما، وزراء، مردم بودند. شب سیم ولایت عهد آمد ختم را برچید. ولیعهد خیلی دلتنگ بود، فوق تصور. در اولین دفعه این خبر را رئیس‌الوزراء در حضور جمعی از علما و شاهزادگان به ایشان دادند. خیلی گریه و بیقراری نمودند. عصر هم رئیس‌الوزراء و هیأت وزراء برای تسلیت خدمت والا حضرت شرفیاب شدیم. بقدر نیم ساعت در حضور مبارکشان نشستیم بعد مرخصی طلبیدیم. دسته دسته مردم برای تسلیت حضور یافتند. سفراء بالباس مشکی برای تسلیت رفتند. بیرقهای داخله و خارجه سه روز [و] نیم‌افراشته بود. شاه هم تلگراف کرده بود به رئیس‌الوزراء که برای این مصیبت از پاریس به «سن رمو» حرکت کردم. نعش را به طرف عتبات عالیات حرکت خواهیم داد. سفارش کرده بود که انشاء‌الله لازمه احترامات را در مرکز فراهم خواهید آورد. پریشب در مجلس شورا مذاکره شد که رسماً نطقی بشود. پس از آن برای احترام و تسلیت شاه مجلس تعطیل شود، تلگراف سوکواری هم از طرف مجلس به شاه مخابره شود. بعضی از وکلاء از قبیل سلیمان میرزا و غیره مخالف شدند که بواسطه مخالفت محمدعلی میرزا با مجلس و توب بستن به مجلس و کشتن وکلاء و احرار به هیچ قسم صلاح نیست که مجلس عزادار شود یا اینکه تلگراف تسلیت بنویسد. سایرین هم ساکت شدند و نگذاشتند مجلس رسمی شود. در بوته<sup>\*</sup> اجمال ماند و مذاکره دیگر صلاح ندیدند بشود. در این سه شب ختم هر شب من بودم، تا اینکه ولیعهد آمد ختم را برچید.

فردا شب دولت برای مرحوم خالصی ختم خواهد گذاشت در همان مسجد شاه. رئیس‌الوزراء آمد ختم را برچید.

### شلوغی رشت

دیروز عصر ۲۳ از رشت رئیس تلگرافخانه خبر داد که شهر بهم خورد. چند شلیک شروع [و] تلگرافخانه محاصره [شده]. دیگر

نمی‌توانم چیزی عرض کنم. خبر را فوری به رئیس‌الوزراء دادم. ساعت ۸ تلگرافخانه تشریف آوردند. معلوم شد برای اصلاح خیابانها مرافعه مابین حکومت و جمعی حاصل شده، دست انتریک هم در کار بود. مردم بر علیه حکومت شوریدند. قوه نظامی مردم را متلاشی کرد. چند نفر تبعید و عده‌ای حبس شدند. شهر آرام شد. از جزئیات خبر ندارم که کیها حبس [شده] و تلاقی رخ داده یا خیر.

### قانون سال شمسی

چون در مجلس شورا این قسم رأی گرفته شد که بعد از این سالهای ترکی بکلی متروک و در عوض حمل [و] ثور غیره که معمول بود باید ماههای قدیم ایران گفته شود عوض حمل باید فروردین باشد و هکذا.

دیشب آقای رئیس‌الوزراء به منزل من تلفن کردند خیال تشریف آوردن و شب‌نشینی را داشتند. ساعت هشت تشریف آوردن. ساعت دو بعد از نصف شب مراجعت فرمودند. سردار معظم وزیر فواید عامه، صارم‌الدوله، امیر‌لشکر احمد آقا رئیس‌کل امنیه، امیر‌اکرم عموزاده رئیس‌الوزراء بودند.

**۲۸ حمل یک شب و روز باران خیلی به موقع بارید. فوق العاده مفید بود.**

### حرکت دادن خزعل

خبر تازه این است که چند روز قبل آقای رئیس‌الوزراء در هیئت تشریف آوردن فرمودند چند روز است که شیخ خزعل را احضار کرده‌ایم، هر روز یک بهانه درمی‌آورد. بالاخره حکم دادم به حکومت نظامی تحت الحفظ او را طرف دزفول حرکت دادند. حال یک هفتاه است از راه دزفول به خرم‌آباد حرکت کرده است. شیخ که مدت عمر سوار اسب نشده است مگر گاهی یک فرسخ حالا باید روزی چندین فرسخ از کوههای سخت لرستان عبورش(؟) نماید. یک دسته هم قشون سوار

پیاده همراه او هست. پسرش سردار اجل که داماد امیر مجاهد است او را هم حرکت داده‌اند تحت الحفظ. حرکت دادن شیخ را به تمام ایران رسمی اطلاع دادند.

دو روز قبل آقای رئیس‌الوزراء از ولایت عهد و شاهزادگان، مستوفی‌الممالک، مشیر‌الدوله، مدرس به ناها ر دعوت فرمودند در سعدآباد بیلاق رئیس‌الوزراء. در آنجا عموماً برای مراجعت شاه تلگرافی مخابره کردند که آمدن و نیامدن شاه معلوم شود.

### لغو القاب

آقای رئیس‌الوزراء دو روز یک متعدد‌المآل صادر کردند که كل القاب سرداری، سalarی نظامیها موقوف و لغو باشد. فقط اسمی و مناصب<sup>\*</sup> آنها ذکر شود.

### وضع صولة‌الدولة

یک هفته است مرتضی قلی‌خان وارد شده است. صولت‌الدوله سردار عشاير سخت طرف بی‌رحمتی حضرت اشرف رئیس‌الوزراء واقع گشته‌اند. کارش هم خوب نیست. امسال در قشلاق‌ات یعنی خوزستان و گرمسیرات فارس بارش نیامده خیلی به مردم یعنی ایلات سخت گذشت. اکثر حشم آنها مرد. روی‌هم رفته برای ارزاق خوب نیست این سال. تا بعد چه شود مجلس کلیه القاب را لغو کرد.

### کشمکش با روسیه

چند روز است مختصر «کشمکشی» ما بین دولت [و] روسها پیدا شده است. روسها حمله کردند در سرحد آذربایجان قراولهای ما را گرفته قراولخانه را اشغال کردند. چند مطلب کوچک هم واقع شده است. عجاله مشغول اصلاح این کار هستند. گمان می‌کنم به خوبی اصلاح شود، تا بعد چه شود.

\* اصل: مناسب

## حرکت ترکمنها در بجنورد

نشش محمدعلی میرزا را طرف عتبات عالیات از راه بیروت حرکت دادند بدون رسمیت. مدتی است ترکمانها در اطراف مازندران نزدیک دریا مشغول قتل و غارت هستند. از طرف بجنورد هم ترکمانهای ایران شهر بجنورد را محاصره کرده‌اند. سردار معزز بجنوردی با تمام برادرها در مشهد حبس هستند. چنین راپورت به رئیس‌الوزراء رسیده است که محرك ترکمنها سردار معزز بوده است. به این جهت طرف بی‌رحمتی واقع شده است. راپورتهای جان محمدخان فرمانده لشکر شرق این است که تفنگچیهای کرد سردار معزز با ترکمانها متعدد جنگ می‌کنند. عده‌ای نظامی در بجنورد محاصره هستند. استراپاد خیلی مغشوش است. چند روز است در اطراف شهر بجنورد جنگ است. فرمانده لشکر شرق از همه طرف کمک فرستاده است به بجنورد. دو «آرپلان» خواست دیروز فرستاده شد. شش ساعته رفتند مشهد.

امروز ۲۲ اردیبهشت خبر تلگرافی از بجنورد ندارم. قرار است یک فوج طرف مشهد حرکت کند.

## تفییر به صمصام‌السلطنه و کٹک زدن خرقانی

دو روز قبل صمصام‌السلطنه رفت خدمت رئیس‌الوزراء در باب امیر مجاهد مذاکره کرد که پرسش را خواهد فرستاد طهران برای اصلاح کارهایش. رئیس‌الوزراء خیلی تغییر کردند.

دیروز خدمت رئیس‌الوزراء رسیدم، فرمودند صمصام‌السلطنه با سید اسدالله خرقانی مشورتی بر علیه من داشتند. قدری تغییر به صمصام‌السلطنه کردم در موقع مذاکره امیر مجاهد. سید را هم خواستم کٹک زیاد زدم و حبسش کردم. سید پیر مرد محترمی است. ادیب هم هست.

## حکم خلع سلاح

حکم خلع سلاح\* داده شد به قوام‌الملک و ایل قشقائی که توسط امیر لشکر باید عشاپر عرب و قشقائی خلع سلاح شوند. به ایل بختیاری هم حکم داده شد. سردار ظفر ایلخانی استدعا کردند احضار شوند طهران، ترتیب را حضوراً به عرض برسانند. این هفته شبها مهمنان سفارت انگلیس، روس، فرانسه بودیم. رئیس‌الوزراء هم تشریف داشتند.

## حکام جدید

نصر‌الملک حاکم اصفهان است، نصیر‌السلطنه حاکم فارس، و ثوق‌السلطنه حاکم کرمان، ظهیر‌الملک را بناست حاکم استراپاد بنمایند.

## انحصار قند و چای

پیشنهاد از طرف دولت به مجلس شده است که انحصار خرید [و] فروش قند [و] چای\* منحصر به دولت است. یک مندو بر قران به قیمت قند و یک من سه قران بر قیمت چای اضافه خواهد شد. مجلس هم تصویب کرد به شرط اینکه نفع این انحصار فقط و فقط مخارج کشیدن راه آهن بشود. به این ترتیب از مجلس گذشت و قبول شد.

## لغو القاب

از طرف رئیس‌الوزراء پیشنهاد به مجلس شده که فوراً کلیه القاب نظامیها لغو شود. القاب مثل سرداری، سالاری، امیری هم لغو است. مجلس هم تصویب کرد و بعلاوه کل القاب را لغو نمود. سجل احوال بندۀ جعفرقلی اسعد بختیاری شده است.

\* اصل: صلاح (همجا)

\* اصل: چاهی

## بهای قند و چای و قوانین جدید

تجار برای مالیات قند [و] چای خیلی در هیجان هستند، لکن فاپهای ندارد. در حقیقت یک سرچشمه خوبی است برای عایدی دولت، ضررش هم به مردم نمی‌خورد. برای اینکه یک من دو قران علاوه چندان زحمتی نمی‌دهد به فقرا. ممکن است بقدر دو قران اضافه کمتر چای میل کنند.

بعد از این امتیاز لایحه نظام اجباری از طرف دولت به مجلس تقدیم شد. پس از چند روز جلسات تصویب شد. فقط آقایان علماء، وعاظ، طلاب دینیه استثناء شدند.

صولت‌الدوله قشقائی بر علیه استثنای طلاب دینیه بیانات کرد، از طرف وکلای معمم هو شد که مجال حرف زدن به او ندادند. حال قانون ممیزی مجلس آمده است.

## اخبار بختیاریها

امیر حسین‌خان پسر سردار ظفر نماینده ایل بختیاری چند روز است وارد شده است، با کفايت همشیره که عیال اوست منزل منزلي کرده است. رحیم پسر امیر مجاهد هم آمده است از فرنگستان. امیر مجاهد پدرش فرنگستان است. رحیم مایل است بروود سر علاقجات خودش، اگر دولت اجازه دهدند. شمران اجاره کرده‌ایم. چند روز دیگر عموم فامیل شمران خواهیم رفت.

## سفر آذربایجان سردار سپه

رئيس وزراء تصمیم گرفته‌اند برای تبریز حرکت فرمایند. هم سرکشی به قشون و دل‌جوئی [و] محبت در مقابل احساسات عمومی ملت آذربایجان و هم بازدید راهنمائی که درست شده است. البته مسائل سیاسی کامل هم دارا هست این مسافت. دیروز که ۱۸ خرداد ماه بود به سلامتی قبل از ظهر حرکت

فرمودند. حسب الامر بنده و سردار معظم هم چهار روز دیگر قرار است حرکت کنیم، خدمت ایشان در تبریز مشرف شویم. اوضاع استرآباد کماکان است و اطراق ما زندران که همسایه دریاست.

### مناصب نظامی

چند روز است سرتیپ محمد حسین خان رئیس ارکان حرب جنوب طهران آمده است. پس فردا مراجعت خواهد کرد. محمدقلی خان سردار بهادر بوشهر است. سرتیپ فضل الله خان حاکم نظامی خوزستان چندروز است وارد شده است. دیروز رئیس تیپ شمال شده به جای سرتیپ محمد حسین و او احضار شده است تبریز.

دیشب تلگراف رمزی از رئیس دولت با رمز به سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشکر مرکز رسید برای من و سردار معظم، امروز کشف کرده فرستادند. مضمون تلگراف این بود حال که از مرکز خارج شده ام آنچه فکر می‌کنم صلاح نمی‌دانم شما دو نفر از طهران و هیئت دولت خارج شوید. در غیاب من لازم است طهران باشید. بهیچوجه صلاح نمی‌دانم در نبودن من شما حرکت کنید. اگر نباشید کارهای دولت فلنج خواهد شد. البته جواب خواهم نوشت که اطاعت خواهد شد. همین قسم جواب اطاعت نوشته شد.

امسال در تهران و اطراف خیلی کم آبی است. سال خوشی در تمام نقاط ایران نیست. چند روز است شمران که کرایه کرده‌ایم آمده‌ایم منزل حاج یمین‌الملک نزدیک سفارت روس. سفیر جدید روس هم چند روز است آمده است. امروز پذیرائی داشت، بازدید رفتیم. اغلب مردم بودند.

### سردار سپه در آذربایجان

رئیس وزراء یک گردش به اطراف تبریز - خوی - سلماس - ارومی - ماکو - جلفا و غیره کردند. آخر خرداد به تبریز مراجعت

کردند. عبدالله خان امیر لشکر شمال را تغییر [دادند]. سرتیپ محمد حسین خان رئیس تیپ گیلان را به جای او نصب کردند. تاکنون که چهارم تیرماه است در تبریز هستند.

### خلع سلاح بختیاری

بواسطه اسلحه دادن حاجی خسروخان ایلخانی بختیاری آمده‌اند اصفهان، با ارکان حرب مشغول مذاکره هستند. دیروز تلگرافی به خوانین طهران نمودند که باید ذخیره‌های خودشان را به ارکان حرب تسلیم نمائید. از طرف خوانین عموماً نوشته شد به نمایندگان خودشان که اسلحه هر چه در ذخیره دارند تعویل ارکان حرب بنمایند. از طرف آقای مرتضی قلی خان هنوز دستوری نداده‌اند. هیچ نمی‌دانم فکر این آقا و پدر محترم‌شان چیست. اگر بتوانند مقاومت بنمایند خیالی است...\* در صورتیکه می‌دانند این فامیل عموماً بر ضد همدیگر هستند و این آقایان هم عاقبت هیچ کاری هم ندارند. چرا خودشان را به خفت می‌اندازند. تعجب است. ایلخانی بختیاری حاجی خسروخان پنج روز دیگر طهران خواهند آمد. در باب مرافعه سفید دشت که حاجیه بی‌بی محاکوم خسروخان شد و من [و] حاجی خسروخان عرض حال ثالث دادیم. در اصفهان محاکوم شدیم. حال مرافعه خواهد آمد به استیناف طهران.

### حرکت سردار سپه به اردبیل

حضرت اشرف رئیس‌الوزراء نهم تیر از تبریز طرف اردبیل حرکت فرمودند. دیروز یازدهم از اردبیل حرکت فرمودند طرف آستان از راه کرگان رود. سوار اسب خواهند آمد انزلی. مجلس هم از بیستم ذی‌الحجہ الی آخر محرم تعطیل خواهد شد.

## خلع سلاح مفیدست یا مضر؟

حضرت اشرف حکم تلگرافی توسط من به خوانین مقیم طهران مخابره کردند که ذخیره‌های خود را تسليم نمایند. عموماً اطاعت کردند. مرتضی قلی‌خان جلو از همه مطیع شد. من هنوز نمی‌دانم این خلع سلاح برای ایران مفید است یا مضر؟ اگرچه صورت ظاهر آرامی کامل حکم‌فرما خواهد شد ولی از آنطرف در بعضی اوقات که همسایه‌ها بی‌رحمتی‌های کوچک می‌نمودند عشاير هم کوچک کوچک خوب جلو— گیری از عملیات آنها می‌نمودند. به این جهت نمی‌دانم...\*

## تفییر نام انزلی

حضرت اشرف رئیس‌الوزراء غروب ۱۵ تیر ماه به سلامتی وارد بندر پهلوی شد که سابق اسم این بندر انزلی بود. بواسطه خواهش مردم اینجا در مقابل قدرشناصی به اسم خانوادگی آقای رئیس‌الوزراء که «پهلوی» نامیده می‌شوند اسم بندر انزلی بندر پهلوی شد و در هیئت وزراء هم تصویب شد. مثل اینکه میدان توپخانه هم به اسم لقب ایشان «میدان سپه» گذاشته شده است.

## مراجعت سردار سپه به طهران

من هم با آقای دکتر احیاء‌الملک به استقبال حرکت کردیم رشت. خدمت حضرت اشرف رسیدیم. فردای آن روز در خدمتشان مراجعت کردیم. من و سردار معظم در اتومبیل سردار معظم، دکتر در اتومبیل بنده حرکت کردیم. ناهار در رودبار صرف شد. نصف شب حضرت اشرف و همراهان وارد طهران شدند. پس از چند روز مراجعت حضرت اشرف بواسطه گرمای هوا از بیستم ذی‌حجه تا آخر محرم مجلس تعطیل شد. هوای شمران امسال خیلی گرم است. بواسطه کمی آب در شهر درجه تولی اطاق تا به چهل رسید. در زرگنده باغ حاجی یمین—

\* یک سطر مطلب از زیر صفحه در صحافی بریده شده است.

• یک کلمه ناخوانا، شاید بی‌معنی.

الملک تا ۳۱ در موقع ظهر و بعد از ظهر رسید. امسال حاصل ایران در تمام نقاط خوب نیست، مخصوصاً اطراف تهران که بسیار بد است. سردار ظفر ایلخانی که طهران آمده بودند بواسطه کسالت مزاج مجبور به حرکت فرنگستان شدند. دکترها چنین تصور کردند کسالت ایشان سلطان است، تا مقدر چه باشد. امیر حسین خان پرسش این دو روزه برای بختیاری حرکت می‌کنند. زود مراجعت می‌کنند.

### خلع سلاح

در تمام نقاط جنوب مشغول خلع سلاح هستند. تاکنون بختیاریها هم سه هزار تفنگ داده‌اند.

### بهدار زدن سردار معزز

ده روز قبل غفلة خبر رسید سردار معزز بجنوردی را که در مشهد حبس نظامی بود خودش و دو برادرش را با پنج نفر از بستگانش به دار آویختند. خیلی دلتانگ شدم، برای اینکه با خانواده آنها دوستی قدیمی داشتم.

### طفیان نوکرهای خزعل

چند روز قبل غفلة نوکرهای شیخ خزعل به محمره حمله کردند. محمره را تصرف کردند. پس از چند ساعت نظامیها آنها را خارج کردند. خیلی کشته دادند. طرف فیلیه حرکت کردند. در فیلیه قصر شیخ اجتماع کردند. در فلاحیه هم مابین عربها جنگ شروع شد. معلوم شد که یک نقشه و دسیسه بوده است. فوری فراول اطراف منزل شیخ در شمران زیاد شد و آمد [و] رفت منزل ایشان جلوگیری شد. از نقاط نزدیک خوزستان قشون طرف فیلیه حرکت کرد با جهازات. پس از چند روز عده زیادی عرب کشته [شده] فیلیه و قصر شیخ به تصرف نظامیها درآمد. بكلی اطراف را هم منظم کردند. تاکنون سه کشتی قورخانه از قصر شیخ بیرون آورده‌اند.

## بیماری سردار ظفر

سردار ظفر با خانبابا و حمیدخان از راه روسیه طرف اروپ حرکت کردند. تلگراف ورود ایشان از برلن رسید. بعد از چند روز نوشتند بعد از امتحانات معلوم شده که ناخوشی من سلطان نیست و حرکت کردند برای پاریس. یک هفتۀ دیگر شهراب و جنگی را برای تحصیل توسط احیاءالدوله انشاءالله خواهم فرستاد. امیر حسین خان هم مدتی است بختیاری رفته‌اند.

## قدرت مدرس و وزارت عmadالسلطنه

در مجلس مدرس اکثریت کاملی درست‌کرده است. سلیمان میرزا لیدر سوسياليستها در اقلیت مانده‌اند.

در باب ترمیم کابینه خیلی «کشمکش» [شد]. بالاخره به میل مدرس نصرت‌الدوله وزیر عدلیه و قوام‌الدوله وزیر داخله شدند. باز مذاکرات ترمیم است. احتمال می‌رود عmadالسلطنه اصفهانی به جای مشارالیه کفیل یا وزیر معارف بشوند. مدرس قدرت کامنی پیدا کرده است. رئیس‌الوزراء پیشنهادهای او را قبول می‌نماید، تا اینکه دو روز قبل عmadالسلطنه را خدمت والاحضرت حضرت اشرف معرفی کردند. در معرفی عرض کردند، بعد از چند دقیقه سکوت، آقا را که اسمشان را فراموش کرده‌ام و هم لقبشان به وزارت معارف معرفی می‌نمایم، عmadالسلطنه از وکلای اصفهان است پسر حاجی مشیر-الملک نائینی.

نظام‌الدوله حاکم گیلان شد.

## اقدامات و هایرها

دو روز قبل تلگرافی از مدینه طیبه رسید از سادات آنجا خطاب به شاه و علماء که یک ماه است در محاصره وها بسی هستیم. به گنبد مطهر حضرت رسول(ص) گلوله زدند. مسجد حضرت حمزه را خراب کردند. آب و نان را به روی ما بسته‌اند. به ما گفته‌اند که باید

بگوئیم «لا اله الا الله» و اگر اضافه نمائیم قتل عام خواهیم شد و ایضاً گفته‌اند تا بتنهای شمارا در هم نشکنیم راحت نخواهیم شد. قصد بتنهای قبر حضرت رسول (ص) و مصحابین حضرت است و به ما گفته‌اند شما مشرک و کافر هستید. بالاخره با تمام قوا تا آخرین نفس جنگ و دفاع می‌نمائیم. اگر مدینه را تسخیر کردند قبر حضرت را چنانچه یکصد و ده سال قبل اجداد این طایفه خراب کردند خراب کنند و شما مسلمانهای دنیا به ما کمک نکنید در روز قیامت جواب خدا و پیغمبر اکرم را چه خواهید داد؟ تلگراف را من خدمت حضرت اشرف بردم. پس از ملاحظه فرمودند تلگراف علما و شاه را مستقیم بفرستید. تلگراف شاه را خدمت ولیعهد و تلگراف علماء را پیش آقای آمیرزا محمد بهبهانی فرستادم.

### وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه

این چند روزی است هم تلگرافات از وثوق‌الدوله [و] قوام-السلطنه می‌رسد که املاک و عمارت‌ها را گرو بگذارند و پول برای آنها بفرستند. می‌گویند وثوق‌الدوله هرچه داشته است چه به خرید اسهام بورس و چه قمار باخته است. لکن نمی‌دانم قوام‌السلطنه چرا اینقدر پول می‌خواهد.

### قضیه و هاییها

ابن سعود بی‌احترامی به امکنه<sup>\*</sup> مقدسه را بکلی تکذیب می‌نماید. بالاخره از طرف دولت امر شد به نماینده خودمان در شام و نماینده دولت در مصر که حرکت کنند بروند. نماینده شام به مدینه و نماینده مصر پیش ابن سعود. پس از معاینه و مذاکرات نتیجه را تلگرافاً اطلاع دهند. آنها هم حرکت کردند. یک روز هم در تمام ایران تعطیل عمومی شد. بیرقهای را به حال عزا پایین آوردند. به کل نمایندگان ایران در دنیا اطلاع داده شد ماتم ایران را در بی‌احترامی به امکنه<sup>\*</sup> مقدسه مسلمانهای دنیا هم به تمام دنیا و ایران مخابره نمائید.

\* اصل: امکنه

آقای امیر جنگ هم از طرف ساوه و کیل شدند رفتند مجلس.  
شهراب، جنگی، قباد را به اتفاق دکتر احیاءالدوله فرستادم رفتند  
لندن برای تحصیل. تلگراف آنها از بادکوبه رسید، ولی از مسکو  
نرسیده. خیلی هم دیر شده است.

### کمبود نان و هجوم مردم به مجلس

اوآخر شهریور در شهر بواسطه مذاکرات کمی نان غفلة پانصد  
نفر جمعیت به طرف مجلس رفت. اگرچه روز افتتاح مجلس و مذاکرات  
جلسات علنی نبود ولی کمیسیون‌ها مشغول کار بودند مخصوصاً  
کمیسیون عدليه. در هجوم ناگهانی ریختند مجلس، در و پنجره‌ها را  
شکستند. مشیرالدوله و جمعی از وکلاء را که گیر آوردن کتک زیاد  
زدند. تا شب هم جمعی مجلس بودند. فردای آن روز رئیس‌الوزراء و  
وزراء شهر رفتیم. بازارها بسته بود. قسمتی از وکلا مجلس رفته  
بودند. رئیس‌الوزراء و وزراء مجلس رفتند. یکصد نفر نظامی مجلس  
فرستادند سر گذرها که مردم هنگامه طلب به سفارتخانه‌ها نریزنند و  
پناهنه نشوند. نظامی و آزان گذاشتند. در موقع ورود مجلس جلسه  
خصوصی تشکیل شد. در باب ارزاق مذاکرات زیاد به عمل آمد. رئیس  
دولت هم اطمینان کامل می‌داد. در این موقع امیرلشکر حاکم نظامی  
اطلاع داد که چندین هزار نفر طرف سفارت روس [می‌روند]  
که پناهنه شوند و چندین هزار نفر طرف مجلس می‌آیند. از  
هر دو طرف با نظامی و آزان جنگ می‌کنند. با سنگ و چوب و قمه.  
نظامیها شلیک به هوا می‌کنند. مردم هم که فهمیدند شلیک به هوا  
است زیادتر جری شدند حمله کردند. رئیس دولت و ما وزراء دویدیم  
جلو مجلس. دیدم [به] شلیک هوائی مثل جنگهای سخت مشغول هستند.  
ولی جمعیت حمله کرده، بقدر بیست نفر هم نظامی و آزان زخمی شده  
است از سنگ و قمه و چوب. نظامی کم بود. من هم با ...\* و شوferهای  
خودمان با سردار معظم و قوام‌الدوله به کمک نظامی حمله کردیم به

\*. یک کلمه ناخوانامست.

آشوب طلب که بکلی واضح شد قضیه نان بود و فساد بود. دست دربار و روسها داخل این کار بود. بعضی‌ها می‌گفتند دست دولت داخل بود. بالاخره جمیعت هنگامه طلب فرار کردند. از طرف دیگر هم فرار کردند. فقط یکصد نفر از اطراف فرار کرد سفارت روس رفت. از طرف دولت سیصد نفر بازاری و غیره حبس شدند. از درباریها هم جمیع جمع شدند. من جمله صاحب اختیار رئیس کابینه شاه، شهاب‌الدole رئیس تشریفات، سهم الدole پسر علاء الدole و غیره. پس از دو روز همه مرخص شدند.

### جريدة قشون‌کشی

به اسم خسارت قشون‌کشی جنوب از شیخ خزعل یاک کرور خواستند، از والی سیصد هزار تومان و از امیر مجاهد هم پنجاه هزار تومان. شیخ و والی پرداختند جرایم خود را. امیر مجاهد معلوم نیست چه شود. بالاخره از نتیجه «های‌هو» اعلیحضرت تلگراف کرد به رئیس‌الوزراء که من عجاله نمی‌توانم حرکت کنم بعداً حرکت خواهم کرد. ولی مادر و برادر و کسان او حرکت کرد[ند].

### خرید گندم از روسیه

جمعی که به سفارت روس رفته بودند بیرون آمدند با خفت. امسال حاصل طهران خیلی بد و سایر ولایات هم خوب نیست. دولت مجبور شد که چهل هزار خروار از روسیه خریداری نماید. دولت روس هم قبول کرده است به بندر پهلوی خرواری چهارده تومان وارد می‌نمایند. از آنجا تا طهران بیست تومان کرایه دارد. خرواری سی و چهار تومان خرواری وارد طهران می‌شود. اگر این کار نمی‌شد خیلی خطرناک بود عمل ارزاق. پنج هزار و پانصد خروار هم دولت روسیه به ملت ایران هدیه دادند و قبول شد از طرف دولت. دو هفته است جنگ قشون با تراکم شروع شده است و چندین شکست به تراکم داده شده است.

## تیرگی آسمان ایران

از یک هفته قبل به این طرف تلگرافات از تبریز، شیراز، مشهد کرمان و سایر نقاط ایران بر علیه حکومت قاجاریه [می‌رسد] که می‌نویسند ما دولت و سلطنت قاجاریه را نمی‌خواهیم. خیلی کلمات رکیک بد هم می‌نویسند. تا چه پیش آید.

## ادعای تدین

دیروز انتخابات هیئت رئیسه مجلس تجدید شد. مؤتمن‌الملک رئیس - تدین نایب رئیس اول - سید المحققین نایب رئیس دوم انتخاب شدند. به مناسبت نطق تدین که در مجلس گفته بود خودم مایل نبودم و الا رئیس می‌شدم مؤتمن‌الملک استعفا از ریاست داد. شاید هم آسمان ایران را تیره می‌بیند بواسطه این جنبش بر علیه قاجاریه. چند روز است امیر جنگ از طرف ساوه و کیل شده است مجلس برود.

## استعفای مؤتمن‌الملک

مؤتمن‌الملک از ریاست مجلس استعفا داد. مستوفی‌الممالک به اکثریت ۶۲ رأی رئیس مجلس شد. تاکنون رد یا قبول از ایشان معلوم نیست. آنچه واضح است این است که برای تعقیب‌جنبش ملی و اینکه از طرف مجلس به تأخیر افتاد، چند روزی هم مستوفی‌الممالک «لک لک» می‌کند. پس از آن قطعاً استعفا خواهد داد. آنوقت چند روز دیگر «کشمکش» رئیس شروع خواهد شد. دیگری معین خواهد شد. باز دیگری استعفا خواهد داد. قصد این است بواسطه معین نشدن رئیس جواب جنبش‌های ملی به تأخیر افتاد.

## وضع تبریز

دیروز تلگرافی از طرف اهالی تبریز خطاب به والاحضرت اقدس ولیعهد [رسید]. مضمون این بود که دیگر ایرانی زیر بار سلطنت شما نخواهد رفت، بهتر این است خودتان استعفا داده مردم را هم

راحت کنید. چنین تبریز در ازدیاد است. تمام نقاط ایران تأسی به تبریز کرد. تلگرافات سخت به اسم نهضت ملی به مرکز مغابره [می‌کنند]. بالاخره تبریز روابط خود را با مرکز قطع کردند. ادارات را ضبط کردند. اهالی تبریز در طهران به مدرسه نظام که نزدیک خانه رئیس‌الوزراء است تعصّن اختیار کردند. تلگرافات تبریز و [ولايات] به مرکز و به تمام ولایات در جریان است. تجار و کسبه تهران هم با تبریزیها در مرکز موافق شدند. فشار به مجلس آوردن.

در این موقع رئیس مجلس مستوفی‌المالک شد. ایشان هم رد و قبول اطلاع نداده بودند. نایب رئیس اول تدین، نایب رئیس دویم سید‌المحققین. مجلس هم چندین جلسه کردند که راه حلی پیدا کنند. مردم به مجلس سخت گرفتند که زودتر تصمیم خود را علنی کند.

### انقراض قاجاریه

شب ۹ آبان در موقعی که مجلس مشغول رأی بود یک ساعت از شب گذشته غفلة در جلوخان مجلس شلیک شد. وکلاء فرار کردند. بعد از اینکه اطلاع حاصل کردند قضیه مهم نبود دیگر نشد وکلاء جمع شوند.

روز ۹ آبان مجلس تشکیل شد. مشغول رأی گرفتن شدند به اینکه تکلیف را قطعی کنند و به بلا تکلیفی خاتمه دهند. داخل در مذاکرات شدند در باب تصدیق انقراض سلطنت قاجاریه. مدرس خواست نطق کند در وکلاء هیجان زیاد شد. بالاخره مدرس گفت باید راه حلی پیدا کرد. این قسم داخل مذاکرات شدند: برخلاف قانون اساسی است و از در مجلس خارج شده. تقی‌زاده نطق مفصلی کرد که مفاد این بود: من بر علیه قاجاریه هستم و ایران را خراب کردند. با پهلوی همراه هستم مع‌هذا این قسم اقدام برخلاف قانون اساسی است و برای پهلوی و ایران خوب نیست. از در خارج شد. مصدق‌السلطنه و علائی، این

دو نفر هم نطق کردند پشت «تریبن» که این مسئله برخلاف قانون اساسی است و باید راه حلی پیدا کرد. از در مجلس این چهار نفر خارج شده مدرس هم چندین دفعه گفت که رئیس مجلس استعفا داده است در صورت استعفای رئیس مجلس هیچ قسم این مجلس رسمیت ندارد که داخل این دستور شود. در جواب او گفتند که استعفای مستوفی‌المالک قطعی نیست و انشاء‌الله باید جدیت بکنیم بلکه استعفای خود را پس بگیرند. در هر حال آن چهار نفر مذکور خارج شدند. مشیر‌الدوله، مؤتمن‌الملک، مستوفی‌المالک در مجلس حاضر نشدند. یک ساعت بعد از ظهر ۸۵ نفر در مجلس حاضر بودند. با ورقه رأی گرفته شد به اکثریت هشتاد رأی به انقراض سلسله قاجاریه رأی دادند و حکومت موقتی را هم به پهلوی واگذار کردند. تا اینکه هیئت مؤسسان برقرار شوند و به چهار ماده قانون تصرفات بنمایند. آن چهار ماده هم راجع است به سلطنت قاجاریه. مجلس با کمال نظم خاتمه یافت.

### اخراج محمدحسن میرزا ولیعهد

همان شب یعنی شب ۱۰ از طرف حکومت موقتی امر شد به فرمانده لشکر مرکز سرتیپ مرتضی‌خان و عبدالله‌خان امیر نشکر حکومت نظامی، به معاون وزارت جنگ رفته پیش ولیعهد به او ابلاغ کردند امر حکومت موقتی را که باید از ایران خارج شود. ولیعهد خواهش کرد پول خرجی برای او تهیه کنند. همان شب پنج هزار تومن حکومت نظامی برای او حاضر کردند با چهار نفر از قبیل دکترها و غیره که مایل بود همراه او حرکت کنند. حرکت کردند. تمام اثاث<sup>\*</sup> سلطنتی از طرف حکومت پهلوی مهر شد. یک نفر نظامی مأمور ولیعهد شد که او را از سرحد کرمانشاه خارج کنند. امر شد به مأمور نظامی که ولیعهد حق ندارد با کسی ملاقات کند تا از سرحد کرمانشاه بکلی خارج شود. شب ۱۰ آبان او را به این شکل حرکت دادند – ۹ آبان

سلطنت قاجاریه پس از یکصد و پنجاه سلطنت به این قسم خاتمه یافت «تعز من تشاء و شاء انك على كل شيء قدير».

روز ۹ و ۱۰ دسته دسته مردم تبریک آمدند در منزل پهلوی.

### تبریک سلطنت جدید و مقاومت علماء

روز ۱۱ وزارتخاره‌ها تبریک آمدند. از طرف حکومت پهلوی به تمام ایران انقراض سلطنت قاجار اطلاع داده شد. به تمام نقاط که وزیر مختار داریم همچنین اطلاع دادند و به کل سفراء خارجه که در ایران هستند. سه روز است وزارتخاره‌ها بکلی تعطیل و تمام شهر چراغان است. علماء قلبًا از این پیش‌آمد راضی نمی‌باشند. هنوز هم خدمت پهلوی نرفته‌اند. از نقاط ایران هم هنوز از طرف علماء تبریک نوشته نشده است. اگرچه کاری است که گذشته. قاجاریه قابل سلطنت ایران نبودند و تمام مملکت را خراب کردند و پهلوی در این مدت چهار سال خیلی خدمت کرد. ایران را اداره کرد، منظم کرد. بعدها علماء هم تبریک خواهند گفت.

### اعلان مجلس مؤسسان

مشغول نظامنامه بودیم برای هیأت مؤسسان. فردا اعلان خواهد شد. به ترتیب انتخاب وکلاء اعلان خواهد شد و دو مقابل وکلاء باید انتخاب کنند. وکلای ایران یکصد و سی و شش نفر هستند. هیأت مؤسسان باید دویست و هفتاد و دو نفر باشند. نظامنامه فردا اعلان [می‌شود]. گمان می‌کنم در مدت بیست و پنج روز وکلای هیأت مؤسسان معین [شوند] و در مدت ده روز الی دو هفته هم در مرکز جمع می‌شوند. بیست روز هم مذاکره طول [می‌کشد] و تصدیق سلطنت بنام نامی پهلوی داده خواهد شد. گمان داریم بیستم الی آخر قوس این کار خاتمه خواهد پذیرفت.

امروز هم شاهزادگان و تمام رؤسایدوایس و دربار شرفیاب حضور والاحضرت اقدس پهلوی شدند. علماء طبقه اول هم شرفیاب

شدند. عموم نمایندگان خارجه هم رسماً و کتبأ حکومت موقتی پهلوی را شناخته در تمام نقاط ایران مشغول انتخاب هیأت مؤسسان هستند.

### پروتست احمدشاه

ولیعهد سابق مدتی است وارد بغداد شده است. مادرش منکه جهان هم که از پاریس حرکت کرده بود وارد بغداد شده است. ولیعهد هم خدمت مادرش است. چند روز قبل «روتر» اطلاع داد که شاه خیال دارد بر علیه مجلس پروتست کند. تعجب می‌کنم آیا خجالت نمی‌کشد. چه پروتست می‌کند! خوب است این پروتست را به خودشان کنند که مملکت را بکلی خراب کرده‌اند. اگر کدخدای یک ده را تغییر می‌دادند همین اثر را در مملکت می‌کرد که از تغییر یک سلطنت یکصد و پنجاه ساله کرد.

### اجازه ورود و ثوق‌الدوله

وثوق‌الدوله چند روز است وارد بغداد شده است. از طرف والا-حضرت اجازه آمدن به او داده شده است. امر شده است طرف بصره و شام برود.

### هیأت مؤسسان

در تمام نقاط ایران انتخاب هیأت مؤسسان در جریان است. هیأت مؤسسان در ظرف چهار هفته معین شدند. نصف زیادتر از وکلای مجلس معین شدند، الباقی از ولایات و مرکز. از طرف بختیاری صمصام‌السلطنه، سردار مفخم، از طرف ساوه امیر جنگ، از وزراء هم سردار معظم و فاطمی جزء هیأت مؤسسان شدند. ده روز طول کشید دویست و شصت نفر حاضر مرکز شدند. دوازده نفر در راه بودند.

### رأی مجلس مؤسسان

مجلس مؤسسان را والاحضرت اقدس مفتح کرد. از طبقه علماء،

اعیان، تجار، وزارتخاره‌ها، سفرا عموماً با لباس رسمی.  
بالاخره در شب ۲۲ آذر هیأت مؤسسان از ۲۶۰ نفر و کمیل ۳ نفر رأی ندادند، الباقی عموماً رأی دادند. با ورقه رأی گرفته شد.  
رئيس مجلس هم مستشارالدوله بود، که سلطنت نسل بعد نسل\* به رضاخان پهلوی واگذار شود. پسر ارشد او هم محمد رضاخان ولیعهد شد. اگر ولیعهد سنش کمتر از بیست باشد باید به رأی مجلس نایب‌السلطنه معین شود. ولیعهد و نایب‌السلطنه از فامیل قاجاریه نباید باشد. در موقع حکومت موقتی پهلوی کل ممالکی که در ایران نماینده دارند رسمآ حکومت موقتی پهلوی را شناختند بعد از رأی هیأت مؤسسان به سلطنت موروثی پهلوی. سه نفر که رأی ندادند: سلیمان میرزا و دو نفر دیگر از رفقاء سوسياليست ایشان بودند. چون عقیده ایشان سلطنت انتخابی بود.

### قسم خوردن

امروز سه‌شنبه ۲۴ آذر با لباس سلطنتی و کالسکه سلطنتی دو ساعت و نیم بعد از ظهر [به] مجلس شورای ملی برای قسم یاد کردن تشریف آوردند. از طبقه علماء، اعیان، وزراء وزارتخاره‌ها، سفرا با لباس رسمی حضور داشتند. سه ساعت بعد از ظهر به اطاق مجلس وارد شدند. اول نطق مختصری و بعد شرح قسم را خواندند، قسمی است که جزء قانون اساسی نوشته شده است. پس از یاد کردن قسم و بوسیدن قرآن مراجعت فرمودند. به همین ترتیب مراجعت فرمودند.  
فردا ۲۵ آذر سلام است در تخت مرمر. امشب در تمام ایران چراغان است، در ولایات یک شب و در مرکز سه شب.  
سردار ظفر هم حالت خوب شده از پاریس مراجعت کرد. گمان دارم دو روز دیگر وارد شوند. سردار ظفر به سلامتی وارد طهران شدند با خانبا با.

روز ۲۵ در اطاق بر لیان از علماء، سفرا، اعیان، تجار با لباس

سلطنتی پذیرائی فرمودند. کل سفراء با لباس رسمی بودند. ساعت ۱۱ در تخت مرمر سلام عام برقرار شد. ظهر سلام تمام شد. اعلیحضرت به منزل شخصی مراجعت فرمودند. حال ولیعهد عمارت گلستان که عمارت رسمی سلطنتی است جلوس فرمودند.

شاه هفته‌ای سه روز شنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه از صبح تا ظهر عمارت سلطنتی تشریف می‌آورند. پس از آن منزل شخصی مراجعت می‌فرمایند.

### کایenne ذکاءالملک

همان روز سلام هیأت دولت استعفا دادند. روز ۲۸ آذر هیأت برقرار شد.

ذکاءالملک رئیس‌الوزراء  
مشارالملک وزیر خارجه  
عبدالله‌خان وزیر جنگ  
سردار اسعد وزیر پست [و] تلگراف  
فاطمی وزیر عدليه  
داور [وزیر] فوائد عامه  
عدلالملک وزیر داخله  
سهام‌السلطان وزیر مالیه  
مشار اعظم کفیل معارف

حضور شاه معروفی شدیم. همان روز مجلس هم رفتیم. تیمورتاش سردار معظم سابق وزیر دربار شد. کل دولی که در ایران نماینده دارند رسماً سلطنت پهلوی را ارث شناخته و تبریک گفتند.

### برف و باران

اگرچه بارندگیهای نافع شد در عقرب ولی تاکنون که پنجم جدی است چهل روز تمام است که بارندگی نشده است و هوا خیلی خشک شده است. در اواسط جدی بارندگی برف و باران در تمام ایران شروع شد. چند برف بی در بی آمد. بحمدالله نگرانی رفع شد.

## پول برای حکومت

مرتضی قلی خان توسط قوام‌الدوله بیست هزار تومان تقدیم کرده بود که حاکم بختیاری بشود. من در حضور اعلیحضرت این کار را به هم زدم. سردار ظفر حرکت کرد و رفت طرف بختیاری. حاکم بختیاری همانها هستند: سردار ظفر ایلخانی، سردار جنگ ایل بیگی. صمصادم‌السلطنه سخت ناخوش بود حاش خوب شد.

## تاج نادری

چند روز با آقایان وزراء و وزیر دربار رفتیم خزانه. تاج نادری و شمشیر جهانگشای نادری را از خزانه بیرون آوردیم. تاج مکله به مروارید درشت‌اعلی است. چندین زمرد درشت هم دارد. شمشیر مکله به پرلیان درشت، یعنی غلاف<sup>\*</sup> شمشیر پوشیده است از پرلیان. یاد آوردم زحمات و فداکاری نادر را و برای او طلب مغفرت نمودم. حساب کردم از زمان نادر تاکنون یازدهمین پادشاه است که از دولت سر نادر این تاج را بر سر می‌گذارند. [برای] تاجگذاری عمارت سلطنتی را شروع کرده‌اند به تعمیر.

## ورود وزیر مختار امریکا

یک روز در رکاب همایونی شکار رفتم. شکاری زده نشد. چند روز قبل وزیر مختار امریک وارد شدند با خانمش. انجمن روابط ایران و آمریک را به افتخار ورود وزیر مختار دعوی از کل امریکائیها و آقایان ایرانی نمودم. نطق مفصلی از طرف رئیس‌الوزراء و وزیر مختار امریک از دوستی و اتحاد دولتین رد بدل شد. وزیر دربار پهلوی مشغول تعیین اجزاء دربار هستند. در این برج بارندگیهای کامل در کلیه ایران شده است. بهترین سالهای این مملکت است.

\* اصل: غلاف

## مالیات صادرات و واردات

از طرف دولت پیشنهاد الغای<sup>\*</sup> باج راهها شده است به مجلس. در عوض یک مالیات مختصری به صادرات و واردات بسته شده، اگرچه این مالیات برای مردم مختصر است ولی برای دولت خیلی مفید است. گمان می‌کنم سالی سه میلیون تومان نفع داشته باشد. در این ماه اتفاقات قابل ذکر نداشتم بنویسم.

آقای دکتر احیاء‌الملک چند ماه است کفیل صحیه شدند، حال استعفا داده‌اند. احیاء‌السلطنه رئیس صحیه شده است، مشارالدوله حاکم کرمان، و ثوق‌السلطنه حاکم خراسان، شریف‌الدوله حاکم آذربایجان شدند.

## هوایپمایی یونکرس

لایحه هوایپمایی یونکرس که با دولت قرار داده است سه خط را پست هوایی برقرار کند از طهران به پهلوی - از طهران به قره‌طوه - از طهران به بوشهر. کمپانی هوایپمایی فرانسوی هم پیشنهاد داده ولی رد شد و لایحه یونکرس قبول شد.

## شیلات و روسها

مسئله شیلات هم که روسها مایل بودند کنترات بنمایند با دولت روز آخر مجلس پیشنهاد شده و از طرف مجلس ایرادها گرفته و بالاخره ماند برای آتیه، یعنی مجلس آینده.

## دستور آزادی انتخابات

چند روز قبل از طرف اعلیحضرت همایونی دستخطی به رئیس‌الوزراء صادر شد که باید انتخابات کاملاً آزاد و به اراده ملت واکذار شود.

امسال بارندگی و برف خیلی کامل بود. بهترین سالهاست که من در مدت عمرم یاد دارم. دولت کنندم از روسیه خریده است چهل هزار خروار. تاکنون سی هزار خروار تحویل داده‌اند. تا آخر سال دولت آذوقه را تأمین خواهد کرد.

مدارس هم چند روز قبل به حضور همایونی شرفیاب شدند. از بدرو سلطنت پهلوی تاکنون شرفیاب نشده بودند. خیلی هم طرف محبت واقع شدند.

### مال التجاره روس

از طرف دولت روسیه چلو مال التجاره ایران را گرفته‌اند که داخل روسیه نشود. به دولت هم رسمًا اطلاع داده‌اند که بواسطه واردات زیاد از ایران مجبور هستیم مدتی از ورود مال التجاره ایرانی و سایر دول همچوار مشرقی جلوگیری کنیم. لکن آنچه شخص من تصور می‌کنم از دولت بدون جهت دلتنگ هستند و فشار وارد می‌آورند. خیال می‌کنند دولت و شاه با انگلیسها محربانه روابط دارند و برعلیه روسها هستند. در صورتیکه شاه و دولت بیطرف هستند. با هر دو یک قسم نگاه می‌کنند. روسها بواسطه مرام بلشویک عقب مانده‌اند. تقصیر را به گردن این و آن می‌اندازند.

### جشن سوم حوت

سیم حوت را دو سال است در ایران جشن می‌گیرند به مناسبت کودتای طهران و ورود پهلوی. این سیم را در عمارت مدرسه نظام جشن گرفتند. مدعوین صاحبمنصبان بودند و وزراء و رؤسای دربار پهلوی. بقدر دویست نفر شام دادند. نمایش آتش بازی و سینما بعد از شام بود. دو ساعت قبل از نیمه شب منزل وزیر دربار پهلوی با فاطمی، خود وزیر دربار...<sup>\*</sup> رفتیم. مدتی آنجا بودیم. پس از آن به منزل آمدم.

\* یک کلمه ناخواناست. شاید براهمی(؟)

## اخبار متفرقه

امروز هم روز تولد حضرت(ع) سلام بود. حضور رفتیم. بعد به منازل خودمان مراجعت کردیم. مکرر در این چند ماه زمستان بارندگیهای خوب در تمام ایران شده است.

زن قوام‌السلطنه چند روز قبل از فرنگستان آمد. ولی‌مهد سابق از بغداد رفت پاریس. وثوق‌الدوله احضار شد به مرکز. حالا تلگرافی رسید به من که وارد کرمانشاه شدند. فردا شب مهمان دارم. تمام سفراء و وزراء و رؤسای دربار و امراء لشکر را هم دعوت کردم. مدعوین چهل نفر می‌شوند.

شب دوشنبه ۲۶ اسفند جشن تولد اعلی‌حضرت پهلوی است که در تمام ایران جشن خواهند گرفت. شب دوشنبه هم در وزارت خارجه از داخله و خارجه به شام دعوت شده است. روز دوشنبه از طرف ملکه پهلوی از خانمهای ناهار دعوت شده است، ملکه پهلوی که دختر مجلل باشد.

امروز با آقای دکتر احیاء‌الملک کنترات بستیم یک ساله که دکتر وزارت پست [و] تلگراف باشد [با] ماهی یکصد و پنجاه تومان حقوق، اگر در افتتاح مجلس قبول شود دویست تومان خواهد شد.

## ورود وثوق‌الدوله

وثوق‌الدوله وارد شد. به قصر پهلوی پذیرفته نشد. شاه فرمودند فردا در موقع تشریف عمومی عید مولود اعلی‌حضرت شرفیاب شوند. روز عید با اعیان شرفیاب شدند. تعارف [و] احوال‌پرسی خیلی مختصری از ایشان کردند. در دعوت ملکه، عزت‌السلطنه، فروغ ظفر هم دعوت داشتند. از قشنگی ملکه تعریف کردند. مهمانی هم بد نبود. اکثر خانمهای اعیان حضور داشتند. مردم مشغول «کشمکش» انتخابات هستند.

چند روز است انتشار دارد که در بغداد طاعون سخت است، به این جهت از طرف دولت امر شده است زوار به کربلا نرود.

## جشن نوروز ۱۳۰۵

نوروز در رمضان واقع شد. دو ساعت بعد از ظهر وزراء حضور رفتند. کردیپلوماتیک هم آمدند. از طبقه علما، اعیان، وکلا شرفیاب شدند. نفری یک سکه جدید یادگار جشن نوروز پهلوی منقوش شده مرحمت فرمودند. امروز دوشنبه و اول حمل حساب می‌شود. وزراء با [اعضای] وزارت‌خانه‌ها شرفیاب می‌شوند. چهار ساعت بعد از ظهر هم سلام عام در تخت مرمر برقرار خواهد شد.

چند روز است گوشت نایاب است. از این جهت که ماه رمضان است خیلی به مردم سخت می‌گذرد. حال نان بهتر است. امسال بهار هم تاکنون بارندگی خیلی خوب شده است. اخبار تازه هیچ نیست. شب ۲۱ رمضان اعلیحضرت همایونی تکیه دولت تشریف آوردند. روضه‌خوانی بود. وزراء هم بودند. ساعت نه به منزل مراجعت فرمودند.

## جنگ لرستان و خلع سلاح استرآباد

سردار جنگ برای تاجگذاری از طرف ایل بختیاری خواهند آمد طهران. چند روز است خوانین بعضی از طوایف لرستان با قشون مشغول جنگ هستند. ولی طوایف کوچک و بی اهمیت هستند. اردوی استرآباد تماماً مراجعت کردند. آنچه از طرف مرکز رفته بود مراجعت کرد. استرآباد کاملاً منظم شده است و زیادترش خلع اسلحه شده‌اند.

## حبیب‌الله شیبانی

بواسطه ناراضی بودن اعلیحضرت از امان‌الله میرزا رئیس ارکان حرب ایشان را عزل و پریشب حبیب‌الله شیبانی را به جای او برقرار کردند. کل سفراء از طرف دولتهای خودشان به نمایندگی فوق العاده در

تاجگذاری معرفی شدند.

### برف شمیران

۲۵ فروردین تا ۲۶ برف زیادی در شمیران [آمد]. با عزت‌السلطنه، فروغ ظفر، دکتر احیاء رفتیم الهیه. از شدت برف چرخهای اتومبیل خوب کار نمی‌کردند. در سر بالائیها اتومبیل ایستاد. در برف پیاده شدیم. یک چارک برف زیادتر آمد.

### تاجگذاری و انتخابات

از کل عشایر سوار خواستند [که] در موقع تاجگذاری حاضر باشند. دولت مشغول تهیه جشن است برای تاجگذاری. انتخابات در همه‌جا شروع شده است. بعضی نقاط‌ها هم تمام شده. امیر حسین خان از ایل بختیاری، امیر جنگ از دزفول انتخاب شدند. یقین دارم اول سرطان مجلس باز خواهد شد.

### وضع محصول

محصول در تمام ایران خوب شده است. بحمد الله آفتی به حاصل نرسیده است. برای تاجگذاری از بعضی نقاط از علماء آمده‌اند. از بعضی نقاط مثل آذربایجان نیامدند. لکن از سایر طبقات خیلی آمدند.

### مراسم تاجگذاری

تاجگذاری با شکوه فوق العاده، دست هر یک از وزراء و امراء لشکر که عموماً در تاجگذاری حاضر بودند هر کدام یک قطعه از اثایه<sup>\*</sup> سلطنتی بود. چهار ساعت بعد از ظهر شاه تشریف فرما شدند. در اطاق موزه مکان برای علماء، سفرا، وزرا، اعیان، نمایندگان ولایات، تجار، اصناف معین [شده بود]. شاه تشریف آوردند. سه تاج دست رئیس‌الوزراء فروغی و وزیر دربار و من بود.

\* اصل: اساسیه

یکی تاج پهلوی که تازه درست کرده‌اند. دومی تاج کیان دست رئیس‌الوزراء بود. سیمی تاج نادری که دست من بود. سایرین هر کدام یک اثایه\* در دست داشتند. پس از تشریف فرمائی شاه به تخت طاووس جلوس فرمودند، تخت طاووس که نادرشاه از هندوستان آورده است. پس از خطبهٔ امام جمعه وزیر دربار تاج را نزدیک تخت بردا و شاه به دست خودشان تاج را به سر گذاشتند. شمشیر جهانگشای بر لیان نادری را به کمر بستند. گرز جواهر را به دست گرفتند. نطق مختص‌الحکم فرمودند.

### نطق مفصل و خشک فروغی

پس از آن رئیس‌الوزراء نطق خیلی مفصل و خیلی خشکی که از پیش نوشته بودند قرائت کردند. پس از آن آقای حاج میرزا مسعود رضا کرمانی که مجتهد خیلی محترمی هستند خطبهٔ قرائت کردند. پس از آن حاج محتشم‌السلطنه از طرف نمایندگان کل مملکت که برای تبریک تاج‌گذاری آمده بودند تبریک مفصلی بیان کردند. شاه تشریف برداشتند. این مراسم سه ربع ساعت طول کشید. دست من به اندازه‌ای خسته شده بود نزدیک بود تاج از دست من به زمین بیفتند. همه آقایان که اثایه\* سنگین در دست داشتند همین قسم خسته شدند. پشت سر شاه با همین ترتیب مراجعت کردیم به اطاق بر لیان. ولیعهد در موقع تاج‌گذاری پهلوی تخت شاه ایستاده بود. در اطاق بر لیان شاه [به] هر کدام از وزراء و از امراء لشکر یک مدال که عکس شاه در آن منقوش بود مرحمت فرمودند. پنج ساعت و نیم بعد از ظهر اعلیحضرت با همان تاج و شمشیر و گرز سوار شدند. پشت کالسکه شاه کالسکه ولیعهد، بعد رئیس‌الوزراء، وزیر دربار، بعد وزیر جنگ و من، بعد وزیر داخله و فوائد عامه، بعد وزیر مالیه و عدلیه، امراء لشکر هم در رکاب سوار بودند. تا بیرون دروازه رفتیم. در آنجا شاه توقف فرمودند. تاج، شمشیر، گرز را به صندوقدار دادند. خودشان

\* اصل: اسامیه

طرف راه شمران با اتومبیل رفتند. یک شب شاه مهمانی دادند از وزرا و سفراء و خانم‌های سفرا در عمارت گلستان. خودشان هم سر شام حضور داشتند. نطق مختصری از طرف سفیر روس گفته شد. پس از آن اعلیحضرت جواب دادند. یک مهمانی هم در گلستان رئیس-الوزراء دادند. یک مهمانی وزیر خارجه دادند. بعد انگلیس، روس، فرانسه، امریک، ایطالی، بلژیک، آلمان، لهستان، ترکی، افغان، مصر، بانک شاهنشاهی همه دادند. بیست شب مهمانی بود. سه شب تمام شهر چراغان بود. به خوبی و خوشی رسومات تاجگذاری به پایان رسید.

### بیست هزار تومان تقدیمی بختیاری

سردار جنگ هم وارد شد. بیست هزار تومان حکومت بختیاری به افتخار تاجگذاری تقدیم کردند. از طرف آذربایجان یک تعلیمی جواهر، از طرف آستانه تمثال جواهر، از طرف فارس اصفهان و غیره هر کدام یک یادگاری آوردند.

برای کفاایت عیال امیر حسین خان خداوند دختری کرامت کرد. عزت‌السلطنه از عشق به بچه او را آورده است پیش خودش نگاه داشته است. شب و روز این دختر در بغل عزت است.

### قرارداد ایران و ترکیه

قرارداد اتحاد جدیدی بین دولت ایران و ترکیه بسته شده است. مدت یک ماه برای افتخار تاجگذاری هر شب مهمانی بود، چه از طرف داخله و چه از طرف کردپیلوماتیک. سه شب شهر چراغان بود. عموماً از میهمانی‌های هر شب خسته شدیم. بحمد الله به خوشی تمام شد. سه شب در حضور شاه شام صرف شد. یکشب سفرای خارجه هم بودند.

### گرمی تهران

اواسط ثور هوای تهران خیلی گرم شده، حاصل در تمام ایران بحمد الله خوب شده است.

اواسط ثور نازبگم برای ملاقات فامیلش رفت اصفهان. عموماً از مفارقت او دلتنگ بودیم. پانزده روز توقف کرده اوایل خرداد به سلامتی مراجعت کرد. دخترش را گذاشت خدمت حاجیه بی بی. افراسیاب پسرش را همراه آورد. امسال انشاء الله بیلاق می رویم الهیه. ده روز دیگر انشاء الله حرکت خواهیم کرد.

### وها بیها و ضریح و گنبد ائمه

چند روز است خبر رسیده است از طرف علمای نجف که وها بیها مشغول خراب کردن ضریح و گنبد ائمه در مدینه هستند. کمک عالم اسلام لازم است. تلگرافی هم از مأمورین دولت به رمز به وزارت خارجه رسید که مفادش این بود وها بیها از علمای مدینه فتوی گرفتند که گنبد [و] ضریح [و] زینت برخلاف اسلام است، باید برداشته شود. مشغول خراب کردن هستند. پس از اینکه حاجیها مراجعت از مدینه می نمایند یعنی پس از ذی الحجه، گنبد و ضریح حضرت رسول (ص) را هم خراب خواهند کرد. واقعاً بزرگترین جنایت است به عالم اسلام. چون بارگاه و تزیینات موافق یا مخالف با مذاهب اسلام است یا نیست اکنون هزار و سیصد سال است که مسلمانها این قسم دیده اند و آشنا شده اند. به این ترتیب خراب کردن و ساکت بودن سیصد میلیون مسلم در دنیا البته عقاید عوام الناس را کم می کند. هر ملتی در عالم باید یک تکیه گاه داشته باشد. تکیه گاه اروپ، امریک وطن پرستی است، تکیه گاه مسلمانهای دنیا مذهب است. ماها هنوز تربیت امروزه شامل حالمان نیست، یعنی تربیت نشده ایم که وطن پرستی تکیه گاه باشد پس تکیه گاه مسلمانها همان مذهب [است]، در صورتیکه این قسم توهین از یک مشت وها بی مسلمان نما که عده نفوس آنها زیادتر از یک کرور نیست به عالم اسلام بشود و عموم ساکت باشیم عقاید عمومی سست می شود. پس تکیه گاه مذهبی هم از دست می رود. آن وقت تکیه گاه مسلمانها نه به مذهب است و نه به وطن. چنین قومی معلوم است که عاقبت آنها چیست.

چند روز است کمیسیونی در قصر پهلوی منعقد می‌شود از طبقه اول علما و بعضی رجال که چه اقدامی باید کرد.  
در موقع تاجگذاری «اسکرت» از تمام ایلات خواستند. پس از جشن همه مرخص شدند. همه با لباسهای ملی خودشان بودند.

### کابینه مستوفی‌الممالک

۱۶ خرداد کابینه آقای فروغی استعفا داد. آقای مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء شد. هنوز کابینه او معلوم نیست چه اشخاصی خواهند بود.  
کمیسیون در باب مدینه هنوز مشغول مطالعات است.

### سهام نفت و بختیاریها

مرتضی قلی‌خان دو روز قبل برای معالجه طرف فرنگستان حرکت کرد. صورت ظاهر ما بین ایشان و صمصام‌السلطنه اصلاحی شده است و سهام نفت را کلا صمصام‌السلطنه واگذار به پرسش کرد.  
فراموش کرده‌ام که نوشتہ‌ام یا خیر در شوال شب تاجگذاری خداوند دختری به امیر حسین‌خان کرامت فرمود. دختر را عزت‌السلطنه آورده است پیش خودش از شدت محبت به بچه. بقدر جانش این بچه را دوست [دارد] و نگاهداری می‌کند.  
تاکنون که بیستم خرداد است کابینه معلوم نیست.

### تنگی نان در ملایر

۱۸ خرداد بواسطه اینکه در ملایر کار نان سخت شد جمعیت زیاد جمع شده بود برای داد و بیداد از بی‌نانی. [بعلت] فشار جمعیت بقدر بیست نفر زن و بچه زیر دست پا تلف [شدند].  
اعلیحضرت شخصاً ۱۸ خرداد برای ملایر حرکت فرمودند که شخصاً از محل رسیدگی فرمایند و علت این جنایت و هرج و مرج را به چشم خودشان ملاحظه [کنند] و در فکر جلوگیری از این نوع واقعیات در مملکت باشند. اعلیحضرت پس از دو شب مراجعت فرمودند.  
انعامی به ورثه مرحمت فرمودند و دلجویی نمودند.



# دوره بی منصبی

سفر خراسان به همراه شاه

تیر ۱۳۰۵ – خرداد ۱۳۰۶ شمسی



سال ۱۳۰۵

كابينة مستوفى المعالك

کابینه معین شده است، آقای مستوفی رئیس وزراء  
و ثوق دوله وزیر مالیه  
فروغی وزیر جنگ  
به تقی زاده در برلن تلگراف شده است برای پست خارجه  
مخبر السلطنه وزیر فوائد عامه  
 حاجی میرزا احمدخان اتابکی وزیر پست و تلگراف  
منصورالملک کفیل داخله  
منصور السلطنه کفیل عدله  
امروز با است مرغی نمایند. تقی زاده قبول نکرد. کابینه ه  
شد. از روز اول کابینه گرفتار فلوج شد. خارجه، داخله، عدله  
ندارند. مدتی است ولیعهد ناخوش است. یک ماه است حصبه و م  
دارد.

اوقات شاه

## سرپرسی لرن

سرپرسی لرن وزیر مختار انگلیس پنج سال است در طهران است. او لا بسیار آدم خوبی است. تمام ایرانیها او را دوست دارند. دویماً خیلی خدمت به دولت انگلیس کرده است. در ایران سیاست را از تمام نمایندگان انگلیس بهتر پیش برده است. از طرف دولت خودش احضار شده است. خدمت او در ایران خاتمه پیدا کرده است. دیگری به جای او می‌آید.

## فراکسیونها

در مجلس مشغول تشکیلات و بستن فراکسیونها هستند. امیر جنگ، امین حسین [خان] در فراکسیون آشتیانی داخل شده‌اند. با فراکسیون تدین ائتلاف کرده‌اند، که حالا عده‌هایک از طرفین پانزده نفر می‌شوند که دو طرف سی نفر می‌شوند.

## یاغیگری در سلاماس

در سلاماس نظامیها به فرمانده خود یوسف‌خان یاغی شده‌اند. او را کشته خوی، سلاماس را غارت کردند. فرمانده کل قشون کشی کرده با یاغیها جنگ کردند. یک عده [را] گرفتند. عده‌دیگر فرار مردند. پکصد و پنجاه نفر از محبوسین [را] تیرباران کردند.

## طفیان سالار جنگ

در همین موقع سالار جنگ برادرزاده اسماعیل‌خان سوادکوهی قوم خویش اعلیحضرت در خراسان یاغی شد. او هم داخل نظام بود. یک عده نظامی با او همراه شدند. یک عده هم ترکمن. تا قوچان را گرفت. خبر که به طهران رسید یک مرتبه هرچه اتومبیل کرایه و مقداری شخصی، هرچه متعلق به قشون بود مقداری از ارزاق گرفته بقدر دو هزار طرف خراسان عده قشونی، توپخانه با هرچه طیاره حاضر بود حرکت دادند. تاکنون معلوم نیست نتیجه چه شده است.

## مدرس کابینه‌تراش

برای وزارت خارجه پس از اینکه تقی‌زاده قبول نکرد مشاوره‌المالک [را] که وزیر مختار است در روسیه انتخاب نشدند. فوام‌السلطنه را هم احضار کردند. عجاله کابینه‌تراش مدرس است. وزراء هم به میل او انتخاب می‌شوند. با وجودی ده شاه با مدرس قلب‌با خوب نیست عجاله خیلی شنوائی از او دارد. لکن سیاست خوبی نیست. چون شاه باید از کسانی تقویت کنند که به آنها معتمد است.

## افتتاح مجلس

۱۹ تیر ماه اعلیحضرت همایونی مجلس را مفتوح فرمودند. من هم جزء مدعوین بودم. نطق مختصری فرمودند. میز موزائیک من که همه وقت مجالس ملی که افتتاح می‌شد برای قسم یاد کردن یا افتتاح مجلس آن میز را حاضر می‌کردند در جلو پادشاه در افتتاح دوره ششم، [بود] ارباب کیخسرو که هم وکیل زرده‌شیمها می‌باشد و هم معاشرت مجلس با اوست میز را از من تقاضا کرد. در جواب نوشتم میز را به اعلیحضرت تقدیم کردم. باید از کارکنان شاه بخواهید. میز را حاضر کردند.

علمای درجه اول مثل ببههانی، اصفهانی، خوئی حاضر نبودند. بعدهای خودشان را فرستاده بودند. رؤسای وزرای سابق هم نبودند مثل مشیرالدوله، عینالدوله، فرمانفرما، سعدالدوله. عجاله در مجلس مشغول گذرانیدن اعتبارنامه‌ها هستند. عجاله چنین به نظر می‌اید که مدرس در اقلیت است تا در عمل چه نتیجه حاصل شود. مشاوره‌المالک برای پست وزارت خارجه وارد مرکز شد.

احضیار قوام‌السلطنه صحت نداشت. سالار جنگ سوادکوهی که یاغی شد با عده هشتصد نفری قشون تا قوچان و سبزوار را گرفت. طیاره و کمک قشون که رسید تقریباً بدون جنگ فرار کردند. یکسره رفتند به خاک روسیه. در عشق‌آباد دولت روسیه اسلحه آنها را گرفت. عجاله در کمال فلاکت در خاک روسیه در محل عشق‌آباد توقف داردند.

## حرکت به خراسان

اعلیحضرت همایونی بواسطه این اتفاق آذر با یجان و مشهد به خیال افتادند فوری حرمت کرده خراسان بروند و به این بازیها خاتمه دهند. امر فرمودند وزیر دربار، بنده به همراهی رئیس دفتر شاهنشاهی، معاون‌الدوله رئیس تشریفات، دکتر امیراعلم، دکتر احیاء‌الملک، میرشکار در رکاب باشند.

## عزل جان‌محمدخان

سیم مرداد به همین ترتیب از طهران حرکت فرمودند. در موقع حرکت جمعی از اعیان و وذلاء در قصر پهلوی حاضر بودند. سه ساعت قبل از ظهر حرکت فرمودند. بنده و وزیر دربار هم بودیم پشت اتومبیل شاه. روز اول رفتیم قشلاق. شب توافق فرمودند. شب دوم سمنان – شب سوم شاهرود – شب چهارم میامی – شب پنجم سبزوار – شب ششم نیشاپور و شب هفتم مشهد – در عباس‌آباد، قدری پایین میامی، جان‌محمدخان فرمانده شرق استقبال امدند. توی راه ایستادند. لکن شاه نه احوالی از فرمانده پرسید نه اتومبیل را نکاه داشتند. از میامی احکامات عزل جان‌محمدخان و نصب «مرتیپ امان‌الله میرزا» که با دو آجودان در رکاب بودند صادر شد و امان‌الله میرزا از سبزوار جلو رفتند و قبل از ورود به مشهد والی که وثوق‌السلطنه باشد در عباس‌آباد شرفیاب شدند.

## مخالفت با استقبال و چراگانی

اطلاع دادند که علما مخصوصاً آقای قمی بر علیه تزیین برای ورود شاه هستند، بعلت اینکه محرم است و تمام شیعیان عزادار هستند. به این جهت چراگانی و تزیین صلاح نیست. اگرچه از بین راه شاه هم امر داده بودند که استقبال نباید بشود. در هر صورت برای ورود تجلیل به عمل آمد، چراگانی هم شد. در موقع ورود یکسر مشرف به حرم مطهر شدند. آقایان علماء که رؤسای آنها آقازاده و

برادر ایشان که پسرهای مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی اند\* با آشیخ مرتضی آشتیانی شرفیاب شدند. در حرم مطهر جمعی از سایر علماء و عاظ هم بودند. لکن آقای قمی حضور شاه نیامدند. در موقع توقف شاه به خدام متغیر شدند که چرا در ضریح را باز نکردند. در جواب عرض کردند معمول نبوده است برای تشریف سلاطین در ضریح باز شود. رسم این است که پس از تشرف برای روز دیگر از طرف پادشاه اطلاع می‌دهند که در ضریح را باز کنند، فوری باز می‌کنند. روز دیگر که مشرف شدند در ضریح را باز کردند.

### حبس جانمحمدخان

دو روز پس از توقف جانمحمدخان را احضار کردند. در حضور تمام صاحبمنصبان علامتهای نظامی را از او برداشتند و امر به حبس او کردند. خیلی هم جانمحمدخان شاکی داشت. پنج روز در عمارت قشوی نزدیک منزل ما حبس بود. پس از آن تحت‌الحفظ او را طهران آوردند. فامیل او در مشهد بود. بعد از حرکت ایشان حرکت کردند طرف طهران.

### حرکت به قوچان و بجنورد

شش شب در مشهد توقف شد. از آنجا طرف قوچان حرکت کردند. ناهار قوچان میل کردند. شب شش فرسنخی قوچان رفتند. روز دوم بجنورد تشریف بردند. دو شب در بجنورد توقف کردند. فامیل مرحوم سردار معزز زن [و] مرد عارض شدند که مالیه [و] هستی آنها را به عنوان مالیات [گرفته‌اند] دسته قشون که از طهران رفته بودند تماماً در بجنورد حاضر بودند. شاه به والی امر دادند به رئیس‌الوزراء تلگراف کند که املاک مرحوم سردار معزز را نصف در عوض مالیات ضبط کنند و نصف دیگر را به فامیل او بدهند که زندگانی بنمایند. روز سیم مطلع سفیده حرکت فرمودند.

\* اصل: است.

## سفر فوری تیمورتاش

چند ساعت قبل از حرکت وزیر دربار به امر شاه طرف مسکو حرکت کرد. اگرچه کاملاً مطالب حرکت او در پرده است ولی البته برای استحکام روابط بین ایران [و] روسیه است. وزیر دربار آمد قوچان و از آنجا رفت به باجگیران سرحد ایران و روس و از آنجا به عشقآباد. مدت حرکت از بجنورد الی عشقآباد ایشان غیر از توقف هفت ساعت طول کشید. چون شوفر وزیر دربار می‌ترسید از بالشویکها وزیر دربار با اتومبیل من و شوفر من حرکت کرد و رفت.

### یاغیگری سالار جنگ

در موقع یاغیگری سالار جنگ سوادکوهی ورود به بجنورد پنج نفر از صاحبمنصبان را تیرباران کردند. در موقع حرکت شاه قبر آن پنج نفر را سیاهپوش کردند. شاه تشریف بردن سر قبرها دسته‌های گل نثار کردند. احترامات نظامی به عمل آمد.

### تیرباران نظامیها

چون یکصد و ده نفر نظامی [و] غیرنظامی در تحت محکمه بودند ده نفر آنها را که هشت نفر صاحب منصب و دو نفر اهل محل حکم اعدام آنها صادر شده بود پس از حرکت شاه از سر مقبره نظامیها در همان محل ده نفر تیرباران شدند.

پس از حرکت ناهار در قوچان صرف فرمودند. غروب وارد مشهد شدند. چهل و چهار فرسخ راه است از بجنورد تا مشهد. دو شب در مشهد توقف فرمودند. پس از آن حرکت شد. از مشهد آمدند سبزوار سی و پنج فرسخ، از سمنان از راه فیروزکوه طهران تشریف آوردند سی و پنج فرسخ. از بجنورد تا طهران ۱۶۴ فرسخ است.

### بودجه آستانه

در مدت توقف مشهد اعلیحضرت بودجه آستانه را مرتب کردند.

چون همه وقت آستانه مقر ووض بود و خود بارگاه همه مخروبه.  
شاه سر قبر نادر هم تشریف برداشت. حال بودجه حضرت منظم  
شده است. ترتیب تعمیرات کاملاً داده شده است. سالی هم مبلغی برای  
خزانه حضرت از عایدات باقی می‌ماند.

### نقشه استقلال کرد

در موقع مراجعت شاه از مشهد خبر رسید که اکراد طرف ایران  
حمله کرده‌اند. سالارالدوله هم با آنها همراه است. چنین مشهور  
است که مدتهاست نقشه استقلال کرد در پیش دولت انگلیس مطرح  
است. حالا همان نقشه تعقیب می‌شود. از تهران هم بقدر دو هزار  
قشون طرف کردستان کرمانشاه حرکت کرده است. باز هرچه اتومبیل  
کرایه و شخصی دیدند در طهران گرفتند برداشت.

### مدارس و کابینه مستوفی

حال مدرس در مجلس خیلی خراب شده است. بی‌یار و رفیق  
مانده است. احتمال می‌رود کابینه از میان برود بواسطه اینکه یگانه  
پشتیبان کابینه مدرس بود و اکثر مجلس مخالف مدرس و کابینه  
حاضر هستند.

دیروز حضور شاه بودم. مستوفی اتابکی را فرستاد حضور شاه.  
در حقیقت نظر او و مدرس این بود که اگر شاه حمایت سخت بنماید  
ممکن است در مجلس اکثریت داشته باشد. شاه در جواب گفت هیچوقت  
تحمیل به مجلس نمی‌کنم. بسته است به رأی اکثریت، به هر کس  
متمايل باشند من هم همراه هستم. بالاخره بعد از کشمکش‌های زیاد  
اعلیحضرت از وکلا خواستند که باید به کابینه مستوفی رأی دهند.  
صلاح نیست عجاله ایشان تغییر کنند. وکلاء هم حاضر شدند رأی  
دهند. احتمال می‌رود روز شنبه به مجلس معرفی شوند. مستوفی رفت  
به مجلس وکلا را قسم داد که باطن خود را واضح بگویند. وکلا هم  
گفتند ما با خود شما همراه و مخالف وزرای شما هستیم. باید وزراء

را تغییر دهید. این مطلب به مستوفی بر خورد و گفت نمی‌توانم.

### رأى تمایل به مؤتمن‌الملك

بالاخره مستوفی استعفا داد و قبول شد. اعلیحضرت تمایل مجلس را خواستند رأى به مؤتمن‌الملك داده شد. مؤتمن‌الملك هم قبول نکرد.

بالاخره مؤتمن‌الملك گفت من جدیت می‌کنم مستوفی قبول کند. اگر نکرد مشیر‌الدوله باید قبول کند. اگر ایشان هم قبول نکرد من خودم حاضرم. تاکنون معلوم نیست چه شود. چون مشیر‌الدوله هم قبول نکرد. باز به مستوفی مذاکره می‌کنند. امروز معلوم خواهد شد. بالاخره بعد از کشمکش زیاد مستوفی قبول زمامداری را کرد و کابینه خود را به این ترتیب معرفی نمود:

مستوفی رئیس‌الوزرا  
و ثوق‌الدوله وزیر عدلیه  
فروغی وزیر جنگ  
مشاور‌الممالک وزیر خارجه  
مخبر‌السلطنه وزیر فواید  
نصیر‌الدوله وزیر معارف  
احتشام‌السلطنه وزیر داخله  
حاج محتشم‌السلطنه وزیر مالیه

سردار محتشم، سردار جنگ با امیر منصور طرف فرنگستان برای معالجه حرکت کردند.

### كميٰته ترور

چندی قبل یك کميٰته بر ضد شاه کشف شد. هایم نماينده کليميه در دوره گذشته، شيخ العراقين زاده نماينده مجلس در دوره گذشته، چند نفر ديگر. از نظاميهها سرهنگ فولادی رئيس فوج پهلوی

و یاور روح الله خان و چند نفر دیگر، نقشه آنها این بود که در شهر از دو طرف قصر پهلوی حمله کنند. از یک طرف شلیک دندن فراولها جلب می‌شوند طرف شلیک. از طرف دیگر حمله کنند به عمارت اندر و نی شاه را بکشند. البته در این موقع صاحب منصبان ارشد را هم بکشند. آن وقت سرهنگ فولادی به اسم نظم پایتخت و تاسف از این پیشامد مشغول عملیات می‌شد، شهر را نظامی می‌کرد. تقریباً یک کودتا شروع می‌کردند. راپورت این کمیته به عرض شاه رسید. همه را گرفتند. در نظمیه مشغول استنطاق هستند. استنطاق ده تمام شد کشوریها را با دوسيه می‌برند عدليه، نظاميها در محکمة نظميه جلب می‌شوند.

### اخبار مختلف

چندی قبل سردار بهادر، منوچهر طرف بوشهر حرکت کردند.  
خبر تازه‌ای نیست.  
کردها که یاغی شده بودند حالا تسلیم شدند. سایر نقاط هم رو گذاشته است به بهبودی.  
تیمور تاش تقریباً کارهایش در روسيه تمام شده است می‌رود به انقره، از آنجا طهران می‌آید.

### سفر مازندران

قرار است امروز (۲۹ مهرماه) اعليحضرت طرف مازندران حرکت فرمایند. بنده هم در خدمتشان خواهم بود. در رکاب اعليحضرت حرکت کردیم. سه ساعت قبل از ظهر من و دکتر در یک اتومبیل بودیم. ملتزمین رکاب سه امیر لشکر، قوام الدوله، عدل‌الملک، قائم‌مقام، دشتی، میرزا کریم‌خان، دکتر امیر‌اعلم. نرسیده به‌جا‌جرود سرازیری هزار قدمی جاجرود اتومبیل شاه جلو بود ایستادند. ماها هم پیاده شدیم.

## سوختن قراولها

در جلو، اتوبوس بزرگ قراولها افتاده بود. هجده نفر که شانزده نفر قراول، یک «شفور»، یک برادر شوفور اتومبیل افتاده بود. پانزده پوطل بنزین ذخیره توی اتومبیل بود، یک مرتبه آتش گرفت. اشیاء و شاگرد شوفر عموماً یک مرتبه سوختند. وقتی که ما رسیدیم تمام جسد‌های آنها مثل مرکب سیاه و خشک شده بود. بمب، فشنگ زیاد هم توی اتومبیل بود، تماماً آتش گرفتند. شاه خیلی اوقاتشان تلغی شد. یکی بواسطه اول مسافت، دیگری بواسطه فقدان قراولان رشید که اینها را توی تمام افواج از حیث اخلاق و رشادت انتخاب کرده بودند. برادر شوفر زنده بود. در جاگرد امیراعلم، احیاء‌الملک رفتند زخم‌های او را بسته نصف بدن او سوخته بود، به سن بیست سال. خودم از او سؤال کردم که چه شد اتومبیل آتش گرفت. گفت یک صدائی را پرت کرد. دیگر بیهوش شدم و هیچ اطلاع ندارم. در هر حال منظره خیلی موہش رقت‌انگیزی بود. امر شد عجاله آنها را فوری دفن کردند. بقیه، مقبره برای آنها درست کردند.

شب در رودهن<sup>\*</sup> توقف شد هشت فرسخی. صبح حرکت کردند. ناهار در فیروزکوه، شب در شیرگاه توقف شد. شب ۳ کیاکلا ملکی اعلیحضرت سه فرسخی دریای مازندران، شب ۲<sup>\*\*</sup> ساری، صبح حرکت فرمودند. ناهار اشرف که سلاطین صفوی در آنجا باغات و عمارت‌های عالی درست کردند.

## خدمات صفویه

راهی که تازه تعمیر کرده‌اند راهی است که سلاطین صفوی درست کرده‌اند. واقعاً سلاطین صفوی خیلی زحمت کشیدند. خیلی

\* رودهن درست است.

\*\* کذا، باید ۴ باشد.

کار کرده‌اند. آبادی زیاد کردند. تمام راههای ایران در تمام نقاط کار و انسراهای عالی [دارد و] در اغلب نقاط، عمارت‌عالی. در زمان قاجاریه تمام این عمارت‌خراپ شده، مختصر آثاری مانده است. هرچه خراب نشد دستی خراب کردند.

شب در بندر جز توقف شد. از طهران تا ساری ۴۶ فرسخ. از ساری تا بندر جز ۱۴ فرسخ. شب ۶ ناهار در گمیش تپه، شب در استرآباد.

### گمش تپه و ترکمنها

راه تا گمش تپه بد بود، لکن از گمش تپه تا استرآباد جلگه صاف بود راه خوب بود. گمش تپه مرکز جعفریای می‌باشد. ترکمن دو تیره بزرگ است. باقی تیره‌ها اهمیت ندارد: یکی جعفریای، دیگری آتابایی. جعفریای تقریباً تخت قاپو است. همه عمارت‌چوبی خوب دارند. مشغول تجارت هستند. آتابای ایل هستند که هیچ در عمارت‌زندگی نمی‌کنند. چهار مدرسه در نقاط مختلف برای آنها درست کرده بودند. بقدر چهارصد نفر شاگرد تحصیل می‌کنند. خوب هم تحصیل می‌کنند. چون بچه‌های ایلات از شهریها با هوشتر هستند. از جلگه ترکمنها عبور کردیم. همه‌جا توی ابه‌های آنها بودیم. خیلی پرجمعیت بود. اعلیحضرت در هر ابه پیاده می‌شدند اظهار مرحمت می‌فرمودند.

### استرآباد

غروب وارد استرآباد شدند. استرآباد متصل به جنگل است! جنگلهای مازندران مثل رشت است. بلکه بهتر. شب در استرآباد بودند. صبح حرکت فرمودند. شب هفتم در اشرف توقف فرمودند. شب نهم در ساری، شب دهم علی‌آباد، شب یازدهم باز بین راه بودیم. شب دوازدهم وارد طهران شد [یم].

## گلوله زدن به مدرس

در ساری خبر رسید که نزدیک مسجد سپهسالار صبح زود مدرس را با گلوله زدند. چهار نفر به او حمله کردند سه تیر به یک دست او زدند، یک تیر به دست دیگر. در مریضخانه دولتی مشغول معالجه هستند. حالش خوب است. چند روز دیگر بیرون خواهد آمد. لکن ضاربین گرفتار نشدند. هر روز از مجلس سخت مطالبه ضاربین از دولت می‌شود. گمان ندارم موفق بشوند به گرفتاری انها. اخبار تازه قابل نیست بنویسم.

## وثوق‌الدوله در مجلس

سردار محتشم، سردار جنگ که فرنگستان رفته‌اند هنوز در فرنگستان هستند. وثوق‌الدوله از کابینه خارج شد آمد مجلس. مختصری با او مخالفت کردند ولی با اکثریت زیاد اعتبارنامه ایشان تصویب شد و در مجلس مثل سایر وکلا هر روز می‌روند. مدتهاست وزیر مختار جدید انگلیس با خانمش وارد شده است. نماینده ژاپون آمده است طهران. از طرف ژاپن خیال دارند سفارت‌خانه در ایران داشته باشند.

## بازگشت فروغی از فرنگ

فروغی وزیر جنگ که فرنگستان رفته بود تازه وارد طهران شده است. والده‌ام که مدت چهل روز است به زیارت عتبات رفته است با تاج محل دختر کوکب هنوز مراجعت نکرده‌اند. مادر امیر حسین‌خان با دو دخترش از ولایت طهران آمده‌اند، منزل امیر حسین‌خان هستند. اخبار تازه‌ای نیست.

## بازگشت تیمورتاش

آقای وزیر دربار از مسکو مراجعت کردند. لکن نتیجه خوبی حاصل نشد. پیشنهادهای وزیر دربار را دولت قبول نکرد. تغییراتی

دادند. از این جهت وزیر دربار هم نماند و احضار شد. هنوز قرارداد باروسيه دربوته اجمال مانده است. از زن عيسوی وزیر دربار خداوند دختری به تیمورتاش کرامت کرده است. متى است حالت کابینه در بحران<sup>\*</sup> است.

### مدارس و حمام فرمانفرما

مدارس چند روز قبل حمام رفتند در منزل فرمانفرما. از آنجا رفتند مجلس. حال چند روز است مجلس می‌رود لکن دستش هنوز از گردش افتاده است.

مجلس با کابینه حالشان خوب نیست. کابینه در مجلس اکثریت ندارد، تا چه پیش آید.

### شکار کبک

چند روز قبل با فیروز، امیر جنگ، امیر حسین خان شکار کبک رفتم در عسلک<sup>\*</sup>. دو روز از صبح تا ظهر شکار کردیم. دویست قبضه شکار کبک شد. مراجعت سر پل جاجرود ناهار صرف شد. سفارت انگلیس، روس آمده بودند گردش اول ژانویه. بیست کبک به آقایان انگلیس و بیست کبک به آقایان روس دادیم، باقی کبکها را مابین دوستان تقسیم کردیم.

یک هفته قبل فوری تلفن شد به من که شاه شکار کبک رفتند من هم در رکاب رفتم. بقدر سی کبک شکار شد. غروب مراجعت فرمودند. والده از سفر زیارت مراجعت فرمودند. مراجعت از شکار وارد شده بودند. تاج محل، کوکب، اختر در خدمت ایشان وارد شدند. از مراجعت ایشان و زیارت والده خیلی مسرور شدم.

عجاله حال کابینه خوب نیست تا چه پیش آید. احتمال دارد کابینه بیفتند. شاه هم مایل نیست کابینه بماند.

\* اصل: ببران

\* اسطلک درست است، یعنی استخرک

## نارضائی مردم

بارندگی در تمام ولایات خوب شده است ولی طهران خوب نیست. بارندگی کم شده است. حال روحیه مردم خوب نیست. بواسطه نبودن پول فقر و فاقه عمومی منظره بدی عرض اندام می‌نماید.

## اراده شاه و سیاست داخلی

از بابت سیاست هم خوب پیش نمی‌رود. هیچ معلوم نیست سیاست داخلی دولت یعنی شاه چیست. چون دولت و ملت امروز در ایران یعنی اراده شاه.

بواسطه اینکه ما ایرانی تهور نداریم، اتحاد نداریم، صداقت نداریم، وطن‌دوستی نداریم، مذهب نداریم. ظاهر مسلمان ولی باطن معلوم نیست چه مذهبی داریم. پس یک‌چنین قومی اراده ندارند. مثل سابق، اگر شاه احمد شاه می‌بود نه ملت اراده داشت نه شاه. حال ملت بجای خود برقرار است ولی شاه اراده دارد، جرأت دارد، تهور دارد. این است که اراده منحصر است به شاه، ولی بکلی ساكت است. پس زیر کاسه باید نیم کاسه باشد. چون به این شکل نمی‌شود کار کرد.

## کودتای دیگر

چون سیاست داخلی هیچ روشن نیست. البته این شکل موقعیت آنچه من پیش خود خیال می‌کنم یک کودتای دیگر از طرف پهلوی شروع خواهد شد و یک رژیم تازه برقرار خواهد کرد. حال این کودتا کی شروع شود نمی‌دانم، اما بزودی، گمان من این است برای روحانیون خوب نخواهد شد. تا چه شود. این حدس<sup>\*</sup> شخص من است، ولی از جائی اطلاع ندارم که به مناسبت آن نوشته باشم. در حقیقت غیب‌گوئی است اگر واقع شود.

مرتضی قلی‌خان از فرنگستان مراجعت کرد.

## استیضاح کابینه مستوفی

کابینه در حال بحران است. گویا مستوفی باقی می‌ماند و تغییری در کابینه خواهد داد. شخص من از پیشرفت کامل ایران مأیوس هستم. دلیل اول نالایقی خودمان و دلیل دوم خارجه است که کاملاً از ترقی ایران به هر شکل و زبان جلوگیری می‌نماید.

از طرف مجلس کابینه را استیضاح کردند. سؤال اول برای مراسله مابین دولت و کمپانی نفت [بود] که مجلس می‌گوید می‌باشد به اطلاع مجلس این مراسله نوشته می‌شود و با بت نفت قصرشیرین بعضی ایرادات هم وکلا دارند که اساساً این مراسله به حال دولت و ملت مضر است، باید عوض شود. سؤال دویم املاک ماشاء الله کاشی و امیر عشاير خلغالی [است] که دولت به ورثه واگذار کرده است. وکلا می‌گویند این املاک مال مردم بود که اشرار تصاحب کردند، به چه حق دولت به ورثه آنها واگذار کرده است. سؤال سیم یک کمیسیون دولت برقرار کرده است مابین دولت و مردم حکم باشد. وکلا می‌گویند در صورتیکه مملکت عدله داشته باشد این کمیسیون برخلاف قانون است. سؤال چهارم بدی اوضاع تجارت شمال که روسها غدن کرده‌اند مال التجاره ایران وارد روسیه نشود. تاکنون دولت نتوانسته است اصلاحی بنماید. حال باید دولت برای جواب حاضر شود. آقای مستوفی بدون اینکه در مجلس برای جواب حاضر شود روز هفتم بهمن در حضور همایونی استعفای خودشان را تقدیم [کردند] و مورد قبول افتاد. عجاله معلوم نیست که کی انتخاب بشود برای ریاست دولت. احتمال قوی می‌رود خود آقای مستوفی انتخاب شود.

## کابینه دیگر مستوفی‌الممالک

۱۶ بهمن اعلیحضرت همایونی تمایل مجلس را خواستند. رأی تمایل به مستوفی دادند. از طرف شاه مستوفی باز رئیس‌الوزراء ایشان فیروز میرزا – داود – فاطمی – تدین از مجلس بیرون آمدند وزیر شدند از این قرار:

آقای مستوفی رئیس وزراء  
 فروغی وزیر جنگ  
 مخبرالسلطنه وزیر فوايد  
 فیروز میرزا وزیر مالية  
 تدین وزیر معارف  
 داور وزیر عدليه  
 بنا بود من وزیر داخله بشوم  
 فاطمي وزير پست و تلگراف  
 صبح معرفی مدرس با من مخالفت کرد. مستوفی قدرت مقاومت  
 نداشت.

فاطمي وزیر داخله  
 وزیر پست و تلگراف هنوز معلوم نیست. مستوفی مایل است من  
 داخل شوم از ترس مدرس قدرت ندارد.

### ترس از مدرس – اقدامات داور

داور فوری معاون، رئیس کابینه، رئیس اجرا را عزل کرد. در  
 عدليه را هم بست. حال خیال دارد یک ماده به مجلس بیاورد. در  
 حقیقت برای اداره کردن عدليه اختیارات تامه می خواهد که اصلاح  
 نماید، تا چه پیش آید. عموم مردم از این قضیه خوشوقت هستند، از  
 بس از عدليه متنفر بودند. ماده پیشنهاد شد مجلس تصویب کرد.  
 اخبار تازه نیست.

### اخبار بختیاریها

بهمن پسر امیر جنگ سخت ناخوش شد. اطباء مایوس شدند.  
 ولی بحمد الله رو گذاشته است به بجهودی. امیر جنگ رفت طرف  
 کربلا با عیالش. شاه خیال داشتند سردار ظفر را عزل کنند من مانع  
 شدم. امیر جنگ را معزمانه برای تفتیش بختیاری فرستادند.  
 ایشان هم عیال خود را همراه برد که زیارتی هم کرده باشند.

مشاورالممالک وزیر خارجه برای قرارداد تجاری مابین ایران روسیه رفت مسکو.

### سفر خرمآباد و کرمانشاه

۲۴ اسفند در رکاب اعلیحضرت طرف قم حرکت کرد. ملتزمین رکاب امیر لشکر نقدی، سرتیپ محمد حسین خان. بهرامی. وزیر دربار هم بعد آمدند. امیر اعلم، دکتر شیخ، خود بنده، یک عدد صاحبمنصب، میرشکار. یک شب قم بودیم، شب دوم ملایر. شب سیم رازون، شب چهارم و پنجم و ششم و هفتم خرمآباد. شب هشتم نزدیک ملایر، شب نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم کرمانشاه، سیزدهم فروه. شب چهاردهم کردستان یعنی سنندج و پانزدهم، شب شانزدهم همدان. شب هفدهم طهران. اخبار تازه هیچ ندارم بنویسم.

### اخبار خانوادگی

والدهام که با فرنگیس خانم والده امیر حسین خان، خانم جان همشیره رفته بودند زیارت مشهد سلامتی مراجعت کردند. امیر جنگ هم با ماشین که کربلا و معدن نفت رفته بودند مراجعت کردند. بهمن پسر امیر جنگ که ناخوش سخت بود بحمد الله کاملا شفا یافت. سالار اعظم و خانبا با هم چند روز است از بختیاری آمدند. والدهام با بی بی خانم جان، نهنه فرنگی رفتند مشهد مقدس زیارت مراجعت کردند. سفرشان یک ماه طول کشید مراجعت کردند. از اثر کسالت ذه در شهر هست مثل کسالت بهمن شبیه به حصبه<sup>\*</sup> ناج محل ناخوش شد. بیست روز طول کشید. هرچه اطباء معالجه کردند نتیجه نبخشید. شب ۲۲ اردیبهشت به رحمت ایزدی پیوست. فوق تصور معموم شدم. برای سهراب خیلی دلتنگ هستم. ولایت غریب، بیکس به آنان علاقه که به مادرش داشته. برای کوکب هم خیلی افسرده هستم. خداش بیامزد. نعش را فوری اصفهان فرستادم در مقبره حاجیه بی بی دفن

کردند. سه روز ختم بیرونی، اندرون گذاشت. ختم بیرون رئیس-الوزراء برداشت. ختم اندرون را دختر کوچک شاه برداشت. چند روز قبل والاحضرت ناصرالملک از اروپا وارد طهران شد.

مراهق ملکی مابین محمد [و] خانبا با اصلاح شد. محمد رفت ولايت. منوچهر [و] خانبا با رفتن به زیارت بروند. خیال داشتم تابستان بروم سویس، اعلیحضرت اجازه ندادند. بهمین جهت شمران کرایه کردم. تمام نقاط شمران را مردم اجاره کرده‌اند. بالاخره کامرانیه را اجاره کردم در مبلغ ششصد تومان. نه نه فرنگ دیروز با دخترانش و صارم‌الملک با عیالش طرف بختیاری حرکت کردند.

### قطع رابطه میان انگلیس و روس

مابین روس و انگلیس قطع روابط اعلام شد. این اعلان از طرف انگلیس شد. انتظار یک جنگ خونین می‌رود اگرچه من باور نمی‌کنم جرأت جنگ را کسی داشته باشد. عجالة دنیا خیلی منقلب است.

وزارت جنگ  
در  
دولت مخبر السلطنه

خرداد ۱۳۰۶ - اسفند ۱۳۰۶



## استعفای مستوفی

۶ خرداد مستوفی استعفا داد. از طرف شاه مخبر السلطنه معین شدند به ریاست دولت. تمایل مجلس به طرف مخبر السلطنه می باشد.

## کابینه مخبر السلطنه

مخبر السلطنه رئیس وزراء شد. کابینه را این قسم حضور شاه معرفی کرد. پس از آن به مجلس برد. به اکثریت نود و پنج رأی از یکصد و ده رأی تصویب شد.

مخبر السلطنه رئیس وزرا [و] وزیر فوائد عامه  
مشاور المالک وزیر خارجه  
فیروز وزیر مالیه  
داور وزیر عدله  
تدین وزیر معارف  
بنده وزیر جنگ  
ادیب السلطنه وزیر داخله  
شکوه الملك معاون پست [و] تلگراف

مشاور المالک که در کابینه آقای مستوفی مأموریت داشت به مسکو برود برای قرارداد تجارتی همان قسم در مأموریت خود باقی است. اغلب با مرکن مشغول مذاکره است. قراردادی بسته شده است هنوز تمام نشده است، لکن نزدیک است تمام شود.

مرتضی قلی خان، سردار محتشم، سردار جنگ فرنگستان رفته بودند مراجعت کردند.

### تقدیمی بختیاریها به شاه

سردار محتشم تابلو اعلیحضرت را داد پاریس نقاشی کردند به قیمت سه هزار تومان. سردار جنگ یک گوبلن به قیمت دو هزار تومان — مرتضی قلی خان تفنگ ساقمه و یک اتومبیل پاکارد به قیمت هزار لیره تقدیم کردند. سردار محتشم سردار جنگ رفت ولایت. منوچهر رفت سردهات. سردار بهادر از شیراز آمد طهران.

### دکتر میلسپو

مدتی است مشاجره ما بین دکتر میلسپو رئیس کل مالیه و دولت شروع شده است. شاه مایل است یا دکتر کاملاً مطیع بشود، یعنی در کنترات جدید او را محدود کنند. چون در کنترات پیش تقریباً غیر محدود بود. مدتی است آقای مخبر السلطنه میانجی شده است.

### اخبار دیگر

هوای طهران به اندازه‌ای گرم شده است که حساب ندارد. در کامرانیه هستم. هوای خوبی دارد آب خوبی دارد.  
ما بین دکتر میلسپو و فیروز وزیر مالیه کار به مشاجره کشیده است. در جراید به همدیگر حملات سخت می‌نمایند.  
خبر مادر سهراب را به سهراب گفتند. بچه بیچاره بواسطه علاقه به مادر خیلی درهم شد. چند روز غذا نخورد. حال بعمد الله قدری بهتر است.

### کم آبی

امسال طهران خیلی کم آبی است. حال که اول ماه دوم تابستان است یک ذره برف در کوه نیست. آب شهر نصف شده است. خیلی

هوای بدی پیدا کرده است.

### وضع میلسپو

بالاخره دولت یک کنترات نوشت برای میلسپو رئیس کل مالیه فرستاد. یک هفته به ایشان اخطار کردند رد یا قبول جواب بنویسد. میلسپو رد کرد. دولت برای دو ماه دیگر که به کنترات میلسپو باقی مانده است به اسم مکانسکی خزانه دار پیشنهاد کرد که اختیارات با او باشد. تا دو ماه دیگر یک متخصص بیاورند مجلس رد کرد. اختیارات به مخبرالسلطنه رئیسالوزراء داده شد. حالا مخبرالسلطنه هم رئیسالوزراء و هم وزیر فواید و هم رئیس کل مالیه میباشد.

### سرکوب کردن بویراحمد

چندی قبل شاه به من فرمود باید یک اردو برود برای سرکوبی بویراحمد. عرض کردم امر کنید یک دسته بختیاری، یک دسته قشقائی با یک دسته نظامی بروند. امر شد. اردو همین قسم حرکت کرد. ریاست بختیاری با سردار فاتح و سالار اعظم بود. نزدیک قلعه سرتیپ‌خان یاغی بدون جنگ تسلیم شد. قلعه‌ها را تسلیم کرد. حال مشغول خلع سلاح آنها هستند.

در این موقع کسالت عزتالسلطنه زیاد شد. طیش قلب، ضعف. چون دختر احتشامالسلطنه که پانزده سال فرنگ بود زبان آلمان، انگلیس و فرانسه را خوب حرف میزند می‌رفت آلمان بندۀ هم صلاح دیدم عزتالسلطنه برود معالجه کند. سلامتی هفت امداد به سلامتی حرکت کرد. خانه ما شد عزاخانه. باندازه‌ای گریه کردند که من هم مدت‌ها گریه کردم. به سلامتی رفتند. تلگراف بادکوبه ایشان رسید. شب و روز در خیال هستم. مثل گم کرده هستم. امیدوارم به زودی معالجه بشود، تا مقدر چه باشد. تلگراف برلن هم رسید که به سلامتی وارد شدند.

ایام خیلی گرم است از اندازه خارج. چنین کرما کسی یاد ندارد.

حرکت عزت [السلطنه] را از خانه احتشام‌السلطنه در عمر فراموش نخواهم کرد که با چه تاثیری می‌رفتند.

### حزب ایران نو – حزب ض الف

حزب جدیدی تشکیل شده است به اسم حزب «ایران نو» تحت ریاست اعلیحضرت شاهنشاهی. من هم داخل‌هستم. اقایان علماء خیلی دست پاچه هستند. کلاه پهلوی خیلی زیاد شده است. ادارات کلیه کلاه پهلوی، مجلس کلاه پهلوی، هیأت دولت کلاه پهلوی.

### سفر آذربایجان

اعلیحضرت همایونی اول ربیع الاول طرف آذربایجان حرکت فرمودند. گمان می‌کنم چهار هفته طول بکشد.

هوای شمران هنوز گرم است، چه رسد به طهران.

رئیس نظمیه هم یک حزب تشکیل داد به اسم «ض الف» یعنی «ضد اجنب». در مجلس یک دسته «ایران نو» شد یک دسته «ض الف»، یک دسته طرفدار آخوندها. هنگامه شد. یک هرج و مرچ <sup>\*</sup> طهران را فراگرفت.

### قرارداد با روسیه

در این موقع قرارداد ایران روس در مدت سه سال به انجام رسید. حمیدخان سیاح با طیاره روس حامل قرارداد بود. قرارداد واکذاری بندر پهلوی که هنوز بعضی نقاط او در دست روسها بود. قرارداد تجاری، تعریف کمرکی، شیلات بود.

در این موقع اعلیحضرت به سلامتی تشریف آوردند.

در این موقع شکایات زیاد از «ایران نو» و وزیر دربار تلگرافاً از تمام ایران به تحریک علماء و خود علماء مخابره شد.

## تیمورتاش و ایران نو

ورود به طهران امر فرمودند فوری «ض الف» رئیس نظمیه منحل شود و شد. ابلاغ فرمودند که نظام، نظمیه، امنیه، دربار مداخله در کار حزب، [و] سیاست بهیچ اسمی نباید بنمایند. عجاله صورت ظاهر وزیر دربار دیگر دخالت در کار «ایران نو» ندارد، ولی محترمانه دارد. کار «ایران نو» هم بالا گرفته است. پس دلیل بر این است که شاه محترمانه مایل نیست «ایران نو» به هم بخورد.

قراردادهای ایران [و] روس به مجلس رفته است.

عمه حاجیه بی بی طهران منزل من تشریف آوردن. سن ایشان هشتاد سال است. مزاجاً خیلی خوب هستند. مظفرالملک حاکم چهارمحال شد. حکومت آنجا از ایلخانی مجزا شد.

## فرستادن عزت‌السلطنه به آلمان

۱۴ میزان از شمیران به شهر آمدیم. ظهر [و] عصر هنوز گرم است. بواسطه آنکه کسالت قلبی عزت‌السلطنه خیلی خوب‌تر نشد صلاح است ایران مراجعت کند. هوای ایران برای ایشان بهتر است. من هم از اعلیحضرت همایونی مرخصی دو ماهه گرفتم انشاء الله به امید خداوند فردا ۱۶ مهر به اتفاق دکتر احیاء‌الملک با طیاره یونکرس حرکت می‌کنم تا مقدر چه باشد. آیا مراجعت بکنم و از نو شروع به نوشتن نمایم یا اینکه آخرین قلم است که تحریر شد، «رضاء‌الله و تسليماً بامرها»

## سطور پیش از سفر

شام در حضور فامیل صرف شد. قرار شد چهار و نیم بعد از نصف شب سوار شوم. هر کدام گفتند من زودتر بیدار خواهم شد. الله اکبر «آنکه در خواب نشد چشم من و پروین بود.»

الساعه چهار ساعت بعد از نصف شب است، اين چند قلم نوشته می شود. يك ساعت و نيم دیگر انشاء الله طرف ميدان طياره حرکت می کنم که به اميد خداوند ساعت شش بعد از نصف شب حرکت کنم برای ملاقات عزت [السلطنه]. باقی به اميد خداوند است. خدا یا برای همه وقت، همه ساعت، همه ثانية به اميد تو، به کرم تو، مقدر بود اين چند سطر هم نوشته شود تا بعد خدا چه خواهد. آيا مراجعت خواهم کرد و بقیه تاریخ را شروع خواهم نمود یا اینکه در اینجا خاتمه پیدا خواهد نمود. هر چه مقدر است خواهد شد.

### حرکت از طهران

پنج و نيم بعد از نصف شب حرکت کردیم. امیر جنگ، امیر حسین خان، سردار بهادر همراه بودند. حضرت عليه والده و نازبگم و کفایت و کوکب مشایعت تا ميدان طياره آمدند. موقع حرکت خدمتشان رفتم برای خدا حافظی. چنین گریه می کردند که حال خدا حافظی نداشتند. بعدی متأثر شدم که هیچوقت فراموش نخواهم کرد. با آقایان عزیز هم خدا حافظی کرده هم دیگر را بوسیدیم. من و دکتر احیاءالملک و میرزا جوادخان سینکی که او هم عازم مسکو بود در طياره نشسته حرکت کردیم.

# سفر آلمان

مهر ۱۳۰۶ - اسفند ۱۳۰۶



## سفر تا باکو

حال که به خواست خداوند از مسافت اروپا مراجعت کردم در تعقیب تاریخ مشغول هستم. موقع حرکت هوا بسیار خوب بود. مشایعین که فامیل زنانه و مردانه باشند از قرار معلوم با حالت تأثیر طیاره ما را اینقدر نگاه کردند تا اینکه باندازه زنبور به نظر آنها می‌آید. پس از آن بکلی غایب شد. با حال تالم به منزل مراجعت کردند. تماشای خیلی قشنگ کردیم. متجاوز از دو هزار مطر بلنند شدیم. زیر پا شهرها و نهرها و دهات خیلی منظره قشنگی تشکیل می‌دادند. در مدت دو ساعت رفتیم پهلوی. از آنجا هم دو ساعت و نیم رفتیم بادکوبه. روی هم رفته چهار ساعت و نیم از طهران تا بادکوبه میول کشید. چند ساعت در هتل اروپ ماندیم. شب طرف مسکو با ترن حرکت کردیم.

## توقف در روسیه

سه شب و سه روز در راه بودیم. سلامت وارد مسکو شدیم. نصف شب وارد مسکو شدیم. وزیر خارجه خودمان با اجزاء سفارت استقبال آمدند. معاون وزیر جنگ، رئیس کل قشون مسکو در مرکز، رئیس تشریفات وزارت خارجه با شش نفر صاحب منصب استقبال آمدند. با همه دست چهار اظهار امتنان کرده طرف گراند هتل حرکت کردیم. وارد هتل شدیم. اوضاع هتل شهرهای روسیه خوب نیست. من تم

نیست. هرج [و] مرج، تمام مردم مثل حمال هستند. رویهم رفته توقف در روسیه خسته کننده است. یک شب مهمان سفارت بودیم خدمت آقای مشاورالممالک وزیر امور خارجه.

### لینین

سر قبر لینین رفتیم. یک مقبرهٔ خیلی ساده درست کرده‌اند. روی جنازه در اطراف آینه کار گذاشته‌اند. زیر آینه لینین خوابیده است. حقیقته یکی از اشخاص درجه اول عالم است. اعجاز کرده است در تغییرات روسیه و نگاهداری. اگرچه چون مخالف اعیان [و] خانواده‌ها بوده است باید طرف تمجید بنده واقع نشود ولی به دو علت تمجید و تعریف می‌کنم: یکی اینکه اثر حکومت ظالم تزاری را از سر ایران کوتاه کرد. دوم اینکه دنیا را تکان داده است. کارهای بزرگان دنیا را باید تمجید کرد، چه بر له امیال مها باشد و چه بر علیه.

### سفر برلن و پاریس

در هر حال دو شب توقف کردیم. کارت به وزارت جنگ و خارجه [برای] اظهار امتنان، رفتم دادم. طرف برلن حرکت کردیم. دو شب و دو روز در راه بودیم. سلامت وارد منزل عزت [السلطنه] شدیم. در منزل فتح الله برادر خانم را دیدیم. معطل ماست. احوال خانم را پرسیدم. گفت: سلامت رفته‌است در هتل «بریستول» منتظر من است. بادکتر وارد هتل شدیم. عزت را در کمال سلامت دیدم. او را بوسیدم. از سلامتی او خوشوقت [شده] شکر خدا را بجا آورده گیسهای او را تماشا کردم. دیدم مثل خانمهای اروپائی گیسهای را برباده است. [گفتم] عزت چرا چنین کردی؟ گفت بواسطه زیادی گیس اولا هیچ کلاهی سر من نمی‌رفت...\*

دوم اینکه پروفسور هولاندر گفت بواسطه درد سر که دارید

باید گیسها را قطع کنید. در هر حال مد خانم‌های اروپائی خود را درست کرده بود. پنج روز تمام برلن بودیم. بعد به اتفاق عزت [و] دکتر فتح الله‌خان پاریس رفتیم. یک ماه پاریس بودیم. سه‌رآب، جنگی [را] هم که در نزدیک لندن تعلیم می‌گشتد احضار به پاریس نمودیم. پس از یک ماه توقف من و بچه‌ها رفتیم لندن. یک هفته لندن بودم. برگشتم پاریس. بیست روز دیگر پاریس توقف کردیم. از پاریس با عزت [و] دکتر برگشتیم برلن. فتح الله را برای تعلیم گذاشتم پاریس به سرپرستی آقای علاء وزیر مختار ایران. پنج روز در برنز بودیم.

### سفر مسکو و باکو

آمدیم برای مسکو. دو شب مسکو بودیم آمدیم باکو. هوا خیلی سرد بود. بیست درجه زیر سفر بودیم. وفتی که وارد باکو شدیم ژنرال قونسول ایران اسفندیاری با سر کمیسریهای باکو عموماً یک دسته نظامی، یک دسته موزیک استقبال کردند. فردا یک بازدید از آنها نمودم. همه‌جا جمع شدند. در هیأت‌اجرائیه که یک مکان مخصوص بود از آنها بازدید نمودم. از آنجا رفتیم به اتفاق در ژنرال قونسولگری خودمان ناهار صرف شد. از آنجا آمدیم کشتبی. همان قسم که استقبال کرده بودند مشایعت نمودند. به کشتبی نشسته حرکت کردیم. منظر باکو بشش خیلی قشنگ است. چون نسبت به دریا مرتفع است تمام چراغهای باکو از دریا پیداست. خیلی خیلی قشنگ است. شب را در کشتبی بودیم.

### ورود به پهلوی

روز دیگر وارد پهلوی شدیم. حکمران [و] جمعی استقبال آمدند. آمدیم منزل رئیس قشون. یک شب توقف کردیم آمدیم فزوین. شب را توقف کردیم. صبح حرکت کردیم غروب وارد طهران شدیم. امیر جنگ، امیرحسین، محمدقلی، جمعی از فامیل استقبال

آمدند. منزل که رسید[م] جمعی از رؤسای فامیل بودند. رئیس-الوزراء، وزیر دربار، جمعی از افایان آمدند. پس از آن اندرون خدمت والده و حاجیه بی بی و سایر فامیل رسیدم. صبح هم به خانپای همایونی مشرف شدم.

### کرایه و مدت سفر

از پهلوی به باکو هجده ساعت طول می کشد. نفری بیست و پنج تومان کرایه، از باکو تا مسکو سه شبانه روز کرایه نفری سی تومان. از مسکو به برلن دو شبانه روز پنجاه تومان، از برلن تا پاریس هجده ساعت کرایه چهل تومان، جمع کرایه درجه اول از طهران تا پاریس یکصد و چهل و پنج تومان. از پهلوی تا پاریس هفت روز و هفت شب در راه بودیم غیر از توقف.

خیلی از بزرگ و کوچک فامیل طهران هستند. سردار جنگ، امیر جنگ به حکومت بختیاری برقرار شدند. سالار مسعود پسر سردار ظفر مرحوم شد. ایران تازه نیست.

# بازگشت به طهران

اسفند ۱۳۰۶ - مرداد ۱۳۰۷



## انحلال ایران نو

تدين از وزارت معارف، رهنما از معاونت رئیس‌الوزراء عزل شدند. یحیی خان همدانی<sup>۰</sup> وزیر معارف، ناظم‌الدوله آذربایجانی معاون رئیس‌الوزراء شد. شاه‌امر فرمودند تدين حق آمدن به دربار و قصر را دیگر ندارد. حزب «ایران نو» بکلی منحل شد. دیگر اسمی از او نیست. مابین دربار و علماء باهم خوب نیست.

## امیر امان‌الله افغان

امیر افغانستان که برای گردش اروپا رفته است و خیلی پذیرائی<sup>۰۰</sup> شایان در همه جا ازایشان نمودند به ایران هم خواهد آمد. عیالش که ملکه باشد رفته است. بقدر سی نفر مرد و زن افغانی همراه‌ایشان هستند. زنها تماماً رو باز هستند. در تمام مهمانی‌ها ملکه را همراه خودش برده است.

سردار بهادر رئیس فوج فاتح شده است. محمد حسین میرزا پسر فرمانفرما از ریاست ارکان حرب جنو ب عزل [و] به ریاست سجل احوال نصب شد.

## سفر شاه به لرستان

۱۶ عید شاه طرف لرستان [و] بروجرد حرکت فرمودند. به عبدالله خان امیر لشکر که حالا وزیر فواید عامه است امر فرمودند

۰ اعتماد‌الدوله قراگوزلو

۰۰ اصل: وزیرائی

زودتر حرکت کند برود لرستان به تمام لرها از طرف شاه ابلاغ کند که هر کس عرض شکایتی دارد در خرمآباد حضور شاه عرايض خود را عرض نمایند. در باره آنها مرحمت ملوکانه خواهد شد.

### کشته شدن عبدالله خان طهماسبی

امیر لشکر حرکت کرد. مراجعت از خرمآباد به بروجرد دزدهای لر دو طرف راه را گرفتند. دو گلوله به امیر لشکر زدند یکی به دست و دیگری از یک طرف پهلو خورد از طرف دیگر بیرون آمد. شوفر را کشتند. منشی وزارت فواید عامه همراه بودند به او خطری نرسید. کتک زیادی به منشی و امیر لشکر زدند. آنها را لغت کرده رها کردند. پیاده تا به راه زون آمدند. شب توقف کردند. به احمد آقا امیر لشکر تلفن کردند. در بروجرد اتومبیل فرستادند به کمک آنها. از طهران هم رئیس کل صحیه با طیاره حرکت کرد برای معالجه امیر لشکر. قبل از ورود امیر لشکر به بروجرد رئیس صحیه رسید. چند فرسخ هم جلو رفت. با اتومبیل رسیدند به امیر لشکر، زخم او را بستند. خون زیادی از او رفته بود. وارد بروجرد شدند. پس از هجده ساعت از مدت گلوله خوردن تا وفات مرحوم شد. بسیار صاحب [منصب] قابل رشیدی بود. در تمام شهرهای ایران دولت ختم گذاشت. در بروجرد خود شاه ختم او را برداشت. دو پسر دارد فرنگستان مشغول تحصیل هستند. یک برادر دارد در قشون است.

اعلیحضرت چند روز بروجرد بعد خرمآباد تشریف برداشتند. دو هزار نفر قشون از مرکز طرف لرستان حرکت کرد. والی هم رفته است سرحد عراق ایران. خیال فرار را دارد. امیر کل کرمانشاهی را اعلیحضرت در رکاب برداشت که حکومت قسمت والی را به او بدنه و بلکه والی را هم اطمینان بدنه. شاه از لرستان طرف کرمانشاه حرکت فرمودند.

## مهمانی و آتش بازی

جشن تاجگذاری در تهران شروع شد. چهارم اردیبهشت ماه شاه در موقع جشن کرمانشاه تشریف دارند. دولت و دربار جشن بزرگی در تمام ایران گرفتند. امروز در حضور ولیعهد سلام بود. امشب در قصر گلستان به شام دعوت داریم. سی و شش نفر مدعوین هستند. هیأت دولت، وزیر دربار، وزیر مختارها با خانمایشان، رئیس مجلس، چند نفر از رؤسای نظامی، رویه‌مرفته سی و شش نفر به شام دعوت دارند. بقدر سیصد نفر هم به «سواره» عموماً با لباس رسمی. بعداز شام سیصد نفر داخله [و] خارجه به سواره دعوت شدند. والاحضرت ولیعهد در سن یازده سالگی تشریف آوردند تا آخر آتش بازی [بودند]. نصف شب مهمانی تمام شد. مردم متفرق شدند.

## راه شوسه خوزستان

اعلیحضرت همایونی از سفر لرستان و کرمانشاه مراجعت فرمودند. چند فوج مأمور راه لرستان کردند. دستجات را تقسیم کردند در راهها برای اینکه مواطن کارگرها باشند [که] از طرف لرها به آنها صدمه نزنند. چهار هزار نفر کارگر در راه می‌باشند. تقریباً راه از بروجرد به دزفول از ده قسمت هشت قسمت تمام شده است. دو قسمت باقیمانده است. این شوشه برای اتوبیل است. برای راه آهن هنوز شروع نشده است.

بالاخره راه آهن را عجاله واگذار کرده‌اند به کمپانی آلمانی و امریکائی که از دو طرف خورموسی\* و بندر جز پنجاه فرسخ بسازند، بعد از روی میزان کار به مناقصه بگذارند. در دنیا اعلان کنند هر کمپانی ارزانتر قبول کرد به او واگذار شود. عجاله مشغول نقشه برداشتن هستند.

## لغو کاپیتولاسیون

در بیستم اردیبهشت «کاپیتولاسیون» ملغی گردید. قرارداد تعرفه گمرکی با تمام دولی که نماینده در ایران دارند بسته شد. در ایران ملت برای الغای «کاپیتولاسیون» جشنها گرفتند.

## حبیب‌الله‌خان شببانی

سرتیپ شببانی که کفیل ارکان حرب بود وزیر فواید شد. عجاله مشغول تهیه پذیرائی پادشاه افغانستان هستند. امیر جنگ با والده حاجیه بی‌بی طرف بختیاری حرکت کردند.

## ورود پادشاه افغان

**۲۵ خرداد** پادشاه افغانستان با ملکه از ترکیه وارد پهلوی خواهند شد. وزیر دربار به استقبال رفت. با احترامات زیاد شاه افغان وارد پهلوی شد با کشتنی جنگی روسیه که به اجازه دولت ایران وارد بندرگاه شد. سفیر ترکیه مقیم مسکو همراه ایشان است با رئیس‌تشریفات روسیه و فرمادن یک دیویزیون قشون روس. یک شب پهلوی، یک شب رشت، یک شب قزوین [بودند].

شنبه **۲۶ خرداد** اعلیحضرت پهلوی تا باغ دارالمساکین بیرون دروازه قزوین با هیأت دولت و چند نفر امرای لشکر تشریف بردند. لباس رسمی سلطنتی پوشیدند. ملکه پهلوی هم تا بیرون شهر نزدیک به همین باغ آمدند. خانم وزیر دربار، خانم وزیر جنگ، خانم وزیر مالیه، خانم وزیر عدلیه، فروغ ظفر و چند خانمهای دیگر بودند. شاه افغان ساعت یازده صبح وارد شدند. اعلیحضرت پهلوی تا درب باغ با هیأت دولت تشریف بردند. اتومبیل شاه افغان وارد شد با والاحضرت ولیعهد پهلوی [که] تا کرج استقبال رفته بودند. پیاده شدند به اعلیحضرت پهلوی سلام نظامی دادند. پس از آن اعلیحضرت دست شاه افغان را گرفته تبریک ورود و خوشوقتی از ورود ایشان به ایران بیان فرمودند و روی شاه افغان را بوسیده، شاه افغان هم اظهار

تشکر نموده باهم در باغ وارد شدند. گارد احترام سلام افغان را نواخته پس از ورود طرفین به چادر، شاه افغان معرفی «سویت» خودش را به اعلیحضرت کردند. اعلیحضرت هم معرفی هیأت دولت و رئیس مجلس را به شاه افغان گفتند. بعد طرفین در چادر مخصوص تشریف برده مaha هم با «سویت» شاه افغان معرفی کردیم. وزیر دربار افغان، کفیل خارجه، رئیس معارف، معاون وزیر جنگ، رئیس شورای سلطنتی، شوهر همشیره اش و چند نفر دیگر. اندرون عبارت بود از ملکه افغان که عموزاده قدری دور بودبا شاه، خواهر ملکه، همشیره شاه، مادر ملکه، دختر شاه با یک پرستار اروپائی. پس از نیم ساعت توقف اعلیحضرتین توی کالسکه سلطنتی حرکت فرمودند. پشت سر سایر ملتزمین شاه افغان و رؤسای دربار در کالسکه مخصوص حرکت کردند. از خیابان پهلوی رفتند بیرون شهر طرف صاحبقرانیه. ملکه ها زودتر حرکت کردند. اتومبیل پشت سر آنها خانم وزیر دربار بود با دو دختر پهلوی و افغان. اتومبیل سیم خانم بنده بود با همشیره شاه افغان. سایر اتومبیلهای هم پشت سر هم. جمعیت در دو طرف خیابانها زنده باد می گفتند [و] دست می زدند. سوار نظام هم از صاحبقرانیه تا دروازه شهر، پیاده نظام هم با نظمیه داخل شد. اعلیحضرتین وارد صاحبقرانیه شدند. پس از چند دقیقه توقف خدا حافظی کردند سعدآباد تشریف بردند. عصر همان روز با لباس رسمی شاه افغان بازدید اعلیحضرت رفتند. شب بعد در سعدآباد از شاه افغان و «سویت» ایشان اعلیحضرت شاهنشاهی دعوت فرمودند. دولت و کردپلوماتیک هم بودند با لباس تمام رسمی. سر شام اعلیحضرت شاهنشاهی نطق مفصلی فرمودند و به سلامتی شاه افغان شربتی خوردند. شاه افغان هم نطق مفصلی جواب دادند و به سلامتی باده نوشیدند. ساعت ده جمعیتی که به «سواره» دعوت داشتند وارد شدند. تا یک ساعت بعد از نصف شب همه متفرق شدند. شب دوم در بلدیه به همین ترتیب دعوت داشتند. شب سیم در فرمانیه مهمان رئیس دولت بودند به همین ترتیب. شب چهارم در صاحبقرانیه به

همین ترتیب مهمان شاه افغان بودند. روزها هم هر روز به یک جای به تماشا می‌رفتند. یک روز مجلس، یک روز دوایر بلدیه، یک روز معارف، یک روز عشتر آباد نمایش قشون، یک روز مدرسه نظام. روز شنبه ساعت ده صبح حرکت فرمودند. اعلیحضرت تا بیرون دروازه دولت که چادر زده بودند مشایعت تشریف آورند با هیأت دولت. همیگر را وداع کردند. یک قرارداد اتحاد هم بین ایران و افغان – ایران ترک همان قسم که ما بین ترک [و] افغان بسته بودند بسته شد و امضاء گردید. خانمهای افغان بالباس اروپائی در سر شام بدون چادر یک تور خیلی نازک هم انداخته بودند که صورت در کمال خوبی ملکه قشنگتر دیده می‌شد. شاه و «سویت» تمامًا لباس اروپائی [و] کلامهای اروپائی [داشتند]. طرف مشهد حرکت کردند. این سفر برای مشایعت وزیر داخله و سردار همایون [و] امیرلشکر معین شدند. خانمهای آنها هم لباس و کلاه اروپائی بدون روگیری، لکن خانمهای در مجالس مردانه حاضر نشدند. سه شب در راه بودند به مشهد رسیدند. دو شب توقف فرمودند برای هرات [حرکت] کردند.

### انتخابات

دو ماه است متعطل انتخابات دوره هفتم هستند. تقریباً تاکنون پناه نفر و کیل انتخاب شده است تا آخر تیر انتخابات دوره هفتم کاملاً طرفدار دولت هستند.

### سفر تیمورتاش

دو هفته است وزیر دربار با خانم فرنگیش رفته‌اند منخصی دو ماهه اروپا.  
ورود شاه افغان به کابل امن داد صورتهای زن[ها] عموماً باید باز باشد و اجرا شد.

## وکلای فرمایشی

امیر جنگ از دزفول انتخاب شد به نمایندگی دوره هفتم مجلس شورای ملی. امیر حسین از بختیاری معین شد. تقریباً تاکنون یکصد نفر و کیل معین شده است. انتخابات طهران هم تمام شد. مستوفی-المالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک انتخاب شدند. ولی هر سه نفر استعفا دادند به اسم اینکه انتخابات فرمایشی بود و ما نمی‌توانیم جزو وکلای فرمایشی باشیم. شاه خیلی متغیر است از استعفای این سه نفر. عقیده شاه این است باید میل اکثریت به تمام مجلس با نظریات دولت یکی باشد تا بتوان کارها را از پیش برد.

## وکیل تعییلی - قیم گردن کلفت

نظر بنده هم این است. اگر ما ایرانیها مردمان رشید وطن‌پرست تحصیل‌کرده باشیم البته هر کس صلاحیت انتخاب را داشته باشد انتخاب خواهیم کرد. متأسفانه غیر از این است. نه وکیل، نه موکل لیاقت انتخاب کردن و انتخاب شدن را نداریم. پس اگر دولت اکثریت را در دست بگیرد ممکن است چند نفر زبردست برای پیشرفت مقاصد خودشان لیدر یک عده بشوند [و] همه وقت اسباب زحمت دولت را فراهم آورند. مثل اینکه بیست و دو سال است داخل مرحله مشروطیت شدیم غیر از بد بختی و هرج [و] مرج نتیجه‌ای ندیده‌ایم.

طلع کوکب پهلوی در مدت پنج سال خدمات بزرگ از حیث امنیت، مالیه، قشون ایضاً به مملکت شده است. پس مستحق است که کاملاً انتخابات را ناظر باشد و دولت اکثریت کامل داشته باشد. هر وقت مردم دارای علم، رشادت، وطن‌پرستی شدند و کیل تعییلی قطعاً از میان می‌رود. ملت عالم قیم لازم ندارد. بر عکس ملتی مثل ایران قیم خیلی گردن کلفت لازم و احتیاج کامل دارد.

## مدرس، تقی‌زاده، مصدق

در این انتخابات مدرس، تقی‌زاده، دکتر مصدق انتخاب نشدند.

سه آقایان فوق که استعفا دادند محترمانه با سه نفر آقایان فوق متعدد هستند.

امسال شمران کامرانیه آمده‌ایم و با غ [برای] من و عزت به تنهاشی است. خیلی خوب شده است. سایر خوانین که طهران هستند شمران آمده‌اند.

داخل در ده میان سال است که این یادداشت نوشته شده است. با امید خداوند کتابچه دیگری شروع خواهد شد. موفقیت ایران را از باری تعالی مسئلت می‌نمایم.

جعفرقلی اسعد بختیاری

وزیر جنگ

۱۳۰۷ ارداد ماه

# دنباله دوره وزارت جنگ

مهر ۱۳۰۷ - مهر ۱۳۱۲ شمسی

- دفتر دوم -



دنباله سال ۱۳۰۷ شمسی

### سفر مازندران

از بیلاق شهر آمدیم. مهرماه موكب همایونی طرف مازندران حرکت فرمودند. بنده در رکاب بودم. جمعی از اعیان، وزیر دربار، وزراء، وکلا در رکاب بودند. از مازندران گمش تپه استرا باد تشریف برداشتند. اسب دوانی مفصلی شد. اسب از ترکمانها بودند، به همچنین سوارها. سن چاپک<sup>\*</sup> سوار از دوازده سالگی تا هفده سال زیادتر نبود.

از گمش تپه گنبد کاووس تشریف فرما شدند. از آنجا طهران مراجعت فرمودند. دو هفته سفر طول کشید.

### سفر خوزستان

پس از یک هفته توقف موكب مبارک طرف خوزستان حرکت فرمودند. وزراء، وزیر دربار، جمعی وکلا، مدیران جراید، وثوق-الدوله، فرمانفرما در رکاب بودند. راه را خوب درست کردند. تاکنون زیادتر از سه ملیون تومان خرج راه شده است.

### وضع راه

رفتیم دزفول در دزفول ناصری. بواسطه بارندگی راه بین دزفول ناصری بسیار بد بود. تاکنون دولت اصلاحی در این راه نکرده

\* اصل: چاپک

است. اکثر اتومبیلها در گل نشسته با زور جمیعت بیرون می‌آمدند. باز پس از مدتی غرق گل می‌شدند. از صبح تا غروب ده فرسخ به این شکل توانستیم برویم. شب شد باران بسیار سخت شروع شد. بیست اتومبیل همراه من بود: وکلا، وزراء، قوام، سردار ظفر، امیر جنگ و غیره.

در بیابان بین طوفان [و] رعد توقف کردیم. قدری آذوقه داشتیم تقسیم نمودیم. هر کس در جوف اتومبیل خوابید. من و قوام‌الملک تنفسخواه‌ها را زدیم روی گل [و] آب. باران هم ایستاد. در کمال صفا تا صبح خوابیدیم. سر آفتاب بیدار شدیم. سر آفتاب حرکت کردیم. باز مکرر در مکرر در گل فرورفتیم. سه ساعت بعد از ظهر با زحمت زیاد وارد ناصری شدیم. لباس عوض کرده حضور شاه رفتیم. شاه فرمودند دیشب در گل فرو رفتیم. دو فرسخی ناصری از اتومبیل پیاده شده پای پیاده طرف ناصری حرکت کردیم. تا زانو در گل فرو می‌رفتیم. نزدیک نصف شد وارد ناصری شدند.

وزیر دربار و جمعی در خدمت شاه بودند. از ناصری وزراء رفتند عبادان تماشا. پس از مراجعت از ناصری وزیر دربار، هیأت دولت مرخص طهران شدند با وکلا، مدیران، جرايد، اعيان. صارم-الدوله، بنده، قوام و دکتر شیخ، قائم مقام ماندیم با اجزاء خصوصی اعلیحضرت. هیجده روز ناصری توقف فرمودند. برای اینکه قسمتی از بنی طرف یاغی شده بود، امر به تنبیه آنها فرمودند. پس از چند روز جنگ تسلیم شدند. تفنگهای آنها را گرفتند. از ناصری محمره تشریف فرما شدند. از آنجا با کشتی پستی انگلیسی بوشهر تشریف بردند. شانزده ساعت در کشتی تشریف داشتند. شب وارد بوشهر شدند. دریا بد نبود. از بوشهر شیراز تشریف بردند. استقبال مجللی شد. مردم تقریباً عموم با کلاه پهلوی بودند.

### یاغیگری فارس

در کوه گلویه سرتیپ‌خان بویراحمدی، امامقلی‌خان ممسنی یاغی

شدند. جنگ سختی با نظامیها و قشقاچایها کردند. خیلی از قشقاچایها و مقداری نظامی کشته شدند. به این جهت سرتیپ ابوالحسن خان فرمانده فارس معزول [شد]. سرتیپ شاه بختی به جای او منصوب شد. از شیراز قشون نظامی، از خوزستان هم نظامی به ریاست سرتیپ فرج الله خان حکمران خوزستان و امیر جنگ حاکم بختیاری طرف کوه گلویه رفتند. امیر جنگ چنین صلاح دانست سردار فاتح که داماد سرتیپ خان هم بود بفرستیم برای نصیحت پیش سرتیپ خان. چند روز شیراز بودیم. شب در حضور همایونی بازی پوکر می نمودیم. من بودم، قوام، صارم الدله.

### بیماری عزت‌السلطنه

پس از چند روز توقف تلگراف آمد که حال عزت‌السلطنه بهم خورده است رفتن من طهران لازم است. فوری به اجازه شاه با طیاره حرکت نمودم. دو ساعت و نیم تا اصفهان، نیم ساعت توقف، حاکم، رئیس قشون اصفهان، ناز بگم، منوچهر میدان طیاره آمدند. آنها را ملاقات کردیم طرف طهران پرواز نمودیم. از اصفهان تا طهران دو ساعت و نیم در راه بودیم. در میدان طیاره طهران سردار بهادر، خانبا با، امیر حسین خان بودند. از آنجا منزل آمدیم. عزت حاشش بد نبود. معلوم بود یک حمله قلبی خیلی سخت عارض شده\* بواسطه زحمات دکترها رفع شد. ولی اثراتش کاملا باقی ماند. وقتی که من رسیدم در رختخواب بود.

### حرکت شاه

موکب همایونی دو روز بعد از من طرف اصفهان حرکت فرمودند. تا حسن‌آباد با آقایان وزراء و جمعی از اعیان [و] وکلاء استقبال رفتیم.

سردار فاتح و منوچهر را به اجازه شاه طرف خوزستان فرستادم

که سردار فاتح برود کوه‌گلویه. منوچهر مال امیر بروود.  
عزت حالت خوب نیست. خیلی از حالت متأثرم. تا خدا چه  
خواهد.

چند روز قانونی از مجلس گذشت که به دستور دولت عموم باید  
یک شکل لباس بپوشند.

راه لرستان را خیلی خوب درست شده است. از طهران به ناصری  
دو شبے می‌روند.

سرتیپ شیبانی رئیس شورای نظام شد. جم والی خراسان به جای  
او وزیر فوائد عامه شد.

### وضع افغانستان

اغتشاش بر علیه شاه افغان شروع شد. دامنه جنگ به کابل  
کشید. معلم قشون افغان صاحب منصبان ترک بودند. هر قدر جنگ  
کردند شکست خوردند. کار که سخت شد استعفا کرد. برادر بزرگتر  
خود عنایت الله خان را به سلطنت برقرار نمود. رئیس یاغی بچه سقا  
بود. پدرش سقای خانه محمد نادرخان بود. اسمش حبیب الله است.  
سلطنت برادر دویم را هم بچه سقا قبول نکرد. حمله به کابل نمود کابل  
را مسخر کرد. شاه دویم هم با طیاره فرار کرد. امان الله که نزدیک  
کابل بود این خبر را که شنید دوباره قیام و حمله نمود طرف کابل.  
جنگی دوباره شروع شد. اکثر سفراء از کابل خارج شدند. پس از  
جنگهای سخت بالاخره امان الله شکست خورد فرار کرد. بچه سقا هم  
در سفاکی، شرارت، رذالت کوتاهی نکرد. شقه کردن، سر بریدن،  
توی آتش انداختن، روغن سرکله‌ها ریختن هرچه ممکن بود اسباب  
افتضاح و نالایقی شرقیه‌ها را مدلل نمود. بچه سقا خود را امیر افغان  
معرفی نمود. پس از مدتی محمد نادرخان بر علیه بچه سقا حمله نمود.  
پس از جنگهای سخت بچه سقا فرار کرد. نادر کابل را مسخر کرد.  
بچه سقا و برادرهاش را گرفت تیرباران کرد.

## صولةالدوله و یاغیگری عشاير فارس

حضرات بویر احمد به حال یاغیگری باقی هستند.

امیر جنگ، سردار فاتح و سرتیپ فرج الله خان رفتند بهبهان،  
لکن نتیجه حاصل نشد. صارم الدوله حاکم فارس شد. صولت الدوله و  
پسرش ناصرخان طهران حبس شدند. فقط اجازه مرحمت شد صولت-  
الدوله حق دارد با من مذاکره نماید. به من پیغام داد که تمام بدینختی  
من از سلطان عباس خان حاکم قشقاوی است. در نتیجه پس از رسیدگی  
سلطان مذکور حبس شد. صولت الدوله و پسرش از حبس خلاص  
شدند. قشقاوی پس از رفتن صارم الدوله یاغی شد. پس از مدتی  
بیشتر عشاير فارس یاغی شدند. شیراز محاصره شد. از همه جا قشون  
به کمک فارس فرستاده شد. در این موقع شیبانی امیر لشکر شد و  
طرف شیراز با یک عده صاحب منصب و تابین حرکت نمودند با  
اتومبیل. سه فرسخی شیراز پانصد سوار قشقاوی امیر لشکر را  
محاصره نمودند. جنگ سخت کردند. بالاخره امیر لشکر خود را  
رسانید در شیراز. عده [ای] از طرف او کشته شدند.

مدتی شیبانی مشغول نقشه کشی شد. یک مرتبه طرف قشقاویها  
حمله نمود. جنگ خیلی سختی در گرفت. قشقاویها فرار کردند. ده  
فرسخ عقب نشستند.

سال ۱۳۰۸ شمسی

## علت حبس نصرة الدوله

پس از شکست قشقاوی صارم الدوله عزل شد طهران آمد. پس از  
چند روز صارم الدوله و فیروز هر دو حبس شدند. صارم الدوله در  
نظمیه و فیروز منزل خودش. علت حبس فیروز در منزلش برای این  
بود که در موقع قرارداد کابینه و ثوق الدوله با انگلیسها فیروز و  
صارم الدوله دویست هزار تومان از انگلیسها گرفتند.

فیروز معتمدانه یکصد هزار لیره قبض از دولت انگلیس گرفته

بود. حبس او در منزلش برای این بود که آن قبض را بدهد و البته از او گرفته شد.

### یاغیگری بختیاریها

در این موقع یاغیگری بختیاریها علنی شد. منوچهر و فتحعلی خان پسر امیر مفخم از طرف امیر جنگ، سردار جنگ نایب‌الحکومه بودند. منوچهر آمد طهران سختی کار را اطلاع داد. امیر جنگ و سردار فاتح را به کمک آنها با اجازه شاه فرستادم در دهکرد. حضرات بختیاری امیر جنگ را محاصره کردند. امیر جنگ فرار کرد طرف اصفهان. من هم به امر شاه طرف اصفهان حرکت کردم. سی نفر نظامی با امیر جنگ بودند. حضرات بختیاری اسلحه آنها را گرفتند. ماندم اصفهان، صلاح ندیدم بختیاری بروم. حضور شاه تلگراف نمودم.

فوری دو فوج از طهران، فوج سردار بهادر را از آباده، یک فوج از لرستان بیست و چهار ساعت بفرستند اصفهان. کار از این چیزها گذشته است. پس از بیست و چهار ساعت قشون طهران رسید. قشون پس از اینکه کاملاً رسید طرف چهارمحال حرکت کردند. امیر جنگ هم فراراً وارد اصفهان شد. به امر شاه امیر جنگ و من طرف طهران حرکت کردیم. پس از حرکت امیر جنگ، سردار فاتح و سردار اقبال تسليم به یاغیها شدند و با آنها همراه شدند. سردار محتمم و مرتضی قلی خان هم در بختیاری بودند. چنین می‌گویند که آن دو نفر با بختیاریها محربانه با یاغیها همراه بودند، ولی صورت ظاهر مطیع اوامر دولت [اند]. جنگ مختصری پس قراول نظام با یک دسته بختیاری کردند. نظامیها شکست خوردند. ولی قلعه سفید دشت در دست نظامیها بود و زود من به طهران حضور شاه رفتم اطلاعات خود را عرض نمودم. به شاه عرض کردم اهمیت ندهید، عشاپر کاری نمی-توانند بنمایند. چنانچه حضرات بختیاری شروع کردند به غارت چهارمحال. صمصم‌السلطنه، امیر مفخم به امر شاه طرف بختیاری

حرکت کردند. موقع ورود آنها به سفید دشت جنگ سخت مابین قشون و بختیاری شروع شد. حضرات بختیاری شکست خورده متفرق شدند. امیر مفخم ایلخانی، مرتضی قلی خان ایل بیگی. در حقیقت رئیس کل یاغی علی مردان خان چهارلنگ بود. او هم طرف گرمسیر حرکت کرد. امر شد مرتضی قلی خان با سرتیپ محمد قلی خان علی مردان را تعاقب [کنند]. علی مردان تسلیم شد. طهران آمد. در هر حال بعد از مرحوم سردار اسعد ایل آزادیخواه تاج بخش بواسطه نالایقی رؤسا مبدل شد به ایل دزد و مشتی نالایق یاغی نوکر اجنبی.

امیر لشکر جنوب و محمدحسین میرزا پسر فرمانفرما عزل و خلع درجه شدند. از نظام خارج شدند.

### فوت عزت‌السلطنه

در آبان عزت‌السلطنه سخت ناخوش شد. پس از زحمات فوق تصور در بغل من مرد. مرا به یک بد بختی و غم تنها گذاشت. اینقدر می‌نویسم که حال من رقت‌انگیز است. جنازه را با یک تجلیل حضرت عبدالعظیم سر مقبره مرحوم علاء‌الدوله دفن نمودم.

### سفر آذربایجان

خودم حسب‌الامر پس از ختم با دکتر شیخ حرکت نمودم. در کرمانشاه حضور شاه شرفیاب شدم. از آنجا کردستان، ارومیه، خوی، سلماس، جلفا. با راه‌آهن وارد تبریز شدند. از راه اردبیل، آستارا وارد پهلوی شدند. ولیعهد پهلوی شرفیاب شدند. از راه کنار دریا طرف مازندران حرکت فرمودند. در مشهدسر وزیر دربار شرفیاب شدند. با راه‌آهن از ساری طرف بندر شاه حرکت فرمودند. راه‌آهن برخلاف راه‌آهن جنوب بسیار خوب بود. از راه مازندران به‌سلامتی طهران مراجعت فرمودند. سفر آذربایجان یک ماه [و] دو روز طول کشید.

## سفر خوزستان

طرف خوزستان موکب همایونی حرکت فرمودند. و لوقالدole هم در رکاب بود. از ناصری راه‌آهن نشسته طرف بندر شاهپور حرکت فرمودند. العق راه‌آهن بسیار بد است. کارکنان راه‌آهن جنوب امریکائی هستند، شمال المانی. شمال راه‌آهن بسیار خوب است. بر عکس جنوب خیلی بد است. دو روز محمره، عبادان موکب همایونی مهمنان کمپانی نفت بودند و مراجعت فرمودند. باران زیادی آمد. با زحمت از اهواز [به] شوشتار تشریف آوردند.

## برف و باران

از دزفول یک سره خرم‌آباد، از خرم‌آباد بروجرد. در آنجا برف زیاد بود. از بروجرد عراق، از عراق طهران. بین عراق و قم گرفتار برف زیاد شدیم. با وجودی که عمله زیاد بود برای پاک کردن برف نزدیک سلفچکان هشت‌فرسخی قم بكلی کیر کردیم. شاه مقداری پیاده تنها [آمدند]. بعد رسیدند به یک سوار امنیه، اسب او را سوار شدند. نزدیک سلفچکان به اتومبیل سرتیپ کریم آقاخان که آن وقت وزیر فوائد عامه بود و جلو شاه آمده بود رسیدند. سوار اتومبیل شدند. توسط سوار امنیه پیغام به من دادند که بمانید تا کلیه اتومبیلها را بیاورید. دو شب ماندیم. با یک زحمتی کلیه اتومبیلها را بدون خطر بیرون آوردیم. رفتیم طرف طهران.  
کلیه ایران منظم است مگر کوه‌گلویه.

## سال ۱۳۰۹ شمسی

بالاخره فیروز محاکمه شد برای پولی که از پسر حاج امین الشرب گرفته بود. در محاکمه محکوم [و] از حقوق اجتماعی معروف شد. در محبس قصر قاجار حبس شد. مستوفی‌الممالک پس از مدتی شفیع شد.  
مم او و مه صارم‌الدوله را از حبس بیرون آوردند.  
در این چند ماه اخبار قابل نوشتن نبود مگر مکرات.

## جنگ بویراحمدی

اول شهریور وزارت جنگ بودم. تلفن صدا کرد از قصر سعدآباد. احضار شدم. فوری حرکت کردم ظهر رسیدم سعدآباد. حضور شاه رفتم. تیمور [تاش] هم آنجا بود. شاه خیلی متغیر بودند. فرمودند شیبانی امیر لشکر چند روز است با چهار هزار قشون برای تنبیه حضرات بویراحمدی از شیراز حرکت کرده است در تمام نقاط طرف حمله شبانه حضرات بویراحمدی واقع شدند. خیلی از قشون کشته و زخمی شدند. قدری کار مشکل شده است. لازم است فوری شخصاً حرکت کنید بروید بختیاری، یک عده فوری حرکت داده به کمک شیبانی خودت را برسان. فرمودند کی حرکت می نمائی؟ عرض کردم یک ساعت دیگر. فرمودند چه لازم دارید؟ عرض کردم عجاله پانصد تفنگ و مقداری فشنگ. فرمودند فوری خود شما به وزارت جنگ دستور دهید تهیه کنند. آدم منزل، سالار اعظم و منوچهر را با خودم حرکت دادم. هشت ساعته رفتیم اصفهان. خدمت مادرم رسیدم. پس از دو ساعت حرکت کردم طرف بختیاری، شلمزار ده مرتضی قلی خان که صمصام السلطنه ناخوش بود وارد شدم. دو شب ماندم. حالت صمصام السلطنه خوب نبود. او را طرف اصفهان حرکت دادیم. با امیر مفخم ایلخانی، مرتضی قلی خان ایل بیگی حرکت کردیم رفتیم چقاخور. از ایل سوار خواستم. در چهار روز دو هزار سوار حاضر شد.

## تسلیم شدن بویراحمدی و ممسنی

رفتیم فلارد. از رود خر سان عبور کردیم. با دو شبانه روز جنگ بالاخره شکرالله خان بویر احمدی، ملا قباد سی سختی تسلیم شدند. ابوالقاسم گرگه، قنبر کی شش خالی از اردوی بختیاری کشته شد. چند نفر هم از طرف آنها کشته شد. پس از مدتی امامقلی خان ممسنی تسلیم شد. فقط پسرهای کریم خان تسلیم نشدند. ولی ایل آنها هم تسلیم شد.

در یک ماه جنگ از قشون امیر لشکر شیبانی هشتصد نفر کشته و زخمی شد. کل کوه‌گلویه پس از ورود من تسلیم شدند. فقط پسر-های کریم خان با دویست تفنگچی به کوهها متواری شدند. اسلحه که از طرف دولت به بختیاریها دادم تماماً پس گرفته به وزارت جنگ تسلیم نمودم.

از فامیل در این جنگ امیر مفخم، مرتضی قلی خان، سردار اسعد، محمد اسعد، خانبا با اسعد، منوچهر اسعد، بهادر بختیار، نادر بختیار، عزت‌الله بختیار کلیه رؤسای ایل در این جنگ بودند. خیلی هم خدمت و رشادت کردند. پس از تسلیم شدن رؤسای کوه‌گلویه دستغط تلگرافی از شاه زیارت نمودم به این مضمون: پس از اظهار مرحمت «العق استحقاق داری که مدت عمر وزیر جنگ من باشی». جای آن دارد که جان خود را نثار چنین شاه قدردانی بنمایم. از حیث ترقی مملکت یک ملت مرده را زنده نمودند. یک مملکت ویران را دایر<sup>\*</sup> فرمود. یک ادارات خراب را اصلاح کردند. قشون را منظم فرمود. معارف را ترقی داد. راهها را شوسه نمود. راه‌آهن کشید. کاپیتو-لاسیون را لغو کرد. صادرات را زیاد نمود. واردات را کم کرد. ایرانی را آبرومند نمود. شب و روز کوشش می‌نماید برای ترقی تجارت و فلاحت و معو کردن سستی و تنبلی که در این مردم حکم‌فرما شده است. فامیل من چندین مرتبه خیانت کردند. معندها برای خدمات من از تقسیر آنها گذشت فرمودند. رؤسای بویر احمد که اینقدر خیانت کردند و قشون را کشتند به پاس خدمات من به آنها عفو دادند. مختصراً بخت ایران بلند است که از دست حکومت منحوس قاجاریه خلاص [شد و] در زیر سایه چنین قادر توانائی قرار گرفت.

### بازگشت به طهران

با حضرات پناهنده طهران آمدم. پس از چند روز که مهمان خانبا با اسعد شدم در اسعديه از آنجا یک سر اصفهان طهران آمدم.

\* اصل: باير

پس از چندی سرتیپ خان بویر احمدی به خاک بختیاری پناهنده شد. توسط خانبا با اسد و عبدالرضا تجار به او مأمن دادم طهران آمد. حضور شاه او را بردم. مثل سایر خوانین بویر [احمدی] حضوراً عفو مرحمت فرمودند. حالا شکرالله خان بویر احمدی، سرتیپ خان بویر- احمدی، امامقلی خان ممسنی، ملا قباد سی سختی همه طهران هستند [و] طایفه جات آنها تسليم [و] کسان آنها مشغول خدمتگزاری هستند.

### انتصابات تازه

حکومت کوه گلویه به سرهنگ جهانیانی مرحمت شده است. امیر لشکر شیبانی از فارس احضار، اعلم والی فارس شد. ریاست قشون هم به سرهنگ زندی مرحمت شد. امیر لشکر شیبانی و سرتیپ مرتضی خان که رئیس شورای نظام و رئیس کل تفتیش قشون بودند هردو اداره منحل، هردو آقایان منتظر خدمت شدند.

### سفر مازندران و گرگان

روز پنجم [آبان] در رکاب همایونی طرف مازندران حرکت کردیم. ملتزمین رکاب بندۀ، شکوه [الملک] رئیس دفتر مخصوص، امیر اعلم، دکتر شیخ. غروب وارد علی آباد شدند. فوراً برای بارفروش حرکت فرمودند. باعی به نام شاپور در نزدیک شهر بارفروش بنا فرمودند و کم کم زمین خریدند. عجاله یک میلیون ذرع<sup>\*</sup> است. یک دست عمارت برای خودشان یک دست برای وزارت دربار، یک دست برای دفتر مخصوص، یک دست هم برای اندرون که هنوز شروع نشده است. در مازندران، تنک آبون<sup>\*</sup> کجور خیلی ملک خریده‌اند. آبادی زیاد درست کرده‌اند. یک کارخانه ریسمان بافی و چیت چلوار در علی آباد بنا نمودند به شرکت بانک ملی. راه آهن تا علی آباد آمده است. با اجازه شاه تلگراف زدم قوا مالک آمد بارفروش. پس از ده

\* اصل: ذرع  
\* = تکابن

روز توقف هیأت دولت، وزیر دربار آمدند بارفروش. کابینه از این قرار است:

مخبرالسلطنه کماکان رئیسالوزراء  
فروغی وزیر خارجه و اقتصاد  
تقیزاده وزیر مالیه و طرق  
سمیعی وزیر داخله  
میرزا قاسمخان وزیر پست و تلگراف  
داور وزیر عدله  
اسعد وزیر جنگ  
اعتمادالدوله وزیر معارف

### اسبدوانی

جماعتی از وکلاء، اعیان، کردپیلوماتیک هم برای تماشای اسبدوانی صحراء آمده بودند. موکب همایونی تشریف فرمای علیآباد شدند. از آنجا به ترن جلوس فرمودند. از علیآباد [تا] بندرشاه بیست و چهار فرسنخ است. دو ساعت بعداز ظهر اسبدوانی عشايری در تحت ریاست فرمانده استراآباد شروع شد. در بندرشاه بچه های ترکمان به سن ۱۰ الی ۱۲ اسبدوانی می نمایند. بسیار تعجب است که چگونه بچه دهساله قدرت دو فرسنخ تاخت دارد. امر فرمودند بنده خدمت والاحضرت اقدس ولیعهد بمانم برای تقسیم جایزه. گروب جایزه تقسیم شد.

### سفر خراسان

صبح زود موکب همایونی طرف خراسان از راه صعراء حرکت فرمودند. ناهار گنبد قابوس، شب کریم ایشان<sup>\*</sup>، از بندر شاه تا کریم ایشان سی فرسنخ. از کریم ایشان بجنورد تشریف بردن سی و چهار فرسنخ. از بجنورد قوچان تشریف آوردند. از قوچان مشهد وارد شدند

\* اسم محلی است.

تقریباً پنجاه فرسخ. نزدیک مشهد طوس تشریف برداشت. آنجا مقبره برای فردوسی درست می‌نمایند. تاکنون هشتاد هزار تومان خرج شده است. خیلی باشکوه است. امان‌الله میرزا امیرلشکر شرق بین راه بجنورد استقبال آمد. عموم مشهدیها استقبال آمدند.

خیابانهای شهر مشهد را خیلی قشنگ درست کرده‌اند. بنای بزرگی به نام حضرت رضا(ع) شروع شده است خیلی باشکوه است. تا تمام شود یک کرور تومان مخارج دارد. وزیر دربار، قوام، بنده، امیراعلم، شکوه‌الملک، دکتر شیخ در رکاب هستیم. چند شب در مشهد تشریف داشتند.

### سفر سیستان

از آنجا طرف سیستان حرکت فرمودند. از تربت وزیر دربار مرخص طهران شدند. از تربت، گون‌آباد<sup>\*</sup>، از آنجا بیرون گند از آنجا سیستان، از آنجا به دزداب، از آنجا به خاش، از آنجا طرف بم. کل خوانین میان بلوچستان شترسوار شرفیاب شدند. کلیه سوار آن حدود شترسوار است.

از کرمان، یزد، از آنجا کاشان به سلامتی وارد طهران شدند. به سلامتی اعلیحضرت مجلس را افتتاح فرمودند. دکتر شیخ هم از سیرجان و کیل شدند.

سال ۱۳۱۰ شمسی

سلام و تولد

قبل از عید نوروز نشان تاج با حمایل از درجه‌اول به من مرحمت شد. در ایران وزیر دربار و فروغی دارای این نشان هستند. سلام نوروز به خوبی و عظمت برگذار شد. همه وقت سلام باشکوه و جشن خیلی مفصل در موقع تاجگذاری اعلیحضرت برقرار می‌شد. این دفعه اعلیحضرت فرمودند تاج‌گذاری جشنش موقوف، در موقع تولد

اعلیحضرت جشن بگیرند. جشن تاجگذاری مبدل به جشن مولود شد. دو ماه است مادرم از اصفهان طهران آمده است. پسرم سهراب را برای تحصیل دوباره لندن فرستادم، اگرچه تصور نمی‌کنم بماند [و] تحصیل بنماید. آنچه تکلیف پدر است در تحصیل و درس او به جا می‌آورم. باقی بسته است به سعادت خودش.

کابینه از این قرار است:

مخبرالسلطنه رئيسالوزراء

فروغی وزیر امور خارجه

تقیزاده وزیر مالیه

داور وزیر عدليه

منصورالسلطنه وزير داخله

کاظمى وزير طرق

سمیعی مدبر [الدوله] کفیل اقتصاد

[قاسم] صور وزير پست و تلگراف

یحیی [اعتمادالدوله] وزير معارف

اسعد وزير جنگ

سرتیپ کوپال رئیس نظمیه عزل شد. زاهدی رئیس نظمیه شد.

پس از چند ماه بواسطه فرار مقصرين از محبس زاهدی عزل شد و

سرتیپ محمد حسین آیرم رئیس نظمیه شد.

[ادیبالسلطنه] سمیعی وزیر داخله سابق والی آذربایجان شد.

## سفر شمال

اعلیحضرت همایونی برای افتتاح پل جدید که در سفیدرود درست شده است حرکت فرمودند. وزیر دربار، بنده، شکوهالملک، دکتر شیخ در رکاب بودیم. شب اول قزوین، دوم [و] سوم پهلوی، پس از آن پل را افتتاح فرمودند. شب لاهیجان، شب دیگر شهرسوار، شب دیگر حبیبآباد، شب دیگر بارفروش، یک هفته بارفروش توقف فرمودند. وزیر دربار برای تشریفات عید غدیر که در حضور والا

حضرت ولیعهد برقرار می‌شد شب اول مرخص شدند. من ماندم تنها. صبح از ساعت نه تا ظهر، عصر از چهار تا پنج حضور بودم، مشغول گردش، تعلیمات، اصلاحات، بلدية شهر های مازندران، اصلاح باغ عمارت شاپور، خشکانیدن<sup>\*</sup> با تلاقصها و غیره بودند. پس از یک هفته توقف و تشریف بردن به ساری [و] علی‌آباد به سلامتی طرف طهران حرکت فرمودند.

### سفر ساده

امر فرمودند به بنده که کسی از ورود شاه باید اطلاع حاصل ننماید برای اینکه نظر مبارکشان این است که در تمام سفرها باید کاملاً ساده حرکت فرمایند. اتصال گوسفند، گاو، شتر کشتن و طاق نصرت زدن عموم این کارهای پر زحمت را ملغی فرمودند. عجاله مسافرت شاه مثل مردمان عادی<sup>\*</sup> است. در پل رضاشاھی ناهار میل فرمودند. شب ساعت هفت وارد طهران شدند. مدتها و زیر دربار و بنده حضور بودیم مرخص فرمودند.

### راه چالوس

امر فرمودند یک راه جدید از طهران به چالوس باز نمایند، سی فرسخ است. برای حمل چوب، تجارت و غیره نزدیکترین راهها است، یکی هم برای تفریحات مردم [و] رفتن لب دریا. ممکن است کسی صبح حرکت کند حمام دریائی برود ناهار میل کند عصر طهران مراجعت ننماید.

### روضه‌خوانی

عجاله محرم است. در تکیه دولت روضه‌خوانی است. دیروز که نهم محرم بود اعلیحضرت تشریف آوردند روضه. خیلی از عادات...\*

\* خوشکانیدن (اصل)

\* اصل: آدی

[را] موقوف فرمودند مثل قمه زدن، زنجیر زدن، سنگ زدن و دسته- بندی، تمام اینها موقوف شد. فقط یک روضه ساده خوانده می‌شود. باز نظر مبارکشان این است که همین روضه را هم اصلاحاتی بفرمایند که عوض گریه و زاری...<sup>\*</sup> به انها یعنی عوام حالی کنند که فداکاریهای امام حسین (ع) برای این است ده غیرت، رشادت، وطن پرستی، تسلیم به ظلم نشدن، استقامت و غیره را به شما یاد دهند، اگر شما عقیده به امام دارید باید این کارها که برای عزت بیرق اسلام شده است یاد بگیرید.<sup>\*</sup>

### سال ۱۳۱۱ شمسی

تبلي من مانع شد تعقيب کنم تاريخ خود را تا آخر [سيصد و]  
ده و همچنين ۱۳۱۱ تا اول دي چيزی ننوشتم. مختصر مطالبي که ياد  
دارم بطور اختصار می نویسم.<sup>۳</sup>

### خليج فارس

امسال که در مسافت مازندران در رکاب بودم و یک سفر جنوب  
شش کشتی جنگی جدید دولت ایران ابتیاع کرده است. ورود کشتیها  
به بندر بوشهر مالکیت ایران را در خلیج فارس مدلل کرد. برای اینکه  
متجاوز از پنجاه سال است که دولت انگلیس مالکیت دولت ایران را  
در هم شکسته بود، لکن در قدرت پهلوی برگشت به قدرت اولی.  
انشاء الله کم کم کشتیها زیاد خواهد شد و در بعث خزر هم کشتیهای  
جنگی خریده خواهد شد.

در محرم دیگر اعليحضرت شخصاً روضه نمی خوانند. بلديه  
روضه خوانی می نماید.  
راه آهن جنوب هم از بندر شاهپور، صالح آباد که چهل و دو

\* ناخوانده

\* در بالای این صفحه نوشته است: در ورقه راست تا این ورقه چندین ماه هیچ نوشته نشده است. اختلاف تاریخ برای این است.

فرسخ است تمام تکمیل شده است. اجازه صادر شده است مردم مال-  
التجاره را قبول کنند با راه آهن بیانند بروند.

### لغو قرارداد دارسی

یک ماه است دولت امتیاز کمپانی نفت معروف امتیاز دارسی را  
لغو کرده است. های [و] هوی عجیبی در دنیا انداخته شده است. دولت  
انگلیس به ژنو، جامعه ملل<sup>\*</sup> شدایت درده است. وزیر امور خارجه  
انگلیس در آنجا خواهد بود. از طرف ایران داور وزیر عدلیه و  
علاء خواهند رفت. ده روز دیگر حرثت می کنند.

بانکملی که تشکیل شد مع التأسف رئیس بانک که آلمانی بود  
خیلی بد رفتار کرد و حال معزول است و مشغول محاکمه او هستند.

### عزل تیمور تاش

در سفر جنوب اعلیحضرت همایونی به من فرمودند مایل نیستم  
دیبا<sup>\*</sup> در دربار من باشد. دو سال قبل به تیمور گفتم حال هم به شما  
می گویم. ورود طهران به تیمور گفتم که بروید حضور شاه عرض  
کنید دیبا را خارج کند. تیمور تأمل کرد. امر شد از طرف شاه که  
باید دیبا فوری خارج شود. بعداز عزل دیبا اغلب تیمور تاش می رفت  
پشیں او در شمیران. این راپورت به اعلیحضرت رسید. بواسطه اینکه  
خیلی از دیبا بدش می آمد به تیمور متغیر شد.

دو روز قبل دستخطی از دفتر مخصوص صادر شد خطاب به  
تیمور تاش که حسب الامر همایونی از امروز شما از وزارت دربار  
معزول هستید. تیمور به من تلیفون کرد. رفتم پیش او، خیلی دلتنه<sup>†</sup>  
بود. چون تیمور در مدت هفت سال اشتغال وزارت دربار خیلی خدمات  
کرد. در حقیقت در کارهای تیمور، تمام کارهای دولت، مجلس،  
خارجه، داخله با او بود. من لایقتر و قابل تر و باهوشت‌تر از این آدم

\* اصل: جامع ملل

† مقصود عبدالحسین وکیل‌الملک است. برای تفصیل قضیه به سفرنامه بلوشر

در تمام عمر ندیده‌ام. خیلی هم با او دوست هستم. از حرف زدن او فوق العاده متأثر شدم، از این پیش‌آمد. روز بعد از عزل تیمور رفتم حضور شاه. عرض کردم اختیار عزل و نصب البته با اعلیحضرت است. من خواستم بدانم آیا باز بی‌مرحمتی در قلب مبارک نسبت به تیمور دارید. تیمور یک جوان عادی با استعدادی بود. تربیت مدت هفت سال در زیر سایه شاه او را یک مرد توانا، لائق فوق العاده کرده است. این آدم یک ذخیره بزرگ است برای شاه. مایل هستید عزل باشد «صلاح مملکت خویش خسروان دانند». ولی ممکن است چندی بعد وجودش لازم شود. معمول مشرق خصوصاً ایران این است که هر کس طرف مرحمت شاه [باشد] عموم مثل سگ از او تملق می‌گویند و حال که بفهمند طرف بی‌رحمتی شاه است همانهائی که مثل سگ تملق می‌گفتند حال مثل سگ هار پای او را می‌گیرند. اگر وجودش لازم است او را حفظ فرمائید. جواب فرمودند تیمور را خیلی دوست می‌دارم از حد فزون، خیلی هم متأسفم که مجبور شدم او را خارج کنم. تمام تقصیرات از خودش بود ولاغیر، و اما در باب دشمنی مردم نسبت به او من بهتر از تو می‌دانم. اطمینان داشته باشید هم به تیمور مرحمت دارم و هم از حملات عمومی او را حفظ خواهم کرد. به تیمور هم ابلاغ کنید. من هم رفتم و مطالب را خدمت ایشان عرض کردم. البته تا حدی خوش وقت شدند. عجاله وزیر دربار نداریم. معلوم نیست [معین] می‌کنند یا خیر. اگر معین کنند البته یک وزیر دربار محدودی معین خواهد کرد که اختیاراتش مثل یک رئیس تشریفات باشد.

### داماد ملک

چیزی که فراموش کرده بودم این است که بعد از سه سال مقدمه مرحومه عزت‌السلطنه در خیال افتادم یک همسری پیدا کنم. خیلی از این بابت در زحمت بودم. بعضی اوقات خیال می‌کردم دیگر از من گذشته است. خوب است این کار را نکنم. بعضی اوقات خیال می‌کردم این قسم زندگانی بی‌سر [و] سامان برای من خیلی مشکل است.

بالاخره تصمیم گرفتم همسری پیدا کنم. به خدا متousel شده داخل این کار شدم. در این موقع که به اکثر خانواده‌ها گفته بودم که برای من یک همسر پیدا کنند، یک سال [و] اندی قبل توسط آقای تیمور تاش خدمت آقای حاجی حسین آقای ملک خواستگاری نمودیم. بعد از مدتی بالاخره قبول شد. دختر آقای ملک را عقد نمودیم. پس از چند ماه عروسی کردم. حال هشت ماه است شب و روز باهم هستیم. همسری که از خداوند می‌خواستم به من عطا فرمود. از هر حیث راضی و شاکر. امیدوارم این قوم و خویشی به طرفین مبارک [و] میمون باشد [و] تا زنده‌ایم باهم باشیم. اقبال و سلامتی از یزدان پاک برای طرفین خواستارم.

### تحصیل سوئیس

حال یک سال [و] چهار ماه است که والاحضرت اقدس ولیعهد برای تحصیل سویس تشریف برده‌اند در لزان<sup>\*</sup> مدرسه شبانه‌روز تحصیل می‌نمایند. دکتر مؤدب [الدوله] پیشکار و ناصح است. خیلی هم از ایشان تمجید می‌نویسد. العق جای تعریف هم دارند. بسیار باهوش، خون‌گرم، زرنگ، عاقل، خوش‌قیافه. اقبال پهلوی از حد فزون است. امیدوارم تا آخر به همین اقبال باقی بمانند.

### تجارت با شوروی

دولت قرارداد تجارتی داده است با دولت روسیه همان مقدار که وارد می‌نمایند همان مقدار هم خریداری کنند. روسها خیلی بد رفتاری می‌نمایند. وارد می‌نمایند ولی نمی‌خرند مگر به [میل] خودشان و خیلی ارزان. به این جهت کاربر تجار شمال و شرق خیلی سخت است. حال یک های [و] هوی ما بین تجار است بر علیه روسیه. تا چه پیش آید.

دولت در نظر دارد چندین کارخانه قند و نخ و پارچه‌دار نماید.

چون واردات مهم مملکت قند است، چایی، چیت، چلوار و متقال.

### حال تیمورتاش

اکثراً دیدن تیمورتاش می‌روم. حال مزاجی او خوب است. ولی خیلی اوقات تلخ است. هیچ از خانه بیرون نمی‌آید. کسی را هم پذیرائی نمی‌کند.

هیأت وزراء همانها هستند که سابق بودند با مختص تغییری:

مخبر‌السلطنه رئیس‌الوزراء

فروغی وزیر امور خارجه

تقی‌زاده وزیر مالیه

منصور وزیر داخله

داور وزیر عدله

یحیی‌خان [اعتماد‌الدوله] وزیر معارف

دبیر اعظم وزیر پست و تلگراف است

اسعد وزیر جنگ

سرتیپ ناصر‌الدوله کفیل طرق

یاسانی رئیس تجارت

فرخ رئیس فلاحت\* و صناعت

حال فقط در دربار امیر نظام است که رئیس تشریفات خارجه است. وزیر دربار معزول شد. دیبا عزل شد. مجلل‌الدوله مرحوم شد. امیر نظام باقی مانده است. مشکات برادر مجلل رئیس تشریفات شد.

### سرانجام تیمورتاش

چند روز قبل از طرف اعلیحضرت امر شد يك دسته آزان در منزل تیمورتاش بروند. کسی را نگذارند داخل و خارج شود. حتی دخترش ایران رفت به ملاقات پدر مانع شدند. دیروز حضور همایونی استدعا نمودم اجازه دهنده دخترش پیش [او] بود، قبول فرمودند،

\* تجارت

ولی فرمودند شما نروید.

### گرفتاری امیرهایون

دو شب قبل جواد\* پسر حاجی معین بوشهری با یدالله خان که حال رئیس اسلحه‌خانه است مذاکره کرد ما حاضریم تقدیمی بدهیم [که] شاه به ما مرحمت پیدا کنند. دیروز یدالله‌خان به جواد تلیف نکرد کارها تما ماست، بیائید حضوراً دستور دارم. جواد رفت منزل یدالله خان. شرح مفصلی مذاکره شد که ما حاضریم فلاں تقدیمی را بدهیم. در این موقع رؤسای عدله که در اطاق دیگر محترمانه پنهان بودند بیرون آمدند و تمام مذاکرات را نوشتند به اسم اینکه به ذات مقدس اعلیحضرت توهین کردید. نظمیه او را حبس کردند که بعد محاکمه کنند. امروز رضا پسر دیگر حاجی معین پیش من آمد برای چاره. گفتم خدمت رئیس‌الوزراء برود من هم کمک می‌نمایم ولی گمان ندارم به این آسانی خلاص شوند. حاجی معین به حال مرگ آمد. در قصر متھعن شد. اعلیحضرت همایونی پرسش را بخشید مخصوص شد.

### محاکمة تیمور تاش

حال تیمور خوب نیست. کسالت قلب او شدید شده است. هر چه زحمت کشیدم بلکه طرف بخشش واقع شود ممکن نشد. خیال محاکمه او را دارند. چند روز است برای اینکه پسر سپهبدار نوشته به نظمیه که حاجی مشار دو هزار تومن از من گرفت که مرا وکیل نماید حال که وکیل نشدم پولم را پس بگیرید نظمیه از حاجی مشار سوال کرد حاجی مدرک به دست داد که پول را به دیبا داده‌ام. حال دیبا محبوس است. چند روز است که ایران دختر تیمور می‌رود پیش تیمور با حضور صاحب منصب نظمیه ایران را ملاقات نمودم. می‌گوید تیمور در رختخواب است و حالش خوب نیست. کسالت قلبی قدری شدیدتر شده است.

## نفت و جامعه ملل

پس از مأموریت وزیر عدالیه و علاء به ژنو در روز افتتاح مجمع ملل وزیر امور خارجه انگلستان آمد به ژنو نطق مفصلی نمود بر علیه الغای امتیاز نفت ایران [و] انگلیس. در جواب مأمورین ایران هم نطق نمودند. بعد از چند روز «بنش» وزیر امور خارجه چک اسلاو که خبرنگار جامعه<sup>\*</sup> است میان افتاد که کمپانی نفط با دولت ایران اصلاح نماید و امتیاز قدیم لغو شود، امتیاز جدیدی پیشنهاد شود. کمپانی قبول کرد. به مجمع ملل پیشنهاد شد که کمپانی حاضر شده است با دولت ایران قرار جدیدی بدهند. اگر اصلاح شد فبها و اگر نشد در ماه مه که مطابق است با خرداد به جامعه<sup>\*</sup> ملل طرفین شکایت نمایند. جامعه<sup>\*</sup> ملل قبول کرد.

## عزل و نصبهای

چند روز قبل ناصرالدوله معزول [و] منصور وزیر داخله وزیر طرق شد. زرین کفش معاون وزارت داخله، کفیل وزارت داخله شد. امیر مفخم مرخص شد، پس فردا از راه لرستان می‌رود بختیاری سر حکومتش. مدتی است صولتالدوله و پسرش حبس است. امیر لشکر شیبانی از حبس مرخص شد ولی دیگر جزء نظام نیست. [فضل- الله] زاهدی که از نظام خارج شده بود دوباره سرتیپ و جزء نظام شد.

## محاکمه دیبا

در این هفته بنا بود دیبا را علنًا محاکمه نمایند ولی به تأخیر افتاد. هفتۀ دیگر او را محاکمه خواهند نمود.

## تجارت با سوری

در باب تجارت با روس بالاخره رسماً می‌گویند اگر تمرکز تجارت می‌دهید ما قطع تجارت می‌نمائیم. تمرکز یعنی هیأت تجارت از

دولت روس به قیمت معین می‌خرد و به قیمت معین می‌فروشد. افراد حق معامله با تجار روس ندارند. روسها زیر این بار نمی‌روند تا چه پیش آید.

### محاکمه تیمور تاش

بالاخره امر شد تیمور را از منزل برداشت و محبس قصر. حال دو هفته است در آنجا حبس است. علت حبس این است که اعلیحضرت می‌فرمایند او نوکر انگلیسها<sup>\*</sup> شده بود، یک نقشه هم داشته است بر علیه اعلیحضرت. ولی چون من با تیمور دوست بودم، شب و روز با او بودم هیچ وقت او را خائن نسبت به شاه ندیده‌ام. در هر حال دشمنی‌ای برایش ساختند. تیمور شریعت‌زاده را وکیل خود کرده است. عجاله محاکمه او برای اسعار بیست و چهار هزار لیره و خریدن اسهام نفت خوریان<sup>\*</sup> از طرف دولت و معامله پنج هزار لیره توسط برادر زنش. این است خطاهای تیمور که برایش پیدا کرده‌اند. دیروز مادر و دخترش رفتند پناه به ملکه بیاورند، پذیرفته نشدند. دیبا هنوز محاکمه او تمام نشده است. دو جلسه محاکمه علنی از او کرده‌اند.

### سوم اسفند

جشن سوم اسفند سیزدهمین سال کودتا را گرفتند. شب کل صاحب‌منصبان از نایب به بالا با هیأت دولت در حضور همایونی شام صرف نمودند. تقریباً یکهزار و دویست صاحب‌منصب حضور داشت. ساعت هشت شام شروع [و] ساعت نه شام تمام شد. بعد آتش بازی شروع شد. ساعت ده اعلیحضرت تشریف برداشت منزل. فردای آن روز در میدان جلالیه سان قشون دیده شد. هفده هزار قشون سان دادند.

\* ظاهرآ نخستین مرجع است که علت عزل و حبس و قتل تیمور تاش را قول نزدیکی به انگلیسها ضبط کرده است ورنه در اغلب جاها به نزدیکی‌ای او با شوروی اشاره شده (مخصوصاً به خاطرات بازانوف مراجمه شود) و نیز به سفرنامه بلوش.

\* اصل: خوریا

خیلی قشنگ بود. جمعیت عجیبی بود از اهل شهر که هیچ وقت ندیده بودم.

### امتیاز و قرارداد نفت

سر جان کدمن رئیس کل کمپانی نفت ایران [و] انگلیس چند روز دیگر با طیاره طرف ایران حرکت می‌نماید برای اینکه با دولت ایران در امتیاز جدید قرارداد جدیدی بدهد. داور وزیر عدلیه و علاء، آنها هم از پاریس طرف ایران حرکت کردند.

در این دو هفته پنج مرتبه تیمور را برداشت به دیوان جزا. روزی چند ساعت محاکمه کردند. وکیل تیمور شریعتزاده بود. لکن امر شد که استعفا کند. شریعتزاده استعفا کرد. بعد آسیدهاشم [وکیل] و [احمد] مقبل وکیل شدند.

### ۲۶ اسفند

روز ۲۶ اسفند که روز تولد اعلیحضرت بود ساعت ده صبح اعلیحضرت مجلس را افتتاح فرمودند. برای جشن تولد اعلیحضرت خیلی چراغانی و شادی شد. یک کارناوال خیلی قشنگ نمایش داده شد. یک شب در گلستان کردیپلوماتیک و هیئت دولت مهمان شام بودند. «سواره» هم بقدر پانصد نفر دعوت داشت. یک شب هم «سواره» بلدیه بودیم. یک شب هم «سواره» هتل بلدیه بودیم.

### محاکمه و سرنوشت تیمور تاش

دیشب محاکمه تیمور چهارده ساعت طول کشید. رئیس‌الوزراء روز تولد شاه حضور رفت و عرض کرد می‌گویند تیمور یکصد هزار تومان محکوم می‌شود. قانوناً باید دویست هزار تومان هم علاوه بدهد، می‌شود سیصد هزار تومان. تمام دارائی تیمور دویست هزار تومان است. بچه‌های او بی‌تر بیت و گدا خواهند شد. این بچه‌های مملکت هستند. تیمور هر خلافی کرده است اینها نباید بعینند. در جواب

فرمودند خودم در این باب فکری می‌نمایم. بالاخره ۲۶ پس از چند روز محاکمه تیمور محکوم شد به ارتشهه هشت هزار تومان، سه سال حبس مجرد، کلاهبرداری سی و پنج هزار تومان و یکهزار و هفتصد لیره و دو سال حبس تأدیبی. این شد نتیجه. لکن اگر عرض مرا قبول می‌کردند این محاکمه خوب نبود. برای اینکه تیمور ده سال رئیس کل بود. دو مرتبه مأمور شد به اروپا. با تمام سلاطین و رؤسای جمهور باده‌نوشی کرد و حالا معرفی دزد بشود آن هم در حدود شصت هزار تومان. هم برای شاه خوب نبود و هم ملت ایران. در هر حال کاری است گذشته.

### سال ۱۳۱۲ شمسی

ایام عید چهار روز تعطیل بود. ملک با خواهرش و چند نفر از رفقای مدرسه رفتند پهلوی. شوفور عباس بود، نوکر هم غلام‌خان همراه بود. خیال دارند از آنجا بروند از راه مازندران و فیروزکوه بیایند طهران.

### نفت

وزیر عدیله و علاء از اروپا مراجعت کردند. چند نفر متخصص برای قرارداد جدید با کمپانی نفت همراه آورده‌اند. سر جان کدمن رئیس کل کمپانی هم آمده است. حال عبادان<sup>\*</sup> است. چند روز دیگر طهران خواهند آمد. قرارداد جدید بسته خواهد شد.

هیأت دولت در این تاریخ از این قرارند:

مخبر السلطنه رئیس‌الوزراء  
فروغی وزیر امور خارجه  
تقی‌زاده وزیر مالیه

\* (=آبادان)  
\* به سه‌والتلم «داور» نوشته (اصل)

داور وزیر عدیله  
 منصور وزیر طرق  
 یحیی خان [اعتمادالدوله] وزیر معارف  
 اسعد وزیر جنگ  
 بهرامی وزیر پست [و] تلگراف  
 یاسائی رئیس کل تجارت  
 فرخ رئیس صنایع و فلاحت  
 زرین کفش کفیل وزارت داخله

در سال جدید رتبه های مهم وزارت جنگ از این قرار بود:  
 محمد حسین خان رئیس نظمیه، امیر لشکر  
 کریم آقا خان رئیس بلدیه، امیر لشکر  
 عزیزالله خان رئیس امنیه، امیر لشکر  
 صرتیپ مقدم، امیر لشکر  
 مرتضی خان، امیر لشکر  
 سابق هم امیر لشکرها از این قرار است:  
 امیر موثق، نقدی، امان الله میرزا، خدا یار خان، خزاعی<sup>\*</sup>،  
 توفیقی، اسماعیل خان، والی.

ملک با رفقا پس از نه روز مراجعت کردند. از قزوین رفتند از  
 مازندران مراجعت کردند. خیلی هم از سفر خودشان راضی بودند.  
 بالاخره تیمور به سه سال حبس و شصت هزار تومان جریمه  
 محکوم شد.

### جریانهای روز

داور، علا [و] چند نفر متخصص برای قرارداد با کمپانی  
 نظارت داشته باشند، سر جان کدمون همه وارد شدند، مشغول ترتیب

\* اصل: خزانی

امتیاز جدید هستند.

اوایل اردیبهشت مجلس رسمی می‌شود. تقریباً امسال سی نفر از وکلای پیش و کیل نیستند، الباقی وکلای دوره‌های سابق هستند. در این هفته قبل از سیزده عید و روز سیزده عید باران خیلی زیادی آمد. در البرز هم خیلی برف آمد. تمام رشته البرز مثل تغم مرغ سفید است. کمتر سالی برف البرز را در این موقع به این زیادی دیده بودم.

دو کارخانه قند دولت درست کرده است: یکی کهربیزک و همان کارخانه قدیم، دیگری کرج. اعلیحضرت امر فرمودند شش کارخانه دیگر بسازند، سالی دو تا. امسال دو تا را یکی در ورامین دیگری مازندران. یک کارخانه سمنت هم دولت در نزدیکی کوه بی‌بی شهر با نو درست کرده است. هنوز تمام نشده است. در این ماه دیگر اتفاق تازه‌ای نیست بنویسم.

### قرارداد نفت

بالاخره قرارداد با کمپانی نفت تمام شد. سی سال بر مدت ملاوه شد. شصت سال دیگر تمام می‌شود چند مقابل سابق شده است. خیلی خیلی قرارداد خوبی بسته شده است. پس از قرار [داد] سر جان کدمن رئیس کمپانی از طهران مراجعت نمود لندن.

### سفر مازندران

دهم اردیبهشت در رکاب همایونی مازندران رفتم [با] امیر لشکر نقدی، امیر لشکر خدا یارخان، قوا مالک، دکتر شیخ، دکتر [امیر] اعلم، شکوه‌الملک رئیس دفتر، دولتشاهی برادر مرحوم مجلل‌الدوله که بعد از او رئیس تشریفات داخله شد.

توقف‌گاه در بابل بود. یک روز اشرف تشریف فرما شدند. امر دادند دو دست از عمارات صفوی را مرمت کنند. در موقع حرکت

کارخانه شاهی که ریسمان بافی و پارچه بافی است اطاق مترها<sup>\*</sup> آتش گرفت کارخانه از کار افتاد. خیلی اوقات شاه تلغخ شد. چند نفر مسئولین توقيف شدند. بقدر سی هزار تومان ضرر وارد آمد. فوری امر به تعمیر شد. ماشینهای زیادی وارد کرده‌اند. کارخانه خیلی بزرگی خواهد شد.

خیلی آبادی در حدود مازندران از قبیل هتل، عمارت، ساختمان حمام‌های آب معدن در اشرف، در بابل، در دهنو<sup>\*</sup>. در شهرسوار هم از حیث فلاحت خوب ترقی کرده است. حال راه آهن دست کمپانی سوئیڈی و دانمارکی است. تعهد کرده‌اند در شش سال راه جنوب را به شمال متصل کنند.

از بابل به دهنو، از آنجا شهرسوار و حمام‌های معدنی تشریف فرما شدند. در دهنو که عمارت ساخته‌اند آنجا را یک بندر درست کرده‌اند. بقدر دویست و پنجاه متر اسکله توی دریا رفته است. یکصد و پنجاه متر دیگر باید برود که کشتی‌ها بیایند آنجا بار بگیرند، بار بیندازند، توقف کنند.

در ده نو امر فرمودند دو دست عمارت بنده و قوام ساخته‌ایم نزدیک اسکله جای بسیار خوبی خواهد شد. حال یک ماه است شروع کرده‌ایم. آخر پاییز حاضر می‌شود. پس از بیست روز توقف موکب همایونی طهران مراجعت فرمودند.

### انتصابات جدید

وزیر معارف عوض شد. دکتر احمدخان کفیل وزارت معارف شد. یاسائی هم از ریاست تجارت عزل شد. سیاح که معاون وزارت مالیه بود به جای یاسائی برقرار شد.

### محاکمه امین التجار

حاجی امین التجار و کیل اصفهان به عنوان اینکه پول به تیمور تاش

◦ = نوشته بعدما ◦ (= موتور)

داده است و مرتشی است رفع مصونیت او را از مجلس خواستند. پس از آن او را توقيف نمودند. حال یک ماه است حاجی امین را با تیمورتاش محاکمه می‌نمایند. روز شنبه آینده علناً هر دو محاکمه می‌شوند. مشهور است که امین التجار یکصد هزار تومان به تیمورتاش داده است. از این جهت آنها را راشی [و] مرتشی حساب می‌نمایند. حاج معین التجار به سن نود و هفت سالگی مرحوم شد. چند روز است مجمع اقتصاد عمومی در لندن افتتاح شده است، از تمام دنیا نماینده آنجا رفته است [تا] فکری برای بحران عمومی دنیا بکنند.

### باز هم درباره تیمورتاش

بالاخره در نتیجه محاکمه تیمورتاش و امین التجار تیمورتاش به نام رشه محکوم شد به پنج سال حبس و پرداخت نه هزار لیره و بیست هزار تومان. امین التجار محکوم شد به نام مرتشی و شش ماه حبس. بد بخت تیمور، از آسمان بدی برای او می‌بارد. من با اینکه فناتیک نیستم ولی عقیده کاملی به تقدیر دارم. این است عجاله تقدیر تیمور تا بعد چه شود.

اثائیه<sup>\*</sup> دیبا را در مقابل قرض او مشغول حراج هستند. یک ماه قبل با غ شمیران او را حراج کردند در سی و دو هزار تومان. آقای حاج حسین آقا به این مبلغ سی و دو برای من خریداری کردند. حال مدتی است مشغول تعمیرات هستم. به این جهت تاکنون نرفته ام شمیران. هوای شهر هم خیلی گرم شده است. انشاء الله روز شنبه یازدهم می‌زوم شمران. از این حیث بحمد الله راحت شده‌ام. بعد هم هر چه مقدار است خواهد شد.

هشت شاگردان بختیاری محصل لندن امتحان متوسطه را دادند و هر هفت<sup>\*</sup> پذیرفته شدند. داخل در مدارس عالیه خواهند شد. هر کدام یک قسم فنی شروع می‌نمایند. یکی مالیه، دیگری مهندس، یکی فلاخ

\* اصل: اساسیه  
• (کذا)

و دیگری نقاش، به همچنین. بهتر است که به میل آنها واکذار شود.  
هر کدام به هر کاری مایل است آن علم را تکمیل کند.  
مدتی است مشغول تخت قاپوی ایلات ایران هستند. کاری است  
لازم و مشکل.

هیأت وزراء در این تاریخ این آقایان هستند:  
مخبرالسلطنه رئیسالوزراء  
فروغی وزیر امور خارجه  
تقیزاده وزیر مالیه  
منصور وزیر طرق  
بهرامی وزیر پست [و] تلگراف  
داور وزیر عدلیه  
زرین کفش کفیل داخله  
اسعد وزیر چنگ  
سیاح رئیس تجارت  
فرخ رئیس صناعت و فلاحت.

مدتی است تهران هستم. امسال خیلی تابستان گرم بود. در کره  
زمین هوا گرم بود، مع هذا هوای منزل شمران بد نبود.  
بناست یک ماه دیگر قراخان وزیر امور خارجه روسیه\* طهران  
بیاید. از طرف دولت منزل مرا برای پذیرائی معین کردند، مثل  
وزیر امور خارجه ترکیه.

### راه چالوس

بیست روز قبل در رکاب همایونی رفتم، وسط راه چالوس دو  
شب توقف فرمودند. از راه راضی نبودند و دستورات تکمیل راه را  
به وزیر طرق ابلاغ فرمودند. با قدری تغیر امر شد حداقل ده مطر  
اقل هشت مطر باید ساخته شود. از طهران تا چالوس سی و دو فرسخ  
است.

\* به سهوالقلم «قرکه» نوشته (اصل)

منافع نفت بین خوانین تقسیم شد. سردار محتشم خیال تعدی زیاد به شرکاء خود دارد. من حمایت می‌نمایم از شرکاء تا چه پیش‌آید.

### وفات صولت‌الدوله

یک ماه قبل صولت‌الدوله در معبس ناخوش [شد]. در نتیجه تب سخت مرحوم شدند. بیست روز است پسرش ناصرخان را مخصوص فرمودند. حال در منزلش می‌باشد. علی‌خان قشقائی که یاغی بود تسلیم [شد]. یک ماه است طهران آمده است.

در شهریور کابینه تغییر کرد.

فروغی رئیس‌الوزراء

داور وزیر مالیه

منصور وزیر طرق

جم وزیر داخله

صدرالاشراف وزیر عدله

کاظمی وزیر امور خارجه

دولتشاهی وزیر پست [و] تلگراف

اسعد وزیر جنگ

[صمصام‌الملک] بیات رئیس فلاح و صناعت

[علی‌اکبر] بهمن رئیس تجارت

[علی‌اصغر] حکمت کفیل معارف

### کاراخان در تهران

کاراخان در شهریور آمد منزل من منزل گرفت. سه عدد تانک با چند میترایزو و دوربین و اسب تقدیمی آورد. چند شب از او پذیرانی<sup>\*</sup> شد. یک روز در حضور همایونی ناهار دعوت داشت. از راه مازندران مراجعت کرد به مسکو. ترتیب تجارت و سرحدات همان

\* اصل: پزیرانی

قسم مبهم است. آمدن کاراخان هم تغییری ننمود. هنوز اصلاح نشده است. با روسیه هیچ قسم تجارتی نداریم.

### آذربایجان و مرگت تیمورتاش

۱۲ مهر اعیان‌حضرت همایونی طرف آذربایجان حرکت فرمودند. ملتزمن رکاب: اسد وزیر جنگ، امیر نظام رئیس تشریفات، شکوه-الملک رئیس دفتر، دکتر [امیر اعلم]، دکتر شیخ.

همان روز شبیش تیمورتاش مرحوم شدند. اگر بگوییم از این خبر چقدر مفموم شدم زیاد است «تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست». مسافرت بیست و دو [روز] طول کشید. از طهران، قزوین، زنجان، اردبیل، آذربایجان، خوی، رضائیه، شاهپور، کردستان، کرمانشاه، لرستان تا حسین‌آباد والی پشتکوه، از آنجا طهران مراجعت شد. قشون در تمام نقاط بسیار خوب بود. امنیت کامل است. راهها بسیار خوب.

چند روز است مراجعت کرده‌ایم بواسطه کسالت بی‌بی خیلی دلتنگ هستم. چند ماه است ناخوش هستند. عقیده دکترها این است که باید عمل بنمایند. تا چه پیش آید.

باران مدتهاست نیامده است. حاصل امسال خوب نیست. امیدوارم بارندگی کامل بشود، و الا سال بسیار سخت است.

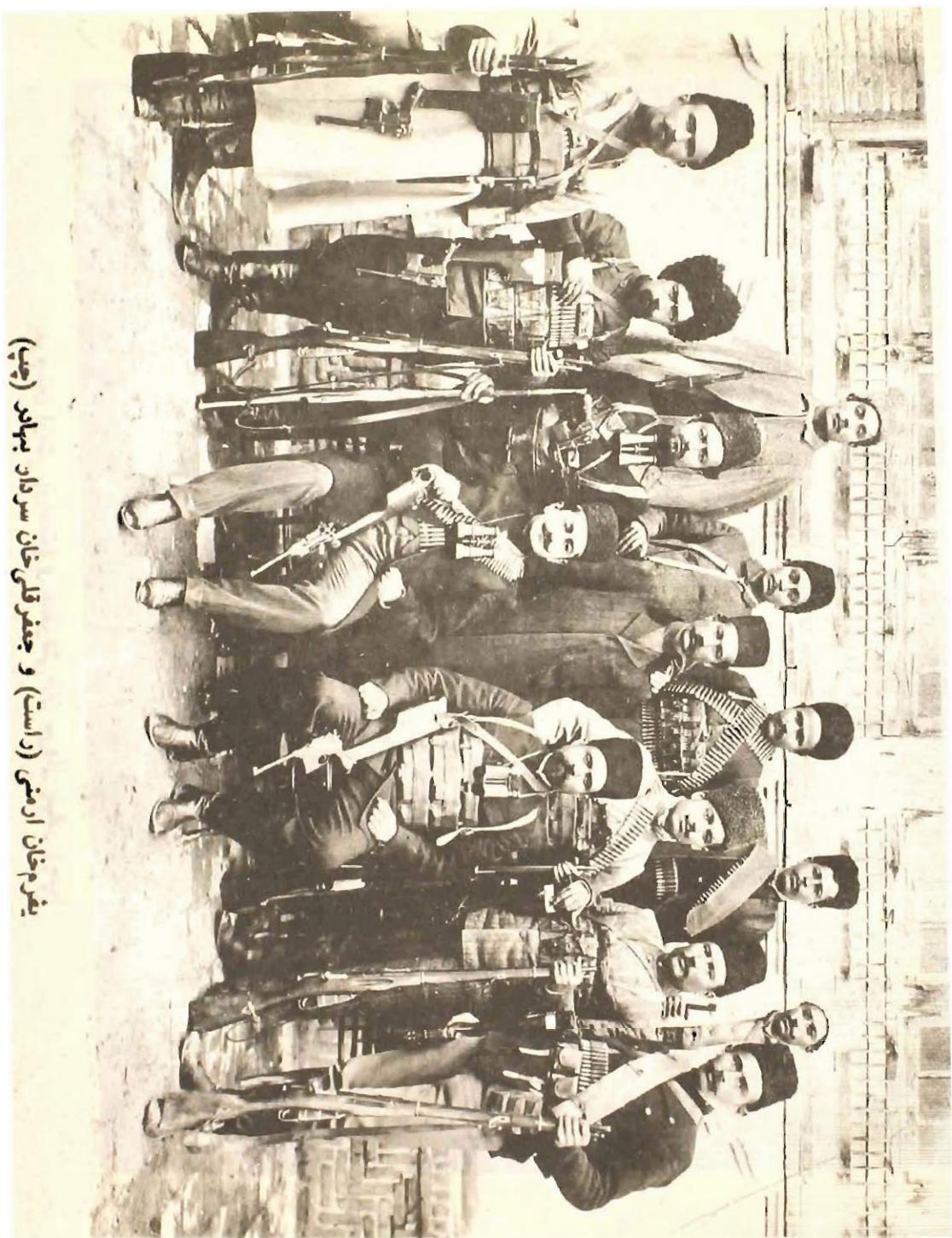
یادداشتها به همینجا خاتمه یافته است

عکسهای تاریخی  
از  
رجال بختیاری



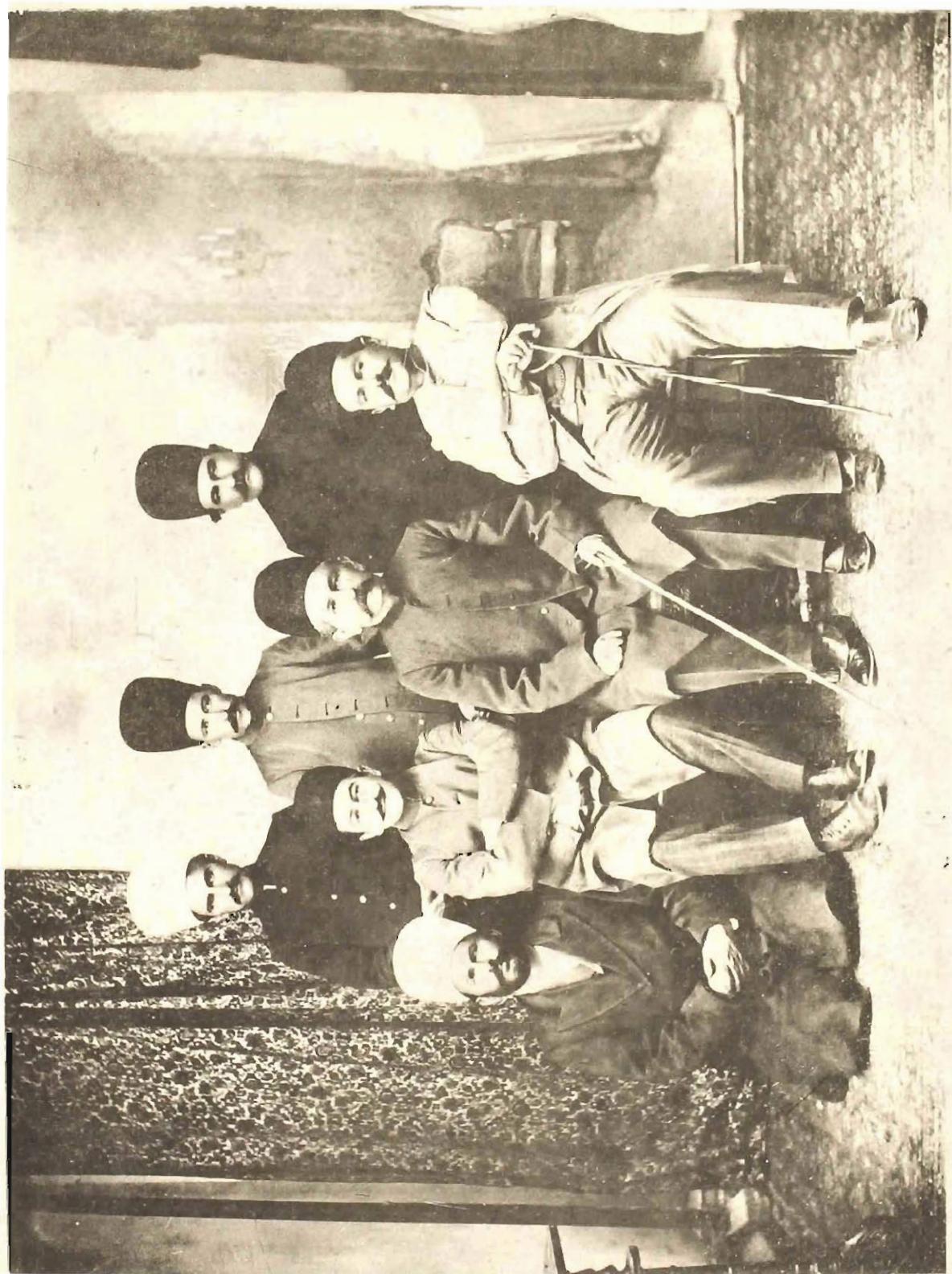
یحییٰ مختار ارماني (راست) و جعفر قلی خان سردار بهادر (جب)



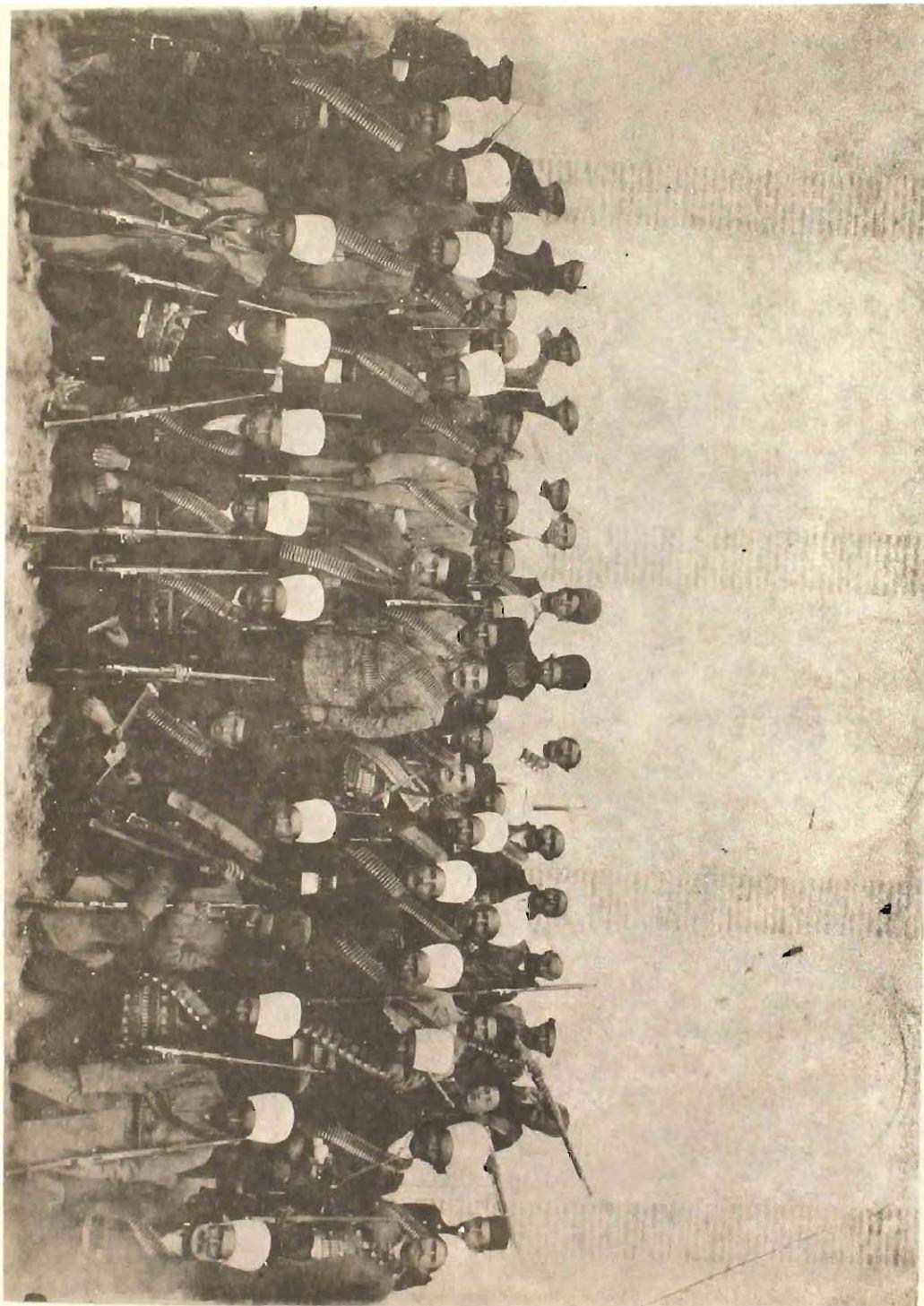


پغمخان ارمنی (راست) و جعفر قلی خان سردار بهادر (چه)

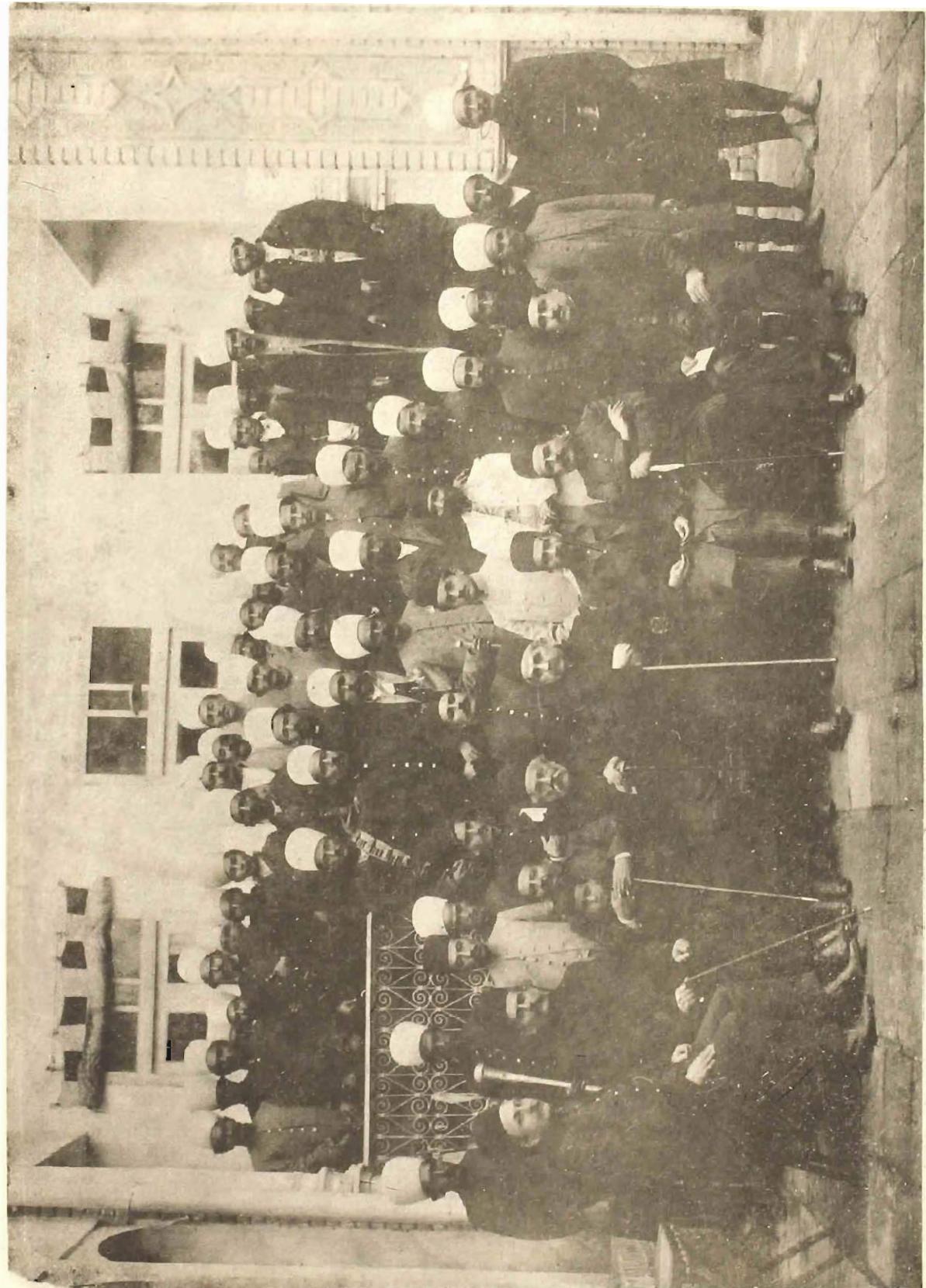
علیقلی خان سردار اسعد (وسط) - چهارقلی خان سردار بیهادر فرزندش (جب)



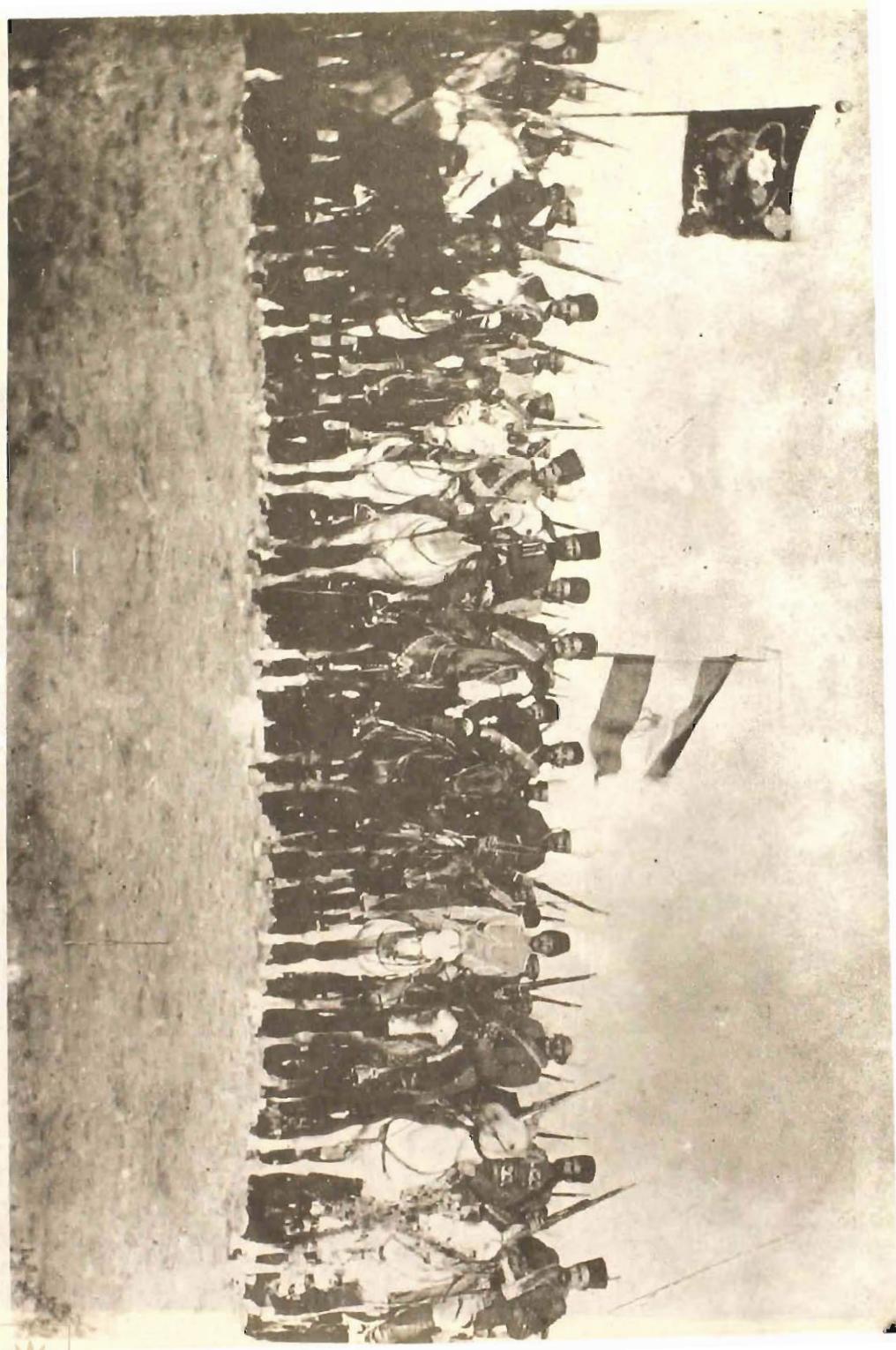
جعفر قلی خان سردار بهادر (وست) با سواران پشتاری  
(ناظراً بساز فتح تبران)



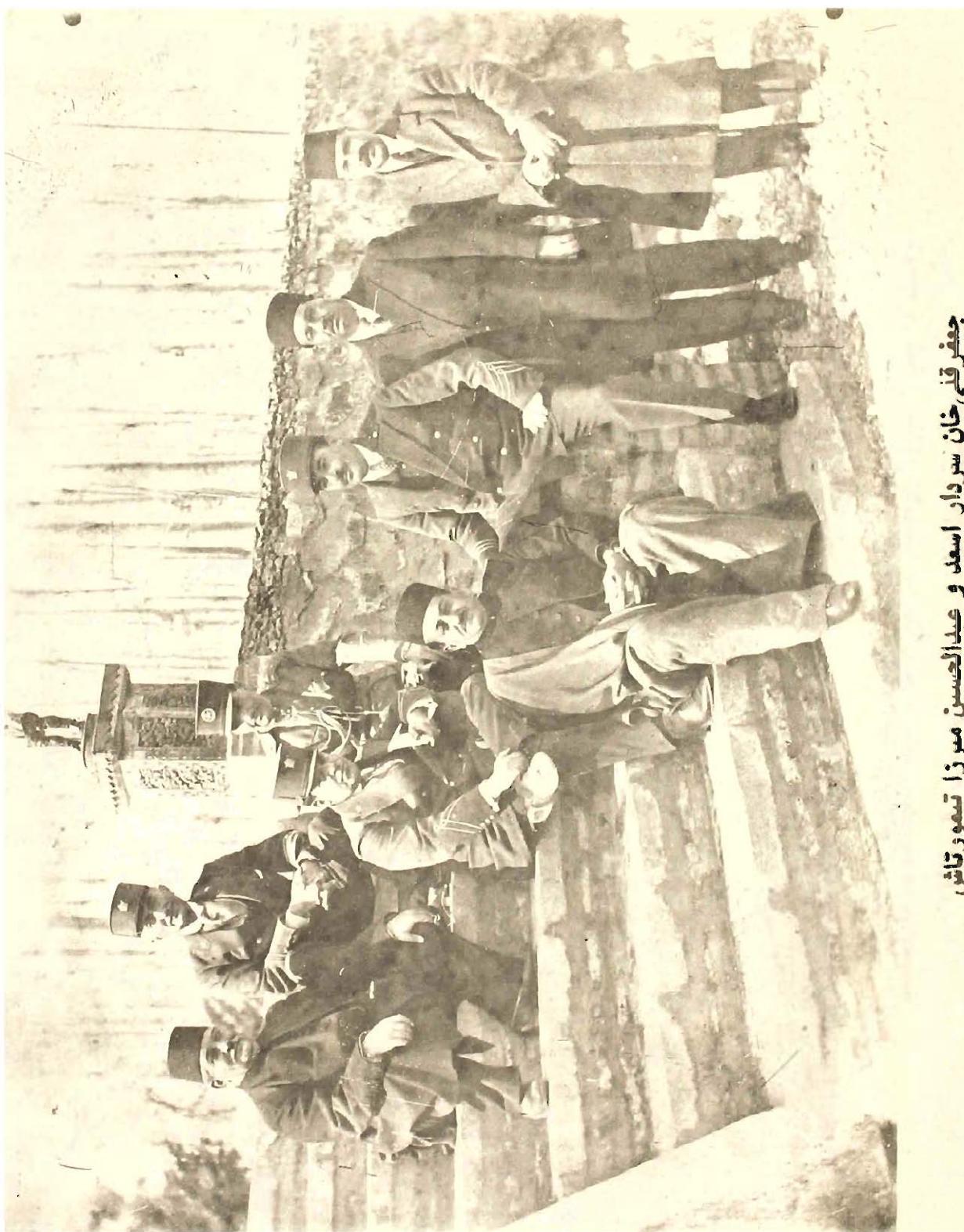
سازمان بفتیاری در تهران



سواران پشتیواری در روز حمله به تهران

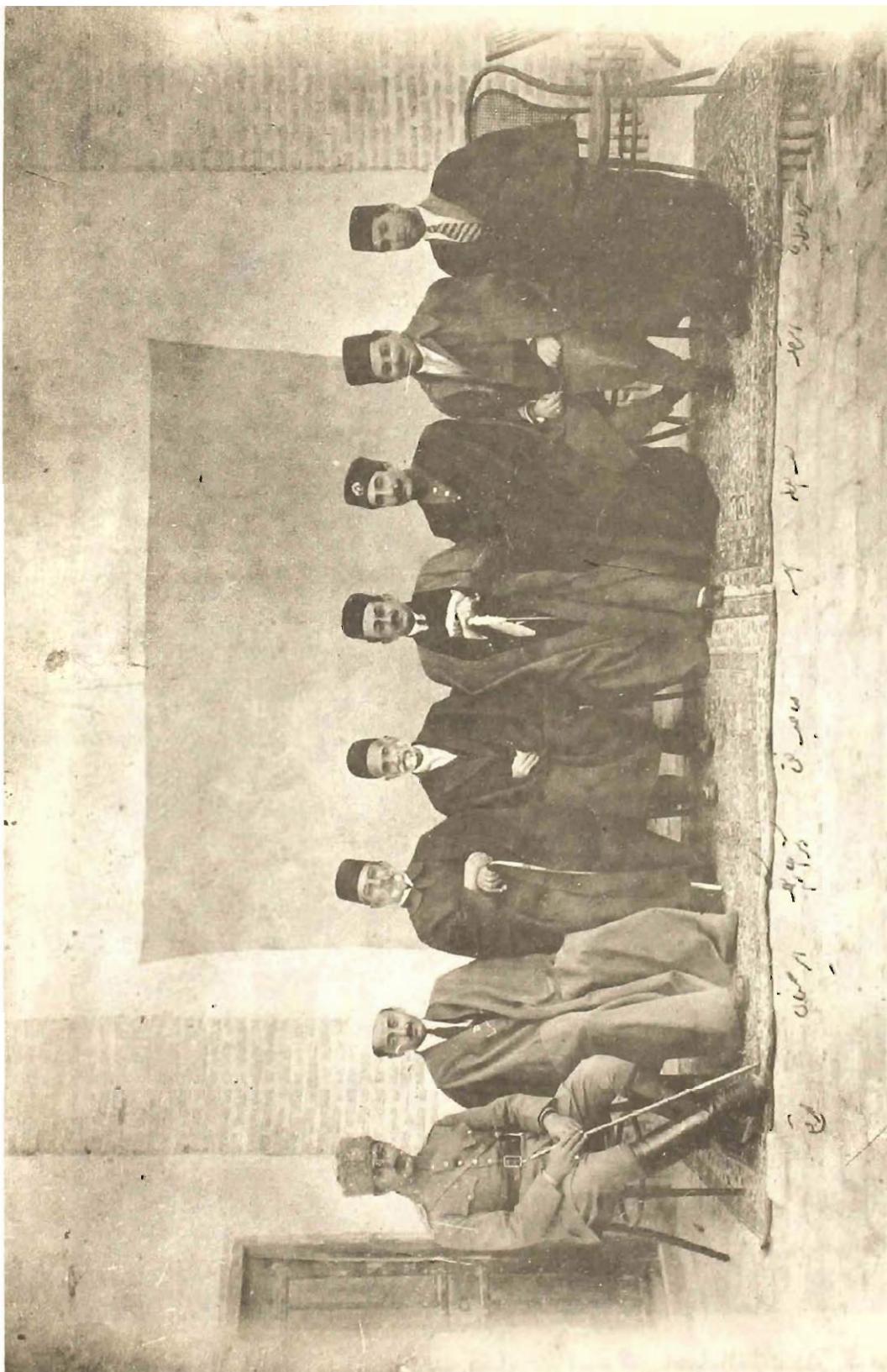


جعفر قلی خان سردار اسعد و عبدالحسین میرزا تیمور تاش





افراسیاب - بهمن - ستار - سینف الله - سهراب  
فرزندان یکتباریها ، از راست به چپ



روز جعفر قلی خان سردار اسعد به زید  
راست به جب : میرزا جوادخان - امیر چنگ - سیف السلطنه - سردار اسعد  
صاحب نسق - دکتر اخیاء الملک - امیر حسین خان ایلغان - محمد تقی



١- سردار اسعد    ٢- صاحب نسق    ٣- دکتر احیاءالملک (در گرمان)



جعفرقلی خان سردار اسعد و صادق صاحب نسق در گرمان

جعفر قلی خان سردار اسد



جعفر قلی خان سردار اسد



علیقلی خان سردار اسعد پس از فتح تهران

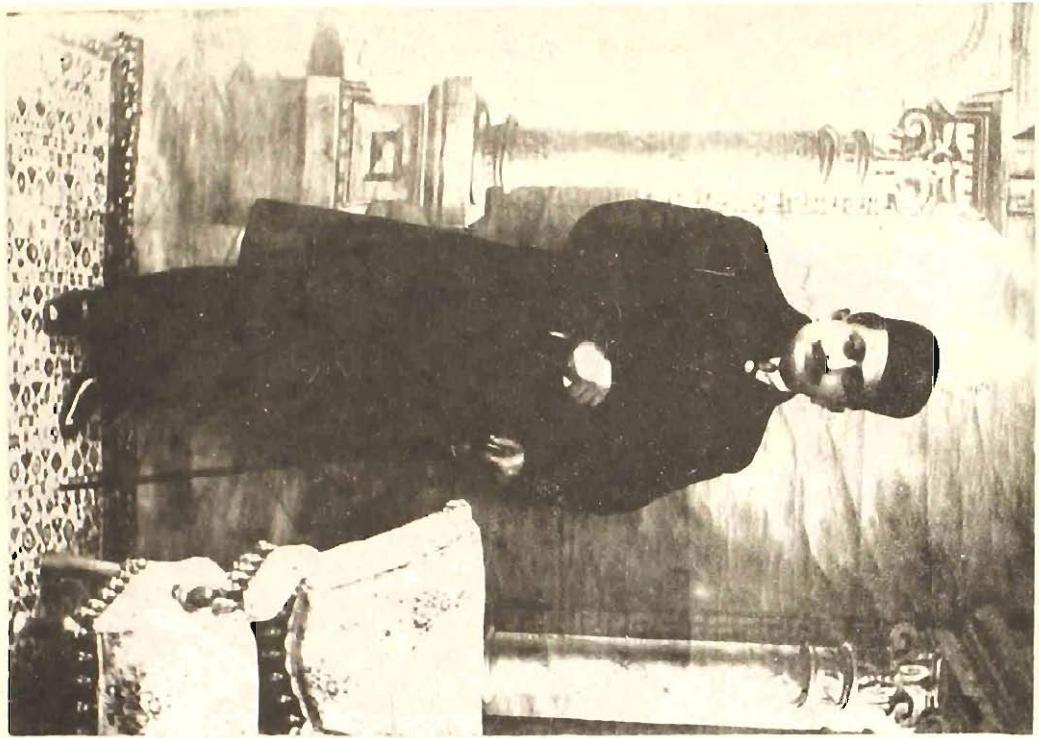


علیقلی خان سردار اسعد در جوانی

(عکس از موشه، مادرلو)



سید اسد خان بنیادی



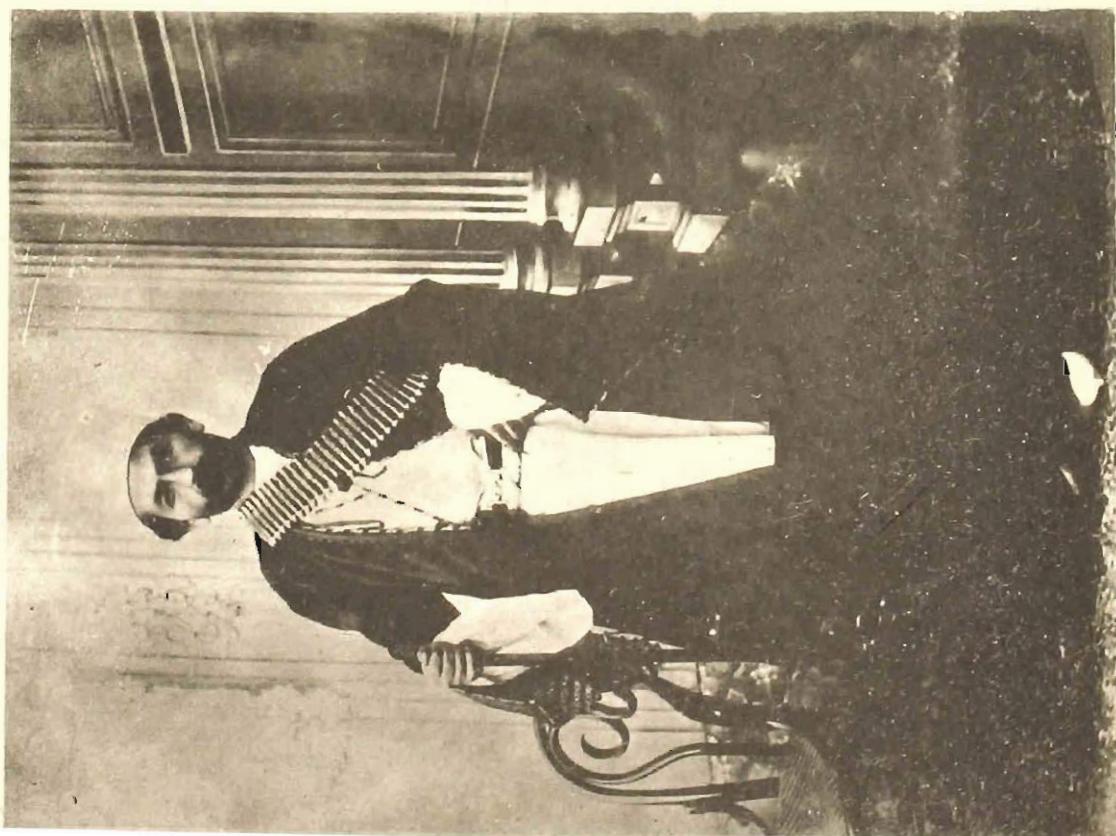
سید اسد خان بنیادی



خسرو خان سردار ظفر در فرنگستان



علیقلی خان سردار اسعد



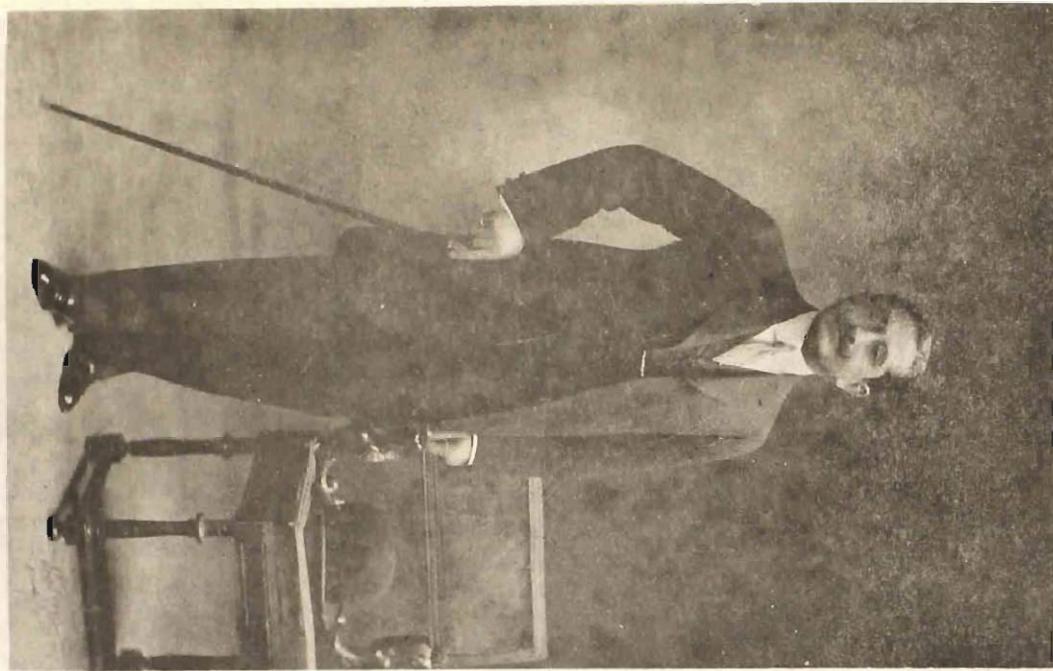
(سفر آخری)

جعفر قلی خان سردار اسعد در فرنسستان



(سفر اول)

جعفر قلی خان سردار بهادر در فرنسستان



دکتر احیاء الملک شیخ و جعفر قلی خان سردار اسد



جعفر قلی خان سردار اسد





جعفرقلی خان سردار اسعد در اروپا

## فهرست نامهای کسان

- آ
- |  |   |
|--|---|
| احمدخان (میرزا) ۲۲ (رئیس تلگراف<br>کرمان)  | آخوند خراسانی، محمدکاظم ۹۲  |
| احمدخان محسنی (دکتر) ۲۵۴   | آشتیانی، مرتضی (آقاشیخ) ۱۸۷   |
| احمدشاه ۱۲، ۱۲، ۴۲، ۸۲، ۱۱۳، ۱۶۷، ۱۹۶  | آشتیانی، هاشم (آقامیرزا) ۱۸۴  |
| احیاءالدوله ۱۵۹، ۱۵۱   | آصفالملک (حاکم بردسیر) ۲۲   |
| احیاءالسلطنه بهرامی، حسین (دکتر)<br>۱۷۱  | آصفالمالک، محمدحسین (وکیل کرمان)<br>۲۱  |
| احیاءالملک شیخ، محمد (دکتر) ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۳۸، ۳۷، ۳۲، ۲۹، ۲۸، ۲۵، ۵۴، ۶۰، ۷۱، ۸۵، ۷۶، ۷۴، ۵۵، ۹۱، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۷۵، ۱۷۲، ۲۰۸، ۲۰۷، ۱۹۹، ۱۹۲، ۱۸۶، ۲۴۰، ۲۲۹، ۲۲۷، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۵۷، ۲۵۳ | آقازاده خراسانی ۹۲، ۹۵، ۱۱۴، ۱۸۶،<br>آق اویلی، فرج الله (سرتیپ) ۲۲۹، ۲۲۱،<br>آبرم، محمدحسین خان (سرتیپ) ۱۵۵، ۲۵۲، ۲۴۰، ۱۹۹، ۱۵۶ |
| ادیب السلطنه سمیعی، حسین ۴۶، ۶۲، ۲۳۸، ۱۳۰، ۲۰۳، ۸۷   | آیةاللهزاده خراسانی = آقازاده ۲۷  |
| اردلان = عزالمالک  |   |
| ارشدالدوله، علی ۱۴   |   |
| استرا بادی، محمدحسین (آقا شیخ) ۴۲  |   |
| استراسیلسکی ۳۰   |   |
| اسدالله = خرقانی ۹۱  |   |
| اسداللهخان (میرزا) ۹۱  |   |
| اسعد = بغتیاری   |   |
- الف
- |                                  |  |
|----------------------------------|--|
| ابن سعود ۱۳۴، ۱۶۰                |  |
| ابوالحسن خان (سرتیپ) ۲۲۸         |  |
| ابوالقاسم گرکه ۲۲۵               |  |
| اتابکی، احمد ۱۸۳، ۱۸۹            |  |
| اتیکه‌چی، اسمعیل ( حاجی) ۹۸      |  |
| احتشام السلطنه، محمود علامیر ۱۹۰ |  |
| احساناللهخان ۲۴                  |  |
| احمدآقا امیراحمدی (امیرلشکر) ۱۵۰ |  |
| ۲۱۸                              |  |

- اسفندیاری (قنسول ایران در باکو) ۲۱۳  
 اسفندیاری، حسن = محتشم السلطنه ۲۱۳  
 اسلامبولچی، محمد (آقاسید) ۴۳  
 اسکندری = سلیمان میرزا ۴۳  
 ام میل آقا = سمیتقو ۱۴۵  
 اسپیل اتیکهچی = اتیکهچی ۲۵۲  
 اسپیل خان شفائی (امیر لشکر) ۲۵۲  
 اسپیل خان سوادکوهی ۱۸۴  
 اسپیل میرزا پسر ظل السلطنه ۵۲  
 اصفهانی، ابوالحسن (آیة الله) ۱۱۶  
 اصفهانی = نورالله ۱۸۵  
 اعتضادالسلطنه (شاهزاده محمدحسن میرزا) ۱۶۵، ۶۲  
 اعتلاء السلطنه ۹۲، ۶۲، ۲۵  
 اعتلاء الملك خلعت بربی، نصرالله ۲۴  
 اعتمادالدوله قراگزلو، یحیی ۲۲۸، ۲۱۷  
 اعتمادالملک ۴۳  
 اعلم، مظفر ۲۳۷  
 افراسیاب بختیاری ۱۷۸  
 اشار = امیرافشار  
 اشار = بچاقچی ۲۵۲، ۲۴۶، ۲۴۰  
 اکبر = سردار معتمد ۸۵، ۴۳  
 امام جمعه خوئی، یحیی ۲۲۵، ۷۱، ۲۲۸  
 امامقلی خان مسنتی ۲۲۷  
 امان الله افغان ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۰  
 امان الله میرزا = جهانبانی ۱۰۲، ۹۸، ۵۵، ۲۲  
 امیر احمدی = احمدآقاخان ۱۹۹، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۸۶، ۱۱۰  
 امیر اسد ۴۳  
 امیراعلم (دکتر) ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۲۹، ۲۳۷  
 امیرافشار، جهانشاه خان ۵۰، ۴۴، ۳۱
- امیراقدار ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸ ۱۴۵  
 امیراکرم پهلوی ۱۵۰  
 امیرجنگ بختیاری، محمد تقی ۱۲، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۲۶، ۲۲، ۲۲، ۲۹، ۲۷، ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۵۶، ۵۴، ۵۲-۴۵، ۴۴، ۴۲، ۲۹، ۹۸، ۹۷، ۹۴-۹۱، ۸۳، ۸۲، ۷۷، ۱۲۱، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۰۰، ۱۵۸، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۳۷-۱۲۵، ۱۷۵، ۱۶۷، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۵۹، ۲۰۸، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۵، ۱۸۴، ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۲۰، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۹  
 امیرحسین خان سردار (پسر سردار ظفر) ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۳۲، ۶۱، ۱۴۸  
 امیر رضوانی ۴۳  
 امیر شوکت ۲۱، ۲۲، ۵۲ (رئیس امنیه کرمان)  
 امیر طهماسبی، عبدالله خان (امیر لشکر) ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۲۱۷، ۲۱۸  
 امیر عشاير خلخالی ۱۹۷  
 امیر علی حجاز ۱۳۴  
 امیر قلی ۱۱۷  
 امیر مجاهد بختیاری، یوسف ۲۱، ۱۴، ۱۲، ۱۲۲، ۱۲۱، ۸۶، ۸۴، ۷۴، ۵۱، ۳۱  
 امیر مفخم بختیاری ۱۲، ۱۵، ۳۱، ۵۲، ۴۳، ۲۲، ۷۴، ۸۶، ۸۲، ۲۲۲، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۲۷، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۲، ۱۳۹  
 امیر معمتمد ۱۹، ۲۲، ۲۵ (معاون ایالت کرمان) ۱۵۴  
 امیر معمتمد ۱۹، ۲۲، ۲۵ (معاون ایالت کرمان) ۱۵۴  
 امیر منجم بختیاری ۱۲، ۱۵، ۳۱، ۵۲، ۴۳، ۲۲، ۷۴، ۸۶، ۸۲، ۲۲۲، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳

|                      |                         |
|----------------------|-------------------------|
| = سالاراعظم          | ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۸      |
| = سالارمسعود         | ۱۹۰                     |
| = سرداراسعد، جعفرقلی | ۲۵۲                     |
| = سرداراسعد، علیقلی  | ۲۲، ۳۰                  |
| = سردار اشبع         | ۲۵۷، ۲۴۶                |
| = سردار اقبال        | ۲۴۷                     |
| = سردار بهادر        | ۲۵۴                     |
| = سردار جنگ          | ۲۵۵                     |
| = سردار ظفر          | ۴۳                      |
| = سردار فاتح         | ۳۸، ۴۳                  |
| = سردار محتمم        | ۳۰                      |
| = سردار مفخم         | ۱۲۵                     |
| = سلطانمراد          | اپلغان=امیرحسینخان      |
| = سهراب              | ایمبری (ماژور) ۱۲۷، ۱۲۳ |
| = شهابالسلطنه        | ب                       |
| = صارمالملک          | باقرخان ۱۱، ۱۳          |
| = صمامالسلطنه        | بچاقچی افشار ۵۳         |
| = ضرغامالسلطنه       | بچه‌سقا=حبیب‌الله       |
| = ضرغامهمایون        | بختیاری=افراسیاب        |
| = عزتالسلطنه         | امیرجنگ                 |
| = عزتالله            | امیرمجاهد               |
| = فتحعلی             | امین مفخم               |
| = فروغ ظفر           | بهادر                   |
| = قباد               | بهمن                    |
| = کنایتخانم          | بی‌بی‌خانم              |
| = کوکبخانم           | پژمان                   |
| = گوهرشاد            | تاج محل                 |
| = محمد               | تیمور                   |
| = محمدقلی            | جنگی                    |
| = مرتضیقلیخان        | جهانگیر                 |
| = مظفر               | چراغعلی                 |
| = منوچهر             | حمید                    |
| = نادر               | خانباباخان              |
| = نصیرالسلطنه        | خانم‌جان                |
| = هژبر               | رحیم                    |

## ت

- تاج محل بختیاری ۱۴۸، ۱۴۵، ۱۲۰، ۱۹۹، ۱۹۵، ۱۹۶  
 تدین، محمد (سید) ۱۸۴، ۱۶۴، ۱۶۳، ۲۱۷، ۲۰۳، ۱۹۸، ۱۸۳، ۱۶۴، ۱۲۸، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۴۶  
 تقیزاده، حسن (سید) ۱۸۵، ۲۵۶  
 تنکابنی، طاهر (میرزا) ۴۳  
 توفیقی (امیرلشکر) ۲۵۲  
 تیمور بختیاری (پسر سردار اقبال) ۸۴  
 تیمورتاش، ایران ۲۴۷، ۲۴۶  
 تیمورتاش، عبدالحسین = سردار معظم لقا السلطنه، یحیی ۱۰۵، ۲۲

## ج

- جان محمدخان ۱۵۲، ۱۸۶، ۱۸۷  
 جلال = غفارخان  
 جلالی = فطنالملک  
 جم = مدیرالملک  
 جناب دماوندی ۷۶، ۷۴  
 جنگی بختیاری ۱۵۹، ۱۴۵، ۱۲۰، ۴۸، ۱۶۱  
 جوادخان سینکی ۲۰۸، ۲۹، ۲۲  
 جهانیانی، امانالله میرزا (امیرلشکر) ۲۵۲، ۱۲۶، ۱۸۶، ۲۲۷، ۲۲۸  
 جهانشاهخان = امیرافشار  
 جهانگیر بختیاری (پسر سردار اقبال) ۸۴  
 چراخعلیخان بختیاری ۱۲۵

## ح

- حاجی میرزای ناظر ۱۰۸  
 حائریزاده یزدی، ابوالحسن (سید) ۱۲۶  
 حبیب الله بچهستا ۲۳۰  
 حبیب الله خان = شیبانی

—— = همایون

—— = یدالله

بدایع نگار ۹۶ (رئيس فواید عامه خراسان)

برهان الدوّله ۴۲

بزمونی = حسین خان

بنش (دکتر) ۲۴۸

بودرومهری = کریم آقا خان

بویراحمدی = سرتیپ خان

بویراحمدی = شکرالله خان

بهادر بختیار ۲۲۶

بهادر الدوّله ۵۱، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۱۰۵

بهادر همایون ۱۱۷، ۱۰۶

بهادر همایون ۱۹، ۲۲، ۲۲، ۲۲، ۳۹

۹۶، ۹۱

بهار، محمد تقی (ملک الشعر) ۱۰۶، ۴۳

۱۲۸، ۱۲۲، ۱۲۶

بهاءالملک قراکزلو ۸۷، ۲۵

بهیهانی، عبدالله (سید) ۱۲

بهیهانی، محمد (سید) ۱۸۵، ۱۶۰، ۸۵

بهرامی = احیاءسلطنه

بهرامی = دبیراعظم

بهمن، علی اکبر ۲۵۷

بهمن بختیاری (پسر امیر جنگ) ۱۹۸

۱۹۹

بهمنی = حسین

بهمنی = زکی

بهمنی = محمد شفیع

بی بی خانم بختیاری ( حاجیه) ۱۰۶، ۴۸

۱۳۷، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۹۹

۲۵۷، ۲۲۰، ۲۱۴، ۲۰۷

پژمان بختیاری، حسین ۱۰۵

پسیان = محمد تقی (کلنل)

پهلوی = سردار پسی، از صفحه ۱۶۸ به

بعد به عنوان شاه در بسیاری از

صفحات هست

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| ، ۲۴۸، ۲۰۳                          | حریری، میرزا آقا ( حاجی ) ۴۲              |
| ۲۵۷، ۲۵۱، ۲۵۰                       | حسن آقا ۱۱۰                               |
| دبير اعظم بهرامی، فرج الله ۱۲۷، ۱۹۹ | حسین آقاخان قزاق ۹۵، ۹۲                   |
| ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۴۶                       | حسین خان بزمونی ۶۷                        |
| دشتی، علی ۱۹۱                       | حسین خان بهمنی ۱۳۶                        |
| دولتشاهی (مجلل الدوله) ۲۵۷، ۲۵۳     | حسین قمی ( حاج آقا ) ۱۱۱، ۹۵، ۹۲          |
| دیبا (وكيل الملك)، عبدالحسین ۲۴۳    | ۱۸۷، ۱۸۶                                  |
| ۲۵۵، ۲۴۹_۲۴۷                        | حسین مجتبه سبزواری ( حاج میرزا ) ۹۲       |
| دیوسالار = سalar بهادر              | حشمت الدوله، ابوالفتح ۴۳، ۲۴، ۲۱، ۱۱۷، ۸۳ |
| ذکاءالملک فروغی، محمدعلی ۸۶، ۹۴     | حکمت، علی اصغر ۲۵۷                        |
| ۱۰۳، ۱۷۵، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۶۹             | حکیم الدوله ۹۴، ۴۶                        |
| ۱۹۸، ۱۹۴، ۱۹۰، ۱۸۳، ۱۷۶             | حکیم الملک، ابراهیم ۹۴، ۶۲، ۲۵            |
| ۲۵۶، ۲۵۱، ۲۴۰، ۲۴۶                  | حمسینخان ۱۵۹ (شاید سیاح)                  |
| ۲۵۷                                 |   |

ر

- |   |  |
|---|--|
| رحیم بختیاری (پسر امیر مجاهد) ۱۵۴           |  |
| رشتی=قائم مقام الملک                        |  |
| رشتی=کریم خان                               |  |
| رضاخان=سیدار سپه                            |  |
| رفعت الدوله ۲۱ (از رؤسای وکیل الملکی کرمان) |  |
| رفعت السلطان ۲۱ (وکیل کرمان)                |  |
| رفیع=قائم مقام الملک                        |  |
| رفیع الوزاره ۲۲ (رئیس تعداد کرمان)          |  |
| رکن السلطان ۲۲، ۶۰ (حاکم رفسنجان)           |  |
| روح الله خان (یاور) ۱۹۱                     |  |
| رهنما، زین المابدین (معاون رئیس وزراء)      |  |
| ۲۱۷   |  |
| رئیس التجار، رضا ۱۰۸، ۹۴                    |  |

ز

- |                                  |  |
|----------------------------------|--|
| Zahedi = فضل الله خان            |  |
| زردشتی، منوچهر (دکتر) ۶۷         |  |
| زرین کفش، علی اصغر ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶ |  |

خ

- |   |  |
|---|--|
| خالصیزاده (شیخ) ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳ |  |
| خانبا باخان بختیاری (پسر علیقلی) ۸۱     |  |
| خدا یارخان (امیر لشکر) ۱۰۳، ۱۲۷، ۲۵۲    |  |
| خرقانی، اسدالله (سید) ۱۵۲               |  |
| خزاعی (امیر لشکر) ۲۵۲                   |  |
| خزل غل=شیخ خزل                          |  |
| خلعت بری = اعتلاء الملک                 |  |
| خونی (آخوند) ۱۸۵                        |  |
| خیابانی، محمد (شیخ) ۲۸                  |  |

د

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| دادگر، حسین = عدل الملک           |  |
| داودخان پسر مجدالملک ۱۰۱          |  |
| داور، علی اکبر ۱۶۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹ |  |

- زکی خان بهمنی ۱۳۶  
زندی (سرهنگ) ۲۲۷
- س**
- ساعده الدوّله تنکابنی ۱۴۵، ۱۳۹، ۴۳  
سالار اعظم = خانبا باخان بختیاری ۱۴  
سالار بهادر، علی دیوسالار ۱۴  
سالار جنگ سوادکوهی ۱۸۸، ۱۸۵، ۱۸۴  
سالار الدوّله، ابوالفتح میرزا ۱۸۹، ۱۵، ۱۴  
سالار لشکر ۴۲، ۲۸، ۳۲  
سالار مبشر (رئیس تلگراف خراسان) ۹۶  
سالار مسعود بختیاری، مهدیقلی (پسر ۲۱۴، ۱۲۵، ۱۴، ۱۲)  
سالار ظفر (رئیس نظمیه مشهد) ۱۰۶  
سپهبدار اعظم، فتح الله اکبر ۲۲، ۲۳، ۲۴۷، ۲۸، ۳۴، ۲۲، ۳۰  
سپهسالار اعظم، محمدولی تنکابنی ۱۱، ۴۳، ۱۴، ۱۲  
ستارخان ۱۲، ۱۱  
سرتیپ خان بویر احمدی ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۰۵  
سردار اجل (پسر شیخ خزعل) ۱۴۲، ۱۵۱  
سردار اسعد بختیاری، چمفرقلی (سردار بهادر پیشین) در غالب صفحات به تصریح یا اشاره  
سردار اسعد بختیاری، علیقلی ۱۲، ۱۱، ۲۲۳، ۱۴  
سردار اشجع بختیاری، سلطان محمد ۱۲، ۱۵، ۳۱، ۳۲، ۴۶، ۴۱، ۸۲، ۷۷  
سردار اقبال بختیاری ۱۲، ۳۱، ۸۲، ۲۲۲، ۸۴  
سردار اقدس = شیخ خزعل ۱۰۴، ۱۰۲  
سردار انتصار ۱۰۴، ۱۰۲  
سردار بختیار ۱۵  
سردار بهادر، محمدقلی خان ۱۹، ۲۳
- ۱۵۰، ۴۸، ۲۸، ۲۷، ۲۲، ۲۶  
۸۱، ۷۶، ۷۵، ۷۱، ۶۵، ۶۴، ۵۱  
۱۴۵، ۱۴۲، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۰۶  
۲۱۷، ۲۰۸، ۲۰۴، ۱۹۱، ۱۵۵  
۲۲۲، ۲۲۹  
سردار جنگ بختیاری، نصیر ۱۱، ۱۴  
۸۴-۸۲، ۷۷، ۳۷، ۲۱، ۱۹، ۱۵  
۱۷۰، ۱۲۷ - ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۱۰  
۲۰۴، ۱۹۴، ۱۹۰، ۱۸۲، ۱۷۴  
۲۲۲، ۲۱۴  
سردار حشمت ۲۱  
سردار رفت ۱۲۷  
سردار سپه (رضاخان، شاه بعدی) ۳۴  
۶۴، ۶۲، ۵۷، ۵۵، ۴۵، ۴۴، ۴۰  
۹۴، ۸۶، ۸۱، ۷۲، ۶۹، ۶۷  
- ۱۲۱، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۱، ۱۰۳  
۱۴۰، ۱۲۸، ۱۲۵-۱۲۳، ۱۲۰  
۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸-۱۵۴، ۱۵۷-۱۵۲  
از ۱۶۸ به بعد با عنوان شاه مکرر  
آمده.  
سردار ظفر بختیاری، خسرو ۱۵-۱۲  
۴۲، ۳۹، ۲۶ - ۲۸، ۲۱، ۱۵-۱۳۵، ۸۶، ۸۲، ۷۴، ۶۳، ۵۴-۴۷  
- ۱۵۲، ۱۴۸، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۲۷  
۲۱۴، ۱۹۸، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۵۹  
۲۲۸  
سردار فاتح بختیاری، محمد رضا ۱۴  
۲۲۲-۲۲۹، ۲۰۵، ۸۴  
سردار لشکر (پسر شیخ خزعل) ۱۴۱  
سردار مجلل ۲۲، ۲۹ (حاکم بم)  
سردار محتمل بختیاری، غلامحسین ۱۲-۱۵  
۹۲، ۸۶، ۷۴، ۶۳، ۲۱، ۲۱، ۱۵  
۱۹۴، ۱۹۰، ۱۳۷، ۱۲۵، ۱۱۱، ۹۴  
۲۵۷، ۲۲۲، ۲۰۴  
سردار معینی رشتی (معز السلطان) ۷۴، ۱۴

- سینکی=جوادخان ۱۶۷  
 سردار مفخم بختیاری، ۱۶۷  
 سردار معتمد، صادق اکبر ۳۰، ۳۲  
 سردار معزز بجنوردی، ۹۲، ۱۰۹، ۱۴۸  
 شاه بختی (امیر لشکر) ۲۲۹ ۱۵۲  
 شاهرخ، کیخسرو ۱۸۵ ۱۸۷  
 شجاع التولیه ۱۱۵ ۱۵۸، ۱۵۹  
 شریعتزاده، احمد (وکیل) ۲۴۹، ۲۵۰ ۱۵۵  
 شریعتمدار ۲۱ ۲۲۲، ۲۰۷، ۱۹۴، ۱۹۱، ۱۸۸  
 شریف الدوله بنی آدم، علیمحمد ۱۷۱ ۲۵۷-۲۴۳  
 شعاع السلطنه، فتح الله میرزا ۱۵، ۱۴، ۳۰ ۲۳۵  
 شفانی=اسمعیل خان ۱۸۵، ۴۳، ۳۸  
 شکرالله خان بویراحمدی ۲۳۷، ۲۳۵ ۱۳۴  
 شکوه الملک، حسین ۲۰۳، ۲۲۷، ۲۲۹ ۱۱۷  
 شهاب (آقامیرزا) ۷۳ (بقائی کرمانی) ۵۲  
 شهاب الدوله ملک آرا، اسدالله میرزا ۵۵ ۱۳۵  
 شهاب الدوله بختیاری، ۱۴، ۱۵، ۳۱ ۱۶۸  
 شهاب السلطنه بختیاری، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۸۴ ۵۸، ۵۶  
 شیبانی، حبیب الله (سرتیپ) ۱۷۴، ۲۲۰ ۷۵  
 شیخ=احیاء الملک ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۳۷-۲۲۵  
 شیخ العراقین زاده ۱۹۰ ۷۰  
 شیخ خزعل (سردار اقدس) ۳۲، ۸۲ ۷۱  
 شیخ امیر ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹ ۷۲  
 شیخ امیر ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۲ ۱۰۳  
 شیخ امیر ۱۳۶، ۷۴، ۴۹ ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۰۳  
 شیرازی=آیة الله زاده ۲۷ ۱۶۸  
 شیرازی، محمد تقی ۲۷  
 ص ۹۸  
 صاحب اختیار غفاری، غلامحسین ۱۶۲  
 صاحب نسق قمی، محمد صادق ۱۹، ۲۳، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۶۰، ۷۴، ۷۶ ۱۶۴  
 سیدالعراقین ۱۶۳ ۱۶۴  
 سیدالحقیقین ۲۶، ۲۳، ۱۹ ۱۶۴  
 سیف السلطنه ۲۵۶، ۲۵۴ ۲۵۶  
 سیاح، همایون (معاون مالیه) ۹۸

|   |  |
|---|--|
| <p><b>ظہیرالملک</b> ۱۵۳</p> <p><b>ع</b></p> <p>عامری = سلطان محمد نائیبی ۲۵۱</p> <p>عباس (شوفور) ۲۲۱</p> <p>عبام خان (سلطان) ۲۲۱</p> <p>عبام میرزا پسر احمد شاہ ۱۱۳</p> <p>عبدالحسین (حاج شیخ) ۴۲</p> <p>عبدالرحیم خان (میرزا) ۲۱، ۶۶، ۷۴</p> <p>رئيس عدلیہ کرمان ۲۳۷</p> <p>عبدالرضاخان (تاجر) ۱۲۸</p> <p>عبدالرضاخان (سرتیپ) ۱۲۸</p> <p>عبدالله خان = امیر طہماسبی ۲۲</p> <p>عدل السلطان ۲۱، ۲۱ (حاکم جبال بارز)، ۵۱، ۳۲</p> <p>عدل الملکدادگر، حسین ۳۰، ۳۶، ۵۲، ۱۶۹</p> <p>عز الممالک اردلان، امان اللہ ۲۱، ۴۹</p> <p>عزت اللہ بختیار ۱۰۳</p> <p>عزت اللہ (امیر لشکر) ۲۴۶</p> <p>عزت السلطنه (زن سردار اسعد) ۱۰۸</p> <p>عضا الدوله قاجار، علیرضا ۱۲</p> <p>علاء الدوله قاجار ۸۵، ۱۶۲</p> <p>علائی (علام)، حسین ۱۶۴، ۲۱۳، ۲۴۸</p> <p>علی اکبرخان (میرزا) ۱۰۶</p> <p>علی خان قشقائی ۲۵۷</p> <p>علیرضا خان ۲۹</p> <p>علی محمد (حاج میرزا) ۳۹، ۵۱، ۷۲، ۷۵</p> <p>علی مردان خان چہارلنگ ۲۲۳</p> | <p><b>صادق</b> = مستشار الدوله ۱۲۶، ۱۱۷</p> <p>صارم الدوله، اکبر میرزا ۲۲، ۲۹، ۴۲، ۲۲۸، ۱۵۰، ۹۷</p> <p>صارم الملک بختیاری ۱۲، ۱۵، ۱۳۵، ۲۰۰</p> <p>صدرالاشراف، محسن ۲۵۷</p> <p>صمصام السلطنه بختیاری، نجفقلی ۱۱، ۱۵، ۲۱، ۴۹، ۳۶، ۲۱</p> <p>صومات الدویلہ قشقائی، اسماعیل ۱۵۱، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۳۵، ۸۶، ۸۲</p> <p>صوصام الملک بیات، مصطفی قلی ۲۵۷</p> <p>صور، قاسم ۱۰۳، ۲۲۸</p> <p>صولت الدوله قشقائی، اسماعیل ۱۵۴، ۲۲۸، ۲۲۱</p> <p>صولت السلطنه، محمد یوسف ۱۱۰ (هزاره) ۲۲۰</p> <p><b>ض</b></p> <p>ضرغام رفت ۹۱</p> <p>ضرغام السلطنه، ابراهیم بختیاری ۱۲، ۱۱</p> <p>ضرغام السلطنه (دیگری) (حاکم روڈبار) ۲۲</p> <p>ضرغام ہمایون بختیاری ۵۶، ۵۸</p> <p>ضیاء السلطان ترک ۱۲۲</p> <p><b>ط</b></p> <p>طباطبائی، ضیاء الدین (سید) ۲۵، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۵۲</p> <p>طباطبائی، محمد (سید) ۲۳</p> <p>طہماسبی = امیر طہماسبی</p> <p><b>ظ</b></p> <p>ظفر ایلخان = امیر حسین خان</p> <p>ظہیر الاسلام، جواد ۱۰۸، ۵۷</p> <p>ظہیر الدوله، ابراهیم ۲۱</p> |
|---|--|

- فلاحالسلطنه** ۴۳  
**فولادی (سرهنگ)** ۱۹۰  
**فهیم الدوّله، خلیل‌هدایت** ۹۶، ۳۰  
**فهیم‌الملک = فهیمی، رضا**  
**فهیمی، رضا** ۴۱، ۶۶
- عیادالسلطنه** مشیرفاطمی، مهدی ۴۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۷، ۱۹۸
- عیدالسلطنه (وکیل کرمان)** ۴۶، ۲۱، ۷۲، ۵۵
- عنایت‌الله‌خان افغان** ۲۲۰
- عیسی‌خان (میرزا)** ۴۴، ۳۶
- عین‌الدوّله، عبدالجید میرزا** ۲۸، ۱۱، ۱۸۵، ۱۰۴، ۴۳، ۳۸
- ق**
- قائم‌مقام‌الملک رفیع‌رشتی** ۱۳۷، ۴۳، ۲۲۸، ۱۹۱
- قباد‌مختاری** ۱۶۱، ۱۶۵
- قدیمی = مشار‌السلطنه**
- قراخان = کاراخان**
- قراگزلو = اعتماد‌الدوّله**
- قراگزلو = امیر‌نظام**
- شقائقی = (صوت‌الدوّله، اکسلیل)**
- شقائقی = علی‌خان**
- شقائقی = ناصرخان**
- قمری، حسین (حاج‌آقا)** ۹۲، ۹۵، ۱۱۱
- قمری، حسین (حاج‌آقا)** ۱۸۶
- قنبکی شش‌حالی** ۲۲۵
- قوم‌الدوّله، شکرالله‌خان** ۴۲، ۸۳، ۹۹
- قوم‌الدوّله، احمد** ۱۷۰، ۱۹۱، ۱۵۹
- قوم‌السلطنه، احمد** ۴۶، ۴۵، ۴۲، ۳۹، ۷۲، ۷۰، ۶۲، ۵۹، ۵۷، ۵۵
- قوام‌السلطنه، احمد** ۱۰۴-۱۰۱، ۸۵، ۸۴، ۸۱، ۷۳
- قوام‌السلطنه، احمد** ۱۸۵، ۱۷۳، ۱۶۰
- قوام‌الملک‌شیرازی** ۲۶، ۸۲، ۱۴۲-۱۲۸
- قوام‌الملک‌شیرازی** ۱۵۳، ۱۵۲
- ک**
- کاراخان (وزیر خارجه شوروی)** ۲۵۶
- کازرونی، علی ( حاجی‌میرزا )** ۴۳
- کاشی = مشاء‌الله‌خان**
- عمادالسلطنه مشیرفاطمی، مهدی** ۴۳، ۱۵۹
- عین‌الدوّله، عبدالجید میرزا** ۲۸، ۱۱، ۱۸۵، ۱۰۴، ۴۳، ۳۸
- غ**
- غفارخان جلال (وزیر‌مختار)** ۱۴۸
- غلام‌خان** ۲۵۱
- غلامرضاخان** ۲۳ (حاکم کوهپایه)
- ف**
- فضل** ۱۱۷
- فضل بسطامی** ۹۸
- فضل خراسانی** ۹۵، ۹۴
- فتحعلی‌خان بختیاری** ۲۳۲
- فتح‌الله (دکتر)** ۲۱۲، ۲۱۳
- فخر‌الملوک (زن امیر‌جنگ)** ۱۸۳، ۱۴۵
- فرامرزخان ارمی** ۶۶ (رئیس‌مالیه‌کرمان)
- فرخ، مهدی (معتصم‌السلطنه)** ۲۴۶، ۲۵۲
- فرمانفرما، عبدالحسین‌میرزا** ۲۶، ۳۸
- فرانکیسخانم** ۱۹۹
- فروغ‌ظفر** ۲۲۰، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۷۳
- فروغی = ذکاء‌الملک**
- فضل‌الله‌خان زامدی (سرتیپ)** ۱۴۱
- فطن‌الملک** ۲۴۸، ۲۴۰، ۱۵۵
- فطن‌الدوّله** ۴۳
- فطن‌الملک، شمس‌الدین جلالی** ۶۰، ۶۶
- ف** ۷۴

- کاشی = نایب حسین  
 کاکس (ژنرال) ۲۴  
 کدمن، جان (سر) ۲۵۰-۲۵۳  
 کرمانی، محمد رضا ( حاج میرزا ) ۱۷۶، ۲۷  
 کرمانی = نورالله خان  
 کریم (مازور) ۲۰  
 کریم آقاخان بودرومهری ۲۵۲  
 کریم خان پیشخدمت ۷۲، ۱۹  
 کریم خان رشتی (میرزا) ۱۹۱  
 کریم خان کوهگلوبهای ۲۳۶، ۲۳۵  
 کفایت خانم (زن امیر حسین خان) ۱۷۷، ۲۰۸  
 کوپال، صادق (سر تیپ) ۲۴۰  
 کوچک خان (میرزا) ۵۹، ۵۷، ۵۶  
 کوکب خانم ۲۰۸، ۱۹۹، ۱۹۵  
 کیهان، مسعود خان ۴۰، ۳۶  
 گری (مازور) ۲۰  
 گوهر شاد (دختر سردار اسعد) ۱۰۹، ۱۰۸
- ل**
- لاهوتی، ابوالقاسم ۶۳  
 لرن، پرسی (سر) ۱۸۴  
 لسان الملك ۴۳  
 لطفعلی خان (میرزا) ۲۹  
 لقمان خان (میرزا) ۲۹  
 لین ۲۱۲، ۱۰۸
- م**
- ماشاء الله (نونکر سفارت روس) ۴۹، ۴۱  
 ماشاء الله خان کاشی ۱۹۷  
 ماکدونالد ۱۳۵، ۱۰۸  
 مجdal الملک ۱۰۱  
 مجلل ۱۷۲  
 مجلل الدوله = دولتشاهی  
 مجلل السلطنه (کارگزار کرمان) ۹۶، ۲۱
- محاسب المالک شیبانی، ۲۲  
 محشم الدوله ۵۲ (حاکم جبال بارز)  
 محشم السلطنه اسفندیاری، حسن ۳۲،  
 ۴۲، ۳۸، ۴۵، ۸۶، ۷۲، ۹۹، ۱۷۶  
 کرمانی ۱۹۰  
 محشم الملک (حاکم جیرفت) ۲۳، ۵۱، ۶۰  
 محسنی = احمد خان (دکتر)  
 محمد خان (یاور) ۶۵، ۶۶، ۷۴ (رئیس  
 قشون کرمان)  
 محمد اسعد (سالار اعظم) ۲۰۵، ۲۳۵  
 ۲۲۶  
 محمد واعظ (آقائیخ) ۱۰۷  
 محمد تقی خاند پسیان (کلبل) ۵۴  
 محمد حسن میرزا = اعتضادالسلطنه  
 محمد حسین خان (سر تیپ) = آبرم  
 محمد حسین میرزا (شاہزاده - سرتیپ)  
 پسر فرمانفرما ۹۲، ۱۳۹، ۱۴۲،  
 ۲۱۷، ۲۲۳  
 محمد رضا کرمانی (مجتبه) ۱۲۶  
 محمد شفیع بهمنی ۱۲۶  
 محمد علی شاه ۱۵۲، ۱۴۸، ۱۵، ۱۴، ۱۱  
 محمد قلی بختیاری ۲۱۳  
 محمد قلی خان (سر تیپ) ۲۲۳  
 محمد نادر خان افغان (نادر شاه) ۲۳۰  
 محمود آقا (امیر لشکر) ۱۳۷  
 محمود خان (دکتر) ۷۱  
 معیط [مافی]، هاشم (میرزا) ۴۳  
 مخاطب السلطنه (رئیس تلگراف کرمان)  
 ۷۴، ۶۸  
 مخبر السلطنه هدایت، مهدیقلی ۲۸، ۲۶  
 ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۹۸، ۱۹۰، ۸۷، ۶۳  
 ۲۵۱، ۲۴۶، ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۰۵  
 ۲۵۶  
 مختار الملک (حاکم خبیص) ۳۹، ۲۲، ۲۱  
 مدبر الدوله سمیعی، عنایت الله ۲۴۰

- مدبرالملک (رئيس نظمه مشهد) ۱۰۶  
 مدرس، حسن (سید) ۳۸، ۴۲، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۱۲۲–  
 مشارالملک، حسن ۲۲، ۵۲، ۵۴، ۵۷، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۴  
 مشارالملک (مفتش کل مالیه) ۶۰، ۱۶۹، ۱۳۰، ۲۲  
 مشارالملک انصاری، علیقلی ۲۵  
 مشاورالملک (مشاور کل مالیه) ۲۴، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۱۲  
 مشیرالدوله، حسن ۲۴، ۳۰، ۳۴، ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۵۷، ۶۲، ۸۲، ۸۸، ۹۴، ۱۰۲، ۱۵۱  
 مشیرفاطمی = عمادالسلطنه ۱۰۷  
 مشیر معظم ۳۶، ۴۵، ۴۶، ۵۵، ۵۸، ۶۶  
 مشیرالملک نائینی ( حاجی) ۱۵۹  
 مصدقالسلطنه، محمد (دکتر) ۲۴، ۳۱، ۴۵، ۴۶، ۵۵، ۵۷، ۷۴  
 مصطفی کمال پاشا ۱۰۴  
 مصطفی میرزا (شاهزاده) ۱۱۴  
 مظفرخان (پسر سردار جنگ) ۱۱۰  
 مظفرالدین شاه ۱۱  
 مظفرالملک ۲۰۷  
 معاضدالسلطنه پیرنیا، ابوالحسن ۶۶، ۱۰۳  
 معاونالدوله غفاری، حسینعلی ۱۸۶  
 معاون وزاره (رئيس پست خراسان) ۹۶  
 معتصم السلطنه = فرج ۴۳  
 معتمد همایون (رئيس کابینه کرمان) ۲۲، ۶۶، ۹۱، ۹۶  
 معدنجی (مدیر زبان ایران) ۴۳  
 معزالسلطنه = سردار معینی ۴۴  
 معززالدوله ۴۴  
 معظمالملک (رئيس کمیسیون سرحدی) ۱۰۶، ۱۰۰  
 معینالاسلام ۸۵، ۳۲–۳۱  
 معین التجار بوشهری ۲۴۷، ۴۲، ۴۳، ۳۸
- مرآتالسلطنه اسفندیاری (حاکم افشار و اقطاع) ۲۲، ۲۴، ۳۲، ۲۹، ۵۲، ۵۰  
 مرتضی ( حاجی میرزا) ۲۲، ۵۱، ۲۱  
 مرتضی خان یزدانپناه (سرتیپ) ۱۵۵، ۲۵۲، ۲۲۷، ۱۶۵  
 مرتضی قلی خان بختیاری (ایل بیگی) ۱۲، ۳۱، ۲۹، ۱۵، ۵۰، ۸۴، ۶۳، ۵۱، ۱۰۱، ۱۴۶، ۱۴۲، ۱۳۷–۱۳۲  
 مرتضی قلی خان سیوندی ۵۳  
 مرزبان = امینالملک ۹۶  
 مستشارالدوله صادق، صادق ۴۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۶۸  
 مستشارالملک ۲۱ (وکیل کرمان) ۹۸  
 مستوفی الممالک، حسن ۲۱، ۲۴، ۱۳، ۹۳، ۸۶–۸۴، ۸۲، ۱۵۱، ۹۴، ۱۸۳، ۱۷۹، ۱۶۵، ۱۶۲، ۲۰۳، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۰، ۱۸۹  
 مسعودالملک (رئيس نظمه کرمان) ۲۵، ۶۶  
 مشار ( حاجی) ۲۴۷  
 مشاراعظم، یوسف ۱۶۹  
 مشارالدوله حکمت ۱۷۱، ۱۳۰، ۴۳  
 مشارالسلطنه اسدالله ۲۹، ۲۵، ۲۳، ۲۴

|  |  |
|--|--|
| میکده، سلیمانخان ۳۰                    | ۲۵۵  |
| میلسپو (دکتر) ۸۴، ۲۰۴، ۲۰۵             | معینالدوله (حاج) ۸۲  |
| ن                                      | مخاشرالسلطنه (نایب‌الایاله کرمان) ۲۳، ۲۷، ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۵۰، ۶۶ |
| نادر بختیار ۲۳۶                        | ۷۰، ۹۱ (خراسان)، ۹۳، ۹۴، ۹۶ (حاکم قوچان)، ۱۰۵                |
| نازبگم ۱۰۶، ۱۴۵، ۲۰۸، ۱۷۸              | ۱۰۶  |
| ناصرخان قشقائی ۲۵۷                     | مقدم (سرتیپ) ۲۵۲   |
| ناصرالدوله ۲۳                          | مقربالسلطنه (کارگزار خراسان) ۹۶                              |
| ناصرالدوله ۲۴۸                         | مکانسکی ۲۰۵  |
| ناصرالملک، ابوالقاسم ۲۰۰               | مکرمالسلطان ۱۰۲  |
| ناظمالدوله تبریزی ۲۱۷                  | ملک، حسین (حاج) ۲۴۵  |
| نایب‌الایاله = مفاخرالسلطنه            | ملک آرا = شهاب‌الدوله  |
| نایب‌حسین‌کاشی ۱۴                      | ملک‌الشعرای = بهار   |
| نائینی (آیة‌الله) ۱۱۶                  | ملکه پهلوی ۱۷۳   |
| نائینی = سلطان‌محمدخان عامری           | متازالدوله، اسماعیل ۵۸، ۴۵                                   |
| نفعیان = امیر مولق                     | متازالملک، مرتضی ۸۶، ۴۲، ۳۸                                  |
| نراقی (وکیل کاشان) ۱۲۳                 | منتصرالسلطنه (کارگزار خراسان) ۹۶                             |
| نرسی ارمنی ۴۹                          | منتظم‌الدوله (نایب‌الایاله خراسان) ۹۹                        |
| نصرالملک هدایت، حسنعلی ۲۲، ۳۰، ۳۲، ۱۵۳ | ۱۱۶، ۱۰۱   |
| نصرت‌الدوله فیروز ۳۸، ۴۲، ۹۷، ۹۹       | نصرالسلطنه عدل، مصطفی ۳۶، ۲۶۳، ۱۸۲                           |
| ۱۵۹، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۹۸، ۱۹۷                | ۲۴۰  |
| نصرت‌السلطنه ۲۲۱                       | نصرالملک، رجبعلی ۲۴۸، ۲۴۶، ۱۸۳                               |
| نصرت‌السلطنه ۳۹، ۴۰، ۹۷، ۸۳            | ۲۵۷، ۲۵۶   |
| نصرت‌الملک (رئیس نظمه کرمان) ۲۲        | منوچهر بختیاری ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۲۹                                 |
| نصرت‌الملک (حاکم زرند) ۲۱، ۲۲          | ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۲۰  |
| ۲۸                                     | مؤمن‌السلطنه ۱۰۵   |
| نصیرالدوله بدر، احمد ۲۲، ۱۹۰، ۱۹۹      | مؤمن‌الملک پیرنیا، حسین ۱۱۴، ۲۴                              |
| نصیرالسلطنه ۴۲، ۸۵                     | ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۲۴  |
| نصیرالملک شیرازی ۱۳۸                   | مودب‌الدوله نفیسی (دکتر) ۲۴۵، ۳۶                             |
| نظام‌الدوله ۱۱۰                        | موقر‌الدوله بالیوزی ۴۲، ۳۶                                   |
| نظام‌السلطنه مافی ۵۸، ۸۲               | مهدوی = امین‌الضرب   |
| نظم‌الملک ۱۲                           | مهدوی، حسن‌آقا پسر امین‌الضرب ۲۳۴                            |
| نقی (امیر‌لشکر) ۲۵۲، ۲۵۲، ۱۹۹          | مهندس‌المالک غفاری، نظام‌الدین ۵۲                            |
|  | ۶۰   |

|                                  |               |  |                    |
|----------------------------------|---------------|--|--------------------|
| وکیل‌الملک نوری                  | ۲۱            | نورالله اصفهانی (آقا شیخ)              | ۹۴، ۹۳             |
| وهاباف، رحیم                     | ۹۸            | نورالله‌خان کرمانی                     | ۲۸، ۲۱             |
|                                  | ۵             | نوری، آقاضیا                           | ۴۳                 |
| مال (مستر)                       | ۹۵            | نوری، شیخ‌فضل‌الله                     | ۴۳                 |
| هایم کلیمی                       | ۱۹۰           | نه‌فرنگ                                | ۲۰۰                |
| هدایت = فهیم‌الدوله              |               | نیرالسلطان                             | ۵۵                 |
| هدایت = مخبر‌السلطنه             |               | نیرالملک هدایت                         | ۶۲، ۳۶، ۲۵         |
| هدایت = نیرالملک                 |               |  | و                  |
| هزبر                             | ۶۰            | والی (امیر‌لشکر)                       | ۲۵۲                |
| همایون (عیال امیر‌جنگ)           | ۱۴۵           | والی پشتکوه                            | ۱۴۷                |
| هننسی (کاپیتان)                  | ۳۳            | ولوق‌الدوله، حسن                       | ۱۶۷، ۱۶۰، ۲۴-۲۱    |
|                                  |               |  | ۲۲۷                |
|                                  |               |  | ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۴ |
|                                  |               |  | ۲۲۴، ۲۲۱           |
| یاسائی، عبدالله                  | ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۴۶ | ولوق‌السلطنه                           | ۴۳، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۷۱  |
| پیرم‌خان                         | ۱۵، ۱۴، ۱۳    |  | ۱۸۶                |
| یعیی (رئیس معارف کرمان)          | ۳۹، ۲۱        | وحید‌الملک شیبانی، عبدالحسین           | ۷۲، ۳۰             |
| یدالله بختیاری (پسر مردار اقبال) | ۸۴            | وزیر دربار (= تیمور‌تاش) از صفحه‌ای که |                    |
| یدالله‌خان اسلحه‌دار باشی        | ۲۴۷           | از وزیر درباری او صحبت است             |                    |
| یزدان‌پناه = مرتضی‌خان           |               | وسلطی                                  | ۲۶                 |
| یزدی، محمد‌حسین (آقا شیخ)        | ۴۳            | وقار‌الملک (حاکم بوشهر)                | ۱۴۰                |
| یمین‌الملک                       | ۴۲، ۱۵۵، ۱۵۷  | وکیل، هاشم (سید)                       | ۲۵۰                |
| یوسف‌خان سلماسی                  | ۱۸۶           | وکیل‌الملک = دیبا                      |                    |

## فهرست گزیده جغرافیایی \*

|                       |                                     |
|-----------------------|-------------------------------------|
| آذربایجان             | ۲۴، ۲۸، ۵۸، ۳۹، ۱۵۱، ۶۶، ۷۵، ۶۷، ۲۳ |
| بم                    | ۶۲، ۲۲، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۸۶، ۲۰۶          |
| بن کوه                | ۷۴                                  |
| بوشهر                 | ۱۴۰                                 |
| بومهن                 | ۱۱۳                                 |
| بویراحمد              | ۲۰۵، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۷-۲۲۸              |
| بهبهان                | ۱۳۹، ۱۳۶، ۲۲                        |
| الف                   |                                     |
| اردبیل                | ۱۵۶، ۱۲                             |
| ارومیه                | ۷۰، ۷۱، ۱۰۹                         |
| استرایاد              | ۱۵۳، ۱۵۵، ۲۷                        |
| اسنده                 | ۲۳                                  |
| اشترینون              | ۱۵                                  |
| اصفهان                | ۱۵۳، ۹۵، ۷۶، ۴۱-۳۹                  |
| افشار                 | ۲۲                                  |
| افغانستان             | ۲۳۰                                 |
| اقطاع                 | ۲۲                                  |
| انار                  | ۲۲                                  |
| انزلی                 | ۱۵۷                                 |
| پ                     |                                     |
| پارک اتابک            | ۱۳                                  |
| پاریز                 | ۲۲                                  |
| پاسیب                 | ۷۴                                  |
| پشتکوه                | ۱۴۷                                 |
| ت                     |                                     |
| تبزیز                 | ۱۶۳                                 |
| تخت جمشید             | ۱۲۸                                 |
| ترسبت                 | ۹۵، ۹۳                              |
| ترکستان               | ۱۰۱                                 |
| ترکمن                 | ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۹۳، ۱۹۳، ۲۳۸             |
| با                    |                                     |
| باغ ناصرالدله (کرمان) | ۴۱، ۴۱، ۲۳                          |
| بجنورد                | ۹۲، ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۵۲                   |
| بردسر                 | ۲۲                                  |
| بروجرد                | ۱۵، ۳۱، ۱۲۱                         |
| ج                     |                                     |
| چاپل                  | ۲۱                                  |

\* انگلیس و روس در غالب صفحات

|                 |                              |                |                         |
|-----------------|------------------------------|----------------|-------------------------|
| سرآسیاب (کرمان) | ۴۰، ۳۳                       | جانکی          | ۱۲۱                     |
| سفیددشت         | ۴۸، ۱۵۶، ۲۲۲                 | جبال بارز      | ۲۳                      |
| سلماں           | ۱۸۴                          | چوپار          | ۲۲                      |
| سکنج            | ۵۲                           | جیرفت          | ۳۹، ۲۳                  |
| سیرجان          | ۲۲                           |                |                         |
| سیستان          | ۲۳۹                          |                |                         |
| سیمک            | ۷۴                           | <b>ج</b>       |                         |
|                 |                              | چالوس          | ۲۵۶، ۲۴۱                |
|                 |                              | چترود          | ۷۴                      |
|                 |                              | چقاخور         | ۹۵، ۷۶، ۷               |
| ش               |                              | چهارمحال       | ۲۲۲، ۲۰۷، ۱۳۵           |
| شیراز           | ۹۵، ۴۸                       |                |                         |
|                 |                              | <b>خ</b>       |                         |
| ع               |                              | خبیص           | ۲۳                      |
| عتبات           | ۲۴۳                          | خراسان         | ۲۷، ۱۳۳، ۸۳، ۸۱، ۴۰، ۳۹ |
| عرب             | ۱۵۳                          | عرستان=خوزستان | ۲۲۸، ۲۳۰، ۱۸۶، ۱۷۱      |
| عربستان         |                              | خرمآباد        | ۱۳۳، ۱۲۱                |
| عنبران          | ۹۹                           | خلنگال         | ۱۲                      |
|                 |                              | خليج فارس      | ۲۴۲                     |
| <b>ف</b>        |                              | خوزستان        | ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۵      |
| فارس            | ۳۱، ۴۰، ۵۸-۵۶، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۳ |                | ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۱۹           |
|                 | ۲۲۷، ۲۲۱                     |                |                         |
| فلاحیه          | ۱۵۸                          | <b>ر</b>       |                         |
| فریمان          | ۱۰۴                          | راه بر         | ۲۳                      |
| فیلیه           | ۱۵۸                          | رباط کریم      | ۱۲                      |
|                 |                              | رشت            | ۱۳۹، ۲۷                 |
| <b>ق</b>        |                              | رفسنجان        | ۲۲                      |
| قراجه داغ       | ۱۲                           | رودبار         | ۲۳                      |
| قزوین           | ۴۰، ۳۴، ۲۷، ۲۶               |                |                         |
| قصر شیرین       | ۱۴۴                          |                |                         |
| قلعه سرتیپ      | ۲۰۵                          | <b>ز</b>       |                         |
|                 |                              | زرند           | ۲۲                      |
| <b>ک - گ</b>    |                              | زنگان          | ۴۴، ۱۲                  |
| کرد و کردستان   | ۱۹۱، ۱۸۹                     | زیدون          | ۱۴۱، ۱۲۹، ۳۲            |
| کرمان           | ۱۷-۱۷، ۱۵۳، ۱۷۱              |                |                         |
| کرمانشاه        | ۱۴، ۳۹، ۶۸                   |                |                         |
| کوهپایه/کرمان   | ۲۳                           | <b>س</b>       |                         |
|                 |                              | ساوه           | ۱۶۱، ۱۴                 |

|   |   |
|---|---|
| <p><b>م</b></p> <p>مالیات ۱۷۱</p> <p>مجلس موسسان ۱۶۸-۱۶۶</p> <p>مستشار خارجی ۴۱، ۸۴، ۸۷</p> <p>مشروطیت ۲۰-۱۱</p> <p>موقعات کرمان ۲۸، ۵۱، ۵۲، ۷۲، ۷۳</p> <p style="text-align: center;">۷۵</p> <p><b>ن</b></p> <p>نامنی ۵۳، ۵۸، ۶۱، ۱۰۵، ۷۵، ۱۳۳</p> <p>۲۲۲، ۲۲۱، ۱۸۸، ۱۸۴</p> <p>نشان قدس ۵۰، ۵۲، ۵۸</p> <p>نظام اجباری ۱۵۴</p> <p>نفت ۲۵۲-۲۴۸، ۲۴۳، ۱۹۷</p> <p>نفت شمال ۶۰، ۱۰۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۲</p> <p>نوریه کرمان ۲۰</p> <p><b>و - ه - ی</b></p> <p>وهابیها ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۸</p> <p>هواپیمائی ۱۷۱</p> <p>یاغیگری = نامنی</p> <p><b>فهرست روزنامه‌ها</b></p> <p>اقدام ۸۲</p> <p>حزب ایران نو ۲۱۷، ۲۰۶</p> <p>حزب ض. الف ۲۰۷، ۲۰۶</p> <p>رعد ۳۴</p> <p>زبان ایران ۴۳</p> <p>شفق ۸۲</p> <p>کلشن ۴۳</p> <p>وطن ۴۳</p> | <p><b>ش</b></p> <p>شلوغی ۱۴۹، ۱۶۱</p> <p>شیلات ۱۷۱</p> <p><b>ص</b></p> <p>صادرات و واردات ۱۷۱</p> <p>صفویه ۱۹۲</p> <p><b>ع</b></p> <p>عدلیه ۱۹۸</p> <p>عشایر ۱۵۷، ۱۷۵، ۲۵۶</p> <p>عید نوروز (مشهد) ۱۱۱</p> <p><b>غ</b></p> <p>غبار روبي (مشهد) ۱۱۱</p> <p><b>ق</b></p> <p>قانون ممیزی ۱۵۴</p> <p>قطعی (روسیه) ۶۴</p> <p>قشتاشی ۱۵۳، ۲۲۹</p> <p>قرارداد ایران و ترکیه ۱۷۷</p> <p>قرارداد دارسی ۲۴۲</p> <p>قرارداد روسیه ۲۰۷، ۲۰۶</p> <p>قراسورانی ۶۶، ۴۹</p> <p>تشون ۵۰، ۵۱، ۶۱، ۶۸، ۶۵</p> <p>قند و چای ۱۵۴، ۱۵۳</p> <p><b>ک</b></p> <p>کاپیتوالسیون ۲۲۰</p> <p>کارخانه قند ۲۵۳</p> <p>کارخانه سیمان ۲۵۴</p> <p>کارخانه ریسان ۲۵۴</p> <p>کارناوال ۲۵۰</p> <p>کلاه پهلوی ۲۰۶</p> <p>کمبود گوشت ۱۷۴</p> <p>کمبود نان ۱۶۱، ۱۷۹</p> |
|---|---|





النَّاَرَاتِ الْمُلِفِّ